

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مجموعه گفتارهای تخصصی

مجموعه سخنرانی‌ها

سید عزت‌الله ضرعامی

۱۴۰۰ - ۱۴۰۳

مجموعه گفتارهای تخصصی

وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی

چاپ و صحافی: آینده

چاپ: تیر ۱۴۰۳

نشانی:

دفتر پیگیری‌های ویژه

وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی

فهرست

- ۹ مقدمه ◀
- فصل ۱ - میراث فرهنگی
- ۱۲ نخستین نشست پیشکسوتان میراث فرهنگی (۱۴۰۰/۰۹/۰۲) ◀
- دومین نشست هم‌اندیشی با استادان و پیشکسوتان حوزه میراث فرهنگی
۱۵ (۱۴۰۰/۰۹/۲۳) ◀
- ۲۰ جایگاه بقاع متبرکه در جهاد تبیین (۱۴۰۰/۱۲/۰۹) ◀
- پنجمین گردهمایی سراسری فرماندهان، معاونان، مدیران و مسئولان
۲۹ پایگاه‌های یگان حفاظت (۱۴۰۱/۰۲/۳۱) ◀
- ۳۹ نخستین نکوداشت مفاخر میراث فرهنگی ایران (۱۴۰۱/۰۴/۱۳) ◀
- ۴۹ سالگرد ثبت جهانی منظر فرهنگی اورامانات/هورامان (۱۴۰۱/۴/۲۵) ◀
- آیین گرامیداشت چهارمین سالگرد ثبت جهانی شهر میبد به نام زیلو
۵۵ (۱۴۰۱/۰۹/۰۶) ◀
- ۵۹ بیستمین همایش سالانه باستان‌شناسی (۱۴۰۱/۱۲/۰۷) ◀
- ۶۳ به استقبال نوروز (پایگاه‌های میراث فرهنگی) (۱۴۰۱/۱۲/۱۵) ◀
- ۷۵ بزرگداشت شهید مطهری (۱۴۰۲/۰۲/۱۳) ◀
- ۸۴ بازدید از بافت تاریخی دهدشت (۱۴۰۲/۰۲/۲۷) ◀
- ۸۹ جشنواره ملی فرهنگ عشایر ایران زمین (۱۴۰۲/۰۲/۲۷) ◀
- دومین مراسم تجلیل از چهره‌های ماندگار حوزه میراث فرهنگی
۹۲ (۱۴۰۲/۰۳/۲۷) ◀
- ۱۰۲ اختتامیه اولین دوره جشنواره سلاله (۱۴۰۲/۰۸/۰۸) ◀
- ۱۱۲ آغاز به کار رسمی انجمن خیرین میراث فرهنگی (۱۴۰۲/۰۹/۰۴) ◀

- ۱۲۰ ◀ گرامیداشت اولین سالگرد ثبت جهانی یلدا (۱۴۰۲/۰۹/۲۹)
- ۱۲۵ ◀ بزرگداشت روز جهانی آموزش (۱۴۰۲/۱۱/۰۴)
- ۱۳۸ ◀ بیست و یکمین همایش سالانه باستان‌شناسی (۱۴۰۲/۱۲/۱۴)
- ◀ آیین پاسداشت و تکریم هنرمندان پیشکسوت متولد اسفندماه (۱۴۰۲/۱۲/۱۴)
- ۱۴۱
- ۱۴۵ ◀ سومین بزرگداشت مفاخر میراث فرهنگی (۱۴۰۳/۳/۳۱)
- فصل ۲ - گردشگری**
- ۱۴۸ ◀ افتتاحیه رویداد ساری ۲۰۲۲ (۱۴۰۱/۰۲/۲۰)
- ◀ یازدهمین اجلاس وزاری گردشگری سازمان همکاری اسلامی (۱۴۰۱/۰۴/۰۹)
- ۱۵۶
- ۱۶۲ ◀ دومین رویداد سراسری ایران و گردشگری در سده نو (۱۴۰۱/۰۷/۱۰)
- ۱۷۰ ◀ روز ملی روستا و عشایر (۱۴۰۱/۷/۱۷)
- ۱۷۹ ◀ ششمین نشست وزرای مجمع تمدن های باستانی (۱۴۰۱/۹/۱۳)
- ۱۸۴ ◀ افتتاحیه رویداد اردبیل ۲۰۲۳ (۱۴۰۲/۰۲/۰۷)
- ۱۹۳ ◀ آیین بازگشایی مجدد هتل آپادانا مرودشت (۱۴۰۲/۰۳/۰۴)
- ۱۹۸ ◀ گردشگری سلامت (۱۴۰۲/۴/۲۶)
- ۲۰۴ ◀ سومین اجلاس وزاری گردشگری عضو «D8» (۱۴۰۲/۰۵/۱۴)
- ۲۰۹ ◀ همایش ملی گردشگری سبز (۱۴۰۲/۰۷/۰۹)
- ۲۱۴ ◀ گرامیداشت روز جهانی گردشگری (۱۴۰۲/۰۷/۱۰)
- ۲۲۴ ◀ اختتامیه جشنواره اقوام ایران زمین (۱۴۰۲/۰۹/۰۴)
- ◀ افتتاح هفدهمین نمایشگاه بین‌المللی گردشگری و صنایع وابسته
- ۲۲۹ (۱۴۰۲/۱۱/۲۳)

◀ به استقبال نوروز و ماه مبارک رمضان (۱۴۰۲/۱۲/۱۰) ۲۳۵

فصل ۳ - صنایع دستی و هنرهای سنتی

◀ سرو سیمین ۷ (اختتامیه هفتمین جشنواره بین‌المللی صنایع دستی و هنرهای سنتی فجر) (۱۴۰۱/۱۲/۰۴) ۲۴۴

◀ گرامیداشت روز جهانی صنایع دستی (۱۴۰۲/۰۳/۲۰) ۲۵۲

فصل ۴ - پژوهش

◀ گرامیداشت هفته پژوهش (۱۴۰۰/۰۹/۲۰) ۲۶۱

◀ افتتاحیه هفته پژوهش (۱۴۰۲/۰۹/۱۹) ۲۷۲

فصل ۵ - موضوعات عمومی وزارتخانه

◀ جلسه رأی اعتماد به وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی (۱۴۰۰/۶/۳) ۲۷۸

◀ بازدید رئیس جمهور از وزارت میراث فرهنگی و موزه ملی (۱۴۰۱/۰۷/۱۲) ۲۸۷

◀ نود و چهارمین جلسه علنی شورای اسلامی شهر تهران (۱۴۰۱/۰۷/۱۲) ۲۹۳

◀ آیین بزرگداشت سیدجمال الدین اسدآبادی (۱۴۰۱/۱۲/۱۸) ۲۹۸

◀ دیدار با حجت‌الاسلام و المسلمین غلامحسین محسنی اژه‌ای رئیس قوه قضائیه با مدیران وزارت میراث فرهنگی (۱۴۰۲/۰۷/۰۵) ۳۰۲

فصل ۶ - سخنرانی سران قوا

◀ سخنرانی رئیس جمهور در موزه ملی (۱۴۰۱/۰۷/۱۲) ۳۰۹

◀ سخنرانی رئیس قوه قضائیه در موزه ملی (۱۴۰۲/۰۷/۰۵) ۳۱۹

◀ سخنرانی رئیس جمهور در افتتاح هفدهمین نمایشگاه بین‌المللی گردشگری و صنایع وابسته (۱۴۰۲/۱۱/۲۳) ۳۲۶

◀ حضور رئیس جمهور ستاد مرکزی خدمات سفر (۱۴۰۳/۰۱/۰۴) ۳۳۲

مقدمه

از وظایف مدیران عالی، جمع‌بندی بحث‌های کارشناسی و ارائه به همکاران سازمانی و دست‌اندرکاران و فعالان مرتبط با آن است.

در طول همکاری ۱۰۰۰ روزه با دولت رئیس‌جمهور شهید، ابراهیم رئیسی، به مناسبت‌های مختلف و در نشست‌های متنوع مربوط به حوزه‌های مأموریت وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، سخنرانی داشتم.

تلاش کردم تا محتوای کارشناسی و مورد نیاز آنان را در «بسته»های قابل درک و با صراحت و روانی کلام در اختیارشان قرار دهم.

سازمان یادگیرنده، نیاز دائمی به آموزش و دمیدن روح شجاعت در پیمودن راه‌های جدید و اقدامات تحولی دارد.

این مجموعه، بخشی از محتوای ارائه شده به همکاران است که می‌تواند در تنویر حوزه‌های مأموریت و نحوه نگرش و جهت‌گیری در اقدامات سازمانی مفید و مؤثر باشد.

لازم می‌دانم از تلاش‌های سرکار خانم دکتر طاهره قیومی، در تنظیم و تدوین این مجموعه تشکر و قدردانی کنم.

سید عزت‌الله ضرغامی

تیرماه ۱۴۰۳

فصل ۱

میراث فرهنگی

نخستین نشست پیشکوتان میراث فرهنگی



سالن فجر، ۱۴۰۰/۰۹/۰۲

بسم الله الرحمن الرحيم

سلام و عرض ادب. از همان روزهای ابتدای مسؤولیت، دیدارهایی با فعالان گردشگری و سرمایه‌گذاران داشتیم، اما هنوز با بدنه کارشناسی میراث فرهنگی به‌ویژه باستان‌شناسان که در دهه‌های گذشته به واسطه شیوه مدیریت و سیاستگذاری‌ها، مهجور مانده و به انزوا کشیده شده‌اند، دیداری نداشتم. میراث‌فرهنگی شناسنامه کشور است و شما بزرگان و اساتید، سرمایه بزرگ ما هستید.

این نخستین نشست هم‌اندیشی است و حدود صد نفر را برای شرکت در این نشست انتخاب کردیم، اما به دلیل محدودیت‌های ناشی از شیوع ویروس کرونا حدود ۲۵ نفر امکان حضور داشتند و در جلسات بعدی از نظرات سایر پیشکسوتان و اساتید میراث‌فرهنگی نیز استفاده خواهیم کرد.

دیدگاه‌های مختلف را در حوزه میراث‌فرهنگی خواهیم شنید و آن‌چه را مهم و به صلاح این بخش است، انتخاب می‌کنیم و در تبیین سیاست‌ها و اولویت‌های وزارتخانه استفاده خواهیم کرد.

میراث فرهنگی ما در حال نابودی است و باید به آن توجه شود، در سه ماه گذشته که جلسات مختلفی تشکیل دادم و در این مدت به مکان‌های مختلفی رفتم، دیدم کسی به فکر میراث فرهنگی نیست. زمانی که به سمنان رفتم، دیدم آثار دوهزارساله به حال خود رها شده و محل تجمع معتادان شده است.

در بازدیدی که از محله پامنار تهران داشتیم، دیدم که بسیاری از آثار تاریخی این محله رها شده است. باید این موضوعات را حل کنیم، به همین منظور برای آن بودجه در نظر گرفتیم و این موضوع را پیگیری خواهیم کرد.

در سفری که به استان زنجان داشتم، دست مرمتگر گنبد سلطانیه را بوسیدم، از من پرسیدند چرا این کار را انجام دادی؟ گفتم او ۵۰ سال عمر خود را صرف مرمت آیات و روایت این گنبد کرده و فداکاری کرده است. این دست برکت است و من افتخار می‌کنم.

برای رفع مشکل بودجه و وزارتخانه طرحی را شروع کرده‌ایم تا از تمام ظرفیت‌های بخش خصوصی و دستگاه‌های دولتی استفاده کنیم. ان‌شاءالله با کمک تمام اساتید و پیشکسوتان میراث فرهنگی مشکلات را حل خواهیم کرد. در تمام نقاط کشور آثار زیادی داریم، اما برای حفاظت آن‌ها نیرو نداریم. اعلام کردم در فضای مجازی، همه افرادی که درباره تخریب یک اثر به ما اطلاع می‌دهند جزو سربازان افتخاری میراث فرهنگی هستند. تمام کسانی را که در فضای مجازی در این حوزه می‌نویسند، جزو نیروهای خودمان می‌دانیم؛ با این اطلاع‌رسانی از تخریب آثار جلوگیری می‌کنند. باید جشنواره‌ای در آینده برگزار کرد و از خدمات آن‌ها تقدیر کرد.

در این نشست دیدم که شما اساتید و پیشکسوتان نسبت به میراث فرهنگی و حفاظت از آن متعهد هستید. همان‌طور که مطرح کردید در کنار حفظ میراث مادی باید میراث معنوی و ناملموس را نیز حفظ کنیم و آن را درست تفسیر کنیم. میراث معنوی و مجموعه میراث فرهنگی ما به اعتقادات، باورها، ریشه‌ها و دیانت ما بازمی‌گردد، بنابراین نباید این دو موضوع را دو قطبی کنیم.

قرار است آقای دارابی کمیته‌های مختلفی را در حوزه میراث فرهنگی تشکیل دهد و اساتید سؤالات خود را در این بخش به صورت دقیق مطرح کنند تا در نشست‌های بعدی با حضور اساتید و پیشکسوتان مورد بررسی قرار گیرد و با ارائه پیشنهادها و راهکارها بتوانیم میراث فرهنگی را به سمت جلو پیش ببریم.

گفتمان جدیدی مبنی بر تغییر، تحول، توسعه و نوآوری به وجود آمده و از برگزاری چنین نشست‌هایی مؤلفه‌های این گفتمان را جست‌وجو می‌کنیم.

هدف از برگزاری این نشست فراهم کردن تشریح مساعی و تجارب آرا درباره میراث فرهنگی است. این جمع می‌تواند ما را در ارزیابی وضعیت میراث فرهنگی نسبت به گذشته، توصیف وضع موجود و چشم‌انداز آینده آن کمک کند.

دومین نشست هم‌اندیشی با استادان ویسکوتان حوزه میراث فرهنگی



سالن فجر - ۱۴۰۰/۰۹/۲۳

بسم الله الرحمن الرحيم

استفاده حداکثری از تجارب و نظرات پیشکسوتان میراث فرهنگی، صیانت از میراث معنوی و ناملموس، بررسی میدانی مشکلات و اماکن و محوطه‌های تاریخی در سفرهای استانی، ارتباط نزدیک با رییس دولت و رایزنی برای جذب اعتبارات مورد نیاز مرمت نگهداری آثار تاریخی، پیگیری حقوق و مطالبات کارشناسان و شاغلان در بخش میراث فرهنگی، بهره‌گیری مناسب از ظرفیت‌های مردمی و فضای مجازی و تشکیل کمیته‌ای راهبردی با حضور اساتید و پیشکسوتان، از جمله مهم‌ترین نکات راهبردی در سخنان مهندس ضرغامی برای رفع موانع و مشکلات بخش میراث فرهنگی و نجات بخشی آثار تاریخی است که در ادامه می‌آید.

سید عزت‌الله ضرغامی: بنده صادقانه بر این باورم که پیشکسوتان حوزه میراث فرهنگی استادان ما هستند و در جلسات هم‌اندیشی با آنان مطالب ارزنده‌ای می‌آموزیم. در این نشست‌ها از تجربیات ارزشمند آنان استفاده می‌کنیم و با کمک و هم‌فکری پیش‌کسوتان به امید خدا گام‌های خوب و موثری برای بهبود شرایط بر خواهیم داشت.

بنده نه تنها به شکل جمعی بلکه متناسب با نیاز تخصصی، به صورت خصوصی نیز با پیشکسوتان جلسه می‌گذارم و از نظرات و تجربیات ایشان استفاده می‌کنم. بی‌تردید این جلسات تشریفاتی نیست، زیرا میراث فرهنگی شناسنامه کشور است و پیش‌کسوتان و اساتید نیز سرمایه‌هایی هستند که باید به نحو شایسته از آنان بهره‌جست.

بی‌تردید میراث معنوی و ناملموس ما که ریشه در اعتقادات، باورها، فرهنگ و

دیانت ما دارد نه تنها ارزشی کمتر از میراث کالبدی و ملموس ندارد بلکه پشتوانه آن است. خوشبختانه اساتید و پیشکسوتان میراث فرهنگی با اعتقادی عمیق به این موضوع، نسبت به حفاظت از میراث فرهنگی ناملموس متعهد هستند.

تلاش ما بر این است که در کنار حفظ میراث مادی، توجه ویژه‌ای نیز به میراث معنوی و ناملموس داشته باشیم، اهمیت آن را دریابیم، به درستی تفسیر نموده و از نگاه متنوع و دو قطبی در این زمینه پرهیز کنیم. در این مسیر نیز نیازمند همراهی و کمک روشنگرانه همه اساتید و پیشکسوتان بزرگوار هستیم.

بنده در سفرهای استانی و در بازدید از اماکن مختلف با نگاهی آسیب‌شناسانه مسائل و مشکلات حوزه میراث فرهنگی را بررسی می‌کنم و اگر جایی ایراد و مشکلی ببینم، نهایت تلاش خود را در حوزه اختیارات، برای رفع کاستی‌ها و مشکلات به کار می‌گیرم.

واقعیت این است که میراث‌فرهنگی ما در حال نابودی است. در سه ماه نخست مسوولیت به مکان‌های مختلفی رفتم تا از نزدیک مشکلات اماکن و محوطه‌های تاریخی را بررسی میدانی کنم.

متأسفانه آنچه مشاهده کردم این بود که کسی به فکر میراث‌فرهنگی نیست. زمانی که به سمنان رفتم، دیدم آثار ۲ هزار ساله به حال خود رها و محل تجمع معتادان شده است. در بازدیدی که از محله پامنار تهران داشتم، دیدم که بسیاری از آثار تاریخی این محله نیز عملاً رها شده است. در برخی بافت‌های تاریخی دیدم که برخی به دنبال ساخت پاساژ و اهداف تجاری هستند، ولی ما نباید جاده‌صاف‌کن آن‌ها باشیم.

یکی از بزرگترین مشکلات ما کمبود شدید اعتبارات برای نگهداری و مرمت آثار تاریخی است که از دغدغه‌های جدی اساتید و پیشکسوتان میراث فرهنگی نیز هست. بودجه مرمت آثار تاریخی بسیار اندک و ناچیز می‌باشد و متأسفانه تاکنون گامی جدی برای اصلاح این موضوع برداشته نشده است.

خوشبختانه سفرهای استانی در معیت رئیس‌جمهور محترم این فرصت ارزشمند را فراهم کرده است تا از نزدیک درباره بودجه مرمت بناهای تاریخی با ایشان صحبت کنم. در سفر به استان‌های مختلف این مشکلات را مشاهده و بررسی

می‌کنم و در مواردی که احساس کرده‌ام نیاز به تصمیم‌گیری و اقدام عاجل دارد، مانند سفر سمنان، همانجا دستورات لازم را برای برطرف کردن مشکلات آثار تاریخی صادر می‌کنم.

در این زمینه برای رفع مشکل بودجه وزارتخانه اجرای طرحی را شروع کردیم تا از تمام ظرفیت‌های بخش خصوصی و دستگاه‌های دولتی استفاده کنیم. ان‌شاءالله با هم‌فکری و کمک اساتید و پیشکسوتان میراث‌فرهنگی مشکلات این بخش را نیز حل خواهیم کرد.

یکی از مشکلات جدی ساختاری که مثل بسیاری دیگر از مشکلات ریشه در کمبود اعتبارات و همچنین عقب‌ماندگی جایگاه وزارتخانه نسبت به آنچه شایسته است دارد، حقوق و مزایای پایین کارکنان و کارشناسان است.

ما در وزارتخانه کارشناس و مهندسی داریم که تخصصش بسیار با سایر رشته‌های مشابه متفاوت است اما متأسفانه ماهیانه ۵ میلیون تومان حقوق می‌گیرد و این موضوع آفت‌انگیزه در وزارتخانه است.

در سفری که به استان زنجان داشتم، دست مرمتگر گنبد سلطانیه را بوسیدم؛ از من پرسیدند چرا این کار را کردید؟ گفتم او ۵۰ سال عمر خود را صرف مرمت این گنبد کرده و فداکاری او بسیار بزرگ و ارزشمند است. این دست برکت است و من افتخار می‌کنم که آن را ببوسم.

اما به راستی فقط این بوسه کافی نیست و تمام هم و غم و تلاش خود را در حد توان و اختیارات قانونی به کار می‌بندم تا پاسخگوی مطالبات معیشتی بحق کارشناسان و شاغلان میراث فرهنگی باشم. ان‌شاءالله در این زمینه نیز از رهنمودهای کارشناسی اساتید و پیش‌کسوتان میراث فرهنگی بهره خواهیم جست.

مسیر حفظ و صیانت از میراث فرهنگی بدون همراهی مردم ناقص است. در واقع مردم پاسداران واقعی میراث فرهنگی هستند و اگر همکاری آنان نباشد کار به پیش نمی‌رود.

پیش از این یگان حفاظت از آثار تاریخی مترصد این بود که از توان مردم برای حفاظت از آثار استفاده کند به همین دلیل طرح همیار را در دست اجرا داشت اما متأسفانه نیمه‌کاره ماند. در تمام نقاط کشور آثار زیادی داریم، اما برای حفاظت آن‌ها نیرو نداریم.

بنده اعلام کردم در فضای مجازی همه افرادی که درباره تخریب یک اثر به ما اطلاع می‌دهند جزو سربازان افتخاری میراث‌فرهنگی محسوب می‌شوند. ما تمام کسانی که در فضای مجازی در این حوزه می‌نویسند را جزو همکاران خودمان می‌دانیم، زیرا با اطلاع‌رسانی خودشان از تخریب آثار جلوگیری می‌کنند. به امید خدا در آینده جشنواره‌ای برگزار و از خدمات این عزیزان تقدیر خواهیم کرد. از استادان و پیش‌کسوتان نیز تقاضا دارم در این مسیر ما را یاری و مردم را به حفظ و صیانت از آثار ترغیب کنند.

از آنجایی که قائل به کار مقطعی و تشریفاتی نیستم، معتقدم هر اقدامی باید هدفمند و معطوف به نتیجه باشد، به همین دلیل از آقای مهندس دارابی خواستم کمیته‌های مختلفی را در حوزه میراث‌فرهنگی تشکیل دهد، اساتید و پیش‌کسوتان محترم سوالات و نقطه‌نظرات خود را در این کمیته‌ها به صورت دقیق مطرح می‌کنند تا در نشست‌های بعدی مورد بررسی قرار گیرد و با ارائه پیشنهادها و راهکارها بتوانیم اهداف بخش میراث‌فرهنگی را به صورت عملیاتی و برنامه‌ریزی شده به پیش ببریم و نتایج عینی این تلاش و همفکری را نیز به اطلاع عموم مردم برسانیم.

جایگاه بقاع مبرکه در جهاد تبیین



امامزاده صالح، فرزند تهران، پارک ولایت، ۱۴۰۰/۱۲/۰۹

بسم الله الرحمن الرحيم

عرض ادب دارم و از خدمات و زحمات بسیار ارزشمند مدیران بقاء متبرکه سپاسگزاری می‌کنم، مأموریت‌های مهم، متنوع و مقدسی را برعهده دارند، آرزوی توفیق دارم و انشاءالله خدا قبول کند. از آقای دکتر خاموشی دوست خوبم تشکر می‌کنم که این فرصت را برای بنده فراهم کردند و این توفیق را پیدا کردم که امروز چند دقیقه‌ای خدمت شما برسم.

هر سه حوزه کاری که ما داریم به صورت کاملاً اساسی و اصولی به حوزه مأموریتی شما وصل است همه یکی است و یک مبنا دارد، لذا اینکه ما در دو مجموعه احساس یکانگی و وحدت بکنیم در راهبردها، مأموریت‌ها و پروژه‌هایی که به عهده می‌گیریم یک مسئله کاملاً منطقی و طبیعی است، البته شما ویژگی مقدس بودن را دارید و این خیلی کمک می‌کند؛ هم به لحاظ اعتقادی و هم به لحاظ حرفه‌ای می‌گفتند **شرف‌المکان بالمکین** که این البته حرف درستی است، خیلی‌ها تا وقتی در یک مکانی هستند یک جور هستند و وقتی موقعیت آنها عوض می‌شود یک جور دیگری می‌شوند، وقتی از یک مسئولیتی کنار می‌روند مشخص می‌شود چیزی نیستند، از این تجربه‌ها در انقلاب زیاد داشتیم.

یک مقدار هویت‌های اصلی آدم‌ها در محاقِ موقعیت‌های اجرایی آنها قرار می‌گیرد و این خودش یک اشکالی است اما از این طرف هم **شرف‌المکین بالمکان** هم یک حرفی است که من هر چه جلوتر می‌رود، در حوزه کاری خودمان به این مسئله بیشتر توجه می‌کنم. یعنی بسیاری از مکان‌ها و موقعیت‌ها شرایطی را فراهم می‌کند که آدم‌ها بتوانند از آن موقعیت‌های مکانی کارهای مهمی

انجام بدهند که اگر آن موقعیت در اختیار آنها نباشد، نمی‌توانند. یعنی حرفش بُرد و نفوذ ندارد؛ حداقل به لحاظ عملی، افکار عمومی و تأثیراتش روی مردم.

شما از جاهایی هستید که غیر از شخصیت واقعی خودتان و ارزش‌هایی که دارید موقعیت‌هایی که در اختیار شماست، یک شرف خاصی به کار شما می‌دهد. نهایت تلاش ما این است که به کاخ رضاشاه خیال نیفتد و اگر خیال افتاد ما باید جواب بدهیم. یعنی صبح که از خواب بیدار می‌شویم مراقب هستیم مبادا به عمارت احمدشاه در فلان جا آسیبی وارد شود، یا در کاخ نیاوران لباس‌های فرح دیبا چروک شده و ما باید پاسخگو باشیم!

مقایسه کنید با خودتان که اگر یک گردوخاکی را از ضریح امامزاده بخواهید پاک کنید. چقدر ارزش دارد و چقدر توفیق است که با یک مراسمی یک عده توفیق پیدا می‌کنند یک دستمال دست بگیرند، با اعتقاد در بین همه مردم، این خطی و آن خطی هم ندارد یعنی گستردگی کار شما و هم‌پوشانی‌ای که در همه بخش‌های مختلف دارد، هیچ جای دیگری ندارد.

این نکته اول که یک موقعیت خاصی قسمت شما شده و به معنای واقعی مقدس است و ما حالا باید مزیت‌های نسبی‌مان را بشناسیم که بر آن اساس تصمیم بگیریم و عمل بکنیم. اگر ما چینی‌ها و اسپانیایی‌ها را به اینجا می‌آوردیم، فرانسوی‌ها را می‌آوردیم و می‌گفتیم یک نقشه‌ای بدهید که ما گردشگری ایران را رونق بدهیم، کسانی که در حوزه توریسم کار کردند با یک مطالعه اولیه گردشگری زیارتی و مذهبی را به لحاظ حرفه‌ایی در رأس برنامه‌هایشان اعلام می‌کردند نه اعتقادی.

دفعه قبل که من روی این مسئله تأکید کردم یک عده راه افتاده که فلانی ما این همه مسائل مهم گردشگری داریم شما به گردشگری زیارت و اینها چسبیدید؟ مسائل گردشگری ما که این نیست، بعضی‌ها این حرف را زدند و البته پاسخ هم دادیم.

از نظر حرفه‌ای اگر نگاه کنیم و بخواهیم درباره مزیت‌های نسبی کشور و ۲۰ موضوع گردشگری حرف بزنیم، گردشگری فرهنگی، ابنیه تاریخی و فرهنگ ملموس و ناملموس؛ ما جزء ده کشور اول دنیا است، این مزیت نسبی ماست. اکوتوریسم و طبیعت ما باز یک جای خیلی ویژه‌ای دارد، به سومی و چهارمی و

پنجمی که می‌رسیم حوزه‌های مختلف گردشگری، مزیت‌های خودمان را داریم؛ اما حتماً مزیت زیارتی که شما مسئولیت آن را دارید جزء برجسته‌ترین مزیت‌های حرفه‌ای گردشگری در کشور است.

پس این هم نگاه ما که صددرصد یک نگاه حرفه‌ای است، اصلاً خارجی‌ها را که بیاورید اول می‌گویند روی این برنامه‌ریزی کنید. یک دلیلش هم این است که خیلی نیازی به تبلیغ و ترویج ندارد، مردم اعتقاد عمیق دارند و ما باید فقط یک مقدار این را تسهیل بکنیم و موانعش را برداریم و مردم لذت مضاعف ببرند، جاذبه‌های تکمیلی ایجاد کنیم؛ یک مقدار از این کارها باید بکنیم.

قم اگر ۲۰ میلیون زائر دارد، ۲۰ هزار تخت می‌خواهد ولی ما ۱۰ هزار تخت داریم، سفر قبلی استانی که با آقای رئیس‌جمهور رفتیم خیلی از آقایان که می‌خواستند یک جایی اقامتی پیدا کنند و شب بمانند، همه جا پر بود، یعنی با اینکه شرایط کرونا هم بود اصلاً در هیچ کدام از مراکز اقامتی جا نبود، یعنی مردم برای زیارت می‌آیند ولی ما امکانات فراهم نمی‌کنیم! این امکانات باید در حداقلش برای مردم ایجاد شود.

در ایران از قدیم آنچه که ما یادمان است، ظرفیت‌های زیارتی با سایر مزیت‌هایی که به زندگی مردم برمی‌گردد؛ بازار، خرید و فروش و سوغات، اینها همه به هم گره خورده است. بازار ایجاد شده، محیط سرگرمی ایجاد شده، مثلاً امامزاده داوود(ع) که ما از کودکی خاطراتی داریم، بعد جاده زدند این جاده خوب نبود و ما پیاده می‌رفتیم. یک نوجوان بودم مادرم را پیاده از فرحزاد تا خود امامزاده داوود بردم، سالی یکی دو بار هم بچه محل‌ها جمع می‌شدیم، کوله‌پشتی داشتیم و یک کفش پوتین و دسته جمعی می‌رفتیم ایستگاه به ایستگاه آن هم تا امامزاده داوود پر از خاطره است، یعنی از فرحزاد که راه می‌افتادیم بعد می‌رسیدم آب زندگانی، بعد می‌رسیم یونجه‌زار، بعد می‌رسیم کُتل‌خاکی.

اصلاً دانه دانه این ایستگاه‌ها مجموعه‌ای از خاطرات و زندگی ما را می‌سازد، چون امامزاده داوود یک جایی به عنوان تفریح، کوهنوردی مطرح بود انگیزه‌ها مضاعف بود و گرنه امامزاده‌های دیگری هم بودند که آنجا هم می‌رفتیم ولی امامزاده داوود از این جهت یک جایگاهی پیدا کرده بود و الان بازاری که در کنار

امامزاده داوود شکل گرفته اصلاً قابل مقایسه با گذشته نیست. اصلاً نوک آن کوه چه گسترشی پیدا کرده، آنجا دیدنی است و جذابیت‌های خودش را دارد و کارهای گردشگری هم انجام شده است.

اولین تقاضای من از دوستان این است که شما جاذبه‌های گردشگری را حتماً اضافه کنید بخصوص که گردشگری ما خانواده محور است و خانواده‌های ما هم همه اعتقادی هستند حالا یکی کمتر، یکی بیشتر. آن کسی هم که بدحجاب است و هیچ اعتقادی به بعضی از آئین‌های دینی ندارد، عمیقاً و از همه وجودش عاشق امامزاده‌های ما هستند. ما کلی چادر داریم و این ملتی که می‌آیند یکی یکی به آنها می‌دهیم، یعنی اصلاً رابطه‌ای ندارد ولی دارد به امامزاده می‌آید و این نشان دهنده آن است که چقدر گسترش اقشار در حوزه کار ما وجود دارد.

این جاذبه‌های تکمیلی به همه چیز مربوط می‌شود از امکانات تفریحی برای کودکان تا خدمات و سرویس‌های بهداشتی، غذا، خوراک سنتی و غیرسنتی. کسی دلش گرفت بگوییم بلند شو برویم امامزاده عبدالله بنشینیم و آنجا یک چایی بخوریم و بعد آنجا صحبت هم می‌کنیم! ما یک مقدار باید مردم را درست درک کنیم.

امروز در جلسه صبح خدمت یکی از دوستان عرض می‌کردم این مسیحی‌ها، این مبلغین، خیلی از آنها به لحاظ دینی منحط هستند، ما به آن کاری نداریم آنها حداقل آنچه که در فیلم‌ها نشان می‌دهند در کلیسا یک جوری تبلیغ می‌کنند که اگر کسی خواست یک جایی برود که دو تا حرف معنوی بشنود و یک مقدار حالش خوب شود، کلیسا برود و اگر به کلیسا رفت و یک گوشه نشست و با آن کشیش لینک شد، اصلاً وضع او خوب می‌شود و فیلم‌های آنها در طول این سال‌ها این است.

ما نوعاً در بقاء متبرکه وقتی وارد می‌شویم، آدم‌هایی نمی‌بینیم که خوش‌اخلاق، خوش‌رو، خوش‌بَر و رو باشند و حال بدهند به کسانی که آنجا برای زیارت می‌آیند. عکسش است، یعنی یک کسی رفت آنجا نباید دست می‌زد ولی دست زد یا یک کسی یک مقدار مشکل داشت به او تذکر داده می‌شد که کفشش را درست در بیاورد، حجابش را درست بگیرد؛ هر چه که

هست جنبه‌های سلبی ما، یعنی متولیان شما که اولین محل برخورد با مردم هستند کارشان کار سلبی است. کار سلبی در واقع جدایی می‌آورد و انفعال ایجاد می‌کند. من الان پیشنهاد خاصی ندارم، به نظرم روی این کار کنید کسی که وارد نمی‌شود حالا نظافت و تمیزی و بوی خوش خیلی مهم است، ما معمولاً در این حوزه‌ها با استاندارد فاصله داریم.

کسی که وارد می‌شود عظمت و معنویت آن امامزاده را می‌بینید، آن کسانی که اولین ارتباطات را دارند چه برای آنها تعریف می‌شود؟ چقدر می‌توانند زائرین را جذب کنند؟

خواهش من این است روی این جاذبه‌های تکمیلی چه به لحاظ معنوی، ارتباط با مردم، هدایت مردم، نیازهایی که مردم دارند، راه دسترسی، پارکینگ‌ها، کسانی که اولین برخورد را با مردم دارند، به نظرم روی اینها یک برنامه‌ریزی انجام بدهید و این مهم است. کنار این ۱۵۰۰ اثری که ثبت ملی هستند یعنی ارزش تاریخی دارند که خود آن هم یک ویژگی دیگری اضافه می‌کند. بخشی از حوزه‌های کار شما در مناطق بسیار بکر دیدنی زیبای طبیعت است یعنی برای طبیعت‌گردی و گشت و گذار، امامزاده‌های ما در یک سطح وسیعی چنین قابلیت‌هایی دارند!

من خواهم این است این مزیت را درک کنید و برای آن برنامه‌ریزی داشته باشید، ما اینجا کمک می‌کنیم، یعنی یکی از حوزه‌های کاری ما، اصلاً این شوراهای مرکزی استانی را که می‌بینم با شورای میراث اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری، صنایع دستی ما باید یکی باشند، اصلاً با هم باید بنشینند، جلسه بگذارند، برنامه‌ریزی کنند، ما یک برنامه‌ریزی برای معرفی نقاط گردشگری داریم و در حال طراحی اپلیکیشن‌های جدید هستیم، جامعیت می‌دهیم، دسترسی‌ها را بهتر می‌کنیم، چند وقت دیگر رونمایی‌های جدید صورت می‌گیرد و وظیفه و کار ما این است.

ما باید اولویت را به جایی بدهیم که هم این مزیت گردشگری را دارد و هم مزیت مقدس بودن را دارد، اگر مردم بدانند یک جای خیلی زیبا مثلاً در جنگل‌های گلستان واقعاً دیدنی است اگر بروند چند تا عکس بگیرند، دختران و پسران جوان ماه غسل‌شان را بروند و اگر امکانش هم بود یک شب آنجا بمانند،

ضمناً بدانند آنجا یک امامزاده‌ای هم هست که رابطه دینی آنجا برقرار می‌شود، حتماً این مضاعف است، قرائت نظام هم که همین است، ما هم دنبال همین هستیم و وظیفه ما همین است، پس ما باید یک مقدار قدر موقعیت‌هایی که داریم را بدانیم و روی اینها از جهت گردشگری برنامه‌ریزی کنیم.

خلاصه اینکه گردشگری زیارت و مذهبی جز اولویت‌های ما است و کل مدیریت این کار در اختیار شماست، یعنی شما الان خط مقدم این کار هستید. ما در آن جلسه‌ای که خدمت حاج‌آقا و معاونان بودیم یک صورتجلسه مفصلی هم داریم و آرام آرام به بندهای صورتجلسه عمل می‌کنیم، انشاءالله سعی می‌کنیم از همه ظرفیت‌هایی که داریم استفاده کنیم و این بخش از گردشگری را آنطور که شایسته ایران اسلامی است معرفی کنیم.

من یکبار شرح حال امامزاده داوود را می‌خواندم خیلی حماسی است، خیلی تراژیک است که چطور تعقیب کردند، چطور جنگیدند، در محاصره قرار گرفتند، مثل ابا عبدالله (ع) اینجا همینطوری یکی یکی شهید شدند، تا آخرین قطره خون‌شان جنگیدند و اینجا یک چیزی است! یک زمانی ما دنبال این بودیم که حتی فیلم سینمایی و سریالی برای امامزاده بسازیم.

اینها همه می‌تواند روایت شود، اصلاً روایت خوانی را در این حوزه‌ها نداریم، اصلاً استوری‌تلینگ که یک بحثی در بحث‌های گردشگری است. در بوم‌گردی داریم تقویت می‌کنیم که وقتی یک خارجی به یک کلبه‌ای می‌رود و می‌خواهد یک شب بماند، خودش دوست دارد هتل ۵ ستاره نرود و به دل طبیعت برود و یک شب در یک خانه محلی بماند تا درک کند، یعنی اصلاً توریست‌ها این را می‌خواهند. شما اگر یک پیرزنی که می‌تواند خاطره تعریف کند و آنجا را روایت کند، مادر شهیدی که می‌تواند بگوید به آن توریست بگوید که چه بر سر این کشور آمد و بچه‌اش چه کرد و چطور شهید شد؟ فرهنگ ایران را معرفی کردید.

ما در امامزاده‌هایمان نهایت کاری که انجام می‌دهیم این است که می‌گوییم این امامزاده مثلاً فرزند امام زین‌العابدین (ع) است و تمام، اصلاً هیچ اطلاعات و روایت دیگری به صورت عمومی در اختیار مردم قرار نمی‌گیرد، چون این

مهارت می‌خواهد. یعنی این روایت مهارت می‌خواهد، کارشناسی می‌خواهد، هر موضوعی جذابیت روایت را پیدا نمی‌کند. باید قصه بگوید، تا قصه نگوید اصلاً طرف متوجه نمی‌شود و در ذهنش نمی‌نشیند. خواهش من این است که برای امامزاده‌ها، ما هزار بقاء داریم و هزار داستان عالی می‌توانیم در این حوزه تولید کنیم.

در حوزه صنایع دستی شما خیلی می‌توانید کمک کنید، هر چه جلوتر می‌رویم بیشتر متوجه می‌شویم که صنایع دستی ما یک گنجینه ارزشمند اعتقادی برای ماست فقط این نیست که این یک گلیم است و این یک کار صنایع دستی و یک هنر است. چند روز پیش موزه آبگینه رفتم، شیشه و سفال، موزه آبگینه در خیابان سی تیر است، فوق‌العاده بود و اخیراً هم بازسازی و مرمت کردیم. اولاً ایرانی‌ها از هزاران سال پیش پرچمدار شیشه و سفال بودند، ما پرچمدار اولیه آن بودیم، وقتی این آثار را از دو سه هزار سال قبل از میلاد نشان می‌دهند تا دوران درخشان اسلام، یعنی این حوزه در اسلام بسیار دوران درخشانی است.

اما آنچه که برای من مهم بود وقتی که مسئول موزه ما که فرد کارشناس و باسوادی بود، من هم علاقه داشتم پشت صحنه‌ها را بگویم، وقتی روی بعضی از این آثار صنایع دستی تاریخی صحبت می‌کرد و توضیح می‌داد و نوشته‌ها را می‌خواند و فلسفه و قصه پشت آن را می‌گفت، من گفتم این کاسه با این نقوش و با این نوشته‌ها مظهر یک تفکر دینی اعتقادی عمیق در دل مردم ما در طول صدها سال و هزاران سال است، یعنی ذیل این کاسه خیلی حرف می‌شود گفت، حرف هویتی می‌شود گفت.

بنابراین شما صنایع دستی را به عنوان یک مساله کاملاً دینی و اعتقادی تلقی کنید، بخصوص در موقعیت‌هایی که قرار می‌گیرید و صنایع دستی خاصی آنجاست. اولاً باید به اینها مسلط باشید یعنی بتوانیم هویت‌مان را به نسل جدید منتقل کنیم، نسلی که با فضای مجازی آجین شده. ویژگی فضای مجازی بی‌هویتی است و هویت‌های مصنوعی ساختگی که به زور می‌خواهند به خورد ملت بدهند.

خواهش من این است برای صنایع دستی برنامه‌ریزی کنید، حتماً باید یکی از محل‌های بازارچه‌های صنایع دستی امامزاده‌ها باشد، یعنی من ببینم می‌توانم

این سوغاتی را برای همکاران صنایع دستی مان ببرم. امروز به برکت این جلسه هزار محل برای بازارچه صنایع دستی ما ایجاد شده است، آن وقت ما کمک می‌کنیم، ما این جریان‌ها را می‌شناسیم. یک محلی در اختیار قرار می‌گیرد، بعد رونق می‌گیرد و ترویج می‌شود و همان محل رونق می‌گیرد و بعد شما می‌توانید هدایت کنید و هزار کار دیگر.

پس ما در بخش صنایع دستی با بقاع متبرکه کار داریم، در گردشگری کار داریم، میراث فرهنگی همینطور، حتماً بخش بزرگی از میراث فرهنگی ما امامزاده‌های ما چه به لحاظ ابنیه، تاریخی، ساختمان، برجستگی‌های بسیار هنری و معماری که در این ابنیه وجود دارد و چه به لحاظ فرهنگی و میراث ناملموس ما که پشت هر کدام از این بقاع است. یک بخش‌هایی را ما ممکن است کار مشترک بخواهیم، بعضی جاها مسئله حریم داریم، بعضی جاها مسئله تصمیم‌گیری‌هایی داریم که بایستی شوراها و کمیته‌های فنی فعال‌تر برخورد کنند، بعضی موانع را برطرف کنند.

انشاءالله در این حوزه‌ها وظایف مان را انجام می‌دهیم ولی احساس بشود که متولیان بقاع متبرکه اولین پاسداران میراث فرهنگی کشور هستند، ما باید این را جا بیندازیم و گرنه یک تعداد آدم‌هایی در خارج داریم که دنبال این هستند که چیز دیگری را جا بیندازند، ما دایه‌های دلسوزتر از مادر متأسفانه در این حوزه‌ها داریم که یک جا که یک خراشی می‌افتد بدون اینکه اصلاً تحقیق کنند قصه چه بوده، هزار جور کمپین راه بیندازند، اما یک طرف دیگر یک بخش بزرگی از فرهنگ کشور چه ملموس و چه ناملموس از بین می‌رود! ولی اصلاً نه می‌دانند نه می‌فهمند و نه می‌خواهند دفاع بکنند.

خواهش من این است در اطلاع‌رسانی و سیاست‌گذاری تبلیغی که انجام می‌دهیم مسئولان بقاع متبرکه به عنوان پیشگامان و پاسداران و اولین خط مقدم کسانی که میراث فرهنگی را دارند حفظ می‌کنند، بتوانیم این را منتقل کنیم. مایه خوشحالی بود که خدمت شما بودیم و شما را زیارت کردیم. ما و شما انشاءالله در عصر زعامت آقای خاموشی و دوره محدودی که من متولی این حوزه هستم، توقع از ما خیلی بیشتر از این است و انشاءالله با هم‌افزایی بتوانیم کارهای ماندگار انجام بدهیم.

پنجمین گردهمایی سراسری فرماندهان، معاونان، مدیران و مسئولان پایگاه‌های یگان حفاظت



سالن آمفی تئاتر وزارتخانه. ۱۴۰۱/۰۲/۳۱

بسم الله الرحمن الرحيم

این جلسه یک جلسه مهم مربوط به یکی از بخش‌های بسیار کلیدی وزارتخانه است. شاید تصور شود بخش زیادی از حرف‌هایی که من می‌زنم جنبه طبقه‌بندی و محرمانه دارد، ولی من هر چه جلوتر می‌روم احساس می‌کنم در کشور، ما موضوع محرمانه‌ای نداریم و هر چه بحث‌هایمان را روشن‌تر و صریح‌تر مطرح کنیم، اصحاب رسانه هم حضور داشته باشند و مشارکت کنند و افکار عمومی در جریان قرار بگیرد، خیلی هم خوب است.

من در سال‌های اخیر در حوزه‌های مختلف سعی کردم خیلی از مواردی را که احساس می‌شد محرمانه است و نباید در تریبون‌های عمومی گفته شود، مطرح کنم و وقتی که گفتم، نتیجه‌ای که گرفتم نتیجه متفاوتی بود. بعدها خیلی‌ها احساس کردند باید این مسائل را صریح و علنی مطرح کنند تا دیگران، هم مطلع شوند، هم مشارکت کنند.

فکر می‌کنم یک بخشی از جهاد تبیین که حضرت آقا به‌عنوان یک ضرورت جدی مطرح فرموده‌اند اتفاقاً همین است؛ یعنی در این تبیین همه باید اول در جریان قرار بگیرند و بعد مشارکت کنند. تصمیم‌گیری در اتاق‌های دربسته، حرف‌های محرمانه، دستورالعمل‌های طبقه‌بندی شده، اینها مشکل ما را حل نمی‌کند، البته با بعضی از استثنائات کاری ندارم.

این جلسه مربوط به یگان حفاظت است، رسانه‌ها و همکاران ما در بخش‌های مختلف رسانه نیز حضور دارند و به نظر من این خیلی به انجام ماموریت‌های ما کمک می‌کند.

نکته اول اینکه یکی از جدی‌ترین وظایف وزارتخانه، حفاظت از میراث فرهنگی است.

میراث فرهنگی شناسنامه، هویت و مایه تشخیص ماست، مأموریت‌های دیگر ما در پناه میراث فرهنگی انجام می‌گیرد، چه میراث ملموس و چه ناملموس؛ بخصوص در میراث ناملموس ما کمتر توجه می‌کنیم که چه گنجینه عظیمی در اختیار داریم و باید از آن حفاظت و صیانت کنیم.

بر این اساس مأموریت میراث فرهنگی کاملاً بر سایر مأموریت‌هایی که ما در وزارتخانه داریم، حاکم و غالب است. در این حوزه یگان حفاظت ما نقش کلیدی دارد، یعنی شاید به تعبیری، جدی‌ترین بخش در ارتباط با مأموریت‌های حفاظت از میراث فرهنگی به عهده یگان حفاظت است و جا دارد من از همکاران، فرماندهان و عزیزانی که در دورترین نقاط کشور از میراثی که قیمت ندارد حفاظت می‌کنند، تشکر کنم.

بعضی اوقات ممکن است یک طلافروش یا زیورآلات‌فروشی متناسب با قیمت طلاهایش، امکانات حفاظتی بگذارد و هزینه کند. در مورد ما اصلاً هزینه معنا ندارد. آنقدر گران‌قیمت، ارزشمند و بی‌بدیل است که ما نمی‌توانیم بگوییم از چه عدد و رقمی حفاظت می‌کنیم! اصلاً عدد و رقم برای ما مفهوم و معنا ندارد. گنجینه‌ای که در اختیار ماست بی‌انتهاست.

لذا امروز به برکت حضور عزیزان یگان حفاظت و زحماتی که می‌کشند، مسئولیت خطیری که پذیرفتند و تلاش‌هایی که می‌کنند، ما داریم از یک گنجینه ارزشمندی حفاظت می‌کنیم که اصلاً عدد و رقم برای آن معنا ندارد.

نکته دوم اینکه یگان حفاظت برای انجام مأموریت به ابزار و امکانات نیاز دارد.

یعنی حداقل ابزار را می‌خواهد. ما در این زمینه آسیب‌شناسی لازم را انجام دادیم و حداقل نیازهایی را که یگان حفاظت برای انجام مأموریت‌هایش نیاز دارد، طی نامه‌ای برای آقای رئیس‌جمهور تنظیم کرده‌ایم. نیرو، خودرو، تجهیزات، امکانات نرم‌افزاری، امکانات سخت‌افزاری، بعضی اختیارات، همه اینها ما را جمع‌بندی کردیم و جلساتی داشتیم. کاملاً به محدودیت‌ها و آسیب‌هایی که متوجه ماست اشراف داریم و تلاش داریم به مرور آنها را مرتفع کنیم.

فرمانده یگان حفاظت انصافاً نامه‌های خوبی نوشتند، بحث‌های کارشناسی خوبی داشتند، و آخرین نامه‌ای که ایشان دادند آنقدر دقیق روی مشکلات و آسیب‌های یگان حفاظت تحلیل کرده بودند که من دو سه بار دقیق آن را خواندم و جزء نامه‌های دائمی در کار تابل گذاریم که خیلی جاها به آن مراجعه کنم و انشاءالله منشأ اقدامات بعدی خواهد شد. ما باید مشکلات یگان حفاظت را برطرف کنیم، یعنی حداقل‌ها را باید برطرف کنیم تا شما با طیب خاطر بتوانید ماموریت‌تان را انجام دهید.

نکته سوم اینکه یک بخش مهمی از کار ما حفاظت در حوزه سخت است، اما تصور من این است که در نگاه تحولی که ما در وزارتخانه از روز اول شروع کردیم، بخش زیادی از حفاظت ما از میراث فرهنگی در حوزه نرم تعریف می‌شود.

این موضوع را جلدی بگیرید و ابعاد آن را تحلیل و بررسی کنید و حداقل راه‌های نرفته را امتحان کنید. این یکی از نکات مهمی است که من از شما می‌خواهم و از همه دوستان در وزارتخانه نیز می‌خواهم که به شما کمک کنند.

نیروهای ما فقط نیروهای رسمی نیستند که دارند انجام وظیفه می‌کنند، بلکه آحاد مردم نیروهای ما هستند، هم نیروهای اطلاع‌رسانی و هم نیروهای حفاظتی - اطلاعاتی و امنیتی. ما به اندازه آحاد مردم ایران نیرو داریم. اصلاً تعارف نمی‌کنیم، من دارم یک واقعیتی را می‌گویم. گستردگی میراث فرهنگی ما در سراسر کشور است، همین یک رقم ۳۵ هزار مورد ثبتی را در نظر بگیرید، ۳۵ هزار اثر ثبتی شوخی نیست!

من در سفر استانی رئیس‌جمهور، به چالدران و ماکو رفتم و خیلی جاها را باید می‌دیدیم؛ از قره‌کلیسا که الان چه مشکلاتی دارد تا تعداد بسیار زیادی از آثاری که در نقاط دور است و دسترسی به آنها مشکل است. از کنار یک پلی که به نظر تخریب شده عبور می‌کنیم، بعد من می‌گویم نگه دارید، ظاهر پل نشان می‌دهد که تاریخی باشد! می‌گویند بله برای دوره صفوی است!

به مدیرکل می‌گویم این پل برای دوره صفوی است، اگر اعتبار برای شما نیامده و شما مرمت را شروع نکرده‌اید، حداقل می‌توانید یک تابلوی بزرگ بزنید، عکس این پل را بیندازید، اطلاعات لازم را روی آن بنویسید، از آن پایین با کمک شهرداری زباله‌ها را جمع کنید، آن رودخانه‌ای که الان به لجن‌زار تبدیل شده است

را یک مقدار لایروبی کنید، یک دسترسی پیدا کنید و ضمناً بگویید کسی از روی این پل عبور نکند تا اعتبار برسد، پل را مرمت کنیم.

این پل برای دوره صفوی است و مهم است! نه اینکه یک گوشه شهرستان ماکو افتاده است و به آن توجهی نمی‌کنیم. آنقدر مسائل میراث فرهنگی متعدد است که متأسفانه اصلاً کسی توجه نمی‌کند که این یکی از آن ۳۵ هزار اثر ماست که اهمیت دارد! بعضی اوقات حتی حواس خودمان از مسائل مهم پرت می‌شود.

مردم می‌توانند کمک کنند. مردم نیروهای شما هستند. یگان حفاظت سامانه کمک‌های مردی را هرچه سریع‌تر ایجاد کند. سامانه‌ای که برای گردشگری انتخاب کردیم تجربه خوبی است و معاونت گردشگری گزارش آن سامانه را به مرور باید به مردم بدهند. الان هر کسی هر جایی می‌رود، در حوزه گردشگری مشکلی دارد، انتقاد یا پیشنهادی دارد، با آن سامانه تماس می‌گیرد و ثبت می‌شود. من خودم تست کرده‌ام که حالا با خیال راحت با شما صحبت می‌کنم. مسئله در سامانه دریافت می‌شود، تحلیل می‌شود و ۲۴ ساعت بعد جواب می‌آید و پیگیری می‌شود.

ما باید به زودی مشابه این سامانه و شماره تلفن را برای حوزه میراث فرهنگی نیز ایجاد و اعلام می‌کنیم. با کمک اپراتورهایی که هستند و بارها به من گفتند حاضرند همه‌گونه همکاری بکنند و انشاءالله با همت یگان حفاظت، باید هرچه زودتر این شماره را برای مردم اعلام کنیم.

فعالاً فضای مجازی برای ما مثل موهبت الهی از آسمان بر سفره ما نازل شده است، فضای مجازی دارد این کار را بدون هزینه و با انگیزه‌های متنوع انجام می‌دهد، ولی هر چه که هست خروجی آن به ما نشان می‌دهد یک جایی فلان اتفاق دارد می‌افتد. من بارها گفته‌ام که ما از رصد و نظارت فعالان مجازی استقبال می‌کنیم.

شاید روابط عمومی ما پیگیری کند و متوجه شود که آن خبر درست نباشد، ایراد ندارد، توضیح می‌دهند. این خیلی مهم نیست، مهم این است که اگر بین ۱۰ گزارش یک گزارش هم درست و مهم باشد واقعاً برای ما اهمیت دارد و بعد باید بازخورد آن به فردی که این خبر را داده است، منعکس شود. باید بگوییم این فرد در فلان نقطه دور در فلان روستا، دسترسی به فضای مجازی داشت، آنجا

اعلام کرد که فلان اتفاق دارد می‌افتد و ما از او تشکر می‌کنیم. یعنی باز خورد آن را باید ببیند و باز خورد آن می‌تواند رسانه‌ای هم بشود.

ما چیزی برای پنهان کردن نداریم. ما همین هستیم و بضاعت ما همین است. با این اعتباری که امسال ۸۰ درصد هم اضافه شد، عددی نیست که ما بتوانیم همه آثار را مرمت کنیم. اعتبارات عمرانی ما ۲ برابر زیاد شده و اساسنامه صندوق را نیز در دولت تصویب نهایی کردیم. من جا دارد از اعضای محترم هیات دولت تشکر کنم به‌ویژه معاونت حقوقی که خیلی با ما همکاری کردند. می‌توانست بعضی قسمت‌های آن با مغایرت‌های تبصره‌ای که در نظام اداری مثل بختک افتاده تصویب نشود اما با کمک دوستان خوب ما در دولت، تصویب شد.

همین بحث‌ها راجع به اساسنامه ما در دولت مطرح شد، بعضی‌ها پیش هم من استعداد نداشتم که پاسخ بدهم، یعنی تخصص من نبود، انصافاً آقای دکتر دهقان معاون حقوقی چون خوب توجیه بودند -آقای دکتر دارابی هم با ایشان ارتباط خوبی دارند- بهترین پاسخ‌ها را دادند و نگذاشتند تصویب این اساسنامه مشکلی پیدا بکند.

یکی از بخش‌های اساسنامه این است که مشارکت‌های مردمی به راحتی صورت بگیرد. صددرصد آن مواردی که مشارکت می‌کنند، هبه، هدیه، نذورات، اینها صددرصد به وزارتخانه برگردد. البته موضوع به یک دلیلی به شورای نگهبان رفت. شورای نگهبان از یک نگاه دیگری اشکالی گرفته بود که این موضوع هم در کنارش اصلاح شد. اما نکته مهمی که وجود دارد این است که ما در مورد اداره این ۳۵ هزار اثر ثبت شده اعتبارات نداریم و همین راهکارها باید به ما کمک کند.

نکته چهارم اینکه خیلی از مشکلاتی که ما در این حوزه داریم در محل، در منطقه، با مجوزهایی که ما می‌دهیم می‌تواند حل شود.

من از آقای دکتر دارابی خواهش می‌کنم یک فصل جدیدی باز کنند، مسئله مرمت حساس است، مرمت یک موضوع کارشناسی است، مرمت دقت می‌خواهد و هر کسی نمی‌تواند مرمت کند. مرمت را دو لایه کنید. یک مرمت، مرمتی است که روی داربست بالای تخت‌جمشید خانم‌های همکار ما دارند رزین گران‌قیمت

را روی پوسته‌های سنگ‌های تخت‌جمشید تزریق می‌کنند که من آن بالا رفتم و دیدم. باید اذعان کنم متأسفانه دو ماه بود که حقوق نگرفته بودند و واقعاً از آنها عذرخواهی کردم. او حقوقش دو ماه است عقب افتاده و دارد سخت‌ترین کار را می‌کند و کس دیگری بلد نیست این کار را بکند.

اما همه مرمت ما از این جنس نیست. حداقل وقتی دارد در اثر فرسایش فراوان نابود می‌شود، شما باید روش‌های جدیدتری داشته باشید، نیروهای محلی می‌توانند کمک کنند، نیروهای علاقمند، بسیج، نهادها و تشکل‌های مردمی و جماعات در مساجد می‌توانند کمک کنند، پس با این رویکرد برنامه‌ریزی‌ای کنید و حداقل جلوی فرسایش بیشتر را بگیرید. این نکته خیلی مهمی است!

یعنی از ترس اینکه بعداً نگویند چه اتفاقی افتاد؟ هیچ کسی دست نمی‌زند و جلوی چشم همه دارد نابود می‌شود! حتی مدیرکل ما هم خبر ندارد! پس مرمت را دو لایه کنید. یگان حفاظت ما با کمک حراست که شبکه خوب اطلاع‌رسانی دارد، این بخش اول را انجام بدهند. یگان حفاظت باید در این رابطه فعال شود، برنامه داشته باشد، سامانه‌اش را تشکیل بدهد. من هم با اپراتورها صحبت می‌کنم و به زودی شماره را اعلام کنید.

نکته پنجم اینکه یک جاهایی به ما گزارش می‌دهند که چرا نشسته‌اید، گنجینه حضرت سلیمان یک گوشه فلان روستا است!

ظرف این دو هفته این گنجینه می‌تواند جمهوری اسلامی را نجات بدهد و همه جوره می‌تواند برای ما سرمایه باشد! از این ادعاها زیاد است و ما بخشی از این موارد را به جای اینکه در کارهای خیلی ریز مرمتی حفاری مطالعات ببریم، مجبور هستیم یک مطالعه اولیه کنیم، چون من دیدم بعضی از رسانه‌ها از روی اطلاعات ناقصی که دارند، یک خبری به آنها می‌رسد و آنها یک موضعی می‌گیرند.

ما چند پروژه داشتیم که من شخصاً درگیر شدم، بد نیست بدانید همه این پروژه‌ها مشابه بوده، یعنی یک شخصیت برجسته سیاسی که مورد اعتماد بنده هم است، به من زنگ می‌زند، می‌گوید فلانی یک گزارش موثق رسیده که یک گنجینه ارزشمندی با بعضی نقشه‌ها و فلزیاب پیدا شده است - حالا ما ۴ هزار

فلزیاب کشف کردیم، کار یک عده هم در مملکت همین شده و اشتغال ایجاد شده، با فلزیاب این طرف و آن طرف می‌روند تا بوق می‌زند می‌گویند اینجا گنج حضرت سلیمان است.

البته بعضی‌ها نمونه دقیق‌تری هم دارد - ما مجبور هستیم ابتدا تحقیق کنیم، برویم منطقه را ببینیم و بعد کارهای اولیه انجام دهیم و بعد که احساس کردیم اینجا می‌تواند یک مقدار تاریخی باشد کار را متوقف کنیم و به اداره کل مربوطه و میراث اطلاع بدهیم، کما اینکه در یک مورد کاملاً همینطوری انجام شد و بعداً کارشناسان میراث آمدند دو سه هفته وقت گذاشتند و بعد هم مشخص شد چیزی آنجا نیست.

می‌خواهم بگویم ما همه‌جور گزارش داریم، بعضی از اینها با صراحت به من می‌گویند داخل اینها ثروت‌های عظیمی است، مراقب باشید! به سیستم‌تان اعتماد نکنید! یک جریان‌های فاسدی در این سیستم به لحاظ اقتصادی هستند به محض اینکه شما به سیستم بگویید بروند آنجا را حفر کنند و آنجا طلا و جواهر است و همه چیز لو می‌رود! محرمانه انجام بگیرد!

حالا من که چنین اعتقادی ندارم، ما به سیستم خودمان کاملاً اعتماد داریم، ولی به آنها هم ثابت کردم که اتفاقاً از ناحیه دیگری هم ما اقدام می‌کنیم. من روز اول یک شورای سه نفره تشکیل دادم؛ رئیس یگان حفاظت، رئیس حراست و معاون اداری - مالی.

روز اولی که من وارد وزارتخانه شدم قبل از اینکه با کسی جلسه بگذارم، من این شورای سه نفره را تشکیل دادم. گفتم من از همین امروز به حفاظت موزه‌ها و اشیای قیمتی حساس هستم، می‌آیم محرمانه وضع دوربین‌ها، وضع گزارش‌گیری‌ها و شیفت‌ها را می‌بینم، یعنی از روز اول این کار را شروع کردم، اطلاع‌رسانی هم نکردیم، هر جا هم می‌روم این کار در اولویت من است.

نکته ششم بحث آموزش مستمر است. خواهش من این است آموزش در سرلوحه کار یگان حفاظت باشد، این آموزش هم جنبه‌های محتوایی و هم جنبه‌های روشی دارد، دوستان ما این روش‌ها را باید خیلی خوب آموزش ببینند که بتوانند ماموریت‌شان را به درستی انجام دهند. البته شرح وظایف یگان حفاظت

را در قانون جدید آوردیم و یگان حفاظت را رسماً به‌عنوان ضابط قضایی معرفی کردیم.

خوشبختانه آقای اشتری فرمانده ناجا گفتند که ما یگان حفاظت وزارتخانه را به‌عنوان ضابط خودمان قبول داریم. این همکاری‌ای است که ناجا با ما داشته و باید قانونمند شود. راجع به یگان حفاظت در بخش قانون وزارتخانه، یک بند مشروح آوردیم که تکلیف یگان حفاظت را به لحاظ قانونی بیشتر روشن می‌کند

نکته هفتم و آخرین نکته؛ رفتار خوبی است که یگان حفاظت ما با گردشگران دارند.

اولاً از این بابت تشکر می‌کنم و ثانیاً باید بگویم از این رفتار خوب واقعاً کوتاه نیایید چون بخش مهمی از اسکورت و راهنمایی‌هایی که در پایگاه‌های ما بخصوص در مورد گردشگران خارجی صورت می‌گیرد، دوستان ما در یگان حفاظت انجام می‌دهند. اخباری که ما داریم و در واقع روایتی که گردشگران کردند این است که در پایگاه‌های ما همکاران یگان حفاظت بسیار بااخلاق و باادب برخورد می‌کنند که نمونه‌هایش را در کشورهای دیگر کمتر دیده‌اند. لذا جا دارد باز هم تشکر کنم.

این نشان‌دهندهٔ فرهنگ بالای همکاران ما، هم در پایگاه‌ها، هم یگان حفاظت و هم دیگر یگان‌های ماست. می‌خواهم بگویم اگر از دوران باستان به پندار نیک، گفتار نیک، کردار نیک معتقدیم که بهترین ترجمه برای ایمان و عمل صالح است و این در قرآن بر آن تاکید شده است، گردشگر خارجی وقتی می‌آید می‌خواهد ببیند اولین کسانی که با آنها برخورد می‌کند و خط مقدم هستند، این شعار چندهزار سالهٔ ما را چطور عملی می‌کنند؟

شما هر چقدر در این زمینه تذکر بدهید و این نگاه را تقویت کنید به نظرم جای دوری نمی‌رود. در واقع این تقویت فرهنگ ناملموس ما است که نه فقط در نوشتن، کتابت و حرف زدن، بلکه در مواجهه با گردشگران داخلی و چه خارجی، انشالله بتوانیم در عمل به اثبات برسانیم.

در قانون بودجه خوشبختانه تبصره‌هایی وجود دارد. امسال با کمک مجلس

حداقل ۵ تبصره مستقیم به ما مربوط می‌شود و تا حد زیادی دست ما را برای انجام مأموریت‌ها باز می‌کند. جلسات آن گذاشته شده و خواهش من این است که در یگان حفاظت یک گروهی با کمک بخش مالی مدیریت معاونت توسعه مدیریت ما، یکبار به‌طور کامل نسبت به این تبصره‌ها توجیه شوند.

بخشی از آن مربوط به فعالیت‌هایی است که در سراسر کشور اگر به‌عنوان مالیات محسوب شود قابل قبول است، اگر هم به‌عنوان فعالیت فرهنگی می‌تواند انجام بگیرد یگان حفاظت در میراث فرهنگی شامل آن می‌شود. روی این تبصره‌ها اشراف کامل داشته باشید تا با کمک نماینده‌های مجلس به نتیجه برسیم.

نمایندگان مجلس هم خیلی راجع به یگان حفاظت به من سفارش می‌کنند و این خیلی مهم است، یعنی بسیاری از اینها وقتی من را می‌بینند از کمبودها و گرفتاری‌های یگان حفاظت می‌گویند. انشاءالله در استان‌ها نیروهای خود ما بتوانند این تبصره‌ها را زنده کنند و از ظرفیت‌هایی که برای وزارتخانه است در بخش یگان حفاظت استفاده کنند.

از شما تشکر می‌کنم و سپاسگزارم، به خاطر کار سنگینی که انجام می‌دهید، محدودیت‌هایی که در ابزار دارید، و با همه این اوصاف با علاقه، با عشق و با انگیزه زحمت می‌کشید و این مأموریت بی‌بدیل را در حفاظت و صیانت از گنجینه‌های ارزشمند ما انجام می‌دهید.

انشاءالله قصد قربت کنید، چراکه این کار قصد قربت می‌خواهد، درست مثل کاری که رزمندگان در خط مقدم دفاع مقدس انجام می‌دادند. امروز این وظیفه، مهم است و انشاءالله با قصد قربت انجام بدهید تا ذخیره آخرت شما باشد. هر چقدر با تدبیر و پختگی و با برنامه‌ریزی بیشتری این کار را انجام دهید حتماً توفیقات بیشتری نصیب همه ما خواهد شد.

نخستین نکوداشت مفاخر میراث فرهنگی ایران



سالن آمفی تئاتر وزارتخانه، ۱۳/۰۴/۱۴۰۱

بسم الله الرحمن الرحيم

از آخرین جلسه‌ای که به‌عنوان تکریم از چهره‌های ماندگار در سازمان صدا و سیما پشت سر گذاشتم، همواره آرزو داشتم یک جلسه‌ی مشابه دیگری را شاهد باشم تا بتوانیم در حد بضاعت حق مفاخر و بزرگان‌ی که زندگی و عمرشان وقف مردم و فرهنگ و تمدن ایران‌زمین شده است را به جا بیاوریم. در محضر آنها باشیم، از موانست و هم‌اندیشی با آنها بهره ببرم و توفیق تجلیل از آنها را داشته باشیم. در واقع شان معرف در چنین جلساتی مثل این جلسه به مراتب اجل از آن کسی است که معرفی می‌کند. این خودش یک افتخار بزرگی است که فردی مثل بنده بخواهد میزبان باشد و این تجلیل را به جا بیاورد.

البته بزرگان دیگری هستند که این نقیصه را جبران می‌کنند، ولی به تعبیر مرحوم سید علی‌اکبر پرورش؛ در این مواقع مثل یک پسر بچه و دختر بچه‌ای که می‌خواهد از یک بزرگی در یک جایی استقبال کند، یک گل به دست او می‌دهند و می‌گویند به استقبال این بزرگ برو، در واقع نگاه من نیز این است. وگرنه شان شما بزرگان و اساتید و شخصیت‌های برجسته‌ای که امروز و امشب در محضر آنها هستیم و توفیق این اقدام را داریم، اجل اینها است.

میراث فرهنگی؛ مهمترین عامل انسجام بشری

حوزه میراث فرهنگی حوزه‌ی هویتی ملت ایران و در واقع حوزه‌ی هویتی تمدن بشری است. مفاخر ما، میراث فرهنگی ما به ویژه میراث فرهنگی ناملموس ما متعلق به دنیا و بشریت است. من هر کجا خارج از ایران حضور پیدا می‌کنم، به هر طریقی با شخصیت‌های خارجی صحبت می‌کنم به آنها یادآوری می‌کنم به جای اینکه سر یک موضوع کوچکی اختلاف پیش بیاید که این آدم برای ماست

یا برای شما است، بدانیم که این آدم متعلق به همه انسان‌هاست.

اگر نگاهمان را در این حوزه درست جهت‌دهی کنیم، میراث فرهنگی مهمترین عامل انسجام بشری است. آن راهی که انبیاء دنبال آن بودند، آن‌هایی که مشعل‌داران توحید بودند و دنبال یگانگی، هم‌گرایی و هدایت بشر به سمت یک نقطه ارزشمند بودند، میراث فرهنگی نیز بهترین عامل و ابزار برای این انسجام است. متأسفانه در کشور ما به دلیل بعضی ذهنیت‌های منفی، کم‌سوادی‌ها و غرض‌ورزی‌ها در طول تاریخ، این میراث ارزشمند وسیله اختلاف، ایجاد دوقطبی و تقسیم‌بندی‌هایی شد که تمام آن غلط است.

من در جریان رای اعتماد در مجلس توفیق پیدا کردم که بخشی از این موضوع را روشن‌گری کنم و به دیدگاه‌های شهید مطهری و رهبر مقام معظم انقلاب و بزرگان دیگر اشاره کردم که ما هر چه داریم یک هویت تمدن و ارزشی و مقوم همدیگر است. ابعاد این مساله برای مجلس و مردم روشن شد.

من از آقای دشتی اردکانی، رئیس فراکسیون گردشگری مجلس تشکر می‌کنم که یکی از بزرگترین فراکسیون‌های مجلس است - زیرا ایشان خیلی به برنامه‌های ما کمک می‌کنند. ما قبل از اسلام حکام ظلم و جور داشتیم، بعد از اسلام هم حکام ظلم و جور داشتیم.

ما قبل از اسلام ارزش‌های والای بشری، توحیدی و عدالت‌خواهانه داشتیم - بخصوص در کشور ما - بعد از اسلام هم همینطور. بهترین تبیین را در کتاب خدمات متقابل اسلام و ایران، شهید مطهری انجام دادند و بعد از آن یک کتابی با نام اسلام و مساله ملیت دارند که من توفیق پیدا کردم و در رونمایی این کتاب صحبت کردم. آنجا یک مجموعه ارزشمندی از این واقعیتی که عرض کردم به رشته تقریر و تحریر درآمده است. واقعیت این است که نه تنها در سطح ملی میراث ارزشمند ما، مایه قوام و انسجام است بلکه در سطح جهانی و بشری هم همینطور است، لذا ما باید مروج و مبلغ باشیم.

هم‌گرایی و دوستی به جای واگرایی و اختلاف

اگر می‌پرسیم میراث فرهنگی چه جایگاهی دارد؟ پاسخ این است که میراث فرهنگی شناسنامه و هویت ما است، آن هم در دنیای امروز که دچار بی‌هویتی است و در برخی نقاط دنبال هویت‌های مصنوعی می‌گردند آن هم با استفاده از

فضای مجازی و فناوری‌های ارتباطی که متعلق به همهٔ بشر است.

ما باید بدانیم این هویت چه جایگاهی دارد و فقط هم جهان‌بینی نباشد، این هویت در نگاه جهان‌بینی یک بخش دارد، اما در نگاه ایدئولوژیک هویتی دیگر، لذا اینکه چگونه باید‌ها از درون به چگونه هست‌ها در بیرون متصل شود مهم است. این جایگاه باید ما را به یک انسجام، همگرایی، دوستی و نزدیکی عملی هدایت کند و این مسألهٔ کمی نیست.

امروز کشور ما از اختلاف و چندقطبی رنج می‌برد، همه هم به ظاهر یک هدف و یک نگاه دارند و آن هم خدمت به مردم است، اما خروجی آن را در رسانه‌ها ببینید چیست! خروجی‌های آن جز اختلاف و واگرایی و تهمت زدن و چندقطبی در خیلی از عرصه‌ها، چیز دیگری نیست و این برای کشوری مثل ایران با چنین پیشینه‌ای بسیار بد است! حالا از دل این هویت و تشخیص ذاتی که ایران پیدا کرده است، باید همگرایی و دوستی به دست بیاید.

این جمله پندارنیک، گفتار نیک و کردار نیک شاید یکی از بهترین ترجمه‌های جامع برای ایمان و عمل صالح است که در قرآن کریم بسیار بر روی آن تاکید شده است. با این نگاه در هر نقطه‌ای که گام می‌گذاریم مشحون ارزش‌ها، خوبی‌ها و نیکی‌ها است.

بزرگداشت مفاخر میراث فرهنگی، بزرگداشت گنجینه هویتی ماست

من یک جمله در مورد چهره‌های ماندگار یا به تعبیر و نامگذاری دکتر دارابی «بزرگداشت مفاخر» بگویم. این مفاخر هم از جنس آن مفخره‌های اصلی ما است مانند شاعران، بزرگان و دانشمندان. ما عملاً با تکریم از شما داریم از آن گنجینه ارزشمند هویتی تقدیر می‌کنیم. در واقع مصداق آن، بزرگانی هستند که امروز در مجلس ما هستند.

من در محضر رهبر معظم انقلاب، یکبار به یک بهانه‌ای یک مسألهٔ مشابهی را مطرح کردم، ایشان به من فرمودند اینها جزء بیت‌المال هستند! این شخصیت‌ها و این گنجینه‌ها جزء بیت‌المال هستند و باید حفظ شوند و به بهترین نحوی از آنها استفاده شود. در واقع مدیریت داشته‌ها که یک مسألهٔ بسیار مهمی در اداره امور کشور است، بخش عمدهٔ آن به گرامیداشت این‌گونه داشته‌های ارزشمند یعنی نکوداشت مفاخر و چهره‌های ماندگار ما برمی‌گردد.

البته این یک بُعد موضوع است که با تکریم، تقدیر و صدر نشاندن بزرگان و با پرورش‌های شاگردان از سوی ایشان انجام می‌شود. اما به نظرم امروز بخش مهم‌تر آن موضوع تولید محتوا و تبیین است.

خطر تقلیل میراث فرهنگی در فضای مجازی

امروز تبیین به قدری مهم است که با تعبیر جهاد در سطح ملی مطرح می‌شود، جهاد ابعاد خیلی مهمی دارد، به هر کاری نمی‌شود جهاد گفت! پس اگر تبیین امروز به جهاد تبیین تبدیل شده است، نشان می‌دهد موضوع، خیلی مهم‌تر از اینها است. نمی‌شود ما وارد اینترنت و موتور جستجو شویم، یک کلمه از میراث فرهنگی بزنیم اما آنچه می‌آید حرف‌ها، نوشته‌ها و ادعاهایی باشد که کلاً با روح آن واقعیت بیگانه است.

شما کارشناس این عرصه هستید و می‌توانید در این عرصه منشا آثار ارزنده باشید. اما واقعیت این است که ما کم تبیین می‌کنیم، کم تولید محتوا می‌کنیم. با آمدن فضای مجازی که همه ابعاد تمدنی دارد به حوزه فضای مجازی تبدیل می‌شود، با این عقب‌ماندگی که متأسفانه ما در تولید داریم، آرام آرام بخش مهمی از تمدن ما مدفون خواهد شد! من همیشه نسبت به این خطر در جلساتی که فعالان فضای مجازی حضور داشته‌اند هشدار داده‌ام.

گنجینه‌ها در مخازن خاک می‌خورند!

من در مورد دفینه‌ها و گنجینه‌ها بگویم که ما متأسفانه یک پدیده نامیمونی به نام مخزن داریم. من تازه دارم با ابعاد مقوله مخزن آشنا می‌شوم. بخش کوچکی از این دفینه‌های ارزشمند ما، اشیای قیمتی ما که قصه‌ها دارند و در این تعداد محدود موزه‌های ما قابل نمایش هستند - آن هم با بضاعت محدود معرفی که اصلاً در شان و در حد آن آثار نیست - اما متأسفانه بخش عمده آن در کمد‌ها، گنجینه‌ها و قفسه‌ها مخازن خاک می‌خورد. من گاهی فرصت پیدا می‌کنم و می‌روم برای بازدید، در قفسه‌ها را باز می‌کنیم، می‌بینم روی آنها گرد ایام نشسته و سال‌ها است که ارزشمندترین آثار در جایی به نام مخزن، انبار شده است! فله‌ای هم انبار شده است!

چقدر قدرت روایتگری داریم؟

این به بعد ماجراست، اما نکته مهم‌تر آن است که اگر آثار را به نمایش

گذاشتیم چقدر قدرت روایت داریم؟ روایت‌گری ما در چه سطحی است؟ بی‌تردید اگر ما روایت نکنیم دیگران برای ما روایت می‌کنند، دیگرانی که این هویت را ندارند و می‌روند جنگ ستارگان می‌سازند، همه و به‌ویژه بچه‌های ما می‌بینند و در نهایت آن بچه به یک تکه آهن‌پاره دل می‌بندد که وقتی آن اسب می‌میرد می‌نشیند گریه می‌کند که انگار پدرش را از دست داده است! دیگران اینطور هویت‌سازی می‌کنند! لذا این موضوع خیلی مهمی است که بدانیم درباره آنچه که داریم چقدر قدرت تبیین داریم.

ضرورت جهاد تبیین و تولید محتوا برای میراث فرهنگی

من استدعایم از بزرگان این حوزه این است که راهبری کنند، برجستگی‌ها را مشخص کنند، جهت‌گیری‌ها را مشخص کنند و یک جهاد تبیین و یک نهضت تولید محتوا در حوزه میراث فرهنگی در فضای مجازی اتفاق بیفتد، وگرنه این فاصله روز به روز دارد بیشتر می‌شود. تعبیر من این است که ما همیشه ملت آپلود بودیم و همیشه تولید کردیم، ما مولد بودیم و تاریخ ما مشحون از این ارزش‌ها است، اما امروز اجمالاً ملت دانلود شده‌ایم. در بعضی جاها شاید وضع ما خوب باشد اما در کل اهل دانلود شدیم.

در بعضی از موضوعات مهم، مثلاً وقتی خودم می‌خواهم اطلاعات کسب کنم، می‌بینم چقدر در آن حوزه ضعف محتوا و مطلب وجود دارد و مدام از روی همدیگر تکرار کردند. شاید آخرین صحبتی که من در این رابطه کردم در بزرگداشت مراغه در روز مراغه بود که وقتی به آنجا رفتم، راجع به پیشینه و تاریخ این شهر سعی کردم خیلی مطلب جمع‌آوری کنم تا شان مراغه در آن جایگاهی که دارد حفظ شود، اما متأسفانه کمترین اطلاعات را پیدا کردم.

ساعت ۱۲ شب به دکتر ولایتی زنگ زدم و گفتم من مطلب مناسبی پیدا نکردم! چون آقای ولایتی یک چیزهایی می‌داند که من همیشه به شوخی به ایشان می‌گویم در هیچ عطاری‌ای پیدا نمی‌شود! گفتم هرچه راجع به مراغه می‌دانید بگویید. ایشان هم دو سه جمله گفتند ولی اصلاً حق مراغه ادا نمی‌شد، لذا من موضوع سخنرانی را در یک جهت دیگری بردم و فقط چند نکته از آن اطلاعات پیدا کردم، منتها به جمع فعالان مجازی که در آنجا بودند گفتم شما که امروز بزرگداشت روز مراغه است، این

همه می‌توانید تولید کنید، چرا کم‌کاری می‌کنید؟! چرا اینقدر عقب‌ماندگی داریم؟! میراث فرهنگی ما جایگاه برجسته و عظیم و بی‌بدیل در هویت و تشخیص ملی ما دارد، همه دوره‌ها همین‌طور است، همه دوره‌ها مشحون این ارزش‌ها است. آنچه که میراث ملموس ما است در حد اعجاز است. ارزش واقعی آن به روح آن اثر برمی‌گردد، که فکر و اعتقاد و رفتار است.

باید شأن و جایگاه مرمت‌گران را حفظ کنیم!

من وقتی دست آن مرمت‌کار را می‌بوسم، او ۸۰ سالش است، یک کار جزیی با من داشت. آمده بود برای یک کار جزیی امضاء بگیرد، از او می‌پرسم چه کار می‌کنی؟ با آن ارتفاع بیش از ۵۰ متر سلطانیه که آدم وقتی آن زیر می‌ایستد و داریست‌ها را می‌بیند، دلش خالی می‌شود که چطور کسی می‌تواند آن بالا با این ارتفاع مرمت کند؟! اما او ۵۰ سال است دارد این کار می‌کند، عکس‌های نوجوانی‌اش را نشان داد که از زمان نوجوانی به اینجا آمده و ۵۰ سال است دارد آیات و روایات را زیر گنبد و داخل آن کاشی‌ها مرمت می‌کند و کل عمرش اینجا است، پس جا داشت من دست او را ببوسم! از آنجا شروع کنید تا برسید خانم آودیان در قره‌کلیسا.

قره‌کلیسا یکی از آثار جهانی ما است، ما سه کلیسای ثبت جهانی داریم و بهترین و جدی‌ترین آن قره‌کلیسا است و دو کلیسای دیگر هم جایگاه خودشان دارد. این خانم ارمنی کارمند و همکار ما است و به دو زبان دیگر مسلط است، توریست خارجی که به این کلیسا می‌آید این خانم راجع به کلیسا برای آنها صحبت می‌کند. از پول بیت‌المال مسلمین به درستی جمهوری اسلامی دارد بودجه می‌گذارد و کلیسای تاریخی را تعمیر و مرمت می‌کند. خارجی‌ها وقتی به آنجا می‌آیند باورش‌شان نمی‌شود و مبهوت می‌شوند! این ارزش نیست؟!

در تخت جمشید وقتی همکاران دارند مرمت می‌کنند، با زندگی‌های بسیار درویشی و حقوق‌های بسیار پایین این کار را می‌کنند. متأسفانه وزارت میراث فرهنگی از این جهت سازمانی است که عقب‌ماندگی فراوانی دارد و من بارها در دولت با آقای رئیس‌جمهور و دیگران صحبت کردم که این حقوق و دستمزد برای چنین قشر باسواد، کارشناس و زحمت‌کشی بسیار رقم پایینی است!

ببینید اگر پایه یک ستون مهم تخت جمشید را ۵۰ سال پیش می‌خواستند مرمت کنند، قالب‌بندی می‌کردند یک سیمان سفید با ماله روی آن می‌کشیدند و می‌گفتند مرمت شد! اما امروز ما از پول بیت‌المال رزین‌های گرانبه‌ای می‌خریم، با سرنگ قطره قطره رزین‌ها را روی لایه‌های ریز سنگی و صخره‌ای می‌گذاریم تا عیناً همانطور حفظ شود و این یک کار طاقت‌فرسا و گرانبه‌ای است! جمهوری اسلامی امروز به این نتیجه رسیده است که پایه پل تخت جمشید ارزشمند است، در واقع به خاطر نکاتی که عرض کردم، ارزشمند است و باید حفظ شود و پیام آن باید منعکس شود.

آمادگی انتقال تجربه استادکاران مرمت به دیگر کشورها

من اخیراً سفری به باکو در جمهوری آذربایجان داشتم. یک برنامه‌ای برای وزرای گردشگری داشتند ما را به مناطق آزاد گردشگری قوه‌باغ بردند که ۳۰ سال در اشغال بوده، حالا آزاد شده و بیش از سه هزار شهید دادند. جای جای آنجا حرف برای گفتن دارد.

یکی از جاهایی که برای من در آن سفر خیلی جالب بود شهر شوشان بود- حداقل ۲۰ درصد خاک آذربایجان این منطقه بوده که آزاد شده است- که حاصلخیزترین و زیباترین طبیعت و اکوتوریسم را دارد.

آنجا ۱۶ مسجد هست که تمام آن را در طول این ۳۰ سال اشغال تخریب و تبدیل به خوک‌دانی و طویله کردند. طرفداران حقوق بشر و غربی‌ها هم یک کلمه نگفتند که میراث فرهنگی است و نباید خراب کنید! چه برسد به اینکه مانع اهانت به مقدسات شوند. آنها برای تحریک دیگران و مسلمانان مسجد را خوک‌دانی کردند! من از اینها بازدید کردم و علاقمند هستم در مرمت به آنها کمک کنیم. من در این سفر با چند کشوری که قابلیت‌های مرمت ما را می‌دانند مذاکره کردم، قول دادم مرمت‌کار بفرستیم و با آنها همکاری کنیم و آموزش بدهیم و تفاهم‌هایی کردیم.

همانجا یک کلیسای ارمنه است که احتیاج به مرمت دارد، آنجا را داریست زدند و کلی امکانات گذاشتند و دارند کلیسا را تعمیر می‌کنند. من آنجا سخنرانی کردم و گفتم ما از این کارها هم در ایران زیاد داریم.

تأکید قرآن بر حفظ و احیای میراث فرهنگی

حاج آقا فولادی از مرمت کارهای بزرگ و قدیمی ما هستند که در هفته میراث فرهنگی از چند نفر از این عزیزان تجلیل کردیم، ایشان ۹۳ سال سن دارد و روحانی است و با لباس روحانیت در جلسه شرکت کرد و از ایشان تجلیل کردیم. ایشان در کارنامه اش، ۸۰ سال است که دارد کار مرمت می کند، یعنی از زمانی که بچه بوده، خودش می گوید از سن ۱۳،۱۴ سالگی شروع کرده، کارنامه بسیار موفقی دارد، ده ها کار بزرگ کرده و از جمله آتشکده را تعمیر و مرمت کرده است.

من با ایشان صحبت کردم، گفتم شما روحانی هستید، چرا شما آتشکده مرمت کردید؟ ایشان چنان خوب با آیات قرآن جواب من را داد که برای همیشه درس گرفتم! ایشان مرمت کار است ولی ایدئولوژی دارد، اعتقاد دارد، مبنا و حرف دارد، با اسلام و آیات قرآن به من ثابت کرد که این کار درستی است و سفارش اسلام است و ما باید میراث فرهنگی را حفظ کنیم، ما باید این تمدن بشری را حفظ کنیم، اینها پیشینه ما است و ارزش های خاص خود را دارد.

نهضت معرفی میراث فرهنگی ایران

به عنوان شاگرد کوچک حوزه رسانه عرض می کنم امروز در رسانه های ملی و جهانی - منظوم از رسانه های ملی رسانه های داخلی است - به شدت ضعف تولید در حوزه محتوایی میراث فرهنگی و روایت گری درست داریم. آقای دارابی البته این کار را شروع کردند و هیات اندیشه ورز با حضور شخصیت های نام آشنا، باسابقه، دانشگاهی، نخبه و اعضای هیات علمی برای بسیاری از پایگاه های ما در نظر گرفتند و این کار خیلی ارزشمندی است. این نهضت روایت گری صحیح و درست باید در حوزه میراث فرهنگی انجام بگیرد.

بدانید که دشمن نمی خواهد این اتفاق بیفتد. دشمن می خواهد اصل روح میراث فرهنگی ما را خالی کند و نهایتاً بگوید دو تا حرف کلیشه ای بزنیم و آن هم بیشتر جنبه های مهندسی داشته باشد و بگوید کل میراث این است! نه، میراث روح دارد. آخرین اثر ما که ثبت جهانی شد، «منظر فرهنگی اورامانات/ هورامان» بود که غیر از اینکه یکی از نمادهای وحدت بین کرمانشاه و کردستان است - و این موضوع بسیار مهمی است - اما پرسش این است که چرا اورامانات ثبت جهانی شد.

مردم نمی‌دانند، رسانه‌ها هم تولید نمی‌کنند، خارجی‌ها در یونسکو این ارزش را پذیرفتند و آن را ثبت کردند اما مردم چرایی آن را نمی‌دانند. من در زمان جنگ و ناآرامی‌های کردستان بارها در اورامانات بودم. با اورامانات کردستان آشنا هستم و همچنین حوزه پاوه و کرمانشاه. صخره‌ای و سنگی است و برای کشاورزی استعدادی نداشته است اما مردم در طول سال‌ها آمدند با دست خالی مشت‌مشت خاک بردند و روی صخره‌ها ریختند، کوبیدند، قالب‌بندی کردند، خاک‌ها را روی صخره‌ها گذاشتند و بهترین زمین‌های کشاورزی را به وجود آوردند که توت‌فرنگی آنجا در کشور نمرهٔ یک را دارد و باقی میوه‌ها!

اگر امروز اورامانات را ثبت جهانی می‌کنند به دلیل این سخت‌کوشی است و این برای کردهای ما افتخار است که اینطوری زندگی کردند و کشور را حفظ کردند، اینطور ارزش‌ها را منتقل کردند و امروز به ما می‌رسد، سخت‌کوشی، کار و تلاش! ذره ذره خاک را بردند و امروز اورامانات باغ‌های بسیار حاصلخیز و میوه‌های درجه یکی دارد و این به خاطر تلاش مردم این خطه است!

لذا وظیفه ما در وزارتخانه آن است تا جایی که در توان داریم روح میراث فرهنگی را تقویت کنیم، نهضت معرفی را به درستی انجام دهیم، از رسانه‌ها درست حمایت و حفاظت کنیم تا این کار دقیق انجام شود. ما باید عقب‌ماندگی مان را با تولید محتوا در این حوزه جبران کنیم، حضور، وجود و هدایت و راهبری بزرگان ما می‌تواند در این امر بزرگ و در این شرایط مهم و حساس فرهنگی کشور، بسیار مفید باشد.

ساگر دثبت جہانی منظر فرہنگی اور امانات / ہور امان



ویدئو کنفرانس، دانشگاہ رازی کرمانشاہ، ۲۵ / ۴ / ۱۴۰۱

بسم الله الرحمن الرحيم

سلام عرض می‌کنم خدمت همه بزرگان و بزرگواران حاضر در این همایش جا دارد از مهمان‌نوازی گرم و شیرین مردم کرمانشاه در سفر استانی جناب آقای رئیس‌جمهور که بنده هم توفیق همراهی ایشان را داشتم تشکر کنم.

امیدوارم که انشاءالله این سفر مقدمه‌ای برای ارتقاء برنامه‌های دولت در مورد کرمانشاه و توسعه همه جانبه استان باشد. سپاسگزاری می‌کنم از همه عزیزانی که با حضور گرم خود در طول ماه‌های گذشته پژوهش‌های مختلف انجام دادند و کتاب‌ها نوشتند و سخنرانی‌ها کردند و امروز بخشی از آن عزیزان در این جلسه حضور دارند سپاسگزاری کنم.

از برادر ارجمندم جناب آقای ملا قادر قادری که سال‌هاست با ایشان و خدمات ایشان در منطقه آشنایی دارم سپاسگزاری کنم و همه عزیزان و همه بزرگانی که در جلسه هستند و باعث روشنی این مجلس شدند.

امروز به بهانه سالگرد ثبت جهانی منظر فرهنگی اورامانات یا اورامان دور هم جمع شدیم. هر دو تلفظ و هر دو گویش را انجام می‌دهیم. این منطقه، منطقه‌ی وسیعی است که بخش عمده آن مربوط به استان کرمانشاه و استان کردستان می‌شود.

در واقع بنای خوبی برای وحدت اقوام و استان‌ها و مردم شریف ایران است. مدتهاست که یونسکو از واژه منظر فرهنگی استفاده کند چرا که میراث ملموس و میراث ناملموس آنقدر به لحاظ مفهومی با هم گره خورده اند که جدا کردن آنها در خیلی از مواقع امکان‌پذیر نیست. اصلاً بنای بزرگی که ایجاد می‌شود بخش

عمده‌اش مربوط به آن فرهنگ ناملموس و روحیات مردم و توانمندی مردم و فرهنگ مردم است.

من در چند روز قبل در یزد در سالگرد ثبت جهانی یزد بخشی از صحبت‌هایم را به شما اختصاص دادم و گفتم که چرا این منطقه ثبت جهانی شده؟ در یزد وقتی که می‌گوییم قناعت و قنوت و قنات تا قناعت و قنوت و ایمان نباشد از دل آن قنات بیرون نمی‌آید. اینها همه یک مفهوم را دارد مردم این منطقه کرمانشاه از هزاران سال قبل زندگی خودشان را توانمندی‌های خودشان را مهارت‌های خودشان را فرهنگ و آیین و آداب و رسوم خودشان را با طبیعت شکل دادند و مندوج کردند.

این معماری زیبا که در دنیا فوق‌العاده کم‌نظیر است اولاً زیبایی‌های بصری خودش را دارد در دامنه کوه، در دل صخره‌ها، در عین حال خانه‌ها هیچ اشرافی به هم ندارند، یعنی معماری دقیق و زیبا مبتنی بر حجاب و عفاف خانواده ایرانی، چیزی که امروز گمشده ماست.

مخاطب من کسانی هستند که تصور می‌کنند که میراث فرهنگی مانع توسعه منطقه‌ها و شهرها می‌شود، نه اتفاقاً میراث فرهنگی اگر مورد توجه قرار بگیرد پیش‌رانه رشد و ترقی و توسعه و معماری امروز دنیاست چرا که یک تجربه و یک انباشتی که از دانش بومی که در طول هزاران سال شکل گرفته پشتوانه اقدامات بعدی توسعه است. بنابراین یک مثال برجسته در حوزه معماری ایرانی و اسلامی؛ معماری منطقه اورامانات است.

این خیلی ارزشمند است که مردم با سخت‌کوشی و با مقاومت از نقاط مختلف خاک‌ها را و جبب به و جبب جمع کردند و روی این صخره‌ها ریختند. مداومت و مقاومت کردند و باغ‌های حاصل‌خیز ایجاد کردند از دل همان سنگ و صخره‌ها و بهترین میوه‌ها را در سطح ملی از این مناطق برداشت می‌کنند. در یونسکو بررسی کردن و دیدن این نوع زندگی، این معماری برجسته در سطح جهانی فوق‌العاده است و با طیب خاطر و اتفاق نظری که داشتند این منطقه را ثبت جهانی کرده‌اند.

حالا تقاضای من از بزرگان، نخبگان و صاحب‌نظران در منطقه این است که

در عصر فضای مجازی دانش ما و تجربه ما باید به زبان مجازی در صفحات که امروز مردم دنیا عادت کرده‌اند و دنبال می‌کنند در فضای مجازی باید ما تولید داشته باشیم. من خوشحال شدم که مطلع شدم ۴۰۰ مقاله تولید شده و از ۷ کتاب در این نشست رونمایی می‌شود. عکس‌های مختلفی که تهیه شده، نمایشگاه عکس گذاشته شده و ماکت بزرگی آماده شده که رونمایی می‌شود.

مرکز اسناد و مطالعات اورامان‌شناسی در دانشگاه رازی افتتاح می‌شود. نشست‌های تخصصی وجود دارد و رونمایی از لوح ثبت جهانی اورامانات و بازی‌های بومی و محلی را که تدارک دیدند.

همه این‌ها که ممکنه بعضی از آن‌ها را از قلم انداخته باشم. اینها کارهای فوق‌العاده ارزشمندی است که جا دارد من اولاً سپاسگزاری کنم. از همه کسانی که با یک نگاه عالمانه و حرفه‌ای این مجموعه‌ها را تولید کردند و نکته اصلی این است که اینها باید در فضای مجازی به صورت قابل جستجو و عنوان بندی شده باشد. که وقتی امروز جوانان ما وارد فضای مجازی می‌شوند مسیر استفاده از متون مورد نیاز باید از این طریق باشد. اگر این قسمت خوب انجام نگیرد انگار که ما اقدامی نکردیم.

باید این پژوهش‌ها دیده شود. من قبلاً هم گفتم ما همیشه ملت آپلود بودیم به زبان امروزی‌ها اما امروز متأسفانه بخاطر عقب‌ماندگی ما در فضای مجازی تا حد زیادی تبدیل به مردم دانلود شدیم. کپی می‌گیریم و استفاده از تولید دیگران می‌کنیم. خودمان تولید داریم البته ولی نمی‌توانیم به درستی آپلود کنیم و دیگران از این تولید استفاده کنند. حتماً باید یک تحولی در ترجمه اقدامات علمی و فرهنگی مان به زبان سایبری که در واقع ادبیات خودش را دارد انجام بدهیم.

ما باید از فرصت فضای مجازی استفاده حداکثری بکنیم و این دانش و این تجربه که میراث ارزشمند ماست و از هزاران سال قبل دست به دست شده و امروز مایه افتخار ماست این رو حفظ کنیم و ترویج کنیم.

امروز اگر مسائلی مثل اقتصاد مقاومتی راهبرد اصلی کشور است بهترین الگو، مردم کرمانشاه هستند و منطقه اورامانات است. این‌ها با داشته‌های خودشان بهترین مدیریت را کردند. در زمانی که دشمن در حال تحریم است و تصور می‌کنند اگر

فشار تحریم را زیاد کند می‌تواند این ملت را به زانو در بیاورد. باید بداند که ما ملت اورامانات هستیم، ما ملت کرمانشاه هستیم، ما ملت صنایع دستی این منطقه هستیم که هزاران سال است علیرغم همه مشکلات و زندگی سخت در طبیعت؛ این مردم زندگی کردند.

انشالله با تلاش همه شما عزیزان صاحب نظران، نخبگان اعضای هیات علمی دانشگاهیان، علما، روحانیون، روحانیون اهل سنت، برادران عزیزمان روحانیت شیعه، همه ما که امروز دست در دست هم برای اعتلای ایران اسلامی داریم تلاش می‌کنیم. انشالله با توجه به این پشتوانه ارزشمندی که در کرمانشاه برای ما فراهم شده بتوانیم وظایف‌مان را انجام بدهیم. من باز تاکید می‌کنم اورامانات در دو بخش استان کرمانشاه و استان کردستان است. من برای کردستان هم برنامه مستقلی خواهم داشت.

یکی از ویدیوهایی که من در سال‌ها قبل در مورد مریوان است؛ وقتی آنجا حاضر شدیم برای افتتاح شبکه ملی نسیم؛ در کنار دریاچه زریوار مریوان که تا آن موقع سابقه نداشت که شبکه ملی در یک منطقه استانی افتتاح بشود.

در مسیر رفتن به مریوان؛ یک قهوه‌خانه بود چند دقیقه آنجا ماندیم نماز خواندیم چندتا از این افراد مُسن گُرد مریوانی کنار مسجد بودند و بنده را نمی‌شناختند. وقتی باهاشون سلام علیک کردیم و همراهانم گفتند فلانی که با شما احوالپرسی می‌کنه، رئیس صدا و سیما است. او همان طور که نشسته بود به جواب سلامی کرد و فرمود که خب حالا من چیکار کنم؟! یکی از اون همراهان گفت، شما درخواستی از ضرغامی ندارید؟

خیلی شیرین با فیزیک و رفتار بدنی‌اش نشان داد که نه ما هیچی از آقای ضرغامی نمی‌خوایم همه خندیدند. منم سرشو بوسیدم بعد من را نصیحت کرد؛ هم نصیحت کرد و هم منو دعا کرد. یکی دو جمله گفت که شما کارتان خیلی کار سنگینی هست، من دعا می‌کنم برای شما که در کارتان موفق باشید و به من روحیه داد.

من آنجا به عزیزانی که بودند گفتم که شما وقتی تاریخ را می‌خوانید، وقتی اون دانشمند معروف یونان را که کنار دیوار نشسته بود و اسکندر مقدونی از آنجا

عبور می‌کرد با اسبش به او گفت که چیزی از من بخواه اسکندر گفت که من از تو می‌خواهم که کنار بروید و اینجا آفتاب گرفتیم و می‌خواهم نور آفتاب به بدن من بخورد. این را مرتب داریم نقل می‌کنیم که نشان دهنده عظمت استقلال و استغناى آن دانشمند یونانى است. این پیرمرد مریوانى یه سر و گردن از آن بالاتر بود. کجا این فرهنگ را ما می‌بینیم؟ این در دل کردستان و کرمانشاه است این اورامانات بزرگ است که می‌تواند همه اینها را به هم اتصال بدهد و مایه قوام ملت ایران بشود، الگو بشود برای همه‌ی رفتارهای ما ایرانیان.

از همه شما تشکر می‌کنم. براتون آرزوی موفقیت دارم از همه عزیزانی که برای برپایی این نشست تلاش کردند سپاسگزاری می‌کنم.

آیین گرامیداشت چهارمین سالگرد ثبت جهانی شهر مید به نام زیلو



استان یزد (مید)، هتل کریاس پلاس، ۱۴۰۱/۰۹/۰۶

بسم الله الرحمن الرحيم

اینجا شهر جهانی زیلو است. وقتی شهری جهانی می شود یعنی متعلق به همه‌ی دنیا است و فقط متعلق به میبد و استان یزد و ملت ایران نیست. یعنی نشانی از تمدن و هنر و مهارت بشری است که دنیا سر تعظیم بر آن فرود می آورد. اگر ما به مناسبت سالگرد جهانی شدن زیلو امشب دور هم جمع شده‌ایم، داریم سر خم می‌کنیم و تعظیم می‌کنیم به همه‌ی کسانی که صاحب این تمدن و هنر هستند.

از برادر بسیار عزیزمان جناب آقای میرمحمدی تشکر می‌کنم. برادر پرتلاش و متعهد و جانباز عزیزمان که انصافاً در مجلس متعهدانه کارهای بزرگی را پیگیری می‌کنند و تنوع پیگیری‌هایشان در همه‌ی بخش‌ها بسیار خوب است و من صمیمانه از پشتیبانی‌هایشان حداقل در حوزه‌ی کاری خودم تشکر می‌کنم. از اینکه بانی خیر شدند و این فرصت را برای بنده فراهم کردند که خدمت شما مردم خوب میبد و تفت برسم صمیمانه سپاسگزاری می‌کنم.

از جناب آقای فاطمی استاندار پرتلاش و موفق استان سپاسگزارم. با تشکر از همه‌ی زحماتی که می‌کشند و پشتیبانی‌های خیلی خوبی که در حوزه‌ی کارهای ما دارند. از اول صبح به ایشان زحمت دادم و گفتم که شما استاندار هستید و کارهای زیادی دارید اجازه بدهید که مزاحم شما نباشیم ولی بزرگواری کردند و تا الان در خدمت‌شان بودیم.

از همه‌ی مدیران و مسئولان، فرمانداران محترم و شهرداران عزیز، عزیزانی که الان تشریف می‌آورند و از آنها تقدیر می‌کنیم و عزیزانی که فرصت تقدیر نیست، از همه سپاسگزاری می‌کنم. به ویژه سپاسگزارم از شما مردم عزیز و بزرگووار میبد

که این افتخار نصیب شما شده است تا هنر و صنعت شما جهانی شود. وقتی می‌گوییم که زیلو جهانی است یعنی دنیایی از خوبی‌ها و ارزش‌ها، توانمندی‌ها و مهارت‌ها و هنرها؛ اینها همین‌طوری شکل نمی‌گیرد. اینها در بستری از اصالت‌ها و ریشه‌ها شکل می‌گیرد.

در مسیر برایم سوال بود که چرا میباید این همه در جایگاه علمی جوانان، نوجوانان و دانش‌آموزان موفق بوده است؟ این رتبه‌ی اولی که در طول دو دهه داشته و الان هم در بالاترین رتبه‌هاست، به لحاظ نخبگان کشور و برگزیدگان کنکور، چطور می‌شود که جایی مانند این‌طور این مقام ارزشمند علمی را بین جوانان در سطح ملی حفظ می‌کند، واقعاً برایم سوال بود.

از آقای استاندار و آقای میرمحمدی خواستم من را راهنمایی کنند که رمز این موفقیت چیست و دلیل آن چیست که میباید چنین جایگاه برجسته‌ای به لحاظ علمی و دانش بخصوص در میان جوانان و نوجوانان دارد. این را باید بدانیم و در جاهای دیگر این الگو را پیاده کنیم. به یک جمع‌بندی من را رساندند.

شاید مهم‌ترین مساله ریشه در خانواده و اصالت خانواده و ارزش بالای علم و دانش در میان خانواده‌های این خطه دارد، یعنی آنقدر به این مساله اهمیت می‌دهند که حاضرند از همه چیز زندگی بزنند و به امر تعلیم و تربیت بچه‌هایشان همت بگذارند. در واقع شما به این امر اصالت دادید.

بچه‌ها هم وقتی می‌بینند این مساله در خانواده ریشه‌دار است، آنها هم همین مسیر را می‌روند و به همین دلیل امروز این شهر تاریخی از هر جهت خوبی‌های زیادی را در خودش دارد. این اصالت خانوادگی و توجه به علم و دانش می‌تواند افتخار آفرین باشد.

زیلوی شما جهانی شده است و در همه‌ی دنیا از خوبی‌های شما می‌گویند، از هنر و از مهارت شما با استفاده از کمترین‌ها. امروز من یک بازدید داشتم از زیلوبافی و بخش‌های دیگر، واقعاً با ساده‌ترین روش‌ها و ابزارها تولید می‌کنند. امروز مدیریت داشته‌ها مهم‌ترین مساله در اقتصاد مقاومتی است. یعنی از همان چیزی که داریم خوب بهره بگیریم و استفاده کنیم و بتوانیم خروجی‌های ارزشمندی داشته باشیم.

استان یزد و شهر میبد مصداق بارز مدیریت داشته‌ها با ساده‌ترین ابزار و کمترین امکانات است. با سخت‌کوشی دارند بهترین کالا و آثار ارزشمند هنری را می‌سازند که کاملاً هم کاربردی است.

در حوزه‌ی سفال و سرامیک و چینی هم که دیدم همین‌طور است. مدت‌ها بود که علاقه‌مند بودم تا صنایع‌دستی این حوزه را تقویت و کاربردی کنیم و خیلی هم روی این مساله حساس هستم و پیگیری می‌کردم. امروز فروشگاه‌ها را که دیدم دلم نیامد فروشگاه‌های بعدی را هم نبینم.

تنوع کار حوزه‌ی سفال شما خیلی ارزشمند است، هم خرید شخصی کردم و هم برای کارهای دیگری که داریم گفتیم قرارداد ببندند. این کار شما به عنوان کارهای کاربردی در حوزه سفال و سرامیک، ارزشمند است.

البته اشکالاتی دارد که باید رفع شود. بسته‌بندی خوب هنوز نداریم و کیفیت بعضی از تولیدات به اندازه‌ی کیفیت برخی دیگر از تولیدکنندگان نیست و باید برنسازی کنیم. همان‌طور که جناب آقای میرمحمدی فرمودند ما در آینده باید محل مناسبی را هم بگیریم و آماده کنیم تا از این وضعیت سختی که همکاران ما دارند کار می‌کنند بیرون بیایم.

انشاءالله در آینده و سال‌های آتی میبید در این حوزه‌ها باید با امروز یک تفاوت معنا دار کند. آنچه که در وظیفه‌ی ماست خداوند کمک کند بتوانیم در خدمت‌تان باشیم. انشاءالله با همکاری بقیه‌ی دست‌اندرکاران و مسئولان استانی به ویژه شما مردم خوب و عزیز میبد، بتوانیم آینده‌ی بسیار بهتری را نسبت به آنچه که هست رقم بزنیم.

بیستمین همایش سالانه باستان‌شناسی



موزه ملی، ۱۴۰۱/۱۲/۰۷

بسم الله الرحمن الرحيم

سلام عرض می‌کنم خدمت همه بزرگواران و عزیزان، خوشحالم که امروز در جمع شما اساتید و مفاخر ایران هستم.

باستان‌شناسی علم، دانش و فرهنگ و هنر است. ترکیبی از مهمترین موضوعات و توانمندی بشری است. ۱۰ سال قبل در نشستی که در مشهد برگزار شد با عنوان بزرگداشت شیخ بهایی، مهمترین ویژگی شیخ بهایی را در علوم مادی و به عنوان یک شخصیت بین‌رشته‌ای توضیح دادم که بعداً معلوم شد شخصیت او در این حوزه چقدر مورد غفلت واقع شده است، باستان‌شناسی هم علم چندحوزه‌ای است. شما پیونددهنده بین تاریخ و ارزش‌های بشری هستید.

زمانی وقتی درباره غفلت از معماری در بعد از انقلاب سخن گفتم، خیلی حمله شد که چرا گفتم بعد از انقلاب به معماری بی‌توجه شد. ما باید با صراحت و بدون لکنت‌زبان در این باره صحبت کنیم.

مالکیت، پول و بساز و بفروشی باعث شد از یک وجب جا استفاده کنند، برای این که دوزار پول بیشتر کسب کنند. درست است آدم‌های متمول اشرافی با زندگی‌های لاکچری هستند که در خانه خود ده‌ها میلیارد تومان کار انجام داده‌اند اما بحث ما آن‌ها نیستند. بحث ما جامعه و زندگی مردم است.

واقعیت آن است که ما خوب عمل نکردیم و باید این عقب ماندگی را جبران کنیم. باستان‌شناسان می‌توانند در این حوزه پیش‌قدم باشند. البته ممکن است نگاه‌های کارشناسی در ابتدا این حرف‌ها را برنتابند، اما به مرور راه باز خواهد شد. راه اصلاحات راه سنگلاخ است، اما هموار می‌شود. وقتی حرفی حق باشد، زمان می‌برد، ولی راه را باز می‌کند. هنوز خیلی زمان داریم اسکن درست از

کشور داشته باشیم.

استفاده از دانش خارجی‌ها و بین‌المللی خیلی خوب است. البته یکی از بزرگان شما معتقد بود خارجی‌ها نه توانمندی و نه صداقت لازم را دارند. البته این صحبت من نیست، منظور ایشان هم این نبود که کل حوزه را ببندیم اما این آسیب را باید در نظر گرفت. ما دنبال آسیب‌شناسی این کار هستیم. غرب با توجه به نگاه برتری‌جویی که دارد، آن را در سیاست خود اعمال می‌کند و چیزهایی را نادیده می‌گیرد، یا آدرس عوضی می‌دهد، یا آن‌طور که شایسته است مطرح نمی‌کند، این را در خیلی از حوزه‌ها دیده‌ام.

بخش بزرگی از موزه نیویورک در مورد ایران است، یک راوی با سواد هم داشت که دو ساعتی آنجا بودم. در یک بخش موزه نقشه‌های بزرگ از ایران طبیعت و جغرافیای ایران را نشان می‌داد. در این نقشه‌ها خلیج فارس را بزرگ نوشته بود. اوج بحث کشورهای حاشیه خلیج فارس بود.

کسی که روایت می‌کرد جلوی کلمه "Persian" ایستاده بود و مانع از فیلمبرداری شد و خواستم توضیح دهد و من یادداشت کنم اما از این کار سر باز زد. خیلی پیچیده است، آن‌ها تاریخ را نمایش می‌دهند که از اینجا شیطان در می‌آید. این تصاویر در پس ذهن می‌نشینند.

نمی‌گویم در همه فیلم‌ها این کار را می‌کنند، آدم‌های خوب هم در غرب زیادند، اما کنتراستی وجود دارد، چون سیاستی حاکم است، شخصیت‌سازی می‌کنند، اما از این طرف دنبال نابودی هستند.

ما یک وظیفه فیزیکی داریم مبتنی بر دانش، علم، مطالعه، گمانه‌زنی و استخراج اشیا تاریخی و محوطه‌ها است، درخواست می‌کنم تقویم سالانه بگذارند و متناسب با اعتبارات پروژه‌ها را مشخص کنند.

دستگاه‌هایی که می‌توانند کمک کنند را همراه کنید. این که پژوهشگاه مسوول کاوش است، دلیل نمی‌شود همه کارها را خودمان انجام دهیم. سعی کنید بیشتر راهبری و هدایت کنید و همه ظرفیت‌های کشور را وارد حوزه کاوش کنید، ولی شما راهبری و هدایت کنید از شیوه‌های علمی استفاده کنید تا با هزینه کمتری کار جلو برود.

به خاطر کمبود منابع میراث ناملموس بسیار تاسف می‌خورم. روی بعضی کار می‌کنم. بیش از سه هزار اثر ثبت شده است اما بعضی از این‌ها حتی یک صفحه مطلب ندارند. الان مدتی است تیمی را تعیین کرده‌ام راجع به چند موضوع مهم به من اطلاعات دهند. چند روز پیش وزیر ورزش، که متأسفانه الان در آسی‌یو هستند، یک ربع درباره ویژگی‌های «چوگان»، سبک زندگی و رفتار اطلاعات دقیق و عالی داد که اصلاً نمی‌دانستم.

همه ما فکر می‌کنیم چوگان ورزشی با اسب است که با چوب یک گوی را می‌زنند. برای فرهنگ ناملموس اطلاعاتی نداریم. حتی بزرگانی که کشور را اداره می‌کنند، نمی‌دانند این ملت چه پیشینه‌ای دارد.

ما از روز اول سعی کردیم تعارض‌ها از بین ببریم. بعضی‌ها می‌گفتند رفتی آنجا، دو روز بعد در زیانت کوروش و داریوش نباشد. الان می‌بینند در این کشور چقدر فضیلت‌ها بوده و هست و با اتکا بر همین‌ها ایرانی‌ها اسلام را پذیرفتند.

به استقبال نوروز (پایگاه‌های میراث فرهنگی)



سالن آمفی تئاتر وزارتخانه، ۱۴۰۱/۱۲/۱۵

بسم الله الرحمن الرحيم

حضور من بیشتر ادای احترام به شما عزیزانی است که خط مقدم ماموریت‌های وزارتخانه هستید و روسای محترم پایگاه‌ها که البته موزه ما هم خود یکی از مصادیق مهم پایگاه‌ها و عزیزان‌مان در یگان حفاظت است.

همکاران ما در وزارتخانه تلاش‌های زیادی می‌کنند و ماموریت‌های متنوعی دارند ولی شما مسئولان پایگاه‌ها خط مقدم ارتباط با مردم هستید، مردم در مواجهه با شما راجع به وزارتخانه و راجع به کل کشور و فرهنگ کشور قضاوت می‌کنند.

مواجهه شما هم با خواص و هم با عوام است که این مورد هم نکته مهمی است و شما با هر دو قشر در سطح وسیع و متنوعی ارتباط برقرار می‌کنید و باید رضایت‌مندی آن‌ها را فراهم کنید و به نیازهایشان پاسخ دهید و خدمات لازم را به آن‌ها ارائه دهید و این‌که از عوام تا خواص با شما ارتباط دارند و در مدت زمان کوتاهی کار شما را حساس‌تر می‌کند.

البته انگیزه شما باید بیشتر شود ولی کارتان را حساس‌تر می‌کند لذا از این جهت کار بزرگی شما دارید و خدمات بزرگی را انجام می‌دهید که بخشی را شما مطلع می‌شوید و بخشی از گزارش‌ها می‌آیند و بخش زیاد دیگر هم نمی‌آیند و قصد غربت برای همه شما می‌خواهد که بتوانید این ماموریت را به درستی انجام دهید.

ما نوروز را در پیش داریم، نشست خوبی است و از جناب آقای دارابی تشکر می‌کنیم که نشست را برای هماهنگی همه دوستان فراهم کردند و از شما تشکر دارم که زحمت کشیدید و از سراسر کشور تشریف آوردید نکات لازم را دوستان

مطرح کردند و انشاءالله نکاتی که مطرح می‌شود؛ به درستی مطرح کنیم که نوروز موفقی را امسال داشته باشیم.

اولین نکته‌ای که به ذهن من می‌رسد این است که خودتان زحمت بکشید و عملکرد سال قبل خود را مرور کنید یعنی اگر گزارشی نوشتید آن گزارش را مرور کنید و در واقع آسیب‌شناسی کار خودتان را یک بار دیگر بررسی کنید و سعی کنید اقداماتی کنید که اشکالات سال قبل به وجود نیاید و نظام مسائل سال قبل را در بیاورید و وقتی تمرکز کنید مشاهده می‌کنید که این اتفاق افتاد و می‌توانست این اتفاق نیفتد.

اگر همین کار را به درستی انجام دهید و مروری بر گزارش کار خودتان داشته باشید برخی مشکلات تکرار نمی‌شود. سال قبل به دلیل این که بعد از کرونا و تعطیلی کشور نیمچه سونامی ما داشتیم و استقبال زیادی شد آمارها همه حاکی از این بود که یک تحول جدی در میزان بازدیدکنندگان بود، برای شما، یک سال نمونه است. پس این مورد را بررسی کنید و مشاهده کنید که اشکالات چه بوده است و آن‌ها را رفع کنید که کار پیچیده‌ای هم نیست.

نکته دوم این است که اگر ما خدایی ناکرده به هر دلیلی ضعف در پاسخ به نیازهای بازدیدکنندگان داریم اتفاقا اگر مخاطب و بازدیدکننده زیاد نباشد بهتر است یعنی ما مشکلی داریم به مانند این که تکثیر می‌کنیم و اگر تعداد جمعیت که باید بیاید دو برابر بیاید نقاط ضعف مان که مربوط به کشور می‌شود بدتر انتشار پیدا می‌کند که بهتر است کمتر بیایند یا نصف بیایند، این منطقی دارد و یک موضوع عقلانی است و البته در هر کاری همین‌طور است.

وقتی کاری ضعیف است بهتر است با آن کار ضعیف کمتر ارتباط برقرار شود بنابراین اگر ما مطلع می‌شویم پایگاهی خیلی ضعیف بوده است و خدمات آن سطح پایینی دارد و کارنامه خوبی ندارد و به مردم پاسخگو نبوده است و اگر بگویند از هزار نفر دو هزار نفر شده‌اند ما واقعا نگران می‌شویم و اصلا هم خوشحال نمی‌شویم، به جای این که هزار نفر متوجه شوند ما چه کار کرده‌ایم دو هزار نفر فهمیدند ما چه خطاهایی داریم بنابراین من از این جهت بر روی کمیّت خیلی تاکید ندارم و کیفیت مهم است.

اگر انشاءالله کیفیت خوب باشد و نیازها را برطرف کنیم هر یک بازدیدکننده‌ای که زیاد شود جای خوشحالی دارد و باید هم به همین سبک عمل کنیم و انشاءالله به سمتی برویم که افرادی که در این ایام می‌آیند و می‌خواهند از مراکز که تحت پوشش ما است استفاده کنند بتوانیم رضایت آن‌ها را هم فراهم کنیم.

نکته سوم؛ چون تاریخ فرهنگی و اجتماعی کشور به قبل و بعد از مهسا امینی تقسیم می‌شود یعنی بعد از این حادثه کل فضای فرهنگی و اجتماعی ما تغییر کرده است و بی‌حجابی یک پدیده است، حرف‌هایی که ما اکنون می‌زنیم فرض بر این است که طبقه‌بندی دارد. لذا اگر دوستان ما هستند حتماً این نکات را رعایت کنند و آخرین نظرسنجی که وزارت ارشاد مطرح کرد سیزده درصد در سطح جامعه بی‌حجاب شده‌اند که رقم بالایی است و این‌که چرا این اتفاق افتاد و علل گرایش به بی‌حجابی چیست؟ که بعد از حادثه مهسا امینی ناگهان خط عوض شد و اتفاقات دیگری در فضای فرهنگی کشور افتاده است.

مطالعه مستقلی نیاز دارد و شاید در آینده من مانند یادداشت علل گرایش به بدحجابی که در پنج الی شش سال قبل منتشر کردم علل گرایش به بی‌حجابی هم منتشر کنم که مقداری هم باید ریسک کنیم و برخی حرف‌ها را بزنی که ارزیابی درستی راجع به مسائل کشور ارائه کنیم.

اما امسال ما با این پدیده مواجه هستیم و بی‌حجابی وجود دارد، خواهش من این است که دوستان برای تمام پایگاه‌ها برنامه داشته باشید.

تاکید من مجدداً این است که ما برنامه‌ای برای درگیری و ممانعت از ورود و ایجاد تجمع و ایجاد سوژه برای کسانی که می‌خواهند بهره‌برداری کنند نداریم باید دقت کنید که بر روی این مورد برنامه‌ریزی کنید یعنی اگر کسی هم آمد احساس کند شما برنامه دارید و یادآوری‌ها را انجام می‌دهید و تذکر می‌دهید و مراقبت می‌کنید.

در همین جا بگویم که نکته بعدی من ماه رمضان است و حتماً دوستان تذکر داده‌اند و بالاخره چون ماه مبارک است و خیلی افراد هم مسافر هستند بحث خورد و خوراک و ... است.

حتماً در پایگاه محلی را فراهم کنید و چادر بکشید و همین‌طور تدارک ببینید و افرادی که می‌خواهند خورد و خوراک داشته باشند باید به آن‌جا بروند و این‌گونه

نیست که همه با همدیگر باشند، اگر چند نفر روزه‌خواری کردند و وارد محوطه شدند اجمالاً هم تذکری داده می‌شود ولی اگر چند مورد منفی هم اتفاق افتاد بحث عرف در خیابان است.

به طور مثال؛ در خیابان هم شخص سیگار می‌کشد و روزه‌خواری می‌کند، اما باید مشخص شود که شما برنامه دارید و اگر چند نفر آدم متدین و مقید گفتند ما الان مسافر هستیم و خانواده همراه ما است می‌خواهیم غذا بخوریم، نمی‌شود روزه‌خواری کنیم باید مشخص شود که ما جایی را داریم و چند بنر و راهنما باید نصب کنیم که به آن مکان برای سرو غذا بروند و بعد که بیرون می‌آید دیگر روزه‌خواری نکند، برای آدم‌های متعهد و مقید و متدین شما حتماً باید برنامه داشته باشید.

نکته بعد مدیریت جمعیت است بخصوص آنجایی که جمعیت خارج از انتظار می‌آید. اگر احساس کردید بیشتر از آن دیگر این امکان برای آمدن مردم فراهم نیست، حتماً باید اطلاع‌رسانی کنید.

ما در سال قبل در برخی از شهرها چنین مشکلی را داشتیم مانند؛ کاشان، باغ فین کاشان جمعیت زیادی مانده بودند و برای رفتن به داخل راه نبود و سر جاده که می‌رفتید مشاهده می‌کردید ماشین‌ها در حال دور زدن برای رفتن به فین کاشان هستند یک نفر باید باشد که به آن آدم‌ها بگوید الان نیاید چرا که تا چهار ساعت دیگر باغ بسته است اما این کار جز ناراحتی و ایجاد تنش و کارنامه بی‌برنامگی ما چیزی نیست.

در این کار شجاعانه و با جسارت و به موقع عمل کنید و نترسید. اتفاقاً اگر بگویند بازدید از حمام فین کاشان آن قدر زیاد است که وزارت میراث اطلاعیه داد و گفت دیگر کسی نمی‌تواند بیاید این کار بهترین تبلیغ برای شما و فرهنگ کشور است. ما که نمی‌توانیم مانند باغ فین کشور ده نمونه دیگر بسازیم یک ظرفیتی دارد و بهترین مدیران عالم هم که بیاورند همین باغ فین است و همان ظرفیتی است که آن جا دارد؛ پس از این جهت نقطه ضعف تلقی نمی‌شود، بنابراین اطلاع‌رسانی کنید.

ما در این جا نشست سفرهای نوروزی که بوده است با نماینده صدا و سیما هماهنگ و مرتباً اطلاع‌رسانی کردیم و همچنین فضای مجازی هم در این ایام

خیلی فعال است. فوراً اطلاعیه دهید البته اطلاعیه‌های خوب و اطلاعیه‌ای که نشان دهید استقبال از یک محیط فرهنگی زیاد است نه این که شما توان نداشته باشید، به این موارد دقت کنید یک کلمه و جمله خیلی فرق می‌کند، آقای میثمی باید این‌ها را توضیح دهند و روابط عمومی‌تان توجیه شود و هر جا که متوجه شوید ظرفیت نیست اعلام کنید.

آقای شالبافیان گفته‌اند ما برنامه معرفی جایگزین داریم که ارتباطی به پایگاه‌های ما ندارند بطور مثال؛ مردم می‌خواهند جای تفریحی و گردشگری را ببینند وقتی مشاهده می‌کنند دیگر ظرفیتی ندارد شهرهای جایگزین معرفی می‌شود، سال گذشته هم ما همین کار را انجام دادیم و جواب خوبی هم گرفتیم که بلافاصله شهرهایی که جایگزین معرفی کردیم و اطلاع‌رسانی شد.

حرکت آن سمت رفت و بار به آن طرف شیفت شد و مدیریت انجام گرفت که مربوط به کل بحث‌های گردشگری است اما شما در پایگاه‌ها هر جا که مشاهده کردید چنین مساله‌ای است زودتر اطلاع‌رسانی و برنامه‌ریزی کنید که مشکلی پیش نیاید من همیشه بر روی مساله سرویس‌های بهداشتی تاکید می‌کنم اخیراً هم جلسات زیادی با مسئولان کشور و وزیر راه و معاونت‌های مختلف‌شان داشتیم و انشاءالله بحث سرویس بهداشتی در مسیرها را خیلی جدی پیگیری می‌کنیم که هم خود وزارت راه و هم وزارت میراث در اولویت قرار داده است.

از سیاست‌های من این است که انشاءالله مجموعه بهداشتی بیرون پایگاه‌ها راه‌اندازی کنید و محل را مشخص کنید، ما بیرون پایگاه‌ها باید مجموعه خدماتی بزنیم که وقتی پایگاه تعطیل است مردمی که آن‌جا می‌آیند ابتدا گرفتار نشوند و دوم این که در جاده‌ها وقتی مردم سرویس بهداشتی می‌خواهند و می‌بینند در مکانی که سرویس بهداشتی با کیفیت وجود دارد، آثار باستانی هم است، همان سرویس بهداشتی باعث می‌شود از مجموعه هم بازدید کردند.

از نظر من خدمات بهداشتی خیلی مهم است و تعیین‌کننده است، من تقاضا می‌کنم که مدیران پایگاه شخصاً خودشان این مسئولیت را بر عهده بگیرند، اکنون در وزارتخانه بنده با کمال افتخار رئیس شورای عالی سیاست‌گذاری سرویس‌های بهداشتی در جاده‌ها هستم. یعنی الان من مسئول‌شان هستم.

تا به الان هفت الی ده جلسه با وزیر برگزار کردم، یک بار با مرحوم آقای قاسمی جلسه داشتیم که دچار اشکال شد و الان خودمان دفتر آقای بذریاش رفتیم و دو کار داشتیم که یک مورد همین بود و اکنون هم با ایشان در حال تقسیم کار هستیم من به ایشان گفته‌ام یک مسیر را شما بزنید و مسیر دیگر را ما می‌زنیم باید به نفع مردم رقابت کنید که ببینید شما بهتر می‌زنید یا ما بهتر می‌زنیم هر جا که خروجی بیاید دعای خیر مردم برای جمهوری اسلامی است، بنابراین این مسأله مهم است و حداقل امکانات و سرویس‌های بهداشتی که خودمان داریم دائماً باید به آن‌ها رسیدگی شود.

راجع به صنایع دستی خانم جلالی توضیح دادند که بهترین فرصت برای عرضه صنایع دستی ایام نوروز است، صنایع دستی یک اتفاقی است که اهداف مختلف را با همدیگر محقق می‌کند یعنی این که فرهنگ و هویت‌بنیان آن‌جا است، مردم که به سفر می‌آیند به طور طبیعی به دنبال این هستند از آن شهر که باز می‌گردند سوغاتی بیاورند که بگویند ما در آن‌جا بودیم لذا مردم به صنایع دستی اقبال دارند و بهترین جا هم پایگاه‌ها است؛ بنابراین تقاضای من این است که پایگاه‌های بهترین مکان برای عرضه صنایع دستی در نظر بگیرد.

البته آقای رئیس‌جمهور هم دستور دادند و رسماً به همه استاندارها ابلاغ شده است و وزیر کشور هم پیگیری کرده‌اند و در نشست هم که با استاندارها در نمایشگاه‌ها داشتیم گفتیم، در ورودی هر شهری محل عرضه صنایع دستی را احداث کند از این جهت که سالن خوب و صنایع دستی و محصولات را بزند که هم باعث رونق صنایع دستی می‌شود که مردم از روستاها و نقاط دور و نزدیک وسایل و صنایع خود را بیاورند عرضه کنند و هم این که مردمی که می‌خواهند وارد یک شهر بشوند و صنایع دستی خریداری کنند مشخص باشد که جای مشخصی برای همه است.

من آخرین جایی که رفتم در برازجان در سفر استانی بوشهر بود مشاهده کردم که فرماندار این شهر از این نظر خیلی خوب کار کرده است، موزیک ویدیویی تهیه کردم و امروز در صفحه خودم قرار می‌دهم به عنوان این که این شهر در این حوزه پیشگام هستند، ایشان به من گفتند از این جهت که من خودم در این حوزه

علاقه‌مند هستیم چهار طرف ورودی شهر من، محل عرضه صنایع دستی قرار داده‌ام که رفتیم و دیدیم خیلی تمیز و قشنگ بود و غرفه‌های خیلی خوب و شیک داشتند در یک مکان خیلی وسیع بود که ماشین‌ها می‌توانستند آن‌جا ننگه دارند و صنایع دستی استان را خریداری کنند و پارکی هم در ورودی شهر بود که آن‌جا پیاده شدیم و نگاهی کردیم پارک قشنگی بود و گفتند بعد از دستوری که به ما ابلاغ شده است سالن بزرگی می‌زنیم و کامیون‌ها آن‌جا خاک‌ها را خالی کرده بودند که برای زدن سالن جدید صنایع دستی آماده بودند، این‌ها را باید الگو کنیم.

شما در محل‌هایی که هستید باید پیگیری کنید، شما برای صنایع دستی جایگاه ویژه‌ای قرار دهید و به آن توجه کنید؛ یعنی باید رونق داشته باشد و تمیز باشد و مسئولان غرفه کاملاً آماده باشند و خدمات لازم فروش را به درستی آن‌جا انجام دهید. البته ما هم یک سری کارها را انجام داده‌ایم.

به طور مثال؛ بیست میلیون وام دهیم یا اتفاق دیگری بیفتد که خانم جلالی باید این موضوعات را رسیدگی کنند، در پایگاه‌های خودمان باید این کار راه‌اندازی شود یعنی اگر ظرفیت برای جاهای دیگر هنوز محدود است در پایگاه‌های خودمان هر کسی که وارد می‌شود این بیست میلیون را به او بدهیم، خانم جلالی برای هر چند پایگاهی که الان در جلسه حضور دارند هماهنگی کنید که این اتفاق بیفتد و در جاهای دیگر هم انشاءالله تکثیر می‌دهیم. اما بهترین مکان پایگاه‌های خودمان است.

مردمی که می‌آیند باید یک سری اطلاعات کلی به آن‌ها داده شود، راوی‌ها و راهنماهای عزیز ما یک بار دیگر باید مرور کنند چرا که مسائل مردم و سوال‌هایشان متفاوت شده است، این جلسه ما جلسه کاری و خصوصی است که در آن صحبت می‌کنیم.

اخیراً به موزه سعد آباد رفته‌ام و با آقای رحمتی چند ساعت مجدداً بازدید کردیم، آن‌جا متعلق به پهلوی است که بیست و چند مورد کاخ مربوط به آن دوران است، اخیراً بخش جدیدی از رجال پهلوی راه انداخته‌اند، اطلاعات می‌دهند که این‌ها چه بودند و چه کارهایی انجام می‌دادند و یا چه خیانتی کردند و یا چه بدعت‌هایی بدی گذاشتند؛ بنابراین در موزه‌مان می‌خواهیم بگوییم که پهلوی چه

کارهایی کرده است، آن قدر خیانت به این ملت کرده‌اند که هر چقدر از صبح تا شب بخواهند ماله‌کشی کنند نمی‌شود.

خیلی از افرادی که در اغتشاشات می‌خواستند گل‌چینی کنند و برداشتی کنند گفتند که بزرگترین اشتباه ما این بود که این اغتشاشات و جنبش‌مان را با پهلوی پیوند زده‌ایم و حتی برخی از این‌ها به جمهوری اسلامی نسبت می‌دهند و می‌گویند جمهوری اسلامی خود به رضا پهلوی نسبت دادند برای این که جنبش را نابود کند.

یعنی آن قدر وضعیت آن‌ها خراب است که اگر هم جایی بخواهند مطرح کنند این‌ها را مطرح می‌کنند که حرکت اعتراضی را نشان دهند، با این حال فرق کرده است؛ یعنی یک عده می‌آیند و شروع به سوال می‌کنند، من از خانم جوانی که آن‌جا مسئولیت داشتند سوال پرسیدم بینم چقدر مسلط هستند و بعد به ایشان گفتم شما باید الان خیلی مطالعات خود را عمیق‌تر کنید چرا که وقتی در مورد یک نفر از رجال صحبت می‌کنید آدم‌هایی هستند که با حساب و کتاب این‌جا می‌آیند و حرف‌هایی را مطرح می‌کنند که شما را محکوم کنند.

این آدم که شما در مورد آن می‌گویید خیلی آدم خوبی بوده‌اند. اما شما در مورد این شخص سواد کافی ندارید می‌دانید این آدم چه کسی بوده است که این‌گونه علیه او حرف می‌زنید؟ چند سوال از شما می‌پرسند و اگر شما بلد نباشید جواب دهید مقابل چندین نفری هم که آن‌جا برای شنیدن روایت شما ایستاده‌اند خیلی بد می‌شود.

من پانزده سال قبل یک بار نزد یک نفر از ائمه جمعه مشهور که صاحب تالیفات و ... است رفتم و ایشان با من که بحث می‌کردند گفتند چرا در سریال‌های سیاسی که اخیراً در صدا و سیما ساختید این قدر علیه فروغی صحبت کردید و فروغی را به عنوان چهره فراماسونر و ... معرفی می‌کردید؟

در صورتی که چنین چیزی هم بود چرا که فروغی عقبه خیلی منحصر بفرد در تاریخ استعماری این کشور دارد و همچنین آدم با سواد و فرهیخته‌ای از جهت سواد بوده است، من به این امام جمعه مشهور توضیح دادم و گفتم شما خبر ندارید ایشان این‌گونه هم هستند و ایشان گفتند خیر این‌گونه نیست. کتاب سیر

حکمت در اروپای ایشان که این قدر آقای مطهری استناد در کتاب‌هایشان می‌کنند یک مورد از کارهای فروغی این است که این کتاب را نوشته‌اند و من به او گفته‌ام اگر این کتاب هم نوشته باشند دلیل بر تایید حرف شما نمی‌شود ایشان چنین سوابقی را دارند.

مدتی بعد از آن خدمت رهبر معظم انقلاب بودم که جلسه خصوصی هم بود و حین این که مواردی را به ایشان منتقل می‌کردم به ایشان گفتم که شخصیت برجسته امام جمعه منصوب شما به من گله می‌کردند که چرا در سریال‌هایتان فروغی را می‌گویید و بر علیه او حرف می‌زنید؟

آقا لبخندی زدند و گفتند عجب ایشان چنین چیزی می‌گفتند؟! تعجب کردند که چرا این آدم این قدر توجه به ابعاد شخصیتی فروغی ندارند و در ادامه جمله‌ای فرمودند: «اتفاقاً این آدم اگر درست بررسی شود همان سیر حکمت در اروپا هم که ایشان نوشته‌اند با انگیزه‌های سیاسی و استعماری نوشته‌اند» اخیراً آقای خسرو پناه که تخصص‌شان فلسفه و حکمت و .. است؛ چند روز قبل چند ساعتی مهمان من بودند و من که این مطلب را گفتم ایشان به عنوان کارشناس این حوزه صحبت مفصلی راجع به همین کتاب کردند و از همین منظری که رهبری فرموده بودند که من نه سوادی در این زمینه داشتم و نه چیزی می‌دانستم اما از صحبت‌های آقای خسرو پناه استفاده کردم.

ایشان راجع به این کتاب ابعادی را گفتند که نشان می‌دهد این کتاب برای خوش آمد چه کسانی طراحی شده است و فرآیند تنظیم این شخصیت‌ها و این حکمت و فلسفه‌ای که از اروپا نقل می‌کند با چه انگیزه‌ای بوده است، مشاهده کنید مسائل مقداری دقیق‌تر شده است به خصوص آن‌هایی که به پادشاهان و ... مربوط می‌شود.

افرادی که می‌آیند یا واقعاً صادقانه سوال دارند چون فضای مجازی مشحون از تردیدها است در همه چیزهایی که ما یقینی فرض می‌کردیم الان تردید ایجاد شده است، یک بار دیگر راویان خود را کنترل و مدیریت کنید، ببینید چقدر اطلاعات دارند ابتدا ببینید خودشان هم همراه هستند یا آن‌ها هم مساله دارند اگر خودشان مساله و تردید دارند باید مساله‌شان حل شود.

مسجد جامع سبزوار می‌رویم که پایگاه سربرداران بوده است همان‌جا که توضیح می‌دهد و یکی از بهترین مکان‌ها است، من در آن‌جا می‌گویم این‌ها پدران ما بودند که مقابل مغول ایستادند مغول به این‌جا که رسید مقاومت کرد. اگر ما گردشگری مقاومت را باید جدی بگیریم و راه بیاندازیم یا خود سبزوار که مجدداً در دوران نوروز مردم برای بازدید از آن می‌آیند باید بدانند که جبهه مقاومت از همین سربرداران می‌تواند شروع شود و حالت ملی دارد و نگویند شما بعد از انقلاب برای ما کلید واژه درست می‌کنید و به اجبار به مردم تحمیل می‌کنید.

این‌ها چهره‌های ملی در طول هفت الی هشت قرن پیش بودند که مقابل مغول‌ها ماندند، کسی که در این دوره و زمانه طرفدار مغول‌ها نیست، این‌ها سوژه‌هایی است که به قول قرآن «وَكَأَيِّن مِّن آيَةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَمُرُّونَ عَلَيْهَا وَهُمْ عَنْهَا مُعْرِضُونَ» ما از این آیات رد می‌شویم و اصلاً توجه نمی‌کنیم که این‌ها چقدر ظریفیت دارند.

آقای سامع توجه کنند خودشان و دوستان دیگر کارشناس هستند شما باید آدم‌های با سوادى به پایگاه خود در ارتباط با شخصیتی که آن‌جا است بیاورید. من اخیراً سر مزار شیخ محمود شبستری رفتم جایی است که به آن رسیدگی کردند؛ ایشان یک عارف برجسته بوده است و فقط بحث گلشن راز نیست بلکه ده مورد کار دیگر هم دارد، ایشان سی و سه سال داشتند که از دنیا رفتند این همه سطح بالای عرفان را یک فرد سی و سه ساله دارد من همان‌جا به شوخی گفتم دهه شصتی که می‌گویند این فرد الگوی دهه شصت می‌باشد نه هر کسی که کیف کشید، شخصیت سیاسی شد. اگر می‌خواهید دهه شصتی معرفی کنید شیخ محمود شبستری را معرفی کنید که آدم هر چقدر جلوتر می‌رود تعجب می‌کند که این همه آثار از ایشان هستند!؟

راویان و خودتان و رئیس پایگاه‌ها خواهران و برادران عزیز ما باید کارشناسان درجه یک شخصیت یا محلی باشید که پایگاه ما محسوب می‌شود که اگر در برنامه تلویزیونی گفتند با معارضان و مخالفان صحبت کنید این قدر خوب و مسلط به ابعاد آن پایگاه صحبت کنید، باید وقت بگذارید و مطالعه کنید و شبهات جدید را ببینید و تسلط پیدا کنید.

ما دو نوع مخاطب داریم که مخاطب عام با توضیحات کلی هم راضی می‌شود و نیاز نیست خیلی برای این دسته افراد حرافی شود، اما اگر چهار نفر آدم آمدند که اطلاعات بیشتر می‌خواستند، با برنامه‌ریزی برای ایام نوروز و استفاده از کارشناسان دیگر، به صورت داوطلب، استفاده کنند خیلی از این افراد داوطلبانه حاضر به انجام این کار هستند و بخشی دیگر هم اگر لازم شد بعد از این دو هفته حق الزحمه‌ای بدهید اشکالی ندارد.

پایگاه مهم ما اگر چهارده یا بیست روز برنامه دارد و می‌خواهد شخصیت شناخته شده را به مردم معرفی کند. به طور مثال؛ حافظیه است هر کسی اشعار حافظ را خواست تفسیر کند و برایش توضیح دهد آن‌جا باشد و چند نفر جوان دور راوی جمع شده باشند که برای آن‌ها تفسیر کند و اگر لازم بود حق الزحمه‌ای هم بدهید اشکالی ندارد همه این کارها برای تقویت فرهنگ و میراث ناملموس ما است.

این که مردم در تعطیلات همه به سراغ پایگاه‌های فرهنگی و تاریخی می‌روند، خیلی خوب است، چرا که فرهنگ غنی مردم را نشان می‌دهد که می‌خواهند یا شیخ صفی را ببینند، حافظیه را ببینند و یا این که محل تاریخی معماری ما را ببینند این امر خیلی خوب است، خدایی ناکرده ممکن است روزی ما آن قدر بحران هویت پیدا کنیم که این اتفاق نیفتد یعنی تعطیلات شود و هیچ کسی حاضر نشود این مکان‌ها را ببیند. اما امروز که این موقعیت است باید از آن استفاده کرد و آن چیزی که وظیفه اصلی ما است به امید خدا بتوانیم به درستی آن را انجام دهیم.

بزرگداشت شهید مطهری



خانه موزه استاد مطهری، ۱۳/۰۲/۱۴۰۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ
آلِهِ الطَّاهِرِينَ.

عرض ارادت و احترام دارم خدمت همه شما عزیزان، بینندگان محترم سیما. یاد
و خاطره معلم شهید انقلاب، مرتضی مطهری و همسر بزرگوار ایشان، سرکار خانم
عالیه روحانی را گرامی می‌داریم و به ارواح طیبه آن‌ها درود می‌فرستیم.
اولین سالی است که همسر بزرگوار ایشان در این مراسم بزرگداشت حضور
ندارند، ایشان خود شخصیت عالمه و فاضله‌ای بودند. کتاب شعر ایشان هم بعداً
رونمایی و چاپ می‌شود. در طول سال‌هایی که من با ایشان بر حسب مسئولیتی
که داشتم محشور بوده‌ام، در برنامه‌های مختلف بزرگداشت استاد، تشریف می‌آورند،
لطف داشتند و پای عرایض من می‌نشستند.

با بنده صحبت می‌کردند و اظهار نظر می‌فرمودند. من خودم خیلی بهره
می‌بردم، چون واقعا نظرات ارزنده‌ای داشتند. شروع صحبت کوتاه من با یک
بیانی از ایشان است که می‌تواند ورود خوبی به مواردی باشد که به این مناسبت
عرض خواهم کرد. من در یکی از سخنرانی‌هایم که ایشان هم تشریف داشتند
یک تعبیری در مورد شهید مطهری به کار بردم. مطهری را شهید راه نقد عنوان
کردم.

بعد از جلسه ایشان به من گفتند که بهترین تعبیری که من در مورد همسر
شنیدم، یعنی به دلشان چسبیده بود، همین کلمه‌ای بود که عنوان شد، شهید راه نقد.
استاد در همین راه به شهادت رسید. اگر خیلی عادی، محافظه‌کارانه و کلی و به قول
امروزی‌ها خیلی گارد، صحبت می‌کرد، خطری او را تهدید نمی‌کرد.

اما وقتی به مهم‌ترین مسائل اجتماعی، دینی و سیاسی و موضوعات مربوط به انقلاب ورود پیدا می‌کرد، شرایط حساس‌تر می‌شد. تعبیر من در مورد شهید مطهری آن است که نقد او نقد مردانه بود، مرد و زن البته ندارد، مردانه را به عنوان یک صفت عرفی عرض می‌کنم. چرا نقد او مردانه بود؟

به دو دلیل، دلیل اول اینکه وقتی می‌خواست کسی را و در واقع تفکری را، نقد کند؛ ما امروز متأسفانه به‌جای نقد اثر، نقد مولف داریم، آدرس عوضی می‌دهیم و آن را هم غلط می‌گوییم. بعد مردانه او این بود که هرآنچه را آن اثر گفته بود، اول کامل و جامع نقل می‌کرد، نگاه تقطیع شده و گزینشی به آن اثر نمی‌کرد، این خیلی مهم است. این گمشده امروز ما است.

بعضی مواقع در کتاب‌های مختلف، آنقدر دقیق، مفصل و مشروح و حتی مستدل آن نظر و تفکر را نقد می‌کرد که صاحبان آن اثر برای اینکه خودشان خوب بفهمند چه می‌گویند، باید کتاب و نظر مطهری را می‌خواندند، البته آن‌هایی که کم‌تر سواد داشتند. این خیلی مهم است.

مردانه یعنی این. امروز ما در جامعه خودمان این مشکل را داریم که متأسفانه افراد کاملاً گزینشی نقد می‌شوند. وقتی ایشان می‌خواستند نقد کنند، آنقدر جامع، کامل و مستدل، به‌خاطر شخصیت جامعی که داشتند، نقد می‌کردند، که مردانه بود. یعنی جایی برای حریف باقی نمی‌گذاشت. مطلب را تمام می‌کرد. این نکته اول که من واقعا از این فرصت استفاده کرده و عرض می‌کنم.

داشتن این نگاه جامع، عزیزان من و بزرگان حاضر در مجلس و اهل علم، شجاعت می‌خواهد؛ که انسان به چیزی که می‌رسد کامل و جامع بگوید و از کسی نترسد. امروز متأسفانه بعضی از متفکرین ما به بعضی چیزها می‌رسند اما جرات طرح آن را ندارند. بعضی علمای ما گروگان سمپادهایشان می‌شوند. می‌گویند به این رسیده‌ایم، اما اگر بگوییم، آن وقت تکلیف سمپادهای ما چه می‌شود؟ بعدا می‌گویند حاج آقا شما که اینطوری شده‌اید، شما هم که آن طرفی رفتید!!

دوست دارند آن عالم به طرزی صحبت کند که آن‌ها می‌خواهند. در کتاب ده گفتار، وقتی شهید مطهری سازمان روحانیت را تبیین می‌کند یکی از بخش‌هایی که

به آن اشاره می‌کند، همین است، که نمی‌گذارند یک عالم بزرگوار حرف خود را درست و بدون لکنت و آن‌طور که تشخیص می‌دهد بگوید. یک مقاله‌ای اکبر گنجی در روزنامه‌های زنجیره‌ای آن دوران نوشت با عنوان دین‌ستیزی و دین‌گریزی. مقاله بسیار مفصلی بود و کدهایی از شهید مطهری نقل می‌کند. از ایشان شخصیتی ارائه می‌کند که وقتی من آن را خواندم به خود ایشان پیغام دادم که مطهری این نیست که تو می‌گویی.

استنادات تو درست است، مطهری این حرف‌ها را زده است، اما اینی که تو جمع‌آوری کرده‌ای و این شخصیت را نشان می‌دهی، مطهری این نیست. مجبور شدم با اینکه در وزارت دفاع بودم، یکی دو روز کار را تعطیل کنم و یک متن بسیار مفصلی بنویسم، تحت عنوان «خویش را تاویل کن نی ذکر را» که برگرفته از یکی از اشعار مولوی است. آنجا گفتم اگر مطهری آن است که تو می‌گویی، این‌ها را چرا ندیدی؟

من ۴۹ ارجم از کتاب‌ها و نوارهای شهید مطهری دادم. بعدا شنیدم که گفته بودند ما نمی‌دانستیم که مطهری این حرف‌ها را هم زده است. مطهری یک منظومه است، یک ساختار کامل است.

من به جوان‌های عزیزی که دارند عرایض من را می‌شنوند و یا بعدا ارتباط برقرار می‌کنند می‌گویم، فرق مطهری با دیگران این است که - به‌خاطر جامعیتی که داشت - مسئله‌یابی می‌کرد یعنی اول نیاز جامعه را تشخیص می‌داد. نه مثل بعضی‌ها که سواد دارند و آن سواد را به بهانه‌های مختلف خرج می‌کنند - زیاد دیده‌ایم از این بزرگان که در حد خودشان هم فضل دارند - اما در موضوعاتی که نیاز جامعه است ورود نمی‌کنند.

مطهری وقتی که حرف می‌زد و می‌نوشت، منظومه‌ای را ارائه می‌داد که مخاطب یک ساختار سالم علمی و ایدئولوژیک پیدا می‌کرد، ذهنش شکل می‌گرفت و بعدها هر میزان اطلاعات دیگری که به‌دست می‌آورد، در جایی می‌گذاشت که جای آن بود مثل یک آشپزخانه‌ای که شما وقتی کابینت‌ها را نصب می‌کنید، هر چیزی در جای خود قرار می‌گیرد.

این کار هرکسی نیست. شهید مطهری حکیم و مصلح بود. من اخیرا یک سخنرانی داشتم برای بزرگداشت سید جمال‌الدین اسدآبادی، مطالعاتی کردم و در

کتاب نهضت‌های صد ساله دقیق‌ترین حرف‌ها را مطهری می‌زند. کوتاه ولی دقیق و درست. سید جمال مصلح است، مطهری بالاتر از آن یعنی حکیم است. مطهری فقیه و فیلسوف است، خیلی ویژگی‌ها را دارد که همه آن‌ها مهم است.

ما فقهای خوب زیاد داریم، خوشبختانه بعد از انقلاب خیلی از این آقایانی که جوانند و خوب درس می‌خوانند و بعضی هم مسئولیت اجرایی دارند ولی جلوی تحصیل آن‌ها را نگرفته‌اند فقهای خوبی شده‌اند و واقعا فقیه و باسوادند. امروز کمبود ما هم در حوزه‌های علمیه، هم در جامعه علمی خودمان، نگاه حکیمانه است. امروز مصلح هم کم داریم.

در کتاب علل گرایش به مادی‌گری، مقدمه مهمی نوشته شده است که هم تکلیف فرقان را روشن می‌کند و هم خود اسلوب و چهارچوب علل گرایش به مادی‌گری را بیان می‌کند. در واقع می‌گوید اصلا جوان مردم چرا مادی‌گرا را انتخاب می‌کند؟

تا سه ماه قبل که دانشگاه نیامده بود، نماز و روزه او ترک نمی‌شد، حالا بعد از سه یا شش ماه که آمده تن او به تن عده‌ای خورده است و می‌گوید اصلا خدا نیست. چرا اینجوری است؟

مطهری در جایگاه یک حکیم می‌نشیند و تحلیل می‌کند، این مهم است. من سال‌ها قبل در مورد بدحجابی یک مقاله‌ای نوشتم و ۲۴ دلیل تحت عنوان علل گرایش به بدحجابی بیان و منتشر کردم. چرا جامعه به سمت بدحجابی رفته است؟ اخیرا دنبال این بودم که ببینم علل گرایش به بی‌حجابی چیست؟

یک مقدار فکر کردم، مقاله قبل را برای خودم آوردم و دیدم تمام آن دلایلی که برای علل گرایش به بدحجابی نوشته بودم در مورد بی‌حجابی هم صادق است. اولین مقصر خود من بودم - من فرافکنی نمی‌خواهم بکنم - و همه کسانی که مسئولیت دارند.

جای شهید مطهری امروز خالی است؛ او که نگاه حکیمانه و جامع به اوضاع کشور داشت، او که امر به معروف و نهی از منکر را می‌شناخت، جامعه را می‌شناخت. یک ویدئویی اخیرا از ایشان به درستی منتشر شده است، که می‌گوید ما باید راه را باز کنیم تا جامعه خودش رشد کند. اگر سخت‌گیری کردیم به این

معنا که احساس شود مردم نمی‌فهمند و ما فقط می‌فهمیم، آن‌ها باید در تمام رفتارهای خودشان مقلد صرف باشند و جامعه رشد نکند، این جامعه هیچ‌وقت پیشرفت نمی‌کند، مشخصات یک جامعه سالم اسلامی این نیست.

حتی ایشان می‌گویند اگر این مردم آمدند، اشتباه کردند و انتخاب اشتباه کردند، باید جاهایی تحمل کرد و شرایط را فراهم کرد تا این جامعه رشد کند. البته این بحث جامعیتی برای خودش دارد، ولی کلیت آن این است که در واقع مطهری معتقد به رشد جامعه است. ما امروز این نگاه حکیمانه را کم داریم، اگر امروز مطهری بود راجع به فساد در جامعه بهترین حرف‌ها را می‌زد.

او می‌گوید فساد از بالا شروع می‌شود و ریزش فساد از خواص به عوام است، و اصلاح از پایین به بالا است، تمام حرف من این است. لذا می‌گویند عوام و پایین جامعه به دلیل سلامت و احساس بیداری که در آن‌ها پیدا می‌شود، از پایین به بالا اصلاح می‌کنند. اما فساد نوعاً از بالا به پایین است. خیلی مهم است، خیلی‌ها درست برعکس فکر می‌کنند. خودشان هزارتا مشکل دارند و خیال می‌کنند آن‌ها باید جامعه را اصلاح کنند.

دائم می‌گویند بخش خاکستری جامعه! جالب این است در بعضی صحبت‌ها و محاوره‌هایشان است می‌گویند اکثریت جامعه خاکستری است و یک فکری به حال این جامعه خاکستری کنیم. وقتی کسی که خود را قبه نور می‌داند و اکثریت جامعه را خاکستری، اشتباه از همین‌جا شروع می‌شود. او خیال می‌کند از بالا به پایین باید اصلاح کند. چنین کسی مطهری را قبول ندارد.

مطهری در مورد سید جمال می‌گوید، اشتباه سید جمال این بود که فکر کرد باید اصحاب قدرت و سلاطین را اصلاح کند، عمر خود را گذاشت، آخر عمر هم فهمید که اشتباه کرده است، خودش اعتراف می‌کند که اگر من این وقت را پای عوام می‌گذاشتم و به مردم آگاهی می‌دادیم و در مردم تنبه ایجاد می‌کردم اوضاع درست می‌شد.

این کاری است که امام کرد و فرق امام با سید جمال همین‌جا است. امام رفت سراغ توده‌ها و اقشار مختلف و مردم. مردم را ساخت، زمینه فراهم شد که مردم خودشان را پیدا کنند، چون امام حکیم است. بعد که آمدند بالا، همه‌چیز را مردم اصلاح کردند. هر نگاه برعکسی اگر ایجاد و احساس شود، حتماً یک عده

خودشان را مرکز عالم میدانند و به هر کس هر چه می‌خواهند می‌گویند، حتی وقتی مطلع می‌شوند اوضاع از چه قرار است.

متاسفانه در فضای سیاسی کشورمان از این نوع زیاد داریم، مطلع هم می‌شوند حاضر نیستند یک قدم عقب‌نشینی کنند، زیرا نمی‌خواهند ساختاری که ایجاد کرده‌اند از بین برود. امروز جای مطهری خالی است. من به همه عزیزانی که آشنایی با کتاب‌ها و با تفکر استاد ندارند می‌گویم که گفتن این حرف‌ها از یک عالم بزرگوار شجاعت می‌خواهد.

آن عالمی که در بیان حق و حقیقت شجاع نیست، بی‌تردید قابل‌اعتنا نیست و در جامعه هم تاثیرگذاری ندارد. مطهری به هر جا که می‌رسید مسئله‌یابی می‌کرد. برادر عزیزمان استاد غلامی به یک جمله از ایشان در بهشت زهرا (س) اشاره کردند، من می‌خواهم حرف ایشان را تکمیل کنم.

شاید منظور ایشان این بود که مطهری اگر به بهشت زهرا (س) آمد روحیه مجری هم داشت. مطهری می‌گوید مواظب جان امام (ره) باشید. شاید هم من اشتباه می‌کنم از فرمایشات ایشان! اتفاقاً یکی از بهترین نمادهای شهید مطهری - که ما وقتی در آرشیو پیدا کردیم گفتم سالی چندبار باید این پخش شود - این بود که ایشان در آن قله ایدئولوژیک که بالاترین و در راس هرم نگاه‌های ایدئولوژیک و سواد حوزه‌های علمیه بود، آنجایی که لازم بود حاضر است مجری هم بشود و کلاس برای خودش نگذارد.

ما بعضی مواقع به بعضی از آقایان می‌گفتیم در یک گفت‌وگو شرکت کنید، هزار تا شرط می‌گذاشتند که بر فرض آن کسی که می‌خواهد با من حرف بزند و مناظره کند، شان او چیست؟ شان من چیست؟

هزار جور قائده می‌گذاشتند که به پروتکل آقا برنخورد. مطهری مثل یک مجری ساده درس می‌دهد. فقط داستان راستان نمی‌نویسد. وقتی داستان راستان می‌نویسد به او می‌گویند اگر می‌خواهی بنویسی زیر آن نویسنده مطهری، یک اسم مستعار بگذار، می‌گوید اگر اینطور است پس این یک بیماری است، من اسمم را در مقدمه کتاب می‌گذارم، در داستان راستان هم به این بیماری اجتماعی اشاره می‌کند. به بقیه راه نشان می‌دهد.

آنجا هم مثل یک مجری ساده عمل می‌کند و نمی‌گوید من فلان هستم. امروز مشکل ما این است که همه خیال می‌کنند کسی هستند، پروتکل‌ها امروز مردم را بیچاره می‌کند. او مثل یک مجری ساده مردم را ساکت می‌کند و می‌گوید: «آقا بنشینید، جان امام در خطر است شلوغ نکنید» الان به یک آدم بگویید بیا و این نقش را بازی کن، آدمی که دو تا کتاب خوانده آیا حاضر است از این رفتارهای ساده از خودش نشان دهد؟

مطهری همه چیزش برای ما درس است. مطهری مصلح بزرگ است، مطهری حکیم بزرگی است. آشنایی با آثار و رفتار مطهری درس بزرگ امروز همه ما است، هم خواص هم عوام هم طلبه‌ها هم دانشجوها هم بزرگان در بالاترین سطوح. مطهری شناسی آن‌ها باید تکمیل شود.

من واقعا پیشنهادم به دانشگاه‌ها این است که در درس‌هایی که دارند به جای بعضی درس‌های خشکی که می‌خوانند و بعد هم معلوم نیست به چه کارش می‌آید، دو واحد درسی مطهری شناسی بگذارند، چهارتا آدم که مطهری را می‌شناسند بیایند از فرمایشات رهبر معظم انقلاب که در همین بخش کوتاه دیدیم و فرمایشات خوبی که داشتند و حتی فرمایشات خود امام(ره) در باره ایشان بگویند.

امام در شهادت شهید مطهری که واقعا سلمه بزرگی بود آن جمله معروف را فرمودند، لایزال یعنی پیوسته، لایزال یُوَيَّدُ هَذَا الدِّينُ بِالرَّجْلِ الْفَاسِقِ. ما که اول نفهمیدیم این یعنی چی. امام می‌گوید پیوسته دین تایید شده و قوام پیدا کرده به رجل فاسق. یعنی این رجل فاسقی که مطهری بزرگ را به شهادت رسانده حواسش نیست، اتفاقا دارد دین را تقویت می‌کند.

مطهری با شهادت و خون خودش مبانی ایدئولوژیکش را تثبیت و تقویت کرد و برکت داد. مگر می‌شود بزرگی مثل حضرت امام بفرماید که آثار این شخصیت فکری بدون استثنا خوب است؟ این همه مطلب ایشان گفته‌اند. یک مورد نقض ما پیدا می‌کنیم؟

حضرت امام همان موقع گفت، این حرف‌ها باید تبیین شود. لذا اگر دو واحد درسی مطهری شناسی بگذارند، دیگران شخصیت مطهری را تبیین و تدریس

کنند، خیلی از مشکلات دیگر ما حل می‌شود. خیلی عذرخواهی می‌کنم، عرایض بنده طولانی شد، استفاده کردیم.

شنیدم آقا محمد هم فرمایشات خوبی داشتند که من محروم بودم، انشالله نوار آن را می‌گیرم و استفاده می‌کنم. از خانواده بزرگوار شهید مطهری، علی آقا و آقا مجتبی و صبیبه‌های محترم خانواده بزرگوار و دوست داشتنی شهید مطهری سپاسگزاری می‌کنم که بانی این مراسم شدند.

برای همه ما موجب خیر و برکت است. از تمام تلاش‌هایی که برای حفظ و اشاعه آثار شهید مطهری انجام می‌دهند صمیمانه سپاسگزاری می‌کنم. از همه بزرگان، روحانیت معظم و عزیزان، دوستداران و علاقه‌مندان به شهید مطهری که در این مجلس حاضر شدند و باعث گرمی و رونق این مجلس شدند صمیمانه سپاسگزاری می‌کنم.

بازدید از بافت تاریخی دهدشت



گنجهکلیو و بویراحمد، بافت تاریخی دهدشت، پارک ولایت، ۱۴۰۲/۰۲/۲۷

بسم الله الرحمن الرحيم

عرض سلام دارم خدمت همه بزرگان، خواهران و برادران عزیز. من بعضی سالها به این استان می‌آمدم و خاطرات بسیار خوبی از اینجا دارم. مردم این استان جزء بهترین مردمان هستند، صادق، متواضع، ولایتمدار، مومن و دلسوز. این چند دقیقه‌ای که هر کس فرصتی داشت صحبت کرد، نشان می‌دهد که شما الگوی خوبی برای کل ملت ایران هستید با همه فضائلی که برای این ملت شریف است.

من اینجا آمدم هم برای ادای احترام به شما بزرگواران و هم برای حل مشکلاتی که به وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی مربوط می‌شود. عرض احترام دارم خدمت حاج آقا موحد. من به ایشان ارادت خاصی دارم. هنوز بعضی از این جوانان به دنیا نیامده بودند که من در کنار آقای موحد در مجلس چهارم دوستی و همفکری خودمان را شروع کردیم و تا امروز ادامه دارم.

از اینکه بانی خیر و باعث شدند من زودتر به اینجا بیایم ممنونم. البته یاسوج و دهدشت جز برنامه‌های من بود ولی با پیگیری ایشان زودتر خدمت شما رسیدم. ایشان لطف می‌کنند و در مجلس همیشه پشتیبان ما هستند و در برنامه‌هایی که ما داریم همیشه از حمایت ایشان بهره‌مند شدیم.

چند موضوع را مطرح می‌کنم. اولاً درخصوص این باغ بزرگ و خوبی که دیده شد (باغ بالقیس) گفتم یک اعتباری برای آن بگذارند. انشاءالله بتوانیم یک مقدار آن را تکمیل کنیم. باغ ارزشمندی است، معماری خوبی دارد، درختان خوبی دارد، کلکسیونری از بهترین گونه‌های گیاهی است و برای محیط زیست خیلی خوب است.

از آقای دکتر سلاجقه رئیس محیط‌زیست که دوستی خوبی هم با ایشان دارم، تقاضا می‌کنم باینکه از نزدیک این باغ را ببینند و برای تکمیل آن مشارکت کنند.

انشاءالله یک اعتباری می‌گذاریم و وضعیت این باغ را آبرومندتر می‌کنیم.

من با مردم صحبت کردم و از آنها پرسیدم که مشکلات آنها چیست؟ خانواده‌هایی که بودند بدون واسطه گفتند که مشکلاتشان چیست.

نکته دوم در مورد این بنای تاریخی است. همانطور که قبلاً گفتم متأسفانه بعضی‌ها دانش حل مشکلات را ندارند. اگر ما می‌گوییم یک بنای تاریخی که جلوی چشمان ما دارد نابود می‌شود به بخش خصوصی می‌دهیم، برداشت دیگری می‌کنند.

برادر عزیزمان از اتاق بازرگانی به خوبی توضیح دادند، این سیاست دولت مردمی آیت‌الله رئیسی است، ما اینها را بعد از مزایده در اختیار مردم قرار می‌دهیم، قرارداد می‌بندند، تحت نظر ما مرمت می‌کنند، بعد استفاده می‌کنند، محل اقامت، یا رستوران و یا محیط فرهنگی می‌کنند. این کار در کشور به سرعت دارد انجام می‌گیرد.

اگر وارد سایت صندوق احیاء ما بشوید بناهای بسیار زیبایی خواهید دید که باورتان نمی‌شود این بناها یک زمانی مخروبه‌ای بیش نبوده و حالا آباد شده است. عکس قبلش را انداختند، عکس بعدش را هم انداختند، من بعضی مواقع می‌روم اینها را افتتاح می‌کنم، فوق‌العاده آبرومند است.

من دفعه دیگر که به اینجا آمدم حتماً برادر عزیزمان که اینجا صحبت کردند، مسئولیت پذیرفتند و قرارداد دارند که اینجا را تکمیل کنند، این کاروانسرا را جز زیباترین کاروانسراهای کشور خواهند کرد تا مایه افتخار مردم دهدشت شود. هر کمک دیگری هم اگر در ادامه لازم است، هرچند همه در قرارداد آمده است، باز هم انجام می‌دهم.

آخرین نکته‌ای که از من درخواست شد راجع به بافت تاریخی است. چون شما مردم بسیار روشنی هستید، خوب است مسائل کشور را بدانید. یکی از مشکلات کشور ما بافت‌های تاریخی است، از یک طرف باید اینها حفظ شود، مردم می‌خواهند این بافت تاریخی که هویت آنهاست حفظ شود و از طرف دیگر هم اعتبارات دولت، بودجه عمومی اقتضای بسیاری از این کارها را ندارد. لذا ما راه‌های میانبر پیدا کردیم و دنبال راه‌حل هستیم.

مدیر کسی نیست که فقط توصیف کند، مدیر باید راه‌حل ارائه کند، مدیر باید اقدام عملی کند. دولت اعتبارات لازم برای خرید همه بناهای بافت تاریخی را ندارد. امروز دولت مشکلات جدی درباره معیشت مردم دارد، مسأله تورم را دارد که از سال‌های گذشته به ارث رسیده است.

تمام هم و غم رئیس‌جمهور و دولت این است که با اولویت مشکلات

معیشتی مردم را حل کنید. پس ما باید دنبال راه‌حل‌های دیگری باید باشیم. من جادارد از آقای دکتر احمدزاده استاندار تشکر کنم که لطف کردند همراه ما به این سفر آمدند، در مسیر هم گزارش‌های خیلی خوبی از ایشان شنیدم. ایشان دنبال راه‌اندازی کار هستند، همین بافت تاریخی را بررسی کردند، ۱۴ مورد را اقدام کردند و برای زمین معوض و جایگزین اقدام می‌شود.

در مورد بقیه هم این کار انجام می‌شود. در مورد زمین‌های کشاورزی با دستور آقای رئیس‌جمهور این مسئله را تقریباً در کشور سر و سامان دادیم، اگر کسی یک تکه زمین کشاورزی دارد که روی تپه تاریخی قرار گرفته زمین معوض داده می‌شود.

من خیلی از اینها را بازدید کردم، خیلی مفصل‌تر از اینجا، همان‌جا توافق کردیم و وزیر کشاورزی تعهد کرد، در دولت مصوب شد که زمین‌هایی از سازمان جنگل‌ها و مراتع معوض در اختیار کشاورزان قرار بگیرد تا در آن زمین اصلی که باید کاوش شود و کار میراث فرهنگی روی آن انجام بگیرد، بدون عجله، سرصبر با اعتبارات خودمان بتوانیم این کار را انجام بدهیم. در مورد زمین‌های کشاورزی تقریباً در سراسر کشور مشکلی نیست، می‌ماند زمین‌های دیگری که بناهای مسکونی است که هر جا به اقتضاء داریم این کار را پیگیری می‌کنیم.

به شما عرض کنم یک جایی که ما این را حل کردیم در کلاردشت بود. وقتی من روی یک تپه‌ای رفتم جمعیت زیادی جمع شده و صاحبان آن زمین کشاورزی بودند. از سال ۴۲ و از زمان رژیم سابق که به آنها بی‌توجهی شده بود این کشاورزان معطل بودند تا به امروز. امروز در جمهوری اسلامی مشکل آنها تقریباً حل شد، زمین‌های معوض به آنها داده می‌شود و از آنها عذرخواهی هم می‌شود که اینقدر معطل شدند.

انشالله در مورد اینجا هم همین طرح را جلو می‌بریم. از زحمات آقای استاندار هم تشکر می‌کنم. نگران نباشید، آمدیم کار را انجام بدهیم. من به شما قول می‌دهم با بزرگواری‌ای که همه مسئولان اجرایی دارند، همکاری‌ای که خودتان دارید، مردم فهیمی که اینجا کار می‌کنند و بخش خصوصی که با ما قرارداد دارند که این کارها را انجام بدهند، انشاءالله مشکلات حل می‌شود. با کمک شما حتماً اینجا در آینده به صورت معنادار مورد تغییر قرار می‌گیرد و در آینده نه چندان دور شاهد این تغییر معنادار خواهید بود.

جسواره ملی فرهنگ عشایر ایران زمین



کمکلیویه و بویر احمد (یاسوج)، پارک ولایت، ۱۴۰۲/۰۲/۲۷

بسم الله الرحمن الرحيم

به همه شما بزرگان ادای احترام می‌کنم، به بزرگان ایل، به عشایر پر افتخار ما که شناسنامه ایران بزرگ هستند، همه خوبی‌ها، زیبایی‌ها، فضیلت‌ها در اینجا یکجا جمع شده؛ چقدر خوش سلیقگی به خرج دادید در برنامه‌هایی که اینجا اجرا شد، انواع موسیقی‌های خوب و باهویت و شعرخوانی‌های حماسی و باهویت، فوق‌العاده ارزشمند بود و من صمیمانه از دوستانی که زحمت کشیدند و این برنامه را تدارک دیدند که ادامه خواهد داشت.

چند روزی به این بهانه، فرهنگ عشایر، فرهنگ قومی، فرهنگ متعالی ما اینجا جمع شده، که میزبانی آن با یاسوج و استان کهگیلویه و بویراحمد است. من صمیمانه به خاطر این تلاش‌ها از شما سپاسگزاری می‌کنم.

کوچ یک رویداد زیبا و برجسته انسانی است، در کوچ، در ایل، در حرکت عشایر بسیاری از فضیلت‌های انسانی را می‌توانیم ببینیم. من سه گزاره به شما بگویم، آن کسانی که می‌خواهند از کوچ عشایر درس بگیرند به این سه مورد توجه بکنند:

۱- امروز مدیریت پیشرفته در دنیا معتقد است که سازمان‌ها با محیطش خوب شناخته می‌شود، سازمانی موفق است که محیطش را خوب بشناسد و به موقع بتواند محیطش را عوض کند. کوچ عشایر مصداق بارز محیط‌شناسی است که متناسب با محیط خودش مدیریت می‌کند و سازمان ایل و عشیره را سامان می‌دهد و بهترین نتیجه را می‌گیرد. این خیلی ارزشمند است.

۲- وقتی حرکت می‌کنید، تحول همراه تحمل است، این دو همیشه با هم هستند؛ اگر کسی خیال کرد که می‌تواند تحولی ایجاد کند بدون اینکه سختی

ببیند و بدون اینکه تحمل کند، حتماً به بیراهه رفته است. اگر تحول ایجاد می‌شود و این از یک نقطه به یک نقطه دیگری برای ادامه حیات و حیات‌بخشی به هموعان خودش می‌رود؛ همراه با تحمل و سختی است. در ایل بهترین سازماندهی و تقسیم کار صورت می‌گیرد، هیچ کس در جریان کوچ بیکار نیست، هیچ کس تماشاگر نیست؛ از کودک تا پیرمرد، جوان، زن‌ها و دختران همه آنها تقسیم مسئولیت می‌کنند و در جریان کوچ کار می‌کنند.

این برای یک‌جانشین‌ها، برای شهری‌ها، برای کلاتشهرها که امثال من به آنجا تعلق داریم، بهترین درس است که برای یک کار ارزشمند همه چیز باید تقسیم شود و هر کسی بر سر کاری باشد. این خیلی مهم است؛ ضمن اینکه در کوچ همه عادت می‌کنند که با هم باشند، چقدر این شعرها را خوب خواندند و این معانی را در این جلسه خوب منتقل کردند.

اگر کوچ انجام می‌گیرد و ایل حرکت می‌کند از یک دامی که باردار است تا یک پیرزن و پیرمرد و بیمار، همه باید با هم بروند؛ یک عده نمی‌توانند بگویند ما قوی‌تریم حرکت می‌کنیم، بقیه اگر آمدند، آمدند و نیامدند هم ما راه خودمان را می‌رویم!

ایل دسته‌جمعی است، ایل احترام به بزرگترهای خودش می‌گذارد، ایل محور، ستون و خیمه دارد، اینها همه برای دنیای امروز درس است، برای دنیای بی‌هویت امروز درس است، برای کسانی که به زور یکسان‌سازی را می‌خواهند به دنیا حاکم کنند و فرهنگ‌ها را از بین ببرند و نابود کنند، برای جایی مثل ایران که ایل و عشایر شناسنامه این کشور بزرگ هستند، اینها همه درس است! این آداب، این سنت‌ها، اعتقادات و فضیلت‌ها، وقتی پایدار می‌شود و می‌ماند، می‌تواند فرهنگ ملی ما را پایدار کند.

۳- استفاده از همهٔ داشته‌ها، معمولاً در مدیریت امروز داشته‌ها فراموش می‌شود، امکانات مورد بی‌مهری قرار می‌گیرد، چه امکانات انسانی، چه امکانات سخت‌افزاری و تجهیزات، ایل و کوچ به ما می‌آموزد که از همه چیز باید بهترین استفاده را بکنیم؛ امروز وقتی ما از فناوری صحبت می‌کنیم، یک موقع فن‌آور است، یک موقع فناور است.

این را به جوان‌ها عرض می‌کنم؛ یک موقع کسی کامپیوتر جمع می‌کند و می‌گوید من می‌خواهم فناوری کنم، آن یک مشت سخت‌افزار است که خیلی وقت‌ها هم به درد نمی‌خورد خودش و بیال گردن است اما کسی که فناوری دانست یعنی دانش را دانست، مهارت را دانست و از کمترین امکانات می‌تواند بیشترین استفاده را کند.

وقتی کوچ انجام می‌شود، ایل راه می‌افتد، از یک طناب، از یک امکان ساده، از تجهیزات بسیار ابتدایی بهترین و بزرگترین و مؤثرترین روش‌ها صورت می‌گیرد، دانش و مهارتش است؛ اینها برای شهری‌ها درس است، برای یکجانشینی که باعث شده محیط‌زیست و منابع از بین برود، اینها همه درس است. ما هر چه که می‌خواهیم یاد بگیریم از همین کوچ که زیباترین رویداد بشری است باید بیاموزیم.

من از شما ممنونم، عزیزانی که در این استان هستید، عشایر بویراحمدی که عمدهٔ عزیزانی که کوچ اینجا را انجام می‌دهند، مربوط به عشایر قشقایی هستند و بقیه. من دو هفته قبل کوچ عشایر دشت مغان را رفتم، آنها هم مثل شما و عشایر شاهسوند یکی از بزرگترین کوچ‌ها و ایل‌ها هستند که آنها هم مایه افتخارند. همهٔ شما باعث حفظ هویت و فرهنگ ملی ما هستید و به همه شما افتخار می‌کنیم.

از همه کسانی که زحمت کشیدند. از آقای طالبی‌پور اداره میراث، فرمانده سپاه که بخش بزرگی از این اقدام در مورد این مجموعه را سپاه و دوستان انجام دادند، از فرمانداری، شهرداری، شورای شهر و نیروهای انتظامی و بخصوص هنرمندان عزیز و کسانی که برنامه اجرا کردند و باعث هویت و رونق این مراسم شدند، صمیمانه سپاسگزاری می‌کنم.

دومین مراسم تجلیل از چهره‌های ماندگار حوزه میراث فرهنگی



سالن آمفی تئاتر وزارتخانه. ۱۴۰۲/۰۳/۲۷

بسم الله الرحمن الرحيم

سلام عرض می‌کنم خدمت همه بزرگان و سروران عزیز خودم، بزرگان میراث فرهنگی و نخبگان و فرهیختگان عزیزمان، همکاران عزیز، فعالان حوزه میراث و به ویژه رسانه‌ها و مهمانان بزرگواری که تشریف دارند. از حضور جناب آقای دکتر دشتی هم سپاسگزاری می‌کنم، رئیس محترم فراکسیون گردشگری مجلس که انصافاً با نگاه متریقی و متعالی همراهی خیلی خوبی با ما در طول این دو سال داشته‌اند.

چهره‌های فرهنگی خیلی خوبی در این جمع هست و من نمی‌توانم اسم همه را ببرم، بخش زیادی را می‌شناسم اما لازم می‌دانم از تعدادی از کارگردانان بزرگ کشور که سرمایه‌های ملی ما هستند و کارهای بسیار ماندگاری را انجام داده‌اند تشکر کنم. جناب آقای احمد رضا درویش، جناب آقای لطیفی، جناب آقای عسگرپور، جناب آقای صدرعاملی و سرکار خانم درخشنده که حق بزرگی بر سینمای ملی و هنرهای نمایشی ما دارند و نقش بسزایی در ترویج و تقویت میراث فرهنگی کشور داشته‌اند.

جا دارد از جناب آقای دکتر دارابی و همکاران عزیز ایشان که ابتکار خیلی خوبی به خرج دادند تشکر کنم، هم پیشنهاد و هم ابتکار از خود عزیزان بود و هم صفر تا صد برنامه‌ریزی که شاهد هستید، به ویژه کارهایی که در پشت‌صحنه انجام می‌گیرد و من فقط مصرف‌کننده نهایی هستم که خدمت شما می‌رسم.

چنین کاری صددرصد ضروری بود. تجلیل از بزرگان و چهره‌های ماندگار

میراث‌فرهنگی در واقع تکریم میراث‌فرهنگی و هویت ملی مردم عزیز ما است، اینها پل و رابط و نشانه هستند، تعبیر قرآنی می‌گوید: «وَعَلَامَاتٍ وَبِالنَّجْمِ هُمْ يَهْتَدُونَ»، بخصوص کشور عزیز ما که در رأس ملت‌های دنیا قرار دارد.

با این تاریخ بسیار پرارزش و هویت ملی ما این عزیزان، چهره‌های ماندگار، مفاخر ما و شناسنامه‌های ما هستند. ایشان علامت‌های هدایت به سمت همه فضیلت‌های ملی ما هستند.

شخصیت‌هایی هستند که خودشان نه از روی تعصب به میراث‌فرهنگی بلکه براساس یک شناخت عمیق و اعتقاد و باور کاملاً صادقانه در این راه گام نهادند. ده‌ها سال از عمر پربرکت خودشان را صرف و شاگردان زیادی را در نسل‌های مختلف تربیت کردند و مایه افتخار ملی هستند.

متأسفانه یکی از مشکلات حوزه میراث‌فرهنگی کشور، اقدامات رسانه‌ای نامناسب در همه ابعاد بود که بخش زیادی از آن مربوط به معرفی آن چیزی است که ما داریم؛ ما نتوانستیم درست معرفی کنیم.

من اخیراً برای سفرای جمهوری اسلامی در دنیا در یک سمینار صحبت کردم، یکی از آنها گفت شما آن زمانی که در صدا و سیما بودید بخشی از کارهایتان را صرف معرفی میراث‌فرهنگی و گردشگری می‌کردید، اوضاع بهتر بود، من در همان‌جا تأیید کردم، براساس همین نکته‌ای که آقای امیراحمدی گفتند این هشتگ اشتباهات مدیریتی من است.

گفتم که اگر من به جای فلان و بهمان کار (اجازه بدید آن دو کار را در اینجا نگویم تا عرایض بنده به حاشیه نرود) من این کار را کرده بودم و وقت و انرژی و تمرکز خودم را روی این گذاشته بودم حتماً وضعیت بهتر از این بود، اما هیچ‌وقت دیر نیست.

ما باید میراثمان را معرفی کنیم، بخصوص کسانی که رسانه‌ای هستند و در این جلسه خوشبختانه همکاران رسانه‌ای ما زیاد هستند. ما باید میراث‌فرهنگی مان را معرفی کنیم، هم ملموس و هم ناملموس. بعضی‌ها به من می‌گویند که شما وقتی در ابنیه تاریخی می‌روید و به قول بچه‌های رسانه پلاتو می‌خوانید این کار سبکی است.

وزیر نباید برود کنار یک جا و بگوید که اینجا طاق کسری و یا کاخ اردشیر بابکان است، جوابی که من به آنها می‌دهم این است که من از مطهری یاد گرفته‌ام. وقتی به او گفتند که شما داستان راستان ننویس، سطح شما بالاتر از این حرف‌هاست شما فیلسوف، مفسر و فقیه هستید و نمی‌شود که کتاب داستان بنویسید، آقای مطهری گفتند این حرفی که شما می‌زنید از یک دل و مغز بیمار درمی‌آید.

آنجایی هم که من لازم باشد کتاب داستان بنویسم، می‌نویسم. اتفاقاً با صدای بلند هم اعلام می‌کنم و در مقدمه کتاب داستان راستان هم با صدای بلند اعلام کرد، کسانی که به من این را می‌گویند دچار یک نوع بیماری هستند و باید بروند و خودشان را علاج کنند.

حالا آن در حوزه کتاب و این در حوزه میراث ارزشمند است. بارها گفته‌ام اگر شرف‌المکان بالمکین درست است، شرف‌المکین بالمکان هم درست است، یعنی شما وقتی در یک مکانی هستید حالا در آن مکان یک مکتبی پیدا می‌کنید حرف‌تان نفوذ بیشتری پیدا می‌کند.

پیرمردی که زیر آن سقف لایزال به صورت مستمر کاشی‌کاری‌های قرآنی و روایی را کار می‌کند، (آن سقف بلند ۵۰ متر است و دارد زیر این سقف کار می‌کند و شما وقتی زیر گنبد سلطانیه قرار می‌گیرید وحشت می‌کنید از دیدن داریست‌هایی که آن بالا است).

عکس‌های بیست سالگی خودش را به من نشان می‌دهد و الان هفتاد را رد کرده است و پنجاه سال است که روی داریست دارد این کارها را انجام می‌دهد، این دست بوسیدن دارد. با افتخار بگویید، وقتی شما رفتید با افتخار در کنار آن مکان حالا مکین شما در واقع معنا پیدا می‌کند.

عزیزان ما و چهره‌های ماندگار ما که امروز افتخار حضورشان را داریم و همه ما به آنها ادای احترام می‌کنیم و در اینجا به نمایندگی از یک جمع بزرگ ملی، شأن و منزلت آنها را ستایش می‌کنیم، در واقع دارند همین کار را انجام می‌دهند. با رفتار و سلوک و زهد خودشان، با اعتقاد راستین خودشان پلی بین این نسل و نسل‌های گذشته هستند و در واقع انتقال‌دهنده همه ارزش‌هایی که به آنها اعتقاد داریم.

در صحبت‌هایی که برای عزیزان‌مان در حوزه میراث‌فرهنگی دارم تأکید زیادی در مورد میراث ناملموس دارم. میراث ناملموس ما آن ۳ هزار موردی نیست که ثبت شده است و آن ۲۱ موردی که ثبت جهانی شده است، نیست.

آن سهمیه‌ای است که سالیانه به ما می‌دهند و امسال آقای دکتر دارابی ابتکار بسیار خوبی به خرج دادند و در یک بار چهار مورد از ارزش‌های ناملموس ما را هم به ثبت جهانی رساندند. این کار استثنائی بود و بعضی از کشورهایی که سهم داشتند از سهم آنان نیز استفاده کردیم، ولی ایران محور این آثار ارزشمند ناملموس بود. ۲۱ مورد جهانی و حدود ۳ هزار مورد ملی است.

غیر از اینها که اصلاً و اصالتاً ناملموس هستند و مربوط به رفتار، آئین و رسوم، مناسک و فضیلت‌های ملی ما در طول هزاران سال می‌باشند، همان‌هایی هستند که ملموس‌اند که حدود ۳۵ هزار مورد است.

آنهايي هم که ناملموس هستند براساس یک فکر و فلسفه، اعتقاد و باور، هنر و مهارت آرام آرام تبدیل به یک چیزی مانند گنبد سلطانی و بقعه شیخ صفی شده است. این فقط کالبد خودش نیست که بگوییم یک معماری و مهندسی درجه یک و تاریخی و تمدنی است و دنیا هم سر تعظیم فرود می‌آورد، بلکه همان هم براساس یک باور و فرهنگ ناملموس است.

ما یک مقدار به فرهنگ ناملموس بی‌توجه هستیم. بعد از انقلاب روی این موضوع برنامه‌ریزی نکرده‌ایم. من یک بار در مورد معماری گفتم و همه حمله کردند. کسانی متأسفانه در کشور شاقول هستند! بعد که آرام آرام روشن شد که منظور ما چیست، پذیرفتند آن معماری که باید براساس فلسفه اسلامی و دینی شکل بگیرد و در شأن انقلاب اسلامی باشد، اصلاً در این ۴۴ سال به سمت آن نرفته‌ایم.

اولین قدم این است که اشتباهات خودمان را بپذیریم و بعد درصدد جبران آن بریاییم. خیلی از ویژگی‌های ملی و فرهنگی ما عین دستورات اصیل اسلام و نگاه توحیدی است، خیلی غفلت کرده‌ایم و به زبان نیاورده‌ایم. فکر کردیم چیز دیگری را می‌توانیم جایگزین کنیم، ما آن را هم بلد نشده‌ایم و نتوانسته‌ایم. یک مقدار روی این چیزها روی هوا قرار گرفته‌ایم.

وقتی درباره دو کتیبه آن خانم راهنما توضیح می‌دهد که کتیبه داریوش و خشایار شاه، یک متر پایین‌تر آمده است، آن پدر و آن یکی پسر است و به احترام پدر یک متر پایین‌تر آمده است این عین و «قُرُوا كِبَارَكُمْ» است که شما در خطبه شعبانیه پیامبر اسلام در ورود به ماه مبارک رمضان می‌خوانید.

در آن چند عبارتی که دارد «وَقُرُوا كِبَارَكُمْ وَارْحَمُوا صِغَارَكُمْ» دو راهبرد کلیدی است، یکی اینکه بزرگان را تکریم کنید که امروز برای همین کار جمع شده‌ایم و در ادامه هم می‌گویید

«وَارْحَمُوا صِغَارَكُمْ»، نسبت به جوانان و کوچکترها هم وَارْحَمُوا باشید و دستی به سر آنها بکشید، آنها را درک کنید و زبان‌شان را بفهمید. اگر خطایی می‌کنند گذشت کنید، جوان است. هر دو با هم است.

اگر من در اینجا به نماینده محترم مجلس آقای مفتاح می‌گویم که نتوانستیم به جوانان یاد دهیم که احترام بزرگتر را حفظ کنند یک دلیل آن این است که بزرگتران ما خودشان احترام خودشان را حفظ نکرده‌اند. یکی خود من؛ کجا حفظ نکرده‌ایم؟!

آنجایی که باید «وَارْحَمُوا صِغَارَكُمْ» باشیم که رهنمود پیامبر عالیقدر اسلام است. آن را نکرده‌ایم ولی فکر می‌کنیم که همه باید اگر سنی از ما گذشته است، به ما احترام کنند. اصلاً این طور نیست و اصلاً قاعده‌اش این نیست. یک بخش را فراموش کرده و توقع بیخود پیدا می‌کنیم.

خطبه شعبانیه پیامبر اکرم درباره ماه رمضان: «قُرُوا كِبَارَكُمْ وَارْحَمُوا صِغَارَكُمْ وَصَلُّوا اَرْحَامَكُمْ» به بزرگترهائیان احترام بگذارید و با کوچکترها مهربان باشید و صلۀ رحم کنید.

برای افتتاح هفته صنایع دستی به اصفهان رفته بودم و در آنجا هم یک مراسم خوبی در تکریم چهره‌های ماندگار صنایع دستی بود، خیلی مراسم باشکوه و معنوی بود.

نیم ساعت بین مردم بودیم برای اینکه چند مورد را افتتاح کنیم؛ وقتی داشتیم سوار ماشین می‌شدیم دو جوان آمدند و گفتند که می‌شود به ما کمک کنید، گفتیم چه شده؟

گفتند ما در این چهارباغ داشتیم راه می‌رفتیم نیروی انتظامی جلوی ما را گرفت و شناسنامه و کارت ملی دوست ما را گرفت و گفت که دنبال ما نیاید، بعداً به شما می‌گوییم که کجا بیاید. این جوان خیلی نگران بود. گفتم چشم و اگر آبرویی دارم برای شما پیگیری می‌کنم. شماره تلفن‌تان را بدهید. سوار ماشین که شدیم تا فرودگاه به ناجا زنگ زدیم، به معاون محترم نیروی انتظامی اصفهان گفتم که من نمی‌دانم این دو جوان چه کرده‌اند، می‌شود ما ریش‌گرو بگذاریم و خواهش کنیم و ما واسطه شویم و هر چه بوده بگذرید و بگذارید این جوان امشب شناسنامه و کارت ملی همراهش باشد و برود خانه.

گفتند که الان پیگیری می‌کنیم. ده دقیقه بعد گفتند که انجام شد، صدایشان کردیم و مدارک را دادیم و حل شد. نیم ساعت بعد آن جوان به من یک پیامک زد، نمی‌خواهم آن پیامک را در اینجا بخوانم، ولی چقدر راحت اگر ما وقت کنیم و توجه کنیم.

می‌شود با یک توجه کوچک، «وَارْحَمُوا صِغَارَكُمْ» کرد. خود بچه‌های نیروی انتظامی هم خیلی خوشحال بودند و اینها همه دنبال بهانه هستند، یک بهانه‌ای که خیلی از مشکلات جمع شود. اینها بچه‌های ما هستند، اینها نسل‌های جدید ما هستند که ما نتوانستیم؛ من ضرغامی با همه ادعایم نتوانسته‌ام با آنها دو کلام حرف بزنم.

این جمله من نیست، جمله رهبر معظم انقلاب است و در ماه‌های اخیر فرمودند که لسان قوم نمی‌دانیم ولی ادعا می‌کنیم. همه تربیون‌ها را هم برای خودمان نگه می‌داریم. دوباره در همین دو هفته پیش فرمودند که با زبان چهل سال قبل دیگر نمی‌شود حرف زد.

اگر زبان را بلد نیستید بروید مترجم بگیرید، اگر هم مترجم نمی‌گیرید، یک نفر را هم که دارد با زبان آنها حرف می‌زند را تکفیر نکنید. آن جوان اگر درست رابطه برقرار کند و بتواند با شما حرف بزند خیلی از مشکلات حل است. «وَارْحَمُوا صِغَارَكُمْ» را رها می‌کنیم، حتی یک جایی بزرگان را به دلایل اجتماعی، شخصی و سیاسی کنار می‌زنیم.

سابق بر این در محله‌ها دعوا می‌شد، آقای بنیان‌معاون سازمان مدیریت بیست سال پیش به من گفت که عده‌ای در محله‌ها بودند، دعوا که می‌شد (من

دارم راجع به میراث فرهنگی ناملموس صحبت می‌کنم، کاملاً در موضوع دارم صحبت می‌کنم) به هر دلیلی بزرگ آنجا بودند، یا پهلوان بوده و یا میاندار زورخانه بوده است یا امام جماعت مسجد بوده و یا یک پیرمرد متخلقی بوده است، وقتی در آنجا وسط می‌آمده و می‌گفته که صلوات، غائله تمام می‌شد.

او می‌گفت آن کسی که باید بگوید صلوات امروز نیست و ببینید که شما باید چند میلیارد پول بدهید و پرونده قضایی تشکیل دهید و دعوا را حل کنید. آنکه باید جمع کند نیست. راحت می‌شود جمع کرد. ما بزرگتر برای خودمان نمی‌گذاریم. تنگ نظری می‌کنیم؛ خودم را عرض می‌کنم.

اگر این اشتباهات بوده است، باید آرام آرام جبران کنیم. میراث ناملموس ما همین‌هاست. بخش عظیمی از میراث فرهنگی ناملموس ایرانیان عین دستورات اسلام است، اصلاً تعارض ندارد، برخی همیشه به دنبال تعارض هستند. من می‌گویم که عین هم است.

هفته قبل یک موضوعی پیش آمد و یک نفر یک گزارشی از یزد (ولایت جناب آقای دشتی) به من داد. ۱۰۶ سال قبل در یزد آقای به نام حاجی اکبری (یا اسم دیگری که الان در ذهنم نیست) یکی از تجار معروف و مسلمان آنجا قصد سفر داشته است (این را سه سال قبل گزارش تهیه کردیم و خبری هم شده است).

اسناد و اموال خودش را به آقای سهراب کیانیان رئیس انجمن زرتشتیان یزد (آتشکده‌ای که در یزد، معاصر ساخته شده است کار آقای سهراب کیانیان است) می‌دهد و می‌گوید من به مسافرت می‌روم و این اسناد من در پاکت در بسته را وقتی برگشتم از شما می‌گیرم.

او به سفر می‌رود و در سفر حادثه‌ای برای او پیش می‌آید و از دنیا می‌رود و برادر عزیز زرتشتی ما که خدا او را رحمت کند (قصه برای ۱۰۳ سال قبل است) می‌ماند که این را به چه کسی بدهد. سه نسل به فرزندان خودش می‌دهد و می‌گوید که چنین قصه‌ای است و هر وقت فرزندان و نوادگان او را پیدا کردید این را به آنها بدهید که برای پدر و پدربزرگشان است.

سه نسل این نامه در بسته و مهمور، ۱۰۳ سال چرخیده است تا زمانی که آقای فاطمی عزیز ما که الان همکار ستادی ما هستند و مدیر میراث فرهنگی یزد بودند

این مسئله را مطلع می‌شوند و می‌روند که نوادگان این فرد را پیدا کنند. خیلی می‌گردند و پیدا می‌کنند.

در آمریکا و کشورهای خارجی بودند. تماس می‌گیرند و می‌فهمند که این برادرزاده اوست و آن اصلی نیست. دوباره بعد از تحقیق زیاد یک خانمی را پیدا می‌کنند که ایشان نوه آن تاجر است و بعد که می‌آورند؛ می‌گویند که باید همه فرزندان بیابند، ما خاطرم‌ان جمع شود و همه اعتماد کنند و این امانت را به بازمانده‌های ایشان بدهیم.

۱۰۳ سال این نامه مه‌هور بوده و بعد هم که باز می‌کنند اسناد مالی، روزنامه‌های آن موقع و سند یکی از املاک او بوده است. هر چه که بوده این هموطن عزیز زرتشتی ما با سفارشی که کرده، مصداق آن امانتداری است که پیامبر عالیقدر اسلام قبل از اینکه به رسالت مبعوث شود مشهور و معروف به آن بود. در عربستان امانتداری یک اصالتی دارد و قبل از اسلام پیامبر ما به محمد امین (ص) موصوف بوده است، ایرانیان و زرتشتیان هم همین‌طور بودند.

باید به دنبال اشتراکات باشیم و این فقط مربوط به یک جریان و یا یک قشر و یک جناح نیست، همه‌مان یک وقت‌هایی به کوچک‌ترین بهانه‌ای به قول مهندسان دسته و گوه چکش را روی این گسل‌ها می‌گذاریم به جای اینکه پل و یا آداپتور بزنیم و نزدیک کنیم.

خیلی وقت‌ها می‌گویم که ذره‌بین چیز خوبی است (چون رشته من این است می‌گویم)، شاقول خیلی خوب است، تراز خیلی خوب است ولی در مهندسی وقتی می‌خواهید دو تا آجر بگذارید، اگر یک مقدار کج بگذارید تا ثریا می‌رود دیوار کج.

به حضرت عباس در کارهای اجتماعی شاقول و ذره‌بین مذموم است و تراز نداریم. آن کسانی که خودشان اوج ناترازی هستند، تراز کارهای دیگران می‌شوند و خیلی هم خوب سرشان را بالا می‌گیرند و مدعی همه چیز هستند. خودم را دارم عرض می‌کنم.

همکاران ما در میراث‌فرهنگی، بزرگان ما، کسانی که در این حوزه استخوان خرد کرده‌اند، چه ملموس، چه ناملموس. پرچمدار همه فضائل و خوبی‌ها و همه

ارزش‌هایی هستند که متعلق به این ملت است. با بزرگواری و تواضع و پدری که می‌کنند انشالله بتوانیم این فرهنگ ارزشمند چند هزار ساله خودمان را معرفی کنیم و در اختیار نسل‌های جدید قرار دهیم. انشالله ایرانی بسیار ارزشمند و پرافتخار در آینده برای خودمان بسازیم. خیلی ممنون از اینکه به عرایض من توجه کردید.

اختتامیه اولین دوره جشنواره سلاله



تهران، هتل ارم، ۱۴۰۲/۰۸/۰۸

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عرض سلام و احترام دارم خدمت عزیزان، سروران، خواهران و برادران بزرگوار. تشکر می‌کنم از برگزاری این نشست ارزشمند تحت عنوان سلاله. سلیقه خوبی برای نامگذاری پیدا کردید. انشالله منشا اقدامات ارزشمندی خواهد بود.

از آقای خاموشی برادر بزرگوارم تشکر می‌کنم. در کنار تمام خدمات ارزشمندی که در طول این مدت انجام دادند و در کنار همکاری‌هایی که با حوزه وزارت ما داشتند این کار ارزشمند را انجام دادند و بانی خیر شدند تا من خدمت شما برسم و از محضرتان استفاده کنم.

لازم می‌دانم به شهدای فلسطین و حماسه عظیم غزه ادای احترام کنم که به اعتقاد من مبدا تاریخ جدیدی در جنبش‌های انقلابی و اسلامی در سراسر دنیا است. این تاریخ، به قبل و بعد حماسه غزه تقسیم خواهد شد.

هنوز ابعاد عظیم این رویداد جهانی روشن نشده است؛ اینکه رژیم صهیونیستی به در و دیوار می‌زند و زنان و کودکان را شهید می‌کند به دلیل این است که می‌داند چه اتفاقی برای این موجود نامشروع افتاده است.

این که فرمودند «بِالنَّجْمِ هُمْ يَهْتَدُونَ» مصداق آن همین مجاهدان بزرگی هستند که مانند ستارگانی هدایت می‌کنند در دنیای ظلمانی عصر ما، که فناوری‌های نوین در خدمت سیاه کردن و ظلمانی‌تر کردن دنیا هستند.

این اتفاقات مانند ستارگانی است که راه را باز می‌کند و مردم دنیا را هدایت می‌کند. این‌ها اعلم‌الهدی و نشانه‌های هدایتی هستند که وقتی اتفاق می‌افتد مجدد راه روشن می‌شود برای کسانی که راه را گم کرده‌اند.

آن جایی که قرآن **مطففین** را نکوهش می‌کند؛ «**فویل للمتفین**» و در آیه بعد توضیح می‌دهد که **مطففین** چه افرادی هستند «**الَّذِينَ إِذَا أَكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ وَإِذَا كَالُوهُمْ**» **مطفف** کسی است که وقتی معامله می‌کند از طرف مقابل وقتی می‌گیرد تمام و کمال می‌گیرد **چه وزن و چه کیل** باشد اما وقتی می‌خواهد بدهد کم می‌گذارد که این حکایت **مطففین** است. به تعبیر شهید بزرگوار **مطهری کل دنیا و رفتار انسان‌ها معامله است.**

با توجه به آیات قرآنی همه رفتار انسان **اعم** از کنش و واکنش‌ها نوعی معامله است، به گونه‌ای که چیزی می‌دهد و در مقابل آن چیزی می‌گیرد، بنابراین این آیات شریفه در مورد همه حالات زندگی ما و رفتار مدیریتی ما حاکم است که مبادا از کم‌فروشان باشیم.

هشدار دیگری هم در ادامه آیه می‌دهد مبنی بر این که اگر احتمال می‌دهید این کم‌فروشی که می‌کنید بعد جای دیگری رسیدگی می‌شود که چه چیزی دادید و گرفتید و مشخص می‌شود کم‌فروشی کردید که تعبیر شهید **مطهری** تعبیر عامیانه است می‌گویند؛ مانند کودکی می‌ماند که به مغازه می‌رود و می‌خواهد نیم کیلو پنیر بخرد ولی مغازه‌دار می‌خواهد کسر بگذارد اما اگر بداند برادر بزرگ‌تری در خانه دارد مجدد برادر آن کودک بگوید مقدار این پنیر کم است دوباره آن را وزن کنید حتی اگر مغازه‌دار احتمال هم بدهد این کار را انجام نمی‌دهد.

وقتی می‌گویند «**أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ**» در ادامه آیه، که قیامتی است و ترازو و وزن‌کشی است، نمی‌گوید آیا این کم‌فروش یقین ندارد که قیامت است؟ یقین نیاز ندارد؟ **الا یظن** یعنی حتی **ظن** و گمان هم نمی‌برد که روزی دوباره در کفه گذاشته می‌شود و می‌سنجند.

سوره **مطففین** آیه ۲: آنان که چون به کیل (یا وزن) چیزی از مردم بستانند تمام بستانند.

سوره **مطففین** آیه ۴: آیا آنها نمی‌دانند که (پس از مرگ برای مجازات) بر انگیخته می‌شوند.

بنابراین نتیجه می‌گیریم که شهید **مطهری** وقتی محتمل خیلی بزرگ است، این قاعده است، وقتی محتمل خیلی بزرگ است حتی اگر احتمال خیلی کم

باشد عقل سلیم حکم می‌کند که آدم حواس خود را جمع کند. از قیامت بزرگ‌تر نداریم که؛ بنابراین اگر بدانیم روزی است که چنین اتفاقی می‌افتد نیاز نیست یقین کنیم و اگر احتمال هم بدهیم باید خیلی حواس مان را جمع کنیم.

از این حکایات نتیجه می‌گیریم آن کاری که به عهده مدیریت بقاع متبرکه گذاشته شده است کار عظیمی به لحاظ اجتماعی، فرهنگی، دینی است. ما این جا را مدیریت می‌کنیم. آیا به نسبت توان و اختیارات و ظرفیتی که در این بقاع متبرکه است وظیفه و مأموریت مان را به درستی انجام می‌دهیم، یا خیر؟

من اول حدیث نفس می‌کنم برای خود و مأموریت‌هایم؟ اما تولیت و مدیریت بقاع متبرکه یک قبیله چند وجهی و منشوری است و یک بعدی نیست. ظرفیت‌های بقاع متبرکه فوق‌العاده متنوع و پر ظرفیت است. می‌توان خیلی از کارها را ذیل بقاع متبرکه انجام داد. به همین دلیل تقاضا دارم یک بار مرور کنید و خودتان در مسئولیتی که دارید ببینید آیا همه کاری که ذیل این تولیت می‌توان انجام داد همانی است که انجام می‌دهید؟

اگر همان است که دقیقا مطلوب است ولی حتما به این نتیجه می‌رسید که خیلی کارهای دیگر هم می‌شود انجام داد. برخی مواقع خداوند اختیارات و موقعیت‌هایی می‌دهد و آدم‌ها از این اختیارات استفاده نمی‌کنند.

محتکر فقط آن نیست که چند کیسه برنج احتکار می‌کند که گران شود و بفروشد آن کسی که قدرت و موقعیت مدیریتی دارد و می‌تواند خیلی از کارها را انجام دهد اگر نتواند حتما یکی از مصادیق بارز احتکار است. او محتکر است که می‌تواند تصمیم بگیرد و عمل کند اما نمی‌کند، به هر دلیلی، یا توان آن را ندارد و نمی‌گوید من توان انجام این مسئولیت را ندارم فرد دیگری را بگذارید و از دستگاه‌های نظارتی می‌ترسد. کسی که اختیارات و مسئولیت گرفت و توان آن کار را پیدا کرد، بر طبق این آیات شریفه باید جواب بدهد.

دستگاه حکمرانی جمهوری اسلامی چاره‌ای ندارد جز این که خود را با این حقیقت‌ها و واقعیت‌ها تطبیق دهد و نگذارد بین دوغ و دوشاب تفاوت نباشد، بین کسی که تلاش می‌کند و زحمت می‌کشد و کسی که صرفا نظارت می‌کند برای این که خطری متوجه او نشود.

من در سال ۱۴۰۰ نشستی در محضر شما داشتم. در آن جا به طور مفصل در مورد مسائل مشترکمان صحبت کردند. دیروز مرور کردم دیدم مطالب زیادی در آن نشست گفته شده است. از دوستانمان تقاضا کردم آن را تبدیل به جزوه کنند و خدمت آقای خاموشی بدهیم و بین دوستان توزیع کنند. نگاه و حرفهای مشترک ما در آن جزوه است.

آن چیزی که به حوزه کاری ما مربوط می شود این است که بقاع متبرکه از برجسته ترین آثار معماری اسلامی و در واقع میراث فرهنگی اسلامی است چه به لحاظ مهندسی و معماری و چه به لحاظ مسائل هنری.

انواع رشته های هنری جزء میراث ملموس و ناملموس ما هستند و مساجد هم چنین جایگاهی دارند. بعد از کاروانسراها که ثبت جهانی شد ثبت جهانی مساجد را داریم. ثبت کاروانسراها رویداد بزرگ و بی نظیری بود. این ۵۴ کاروانسرا مجموعه ای از سبک زندگی ایرانیان از دوره ساسانیان تا دوره معاصر است. ثبت جهانی ما در این سالها ۲۷ اثر بوده و دارای گستردگی زمانی و حتی گستردگی جغرافیایی بوده و در تمام کشور پخش است و فقط یک اثر خاص نیست. ثبت بعدی مان را مساجد تاریخی قرار دادیم که ظرفیت عظیمی برای کشور است.

بقاع متبرکه مصداق بارز معماری و هنر اسلامی است. مردم به دلیل اعتقاد و نیتی که داشتند در طول تاریخ بهترین ها را بنا کردند چون اعتقاد داشتند و خواستند کاری انجام دهند که در شان امامزاده ها باشد، لذا خیلی از این بناها، بناهای ارزشمندی است که برای ما مانده است. ما باید از یک بعد به عنوان اثر تاریخی از اینها نگهداری کنیم، اما به لحاظ معنوی و آثار بی بدیلی که در حوزه سبک زندگی و رفتار مردم دارد ما موریت بسیار جدی تر و مضاعفی بر دوش ما است.

تقاضای من این است که ابتدا ارزش و جایگاه و موقعیت این بناها را درست حفظ کنیم. این حفظ در وقف موضوعی است که وظیفه متولیان است. ابتدا باید شان و شئون آن را حفظ کنیم. آیا این کار می شود؟ من چند وقت قبل از اسفهان به نائین می رفتم. امامزاده ابراهیم سر راه بود و عمدا رفتم بینم خدمات از سرویس های بهداشتی اعم از محیط و نظافت و غیره درست انجام شده و استاندارد است؟

تولیت امامزاده ابراهیم بین اصفهان و نائین آن قدر خوب و استناددار بود که من در کنار سرویس‌های بهداشتی آن‌جا مصاحبه کردم و آن مصاحبه را در صفحات وزارتخانه و شخصی خود قرار دادم و تصویرها را نشان دادم که چقدر خوب مدیریت شده است.

مردم خسته‌ای که از جاده نسبتاً کویری و خسته‌کننده عبور می‌کنند تابلو امامزاده ابراهیم را که می‌بینند وارد محوطه می‌شوند روحشان تازه می‌شود، چرا که فضای سبز خوب و مکان‌های نشستن مناسب و سرویس‌های بهداشتی بسیار تمیز و خود شبستان و حرم مکان بسیار خوبی است. من در وحله اول شرایط ظاهری و خدمات را می‌گویم.

اما برخی مکان‌ها این‌گونه نیست، من مسئول کل سرویس‌های بهداشتی جمهوری اسلامی هم هستم، در حال پیگیری این مسئله هستیم. ستاد داریم و در دولت هم بارها مطرح کردیم. استنادارهایی که با من ملاقات می‌کنند ابتدا آمار سرویس‌های بهداشتی خود را می‌گویند، چرا که می‌دانند من روی این مساله حساس هستم و واقعا هم مهم است، زیرا بخشی از تردد گردشگری ما هوایی است که عمومیت ندارد چون در وسع مردم نیست و یا مسیرها به گونه‌ای نیست که مردم از آن طریق بروند.

بخشی هم یا ریلی و دریایی است که وضعیت ما در این زمینه اصلا مناسب نیست و تازه در حال سرمایه‌گذاری هستیم. لذا عمده تردها درجاده است. وقتی فردی با خانواده وارد جاده می‌شود اولین مساله او مساله خدمات بهداشتی است. چند وقت قبل آقای گفتند من می‌خواهم سه میلیارد تومان به شما بدهم برای کار خیری که شما انجام می‌دهید.

دیروز در جلسه دولت گفتم این آقا می‌خواهد سه میلیارد تومان به ما بدهد اما نظام اداری ما در وزارتخانه آماده نیست که اگر کسی می‌خواهد پولی بدهد ما این پول را بگیریم و هزینه کنیم. مدتی گرفتار بودیم که چگونه این پول را از آن‌ها بگیریم و در نهایت با وجود پیچیدگی‌ها راهی پیدا کردیم. چون مردم متوجه می‌شوند سرویس بهداشتی مهم است، من با همه وجود از شما می‌خواهم به این مساله توجه کنید.

من چند وقت قبل به امامزاده بسیار مشهوری رفتم و از سرویس‌های بهداشتی بازرسی کردم. به اتاق تولید رفتم و گفتم من بودجه می‌دهم شما سرویس بهداشتی را به گونه‌ای آماده کنید که در شان این امامزاده و توقعی که مردم دارند باشد. بنابراین امروز چون مساله ما این است تقاضای من هم این است افرادی که مسئولیت بر عهده دارند اولین مساله شان این باشد. آقایانی که مسئولیت دارند روزانه دو الی سه بار بازرسی از این مکان‌ها انجام دهند.

دنیا و کشورهای همسایه ما در این زمینه پیشرفت کردند. من چند وقت قبل در تاجیکستان بودم مسجد بزرگی با مشارکت امیر قطر برای تاجیک‌ها در شهر دوشنبه ساخته شده است. ببینید وقتی می‌خواهند مسجد بسازند چقدر حساب شده و عالی می‌سازند، آدم در محوطه که می‌آید روحش تازه می‌شود و بعد هم در شبستان وارد می‌شود که برای ۱۴۰ هزار نفر طراحی کرده‌اند.

من سرویس‌های بهداشتی را مشاهده کردم که طراحی آن برای ۱۴۰ هزار نفر بود، به قدری مدیریت سطح بالا و لحظه‌ای برای این تعداد از سرویس بهداشتی داشتند که تمام این مکان از نظافت و تمیزی برق می‌زد. چرا؟ چون مدیریت می‌کنند، در حالی که ما به برخی امامزاده‌ها می‌رویم و وضعیت‌شان اصلاً مناسب نیست.

خواهش می‌کنم این مساله را جدی بگیرید و اطلاع‌رسانی درست انجام دهید. حداقل از این سمت تا سمت دیگر جاده دو تابلو بزنید و به مردم بگویید به این امامزاده نزدیک شده‌اید و نمازتان را بخوانید و استراحت کنید. مساجد اهل سنت همه باز هستند و فقط موقع خواندن نماز نیست، اما مساجد شیعه مانند منزل شخصی هستند، من بارها دفتر مقام معظم رهبری گفته‌ام که در مورد این مسائل تذکر دهید.

مسجد خانه شخصی نیست. می‌گویید امام جماعت ندارید اما حداقل آن‌هایی که در مسیر هستند را باز بگذارید. مردمی که در مسیر هستند می‌خواهند وضو بگیرند و نماز بخوانند. این مکان‌ها از قبل احداث شده‌اند و مگر الان با وضعیت ساخت و ساز می‌توان مجدد این مکان‌ها را احداث کرد؟

آفرین به اهل سنت که این رویه بسیار خوب را انجام می‌دهند. من چند روز قبل با مشاور محترم رئیس‌جمهور در اهل سنت تماس گرفتم و ایشان را تحسین کردم که مراتب تشکر وزارتخانه ما و بخش گردشگری را به همه مسئولین

و علمای خودتان ابلاغ کنید چرا که خدمت می‌کنند.

در مورد امامزاده‌ها معرفی و خدمت و نظارت کنید. ما بسیاری از کارهای معنوی و محتوایی را به دلیل این‌که شرف‌المکان بالمکین است، می‌گوییم، اما در مورد شما شرف‌المکین بالمکان داریم، مکان شما مکان ارزشمند و معنوی و بسیار پربرکتی است، لذا اگر در آن مکان کسی حرفی زد و کاری را انجام داد و مراسمی را اجرا کرد همه نباید ظاهر دینی مطلق داشته باشد.

من این مسائل را در طی سال‌هایی که خدمت مقام معظم رهبر انقلاب شرفیاب می‌شدم می‌گویم، بسیاری از این مسائل اجتماعی عین دستور دین است و فقط نباید ظاهر را دینی ببینیم. اصلاً این‌گونه نیست. بسیاری از کارهای اجتماعی مانند دستور اسلام و دینی است.

باید مقداری شرایط را درک کرد و زبان جدید و نسل‌های هشتادی را شناخت، «وَقَرُّوا كِبَارَكُمْ وَ ارْحَمُوا صِبْغَارَكُمْ» را امثال من فراموش کرده‌اند که گرفتار می‌شویم و فکر نمی‌کنیم زمان خاصی دارند و لذا رابطه‌هایمان قطع شده است.

در تکمیل این مطلب، صنایع دستی هم بسیار مهم است. من به عنوان فردی که با هنر آشنا هستم و سال‌ها است کارهای مدیریتی انجام می‌دهم معتقدم هیچ هنری در میان انواع هنرها به اندازه هنرهای سنتی و صنایع دستی به دین و فرهنگ، تمدن و سبک زندگی و نوع رفتار ایرانی اسلامی نزدیک نیست. این هنر از همه جلوتر است، اما بی‌پناه هستند.

یک میلیون و صد و چهل و پنج هزار فعال صنایع دستی داریم. البته به تدریج رسیدگی انجام می‌دهیم ولی هنوز خیلی راه داریم. یکی از چیزهایی که نیاز دارند محل عرضه و فروش صنایع دستی است چرا که جایی برای فروش ندارند.

محل‌های متعلق به شما یعنی امامزاده‌ها بهترین مکان برای عرضه صنایع دستی است. البته باید سلیقه نشان داد و آن صنایع دستی را که کاربردی‌تر هستند و برای نسل جوان مناسب باشند بیاورید که وقتی می‌بینند، احساس کنند می‌توانند بخرند نه این‌که چیزهای غیرتعارفی که آدم‌ها در زندگی شخصی‌شان استفاده نمی‌کنند بیاورید.

برای توسعه محیط‌های مربوط به امامزاده‌ها معمولا با ما تقاطع‌هایی دارید و مشکلاتی هست. دو هزار بقعه و امامزاده ثبت ملی شده که مجموعه بسیار ارزشمندی برای میراث فرهنگی کشور است و باید حفظ و مرمت شود و تخریب نشود.

من هر استانی که می‌روم با آقای خاموشی تماس می‌گیرم و هماهنگ می‌کنم و یا از خودتان می‌خواهیم تحت نظارت‌ها و استانداردهای ما آن‌جا را ترمیم کنید، اما مهم‌تر از ترمیم، توسعه دادن است. بنده کاملا موافق توسعه هستم. من نگاه‌های بسته‌ای را که برخی‌ها به میراث فرهنگی دارند و می‌گویند نباید به این میراث فرهنگی دست زد قبول ندارم چرا که حتما باید توسعه داد. وقتی گردشگر و زائر و مشتری داریم باید بهترین خدمات را در محیط مناسب ارائه کنیم.

تنها توصیه من این است که این توسعه را متناسب با معماری آن بنا و بقعه مبارکه انجام دهید. هارمونی و معماری و دسترسی‌های بنا را مشاهده کنید و هر چقدر که می‌شود توسعه دهید و تمام خدمات را آن‌جا راه بیندازید.

برخی مکان‌ها می‌روم به گونه‌ای است که بقعه‌ای در وسط هست و شکل سنتی دارد. اطراف آن به نام پاساژ و محل کسب و کار و برخی خدمات خوراکی و محل اقامتی، آن‌قدر نازیبا و دسترسی‌های عجیب و قریب ایجاد شده که دل آدم می‌سوزد. دانشجوی ساده معماری که بیاید همه‌ی درست و غلط این کارها را می‌تواند نشان دهد.

تقاضای من این است برای تمام موقعیت‌هایی که دارید موازینی رعایت شود. برخی مکان‌ها را می‌بینیم که دلمان می‌سوزد چرا نسبت به آن مکان بی‌توجهی شده است. ما برای توسعه هیچ محدودیتی نداریم. با نظارت و قوانین ما آن جاهایی که به خصوص ثبت ملی است را می‌توانیم توسعه دهیم و هارمونی و معماری آن‌جا حفظ شود.

اجازه دهیم مردم وقتی آمدند مقایسه نکنند و نگویند این بنا قبل از انقلاب است و این بنا متعلق به پادشاهان است و این بنا متعلق به جمهوری اسلامی است. این کتراست را به مخاطب ندهیم که برخی مواقع احساس کنند عمده‌ی در کار بوده است.

من مثال دارم که فلان اثر را در فلان جا داریم و هر چه که هنرمندانه و خوب و زیباست از قبل ساخته شده؛ به تعبیر رهبر معظم انقلاب که خط را به ما داده‌اند که ما از این بناها تجلیل می‌کنیم ارتباطی به آن پادشاه‌ها ندارد بلکه سرپنجه هنرمندان این کشور است و متعلق به هنرمندان این کشور است، اما وقتی می‌گویند بعد از انقلاب این بنا ساخته شده است و بنای خوبی نیست این خیلی سخت نیست.

حداقل‌ها را رعایت کنید برای این که معماری و میراث فرهنگی حفظ شود. در بخش گردشگری هم گردشگری زیارتی یکی از مهم‌ترین بخش‌هاست. ما هر استانی که می‌رویم همان‌جا مقابل جمعیت تلفن حاج آقا را می‌گیریم و همه صدای ایشان را می‌شنوند. ایشان همیشه بهترین همکاری را داشتند و خیلی از جاها لطف کردند و گفتند این شخص از طرف ما هر تصمیمی بگیرد مانند این است که ما گرفته‌ایم.

وقتی گوشی را قطع می‌کنم می‌گویم این صحبت آقای خاموشی کار را برای من سخت کرده است، چرا که هم باید حواسم به کار خودم باشد و هم به لحاظ شرعی و وقف ایشان مسئولیت گردن من گذاشت و من باید همه را رعایت کنم. البته این همکاری مغتنم و گران‌بهاست که انشالله این نگاه ایشان در همه بخش‌های سازمان اوقاف ساری و جاری است. انشالله از فرصتی که فراهم شده است و همه ما کنار هم هستیم آن‌طور که شایسته مردم است بتوانیم خدمت‌رسانی کنیم.

آغاز به کار رسمی انجمن خیرین میراث فرهنگی



تهران، سالن همایش های هتل اسپیناس خلیج فارس، ۱۴۰۲/۰۹/۰۴

بسم الله الرحمن الرحيم

عرض سلام و ارادت دارم خدمت همه بزرگان. من معمولاً عادت دارم برخی مواقع نامی از بزرگان حاضر در مجلس می برم و به یک بهانه‌ای عرض ارادت می‌کنم یا خاطره‌ای می‌گویم.

اما هر چه نگاه می‌کنم می‌بینم تمام این صندلی‌ها پر شده از شخصیت‌های برجسته، صاحب‌نام، فرهیخته و نخبه. هر کدام از شخصیت‌های حاضر در جلسه سرمایه ملی هستند و این را بدون تعارف می‌گویم. از این رو من اسم نمی‌برم و عموماً عرض ارادت می‌کنم.

علاقه‌مندم یک خواهر و برادری که لباس بختیاری پوشیده‌اند را معرفی کنم. آقای سلطانی یادآوری کردند که شما ادای احترامی به بختیاری‌ها نکنید. اگر هنوز در جلسه هستند و نرفته‌اند بلند شوند و شما بختیاری‌ها را تشویق بفرمایید.

آقای سلطانی امشب ۱۲۰ میلیارد تومان دادند. البته ارادت ما به بختیاری‌ها به این چیزها ربطی ندارد. خیلی خوش آمدید. دختر گلم و پسر خوبم خیلی لطف کردید که با لباس بختیاری مجلس ما را مزین فرمودید.

ماشاءالله الان ارقام درشتی مطرح شده است. ما اصطلاحی به نام میکروقدرت‌ها داریم. از وقتی که فضای مجازی آمده است این اصطلاحات رایج شده است، یعنی قدرت‌های کوچک وقتی جمع می‌شوند تبدیل به جریان می‌شوند.

مورچگان را چو بود اتفاق، شیر ژیان را بدرانند پوست. میکروقدرت‌ها وقتی با هم جمع می‌شوند یک جریان پر قدرت می‌شود. امروز می‌گویند قدرت جریان کاملاً بر جریان قدرت فائق می‌آید و غلبه می‌کند.

اگر جریان قدرت جریان خواص و قدرتمندان است اما قدرت جریان که مجموعه‌ای از میکرو قدرت‌ها هستند همه این‌ها را مثل یک سیل جابه‌جا می‌کنند. البته با عنایت به بزرگانی که در این جلسه هستند، طبق همان قانون نیاز به سرپل‌ها، نمادهایی داریم که آن‌ها پیشران این جریان‌های مردمی می‌شوند. از این جهت کار بزرگان فوق‌العاده ارزشمند است.

نشست امشب که نشست نمادین است آغاز حرکتی بزرگ در تاریخ ایران است. من عرایضم را زود جمع می‌کنم. در بخش اول صحبت‌هایم می‌خواستم راجع به ریشه‌های هویتی مان صحبت کنم و همین‌طور درباره این کار بزرگی که امشب همه جمع شدیم تا در آن سهیم شویم، اما چون فرصت نیست بخش اصلی صحبت‌م را فاکتور می‌گیرم و یکی دو جمله برای ادای احترام خدمتتان عرض می‌کنم و زیاد وقتتان را نمی‌گیرم.

میراث فرهنگی بزرگترین و جدی‌ترین عامل انسجام ملی است. ما امروز بیش از هر زمانی به وحدت و انسجام ملی نیاز داریم. ظرفیت‌هایی که میراث فرهنگی دارد را در کمتر جایی شاهد هستیم.

خوشبختانه در طول این دو سال توانسته‌ایم بین ظرفیت‌های ملی و ظرفیت‌های دینی در حوزه میراث فرهنگی به نوعی آشتی برقرار کنیم. متأسفانه پیش از این دو قطبی‌هایی را شکل داده بودند. وقتی من در مجلس برای رأی اعتماد از داریوش و کوروش و میراث تمدنی باستانی مان نام بردم بعد که پایین آمدم و نزد نمایندگان عزیز بودم در رأیی که دادند خیلی همراهی کردند.

برخی پیش من نشستند و گفتند فلانی این حرف‌هایی را که شما زدید ما تا الان نمی‌دانستیم. ما گرفتار این دو قطبی بودیم. فکر می‌کردیم اگر از ایران باستان بگوییم یک جای کار گیر پیدا می‌کند. این حرف را نماینده‌های با سابقه و انقلابی و فرهیخته مجلس می‌گویند.

یک بار وقتی من با هواپیما از همدان می‌آمدم خدمت آقای رییس‌جمهور بودم. همین‌طور که روبروی هم می‌نشینیم و برخی مواقع صبحانه‌ای می‌خوریم با هم صحبت هم می‌کنیم.

آقای ریسی سوال کردم شما که چند سال در همدان تشریف داشتید و دادستان بودید، به گنجنامه رفته‌اید؟ فرمودند بله من بارها رفته‌ام. عرض کردم چه برداشتی از

گنج نامه دارید؟ ایشان برداشت خوبی داشتند و مطرح کردند. من به ایشان گفتم ما رسانه‌ای‌ها وجوه دیگری را که مغفول می‌ماند می‌توانیم برداشت کنیم.

درخصوص دو کتیبه‌ای که آنجا بود ایشان فرمودند بله دو کتیبه معروف و متعلق به پادشاهان است. توضیح دادم که یکی مربوط به داریوش و دیگری متعلق به پسرش خشایارشا است. وقتی پسرش آمده و از خودش کتیبه به یادگار گذاشته است یک متر از کتیبه پدر آمده پایین‌تر. ع

کس این دو کتیبه را من در پلت‌فرم ویراستی عکسش را گذاشتم که مربوط به گنج نامه است. اما دلیل اینکه یک متر آمده پایین‌تر به نشانه این است که احترام پدر بر من واجب است و باید معلوم شود که من یک پله پایین‌تر از پدرم هستم. به ایشان گفتم آیا این غیر از «وَقَرُّوا كِبَارَكُمْ» هست؟

یعنی همان چیزی که پیامبر اسلام در خطبه معروف شعبانیه وقتی وارد ماه مبارک رمضان می‌شویم بیان فرموده‌اند. یعنی بزرگان خودتان را احترام کنید. قدر بدانید و بر صدر بنشانید و آنان را تکریم کنید. اسلام و پیامبر عالیقدر ما چیزی اضافه‌تر از داریوش عمل کرده است.

بعد از آن می‌فرماید «وَ اَرْحَمُوا صِغَارَكُمْ» یعنی به کوچک‌ترها و جوان‌ترها هم محبت کنید، دستی بر سر و گوششان بکشید و هوای آن‌ها را داشته باشید. ما در حوزه ورحمو صغارکم در این سال‌های اخیر به دلیلی غافل شده‌ایم و حتی زیانشان را نفهمیده‌ایم چه رسد به این‌که بخواهیم به آن‌ها محبت کنیم.

داریوش آنجا نوشته به نام خدایی که شادی را آفرید. غیر از این است که تمام خلقت زیبایی است و بر اساس زیبایی خلق شده است و شادی باید در وجود همه انسان‌ها موج بزند!

متأسفانه یکی از گمشده‌های ما بعد از انقلاب -که امثال من در جایگاه مسئول کمتر به آن توجه کرده‌ایم- مساله شادی است. آن زمان داریوش می‌گوید به نام خدایی که شادی را آفرید و سه خط را آن زیر نوشته‌اند، چون اصلاً نگاه آن‌ها بین‌المللی بوده و آن جاده، شاهی است و از همه جای دنیا از آنجا رد می‌شوند و همه باید بفهمند که داریوش چه می‌گوید.

بعد که به دوران پر افتخار اسلامی می‌رسیم این‌ها ممزوج شده است. ۲۷ مورد از میراث ملموس ما ثبت جهانی شده است، البته ۱۰۳ پایگاه است. امسال

ثبت جهانی کاروانسراها را با پیگیری دکتر دارابی و همکارانشان داشتیم و هرچند در قالب یک اثر پرونده شده است ولی ۵۴ کاروان سراسر است که هر کدامش دنیایی از معرفت و فرهنگ و روابط اجتماعی است و گذشته ما را می‌سازد.

کمی از بزرگانی گله کنم که زیاد اسم بنده را بردند و اظهار محبت کردند، واقعا ما هیچ چیزی نیستیم، من خودم را می‌گویم، ما خاک زیر پای همه خدمتگزاران میراث فرهنگی هستیم. امروز مشکلاتی که وجود دارد در واقع تجمع شده ده‌ها سال قبل است، حتی بخش زیادی از آن مربوط به قبل از انقلاب است. اصولاً بی‌توجهی و نبود اعتبارات و کمبودها برای حفظ میراث فرهنگی یک یادگاری است که به همه ما به عنوان میراث رسیده است.

ما حدود ۳۵ هزار اثر ملموس داریم. بودجه‌ها را که می‌دهند و تقسیم می‌کنیم به همه این‌ها برخی مواقع روزی ۳۰۰ هزار تومان می‌رسد که دستمزد یک کارگر ساده هم نیست. من میانگین را عرض می‌کنم.

امسال ۱۵۰۰ میلیارد تومان رسماً بودجه عمرانی وزارت میراث است که البته بخشی از آن مربوط به مرمت است. ۱۰۰۰ میلیارد یعنی یک همت را دولت مصوب کرد و لایحه داد و ما از مجلس محترم تشکر می‌کنیم که نیم همت اضافه کردند و شد یک و نیم همت. ولی کشور گرفتار پول است و تا الان که من با شما صحبت می‌کنم از این یک و نیم همت هیچ چیزی نیامده است.

انشالله بعداً می‌آید ولی تقریباً سال تمام شد و راهی نیست. البته مدیر فقط نباید توصیف کند زیرا توصیف مشکلی را حل نمی‌کند. باید راه‌حل جست و اقدام کرد. جلوی چشم ما میراث تمدنی و فرهنگی مان که ریشه ما است - و اتفاقاً بسیاری از دستاوردهای اقتصادی به ویژه در حوزه گردشگری مرهون این مزیت نسبی است - جلو چشمان ما از بین می‌رود.

البته برخی از این‌ها را با حضور خودمان در شهرستان‌ها حل و فصل می‌کنیم. در طول این دو سال من به ۱۹۰ شهر رفته‌ام و تعداد زیادی روستا که حسابش از دست من در رفته است. برخی شهرها تا ۲۰ اثر تاریخی دارد؛ شهرهایی که برخی مواقع شما حتی به آن‌ها فکر نمی‌کنید و از کنارش رد هم نشده‌اید.

وقتی به آنجا می‌رویم برخی مشکلات را همان‌جا حل می‌کنیم. درواقع قابل حل است و بانی هم دارد. به عنوان مثال می‌گویند اینجا مرمت و به فضایی

فرهنگی و سنتی یا تبدیل به سفره‌خانه‌ای شود که طبق قانون باید صورت گیرد اما گرفتار موانع اداری دستگاه‌ها هستند. مثلاً سازمان اوقاف یا کثیرالمالک‌ها یا دستگاه‌هایی که سالیان دراز کار در آن‌ها مانده و حل نشده است.

الحمدالله در طول این دو سال به خاطر محبتی که همه دستگاه‌ها به مدیریت وزارتخانه دارند در محل و در تماس با وزرا و مسئولین مربوطه بسیاری از مشکلات حل شده است. من جا دارد از رییس محترم سازمان اوقاف تشکر کنم. هر زمان من به ایشان زنگ می‌زنم و بین مردم روی بلندگو می‌گذارم می‌فرمایند فلانی هر تصمیمی گرفت همان، تصمیم سازمان اوقاف است و مانعی نیست.

سال‌هاست می‌گوییم این وقف است و در حال از بین رفتن است، حفظ‌العین حقوق مربوط به خود بناهای وقفی است ولی برخی مواقع دوستان ما گرفتار می‌شوند و حاضر نیستند یک قدم بردارند و حفظ‌العین را انجام بدهند. ما این‌ها را حل می‌کنیم و کثیرالمالک‌ها را پیگیری می‌کنیم، با دستگاه‌های مربوطه هماهنگ می‌کنیم و بخشی از این مشکلات در محل حل و فصل می‌شود ولی این‌ها ناچیز است. مردم باید ببینند پای کار تا این میراث تمدنی خود را حفظ کنند.

من در این مسئولیت‌م زیاد به خارج از کشور نرفته‌ام. فقط سه چهار برنامه کوتاه در خارج از کشور داشتم و فعلاً وقتم را برای داخل کشور گذاشته‌ام، به شهرهایی که باید بروم و مشکلات را رفع و رجوع کنم. ولی هر جا که می‌روم اجمالاً این مشکلات را هم می‌بینم.

وضع ما نسبت به بسیاری از کشورها به لحاظ حفظ میراث فرهنگی بهتر است. تصور نکنید خدای ناکرده ما در جایگاهی پایین قرار داریم، بخصوص دانش مرمت در ایران بالا است. مرمتکارهای ما عالی‌اند. نمونه‌ای نمادین از آن‌ها را در اینجا دیده‌اید.

این پیرمرد زنجانی زیر گنبد سلطانیه که من افتخار دارم که دستش را بوسیدم از ۲۰ سالگی مرمت می‌کند و استاد درجه یک مرمت است. امروز ۷۰ سالش است. ۵۰ سال است مرمت می‌کند. من نمی‌دانم به گنبد سلطانیه رفته‌اید یا نه؟! از زیر که به این ارتفاع ۵۰ - ۶۰ متری نگاه می‌کنید سرتان گیج می‌رود. داریست بسته‌اند و بسیار خطرناک است، ولی این پیرمرد هنوز می‌رود روی سقف این گنبد

چون این مرمت مستمر است و این فرد باید دائم مرمت کند.
۵۰ سال است آیات قرآن و روایات را زیر سقف روی آن داربست مرمت می‌کند.
آیا دست او واقعا بوسیدنی نیست؟! دانش مرمت ما بالا است و اگر اعتبارات لازم
فراهم شود می‌توانیم میراث فرهنگی مان را نجات بدهیم.

من از شما سپاسگزاری می‌کنم. امشب شبی تاریخی است. من نمی‌خواهم
غلو کنم ولی با همه وجود اعتقاد دارم که نام تک تک عزیزانی که امشب آمدند
و زیر این سقف هم قسم شدند که میراث فرهنگی را نجات بدهند در تاریخ
فرهنگ و تمدن کشور حتما ثبت و ضبط می‌شود. این یک جلسه معمولی نیست
و همه ما این افتخار را داریم جزو کسانی باشیم که اولین قدم را برای حفظ تاریخ
و میراث فرهنگی مان برداشتیم.

جناب آقای ملاحمدی با این که وقت نبود به خوبی اشاره کردند. ما پریشب
در اصفهان در خدمتشان بودیم و اولین هتل پنج ستاره بعد از انقلاب در اصفهان با
زحمتی که ایشان کشیدند افتتاح شد.

هر کدام از دوستان که امشب این همراهی را با ما دارند راهشان به اصفهان
خورد حتما یک شب مهمان آقای ملاحمدی هستند. همان‌طور که ایشان به
درستی فرمودند باید کار را به دست مردم داد و نگران نبود. مردم می‌آیند و با
هر مبلغی و هر میزانی که مشارکت کردند این‌ها جمع می‌شود و انشاءالله ما از
مشکلات عبور می‌کنیم.

من از آقای دکتر دارابی سپاسگزاری می‌کنم. به ایشان عرض می‌کنم که
ما خرده فرمایش زیاد می‌کنیم اما مهم این است که انجام شود. چون شما به
یادآوری‌ها و پیگیری‌های من اشاره کردید باید عرض کنم ما در وزارتخانه خیلی
حرف می‌زنیم اما فقط بخشی از آن اجرا می‌شود. به هر حال من از شما ممنونم
که پیگیری کردید. خدا از شما قبول کند یک سال است که می‌دوید تا این
مجموعه را تاسیس کنید.

آنقدر نظام اداری ما فشل و عقب مانده است که مثل بختک روی کارها و
پروژه‌ها افتاده است. این را آقای رییس‌جمهور هم قبول دارد. دولتی‌های ما هم
این را قبول دارند. به همین دلیل است که من گفتم اگر حضرت ابراهیم امروز
بود و اگر می‌خواست یک شب با ستاره پرست‌ها برود و فالوده بخورد و با

یک برنامه‌ریزی دو شب بعد این‌ها را هدایت کند، همان شب اول که با ستاره پرست‌ها جلسه می‌گذاشت دستگاه‌های نظارتی چنان پرونده اش را می‌بستند که نبوت را فراموش کند. ما امروز مشکل داریم و مشکل کشور است.

من تشکر می‌کنم از جناب آقای محسنی اژه‌ای که با درایت و روشن فکری به دنبال حل این مسائل هستند. ایشان در موزه ملی ایران مهمان ما بودند. چند وقت پیش تشریف آوردند و حرف‌های خوبی زدند که بالاتر از عرایض من است. از جمله فرمایشات ایشان این بود که گردشگرانی که به ایران می‌آیند هر کدام فرهنگ و رفتار خودشان را دارند و باید برایشان برنامه‌ریزی کنید، آنها را درک کنید، به آنها اجبار نکنید که طور خاصی باشند.

ما باید این موارد را در سیاست‌های خودمان ترجمه کنیم که معنایش چیست؟ الحمدلله با نگاه روشن ایشان و با توجهی که آقای دکتر ریسی دارند باید زیر میز این نظام فشل اداری و میراث نامیمون به یادگار مانده از گذشته بزنیم؛ نظامی که در طول دهه‌ها و یک صد ساله اخیر بر ما تحمیل شده و ما باید بزنیم زیر میز این نظام ناکارآمد تا مشکلات را آرام آرام حل کنیم.

یک سال طول کشید تا این مجموعه راه بیفتد. هیات موسس و شماره حساب و موارد قانونی و غیره باید طی می‌شد. الحمدلله امروز حل شده است و من امیدوارم به برکت حضور و همراهی و همکاری که شما از امشب خواهید داشت به نتیجه برسد.

همه منتظرند خبری برجسته از این جلسه ببینند و من حتما فردا در هیات دولت گزارش کاملی از این جلسه و حرف‌های خوبی که زده شد ارائه خواهم کرد. حرف‌های آقای جواهری و بقیه آقایان همه‌اش برای من درس بود. بقیه بزرگانی که صحبت کردند هر کدام از یک منظری گفتند که همراهی خواهند داشت. هر کسی در حوزه خود و در تخصص خود می‌تواند کمک کند.

انشالله در آینده نزدیک شاهد نتایج پر برکت این جلسه خواهیم بود و خروجی این مشارکت ملی و همکاری خوبی که با مردم خواهیم داشت را خواهیم دید. با شروع خوبی که امشب داشتیم انشالله همه شماها زنده باشید و بتوانیم شاهد نتایج پر برکت این نشست باشیم.

گرامیداشت اولین ساگر دثبت جهانی یلدا



هتل پارسیان آزادی تهران، ۱۴۰۲/۰۹/۲۹

بسم الله الرحمن الرحيم

سلام عرض می‌کنم خدمت همه مهمانان عزیز، خیر مقدم عرض می‌کنم به همه خانم‌ها و آقایان که امشب مهمان یلدا هستند، چون ترجمه همزمان می‌شود من مقداری آرام‌تر صحبت می‌کنم البته عرایض من کوتاه خواهد بود برای این‌که همکاران عزیز ما بتوانند ترجمه کنند.

یلدا ثبت جهانی شده است، معنای ثبت جهانی آن است که امروز یلدا متعلق به همه مردم دنیا است و همه صاحب یلدا هستند، یلدا مجموعه‌ای از سنت‌های پاک و فضایل اخلاقی و انسانی است که از هزاران سال قبل در ایران رواج داشته است. وقتی اسلام عزیز به ایران آمد توصیه رهبران دینی و امامان شیعه در روایت‌هایی که از آنها به صراحت نقل شده و مطرح است حفظ سنت‌های خوب و فطری و پاک ایرانیان است.

امام علی علیه السلام در دستورالعملی که برای مالک اشتر و برای حکومت مصر مشخص می‌کنند و در سایر دستوراتی که بزرگان دین مطرح می‌کنند، تأکید جدی بر رعایت سنت‌های پاک است که بین مردم وجود داشته است، همچنین سفارش می‌کنند مبادا سنت خوبی در بین مردم قبل از اسلام وجود داشته باشد که شما این سنت را از بین ببرید و منسوخ کنید.

امام حسین علیه السلام هم فرمودند اگر کسی سنت خوبی را بنا بگذارد و یا حفظ و تلاش کند مانند یلدا، الی الابد در ثواب آن کار خیر سهیم و شریک است. یلدا به تنهایی ظرفیت پر کردن شکاف نسلی را دارد. امروز یکی از مصائب دنیا است که بین نسل‌ها فاصله می‌افتد و همدیگر را درک نمی‌کنند.

در شب یلدا که طولانی‌ترین شب است بزرگان، پدر و مادرها با فرزندان خود به احترام شب و این زمان طولانی با همدیگر از خوبی‌ها، شعرها و ارزش‌هایی که در طول سال‌ها به آن‌ها رسیده است سخن می‌گویند. پدر و مادرها قصه می‌گویند و بچه‌ها تکریم بزرگ‌ترها می‌کنند، در اصل شب یلدا شب خانواده است و چه ارزشی بالاتر از خانواده است؟ و چه کار خوبی یونسکو کرد که با اشراف به این همه زیبایی‌ها و خوبی‌های یلدا چنین سنت زیبایی را به رسمیت شناخت، ثبت جهانی کرد و مردم را سهیم و شریک در این زیبایی‌ها کرد.

امروز ما همه نگران خانواده‌هایی هستیم که فرزندان‌شان در این چند روز پدر و مادر خود را از دست دادند، منظور من غزه است و پدر و مادرهایی که کودکان خود را از دست دادند و با وحشیانه‌ترین حملاتی که رژیم صهیونیستی به آن‌ها کرده است بیش از ۲۰ هزار نفر را به شهادت رساندند.

هزاران خانواده آواره شدند امشب ما به یاد آن‌ها هستیم، به یاد وضعیت دردناکی که از این‌ها دارند و امروز همه بشریت معترض این حملات و وحشیانه در همه جای دنیا است. هیچ وقت تا به حال بشریت در طول این سال‌ها این اندازه در مقابل یک حرکت ضد انسانی منسجم و یکپارچه نشده بود، همه این جنایت را محکوم می‌کنند.

حافظ می‌فرماید: «کی شعر تر انگیزد خاطر که حزین باشد...» ۸۰۰ سال قبل می‌گویند اگر شما حزین و افسرده باشید چه زمانی می‌توانید حرف خوب بزنید و چه زمانی می‌توانید خلاقیت داشته باشید و چه زمانی می‌توانید کار خوب انجام دهید؟

حال شما باید خوب باشد، یلدا حال را خوب می‌کند، یلدا پر از معنویت و پاکی و فضیلت‌های اخلاقی است و جا دارد صمیمانه سپاسگزاری کنم از جناب آقای دکتر دارابی، همکاران عزیز ایشان در معاونت میراث فرهنگی و همه مجموعه‌هایی که ممکن است نتوانم از حفظ نام آن‌ها را ببرم که تلاش کردید و یک شب زودتر از شب یلدا این مراسم را برگزار کردید برای این که فردا شب خودتان بتوانید این آئین و سنت را گرامی بدارید.

جا دارد از مهمانان خارجی، سفرا و نمایندگان سیاسی و فرهنگی کشورهای

مختلف به ویژه مهمانانی که برای اجرای اجلاس کشورهای صاحب تمدن باستانی (که ده کشور هستند و در سال گذشته در کشور عراق برگزار شد) آمدند تشکر کنم. من در آن نشست شرکت کردم امسال هم در ایران برگزار می‌شود. فردا مراسم افتتاح این اجلاس است و از شخصیت‌هایی که مهمان این اجلاس هستند و به همین دلیل در مراسم ما، مراسم یلدا شرکت کردند، تشکر می‌کنم.

سال گذشته ما در اجلاس بغداد اعلام کردیم که این کشورها که صاحب تمدن اصلی جهانی هستند حرکتی را آغاز کنند و اشیاء تاریخی و گران قیمت باستانی که هویت و شناسنامه آنها است و در طول صدها سال به تاراج رفته و در موزه‌های دنیا بخصوص موزه‌های غرب نگهداری می‌شود؛ این‌ها را به کشورهای مبدأ و صاحبان اصلی این تمدن برگردانند.

الحمدلله با تلاش‌هایی که در ایران انجام شد مجموعه‌ای از الواح تاریخی ما که بسیار ارزشمند بوده است از آمریکا عودت داده شد، آقای رئیس‌جمهور در سفری که به نشست سازمان ملل داشتند با خودشان چند هزار لوح ارزشمند به کشور بازگرداندند، در آینده‌ای نزدیک از این اشیاء برای نمایش رونمایی شده و در خدمت مردم قرار می‌گیرد، تمدن عزیز ایرانی از این الواح کاملاً مشخص است و به چشم می‌خورد.

کارگرانی که در طول ۲۵۰۰ سال و سه هزار سال قبل کار می‌کردند، در این الواح اسنادی است که بر اساس آن حقوق می‌گرفتند و بیمه داشتند. در چند هزار سال قبل حقوق آن‌ها رعایت می‌شده است، این‌ها برای بشریت خیلی ارزشمند است چرا که تمدن بشری است، لذا از همه کشورها ما درخواست می‌کنیم که در این زمینه فعال باشند.

امسال پیشنهاد جدیدی را آقای دارابی در اجلاس ارائه می‌کنند و بنده چون همراه آقای رئیس‌جمهور به سفر استان گلستان می‌روم موفق نمی‌شوم در این اجلاس شرکت کنم اما پیشنهاد وزارت میراث فرهنگی و گردشگری و صنایع دستی در جلسه فردا مطرح می‌شود، جشنواره تولیدات چندرسانه‌ای که دو دوره آن در ایران برگزار شد حرکتی بسیار ارزشمند و لازم برای افزایش سواد میراثی مردم بود.

مردم باید با میراث فرهنگی آشنا شوند، کارگردان‌ها، مستندسازها، نویسندگان،

هنرمندان و اصحاب رسانه باید تلاش کنند تا میراث فرهنگی را به مردم بشناسانند. خوشبختانه این دو دوره که در ایران برگزار شد دستاوردهای بسیار خوبی به همراه داشت به دلیل این که خیلی از شخصیت‌های برجسته با میراث فرهنگی خودشان آشنا نیستند، برخی مواقع مهمانان خارجی که خدمت رهبر معظم انقلاب ما می‌رسند، به دلیل اشرافی که ایشان به کتاب‌های مشهور جهانی و رمان‌های مشهور دارند؛ از این شخصیت‌های برجسته در مورد رمان‌های مشهور خودشان سوال می‌کنند و آن‌ها آشنا نیستند و رهبری ایران به آنها توضیح می‌دهد که این نویسنده کتاب و رمان و کتاب که متعلق به شما است و چه ارزش‌هایی دارد.

امروز لازم است که در این حوزه تلاش شود که من از آقای دکتر دارابی می‌خواهم این مسئله را تشریح کنند. همه کشورها باید حرکت رسانه‌ای و تولیدات چندرسانه‌ای داشته باشند که این مأموریت را به خوبی انجام دهند.

شاهنامه‌خوانی که دختر خردسال ما به خوبی اجرا کرد من مشابه آن را در جاهای دیگر دیده بودم، از آقای دارابی درخواست می‌کنم که جشنواره‌ای تحت این عنوان سامان دهند، سالی یکبار تمام این بچه‌ها، کودکان، خردسالان و کسانی که شاهنامه‌خوانی می‌کنند، ارزش‌های تاریخی ما را حفظ می‌کنند و برای مردم مطرح می‌کنند، این‌ها را به مسابقه بگذارند.

این حرکت می‌تواند به رشد فرهنگ ملی ما و میراث فرهنگی ما کمک کند، چون شاهنامه متعلق به همه مردم ما است هم فارسی زبانان و هم کسانی که عاشق تمدن بشری هستند، می‌تواند خیلی کمک کند که از سنین کودکی و نوباوگی در سنین پایین اقدامات جدید در این زمینه انجام شود.

بزرگداشت روز جهانی آموزش



سالن آمفی تئاتر وزارتخانه، ۱۴۰۲/۱۱/۰۴

بسم الله الرحمن الرحيم

عرض سلام و ارادت دارم به همه بزرگان و سروران عزیز خودم خواهران عزیز و برادران بزرگوار، فعالان و بازیگران بزرگ عرصه گردشگری که امروز به بهانه آموزش همه دور هم جمع شدید. جلسه بسیار خوب و صمیمی و کارشناسی و مفیدی برقرار است و من تأسف خوردم که چرا امروز نتوانستم از اول خدمت شما باشم.

عزیزانی که صحبت کردند و من نبودم مثل بزرگانی که من در جلسه حضور نداشتم و فرمایش کردند، حتماً مطالب مهم و ارزشمندی بوده که من از آن‌ها محروم شدم. ما چهارشنبه‌ها جلسه دولت داریم و حضور غیاب هم در آن جدی است، بنابراین من تا دولت تمام شد خیلی سریع آمدم که خدمت شما برسم.

انشالله مطالبی که گفته شده است جمع‌بندی‌اش را دوستان به من می‌دهند و استفاده لازم را خواهم کرد. روز میلاد حضرت امیر است و فردا نیز روز پدر است، استاد بزرگوارم جناب آقای ساسان تعبیر خیلی خوبی کردند که به هر حال روز پدر است، پدری باید کرد، استاد.

پدری کردن گمشده امروز جامعه ماست، ما در برهوت اخلاق پدری هستیم، امروز در کشور باید حلش کنیم، یکی از مشکلات ما امروز این است. کوچکترها می‌خواهند پدری کنند، نه صلاحیتش را دارند و نه بلدند.

آنهایی که باید پدری کنند و به هر دلیلی نمی‌کنند و اگر امروز که روز پدر است کلمه‌ای که باید نسبت به پدر در نظر بگیریم و این خصوصیت در جامعه ما آن‌طور که حقش است برقرار شود، خیلی از مشکلات حل است. پدری کردن یعنی محبت، یعنی گذشت، یعنی فرصت جبران خطا، فرصت بازگشت.

این‌ها را چون ما نمی‌دهیم گرفتار شدیم، انشاءالله که بتوانیم این‌ها را حل کنیم. به مناسبت روز پدر یک درد و دلی کردم شامل حال خودم هم می‌شود. من خیلی وقت‌ها یادم می‌رود جایگاهم کجاست. آنطور که شایسته جایگاه است فراموش می‌کنم که چطور حرف بزنم، چطور رفتار کنم این شامل حال همه ما می‌شود.

سازمان‌ها که امروز شدیداً رقابت محور هستند پایه‌هایشان یادگیرندگی است، یعنی سازمان یادگیرنده در واقع یک کلید واژه مهمی است برای موفقیت سازمان‌ها، اگر سازمان‌ها ساز و کار یادگیرندگی نداشته باشند در رقابت عقب می‌مانند و شکست می‌خورند و حذف می‌شوند، یعنی یادگیرندگی و آموزش رمز موفقیت سازمان‌ها است، مثل یک آبی که جریان پیدا می‌کند در همه بخش‌ها باید آموزش، چه حالا آموزش‌های خاص محتوایی و مبنایی‌تر و چه آموزش‌های مهارتی و اجرایی که این از نظر من اهمیت بالایی دارد.

می‌خواهیم کمی حرف بزنیم چون آقای آذری هم درست گفتند ما تربیون و این‌ها را نمی‌شناسیم حرف می‌زنیم هزینه‌اش را هم می‌دهیم، مثلاً می‌گویند خبرنگارهای خوب هم هستند شما یک خورده مراعات کنید، مراعات هم نمی‌کنیم و هزینه‌اش را هم می‌دهیم، اشکال ندارد بگذارید یک خورده حرف بزنیم هر چند برداشت‌های مختلف می‌شود.

ببینید ما تراکم قانونی داریم، یعنی مجلس ما و نظام تقنینی ما هر چه دلتان می‌خواهد قانون دارد اما آنجائی که حرف از رویه و روش است، شما باید این‌ها را عملیاتی کنید وحشتناک عقب‌ماندگی داریم، یعنی اگر یک آبدارچی می‌گذارند بیاید تو اتاق ما باید پذیرایی کند، خودم بعضی مواقع که حساسم بیست کار برایش می‌نویسم، یعنی از لحظه‌ای که وارد می‌شود می‌گوییم چطوری باید وارد شود و چطوری باید چایی بگذارد.

اگر یک جمع هست اول جلوی من نگذار اول از پایین‌ترین فرد که در جلسه هست شروع کنید و چایی را بگذارید، چطوری بگذارید، چایی سرد نباشد احترام این باشد، چطوری سلام کنید، چطوری بروید بیرون، هر چه که به ذهنم می‌رسد می‌گویم و در این سن می‌بینم بیست، سی تا مطلب فقط برای نوع چای آوردن و بردن بیرون گفته‌ام.

حالا شما وسعت و تعمیم بدهید ببینید چقدر حوزه‌هایی است که باید این رویه‌ها تدوین و آموزش داده شود الان بحث گردشگری نیست، من الان کلی دارم می‌گویم. دنیا این را فهمیده کشورهای پیشرفته رویه نویسند، روش نویسند، با یک قانون هزاران رویه تدوین می‌کنند، عمل می‌کنند و آموزش می‌دهند و کارهایشان راه می‌افتد.

اصلاً شرکت‌هایی هستند مخصوص همین کار شما به آن شرکت مراجعه می‌کنید می‌گویید من می‌خواهم یک شرکت مثلاً خدمات بازرگانی در این سطح داخلی یا خارجی راه بندازم این ساختمان را دارم و این سرمایه را دارم برای شما، دو جلد تدوین می‌کند از رویه‌ها و روش‌ها که باید عمل کنید و تحویل می‌دهد، لازم نیست از صفر شروع کنید. ما در این حوزه‌ها ضعف داریم. کلاً در کشور این ضعف را داریم.

حالا در عمل و به درستی گفتند، چون ما صنف محور هستیم. من چند وقت پیش یک هتلی رفتم وارد هتل که شدم شب بمانم، فکر می‌کردم چون من هستم، توجه دارند. صد مورد اشکال در اتاق دیدم، در پرده‌ها دیدم، خاک‌هایی که داخل پنجره‌ها بود، در پنجره هتل پنج ستاره که بسته نمی‌شد و هوای سرد می‌آمد داخل در سرویس بهداشتی و در خدماتی که در رستوران بود.

همه این‌ها را نوشتم و تحویل دادم به آن برادر بزرگوار و گفتم این چیزهایی که من دیدم خیلی اشکال است. خوب حالا ما باید نظارت کنیم، یکی از مهم‌ترین کارهای ما نظارت است، نظارت پایه‌اش آموزش است، یعنی کسی که می‌رود کار نظارت انجام دهد دقیقاً باید بداند چه چیزی را نظارت می‌کند، کدام نقاط را نظارت می‌کند و وظیفه‌اش را انجام دهد ما یکی از مشکلاتی که در حوزه نظارت داریم در واقع این دو آسیب کلی است.

آن کسانی که نظارت می‌کنند کارشناس نیستند یعنی وظیفه‌شان را بلد نیستند و دوم این که صلاحیت‌های عمومی ندارند، صلاحیت این نیست که خانواده‌شان در گروه سیاسی باشند یا سابقه ضدانقلابی داشته باشند یا فحش به نظام داده باشند، نه من اصلاً به این چیزها اشاره نمی‌کنم، صلاحیت عمومی یعنی این که این فرد بداند وظیفه‌اش اصل است، خصالتی نباشد، دنبال حل مشکل خودش نباشد آنقدر سلامت باشد که وقتی وارد تأسیسات گردشگری شد بداند که وظیفه‌اش را چگونه

باید انجام دهد. ما مشکل داریم در این حوزه‌ها، در نظارت‌مان آسیب این چینی داریم، بخش زیاد هم به آموزش برمی‌گردد.

خب بحثی که الان داریم خودمان در حوزه آموزش در بخش گردشگری رشته‌های مختلف داریم حوزه‌های مختلف داریم، من دیگر اشاره نمی‌کنم، یک فهرستی هم که آقای آذری که گفتند من دیگر تکرار نمی‌کنم در این حوزه‌ها که مثلاً ۱۷۰ تا موسسه آموزشی داریم که این کارها را انجام می‌دهند، اولاً باید رشته‌ها را به هم‌دیگر نزدیک کنیم، ببینید همین‌جا از بحث راهنمایان گردشگری، تولیدرها، آژانس‌های خدماتی مراکز اقامتی، حوزه‌های شهرسازی، مراکز تفریحی که همه‌شان حوزه گردشگری است.

خواهران عزیز، برادران بزرگوار اول باید یک زبان مشترک پیدا کنند و الان همان‌طور که گفتند حتی یک صنف مستقیم که با ما کار می‌کند حواسش فقط به صنف خودش است، یعنی ممکن است مراکز اقامتی با آژانس‌های خدماتی خودشان با هم اختلاف داشته باشند، گرفتار باشند، یعنی اگر ما بحث می‌کنیم که آقا مثلاً بهای مراکز اقامتی برای خارجی‌ها ارزی باشد یا حتماً باید ریالی باشد یک تشکل خیلی محکم و جدی معتقد است که باید از خارجی‌ها ارز گرفت، این هم استدلال است و یک تشکل هم معتقد است که نباید این کار را کرد به این دلایل و استدلال دارد.

ما یک‌خورده باید این بحث‌ها را باز بگذاریم، من یک شبکه میراث را باز گذاشتم برای همین کارها دیشب هم اولین گفتگو را آقای میثمی راه‌اندازی کردند، هیچ خط قرمزی در حوزه میراث فرهنگی، حوزه گردشگری، حوزه صنایع دستی ما نداریم، ما باید مسائلمان را به طور کارشناسی حل کنیم.

مثلاً یک دفعه می‌گویند یک تپه ناپدید شد، کاسه نیست که بگوییم ناپدید شد، مگر می‌شود یک تپه یک شبه ناپدید بشود؟! بعد بگوییم ببینید چه شده است، بگویند این‌طور نیست، بعد بگوییم آن کسی که گفته ناپدید شده را بیاورید، بحث کنید مگر چه می‌شود. ممکن است با مدیریت صدا و سیما البته با مدیریت ساترا مشکل داشته باشید، برنامه‌های زنده را سخت‌گیری کنند، الان که انتخابات است همه چیز باز است.

انشالله بعد انتخابات هم با همین دست فرمان به جلو بروید، شورای نگهبان

هم رسماً اعلام کرد که خانم بی حجاب می‌تواند برود در حوزه انتخابات رأی دهد، فعلاً با همین دست فرمان میریم جلو یک‌خورده شما آزادی عمل دارید. ما باید یک‌خورده با هم‌دیگر بحث کنیم اشکال ما این است که از هم دور هستیم، خوبی این جلسه این است که افراد مختلف از اساتید بزرگوار، مدرسین، نخبگان که من با چند نفرشان آشنا بودم و آشنا شدم اسم‌هایشان را می‌دانستم از موسسات آموزشی تا دانشجویها در این جلسه، بازیگران و فعالان حوزه آموزش جمع هستند، ما باید آن‌ها را نزدیک کنیم، ما باید زبان مشترک پیدا کنیم، ما الان این را نداریم.

در ریاضی یک خطی است به نام خط رگلسیون که رگله می‌کند یعنی نزدیک می‌کند، یک خط هم بیشتر نیست این خط خیلی خط مهمی است که به آن می‌گوییم خط رگلسیون و ممکن است این خط از خیلی از نقاط رد نشود، یک نفر صد درصد راضی نشود ولی مهم نیست یک نفر ۷۰ درصد راضی می‌شود، یکی ۶۰ درصد، یکی ۲۰ درصد ولی همه در واقع، همگرایی پیدا می‌کنند. این خط، خط همگرایی است ما باید در حوزه گردشگری این خط را رسم کنیم، این جا مثل ریاضی نیست که نقطه بنویسیم، خط را بکشیم.

مفهوم این است تا جایی که می‌توانیم نزدیک کنیم. الان این‌طور نیست، من تشکر می‌کنم از آقای شالبافیان که این جلسه را راه‌اندازی کردند و تشکر از عزیزانی که از شهرستان‌ها آمدید رنج سفر را هموار کردید، خودتان آمدید در این جلسه که واقعاً جای تشکر دارد.

یکی از راه‌هایش این است که وقتی حرف می‌زنیم کنار هم، یک‌خورده به همدیگر نزدیک می‌شویم. ما تا خودمان یک همفکری و همگرایی پیدا نکنیم و به مطالباتمان دست پیدا نکنیم، جاهای دیگر را نمی‌توانیم با خودمان همگرا کنیم، پس این نکته مهمی است گردشگری کاملاً فرا بخشی است یعنی ۲۷ حوزه باید کنار هم باشند تا شما سفر را سامان بدهید، الان یکی از کارهایی که الحمدالله با تلاشی که معاونت گردشگری انجام داده، خوب انجام می‌گیرد همین ستاد سفرهاست که نظم گرفته و مسئولان به رسمیت شناختند.

در دولت بارها به من گزارش دادند، می‌آیند بازدید می‌کنند، دستگاه‌ها را همراه کردند که این دستگاه‌ها همراهی داشته باشند.

ما باید برویم ۲۷ دستگاه را هماهنگ کنیم و بعضی مواقع در دولت از بودجه وزارت راه دفاع می‌کنم که ربطی به من ندارد، می‌گویم که این بودجه را هماهنگ کردیم، قرار شده برای راه‌های دسترسی به مراکز گردشگری یک پولی بگذاریم، من که نمی‌خواهم راه بسازم، وزارت راه باید راه بسازد، بسیاری از نقاط دیدنی ما جاذبه‌های گردشگری ما، جاهایی است که راه دسترسی به آن نیست، کسی هم نمی‌رود.

من الان که با شما صحبت می‌کنم دقیقاً ۱۹۸ یا ۱۹۹ شهر را رفتم، حالا روستاها که الا ماشاءالله، خیلی از اینجا می‌روم می‌گویند فلان آبشار در فلان نقطه داریم، مردم نمی‌توانند بروند، خب من وقت می‌گذارم می‌روم با مسئولان منطقه دو ساعت، سه ساعت آن جا را می‌بینم، یک تصمیماتی هم آنجا می‌گیرم ولی دسترسی به آن نیست، باید راه زده بشود اگر الان مشکل ایرلاین‌ها را داریم، از رفتاری‌های ما است و مرتب در دولت بخاطر آن چانه می‌زنیم و می‌گوییم این آزادی پنجم، آزادی ششم و آزادی هفتم.

خب ما هواپیما نداریم چرا پس آنقدر شرکت هواپیمایی داریم؟ همه دنیا که این همه امکانات دارند چهار تا پنج تا شرکت هواپیمایی دارند، ما پنجاه تا داریم. حالا هرکسی آمده دو تا هواپیما اجاره کرده و یک دفتر زده است و اجاره می‌دهد، قیمت را بالاتر می‌برد. ما همیشه بحث داریم، الحمدالله این سازمان هواپیمایی که جای تشکر دارد، آمدند یک روز در دفتر من مفصل با هم صحبت کردیم همیشه پای خط هستند.

آقای «محمدی بخش» واقعاً همراهی دارند ولی هواپیما نداریم، ما وقتی هواپیما نداریم و می‌خواهیم گردشگری رونق بگیرد به محضی که عراقی‌ها می‌آیند با پرواز به آبادان دیگر بلیط نیست، من خودم آبادان بودم بلیط پیدا نکردم که بیایم تهران، سه تا نماینده دارد هر سه تا هم فعال هستند، یکی شان رئیس کمیته گردشگری مجلس یک پرواز دارد که پر است، عراقی‌ها آمدند گرفتند خود ایرانی‌ها از آبادان می‌خواهند بیایند تهران پرواز نیست، خب چکار کنیم نداریم دیگر، حالا من می‌گویم چه اشکالی دارد می‌گویند دنیا هم مخالف بحث حیثیتی است آقا ما اصلاً مشکل حیثیت نداریم، ما مشکل پرواز داریم، هواپیما نداریم، شرکت هواپیمایی می‌آید می‌گوید من به شما سرویس می‌دهم نه فقط اینکه بیایم مسافرتان را بردارم و بروم یک کشور دیگر، داخل هم می‌توانم وقتی می‌روم سرویس دهم.

آن کشورهایی که مخالف هستند دلیلش این است که آنقدر شرکت هواپیمایی دارند، آنقدر هواپیما دارند که برای تقویت خطوط خودشان نمی‌خواهند که شرکت‌های خارجی بیاید سرویس بدهد که حق دارند ما هم اگر هواپیما داشتیم این کار را می‌کردیم، خوب حالا ما نداریم، می‌خواهیم گردشگری را تقویت کنیم اصلاً مشکل ندارد.

لغو رواید به صورت یک‌طرفه را که انجام گرفت و در دولت تصویب شد، جزئیات اجرایی آن با سه، چهار تا نهاد اصلش نوشته می‌شود، یک مورد را وزارتخارج اول آورده بود، در مورد روسیه همه مخالفت کردند به اتفاق که فقط من و آقای امیرعبداللهیان نظر موافق دادیم، گفتند آقا این حیثیتی است، ایشان لغو نکنند، ما لغو کنیم؟

خب باید جواب بدهیم، جواب دارد ولی مسموع نیست، یک سکانسی در «هزار دستان» است که من برای رفع خستگی می‌بینم. «هزار دستان» ساخته مرحوم «علی حاتمی» که «شعبون خان» گردن کلفت و لات می‌رود دم سینما که تازه راه افتاده، می‌خواهد برود داخل که می‌گویند نمی‌شود، او هم با همان لحن می‌گوید چرا نمی‌شود؟

آنها هم می‌گویند اینجا سانس است و باید بلیت بگیرید، فکر کرده مثل قدیم خواسته در را بزند و از زیر میز برود داخل، بعد می‌گویند که والا حضرت اشرف، والا حضرت فلان؛ داخل هستند، دارند فیلم می‌بینند. استدلال «شعبون» این است که می‌گوید عه چطور والا حضرت می‌تواند داخل باشد، من نمی‌توانم داخل باشم، نه اصلاً امکان ندارد و بعد به نوجه‌هایش می‌گوید که بروند صندلی‌ها را بشکنند، حالا حرف ما این است، زمانی که صحبت می‌کنیم استدلال‌هایی هست که چطور می‌شود روسیه لغو نکند ما لغو کنیم و ما استدلال کردیم گفتیم بحث این‌ها نیست که شما رأی منفی داده‌اید، ما ۶۰ کشور را بردیم و ۳۳ مورد تصویب شد.

همان‌هایی که رأی ندادند در دولت به اتفاق استدلال عوض شد، گفتیم اصلاً بحث این نیست، موضوع را از جانب دیگری بنخوانید ما می‌خواهیم درهای ایران را بر روی مردم دنیا باز کنیم، این برادر عزیزمان، دانشجو خوبمان یک جمله‌ای زیبا از بزرگان خواندند، یک جمله زیبا از گردشگری خواندند که گردشگری راه

همزیستی و تعامل و ارتباط‌های مردم دنیا است، یعنی بهترین راه برای نزدیکی فرهنگ‌ها است.

من کسی هستم که به تهاجم فرهنگی شدیداً اعتقاد دارم سال‌ها با تهاجم فرهنگی مقابله کردم اما تعامل فرهنگی را هم به شدت قبول دارم. اعتقاد به تهاجم فرهنگی نفی تعامل فرهنگی نیست، راه تعامل فرهنگی این است که شما گردشگری را راه بیندازید طبیعی، نه شعار در آن است نه چیزی.

مردم می‌خواهند کشورهای دیگر را ببینند، همین که می‌خواهند ببینند همه چیز حل می‌شود، من یک ویدئو گذاشتم در مورد مسجدی در تاجیکستان، بعضی‌ها انتقاد کردند به من که چرا یک وزیر رفته مثلاً این مسجد را نشان می‌دهد و می‌گوید این مسجد الگو است و سرویس بهداشتی آن را هم نشان می‌دهد، پاسخ آن خیلی روشن است.

اگر پیامبر فرمود «**اطُّبُّوا الْعِلْمَ وَ لَوْ بِالصَّيْنِ**» نگفته بروید آنجا صفا کنید بخورید، بخوابید می‌گوید بروید طلب علم کنید. امروز هم روز آموزش است، طلب علم کنید، بیاپید در خدمت مردم قرار دهید. یک مسجد ساختن الگو است برای ایران، حتماً الگو است، یعنی ۱۴۰ هزار نفر در آن واحد می‌توانند در آن مسجد نماز بخوانند که همه‌شان گردشگر هستند.

رَوْضَةُ الْوَاعِظِينَ: وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ: اطُّبُّوا الْعِلْمَ وَ لَوْ بِالصَّيْنِ فَإِنَّ طَلَبَ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ.

پیامبر(صلی الله علیه و آله) فرموده‌اند: دانش را بجوئید هر چند در چین باشد که طلب دانش بر هر مسلمانی واجب است .

شبستان‌های اطراف همه مسجدها ساعت ۹ صبح بسته است، شما ۹ صبح یک مسجد پیدا نمی‌کنید که درش باز باشد تا مردم نمازشان را بخوانند، استراحت کنند و از سرویس بهداشتی استفاده کنند. همه آنها بسته است.

من پریروز به یکی از نزدیکان آقای رئیس‌جمهور گله کردم گفتم اگر آقای رئیس‌جمهور درباره ائمه سخنرانی کردند، ای کاش به من گفته بودید من یکی دو جمله می‌گفتم که آقای رئیس‌جمهور در این جلسه بگویند. ما ۹۰۰ امام جمعه داریم. در محضر رهبر انقلاب، رئیس ائمه جمعه گزارش دادند که ما ۹۰۰ امام جمعه داریم، هر کدام از اینها میانگین یک مسجد؛ ما ۸۷۰ مسجد در مسیر گردشگر داریم،

ما استاد گذاشتیم یکی از همین تورگردان‌ها به من گفتند یک خانمی بود خیلی به من گله کرد، در بازدیدهایی که داشتم من این گروه خارجی را بردم لرستان این‌ها احتیاج به دستشویی داشتند، مسجد بود، بردیم آنجا، خادم مسجد آمد لگد زد و دعوا کرد، هل داد ما را بیرون که شما نجس هستید که من گفتم که گردشگر نجس نیست، از همین جاها شروع کنیم اول از اینجاها شروع کنید ۸۷۰ تا مسجد در مسیر گردشگری، حالا آمار می‌دهند می‌گویند ۷۰ هزار تا مسجد هست و ۵۰ هزار تا امام جمعه ندارد، خیلی خوب انقلاب شده همه آمدند مسئول شدند.

مسجد را اداره کنید، آموزش بدهید به مردم، هدایت کنید مردم را، حالا ما کاری به نماز جماعت آنجا نداریم ولی محیط مسجد را به عنوان یک پایگاه گردشگری در مسیر می‌خواهیم یا نمی‌خواهیم، مشکل حیثیتی نداریم بی حیثیتی آنجاست که آبروی کشور می‌رود، مردم گرفتارند.

باب صلاة، باب طهارت را هزار سال در حوزه علمیه درس می‌دهیم اما یک قدم برای صلاة و طهارت مردم در جاده‌ها بر نمی‌داریم، اینجاست مشکلات ما حالا یک جاهایی باید شمشیر زده بشود که شما همچنین حرف‌هایی نزنید چون شما آسیب پذیرید. من فعلاً تا اینجا آسیب پذیری کم‌تر از شماست، یکی باید این‌ها را بگوید هزینه هم می‌دهیم باید بگوئیم.

اینها گرفتاری‌های ما است. حداقل تجهیزات و زیرساخت‌هایمان با پیگیری که شد دیروز در بودجه تصویب شد، باز به عنوان یک خبر کل تأسیسات گردشگری در مورد گاز مصرفیشان معاف شدند، قیمت آزاد واقعاً قیمت سرسام‌آوری است، خیلی در دولت حرف زدیم، استدلال کردیم، معاف شدند. قسمت‌های برق برای جاهایی که گاز هم نیست، آن هم تسهیلاتی شاملش شد. مصوبه خیلی خوبی بود دیروز در صحن مجلس رأی آورد و تصویب شد.

این یک اتفاق خوب برای گردشگری است، به من گفتند سه تا از نماینده‌های بسیار خوب پیشنهاد حذف اینها را دادند، فوراً گفتم با آنها تماس بگیرید و بگوئید چه را دارید حذف می‌کنید؟ با یک استدلال دیگری شما دارید زیرساخت‌های گردشگری را از بین می‌برید. خوشبختانه با آنها صحبت شد، قبول کردند و پیشنهاد حذف را پس گرفتند و بدون مخالفت دیروز در صحن علنی تصویب شد.

ببینید ما در زیرساخت‌ها مشکل داریم، جناب آقای ساسان خیلی خوب شما حرف زدید من خودم عاشق روایتگری هستم یک روز انشاءالله اگر به سلامتی ما از اینجا رفتیم من یکی از جاهایی که بیایم کار کنم روایتگری و راهنمای گردشگری خدمت شماست، حالا یک نشست راهنمایان گردشگری دارند که من در آنجا بیشتر در این مورد صحبت می‌کنم.

روایتگری که باید آموزش داده شود حالا شما رشته‌های مختلف دفاتر خدماتی، تورگردان‌ها، مراکز اقامتی و بحث آموزشی دارید، چیزی هم بگویم زیره به کرمان بردن است، فقط می‌خواهم بگویم که روایتگری یکی از حوزه‌هایش است.

همین الان اوباما رئیس‌جمهور سابق آمریکا رفته در یک شرکت، مراکز تاریخی و فرهنگی را توضیح می‌دهد البته پول‌های درستی هم می‌گیرند ولی از برندینگ‌شان استفاده می‌کنند، می‌گویند رئیس‌جمهور سابق آمد و در خصوص این ساختمان حرف زد.

روایتگری برای مردم خیلی مهم است، بعضی مواقع «شرف المکان بالمکین» که من قبول دارم «شرف المکین بالمکان» هم داریم، یعنی اینکه شما رفتید کنار قبر کوروش، یک بار یک مصاحبه مفصل کردم کنار پاسارگاد وقتی گفتم کوروش اولین کسی بود که طویف را به وحدت رساند و منشورش ماندگار شد؛ حالا قبل از این بود که اسلام بیاید و گرنه پرچمدار این موضوع اسلام است و شخص پیامبر اسلام است، اما آن موقع که اسلام نبود شما از همان‌جا که شروع می‌کنید این را می‌گویید چون کنار قبر کوروش هستید، کنار کتیبه داریوش در گنجنامه همدان راجع به آن دو تا کتیبه من یکبار وضعیتش را گفتم بعضی مواقع «ان مکان‌ها» به شما اجازه می‌دهد که شما حرفتان برود و عادی حرف بزنید، خوب این‌ها مزیت‌های ما است.

فرهنگ ناملموس ما به گونه‌ای است که این ۴ هزارتایی که تصویب کردیم من دارم مطالعه می‌کنم متأسفانه سوابقش نیست، یعنی می‌گویم فلان اثر ناملموس است کسی پنج دقیقه به من توضیح بدهد که این چیست؟ چیزی که از شما اساتید می‌خواهم همین است، ما ۴ هزار تا اثر ثبت کردیم، من دوست دارم هر

کجا می‌روم راجع به ۵ تا میراث ناملموس مان یک خورده حرف بزئم، خیلی به زحمت می‌افتم نه جایی مکتوب داریم، نه کسی اینها را پرزنت کرده، نه کسی اینها را جا انداخته، رسانه‌ها هم در این حوزه مسئولیت دارند، والا این ۴ هزار اثر دفن می‌شود.

من دیروز در جلسه شورای عالی فضای مجازی که بحث بسیار مهمی بود (عضو این جلسه هستم)، در حضور رئیس جمهور و اعضای که هستند آن جا بحث بود بر سر بودجه‌ای که داده شود و حوزه‌های تمدن و فرهنگ دیجیتال شود. من به دوستان گفتم تمدن ما در فضای دیجیتال که آمده و فضای مجازی، اگر اینها ترجمه نشود و نیاید همه نابود و دفن می‌شود.

یعنی اینکه زلزله آمده و اینها رفته زیر خاک خوب دقت کنید شما اگر چیزی را از زیر خاک در آورید و نتوانستید نشان بدهید در موزه یک بحث داریم و اگر نتوانستید تمدن‌تان را در حوزه ارتباطات به زبان امروز برای نسل‌های جدید تعریف کنید یک جور رفته زیر خاک، یعنی رفته جزو میراث فرهنگی که هنوز کشف نشده است.

اینها را الان ما متوجه نیستیم، ۵۰ سال بعد می‌فهمیم چه شده است، خب عذرخواهی می‌کنم، من خواهش‌م از آقای شالبافیان این هست که اولاً ظرفیت‌های آموزشی کشور را احصا کنید، دانشگاه‌های ما موسسات عالی ما در حوزه آموزش کار می‌کنند و برنامه‌ریزی دارند اینها را وصل کنید به اجرا، اگر حوزه آموزش ما به خصوص بحث‌های مهارتی با کارآموزی همراه نشده و به اجرا وصل نشود، در واقع از بین رفتن منابع ما است، حتماً این کار را انجام بدهید، راه‌حلی هم دارد بعضی مواقع راه‌حلی هم دادم، در دنیا که می‌رویم می‌بینم بچه‌های کوچک را آورده‌اند و به آنها آموزش داده‌اند. در حدی که پنج، شش جمله بگویند آن جا را معرفی کنند و گردشگرها را راهنمایی کنند.

در همین ریاض من دو تا از مدیرانم را فرستادم، برای گردشگری ریاض سرمایه‌گذاری کرده‌اند؛ گفتم هر چه نکته مهم دارند، بنویسند من ببینم آن‌ها برای آینده عربستان چه کار کرده‌اند، یکی از چیزهایی که به من گفتند این بود که وقتی شما از هواپیما پیاده می‌شوید، در ریاض بحث زیارتی ندارند، مکه و

مدینه که نیست، گفتند شما بچه‌های کم سن و سال را می‌بینید بلد هم نیستند انگلیسی صحبت کنند، چهار تا کلمه انگلیسی یاد گرفته‌اند ولی به آنان آموزش داده‌اند این کسی که از هواپیما پیاده شد چه چیزهایی احتیاج دارد، ۱۰۰ تا لغت یاد گرفته راهنمایی می‌کند، گردشگر را می‌آورد، می‌برد، سوار ماشین می‌کند، هتل می‌برد، این بچه از اول ترسش می‌ریزد، یعنی دارد کار یاد می‌گیرد، هم زمان که دارد آموزش می‌بیند مستقیم با گردشگر ارتباط برقرار می‌کند.

خب این یک راه‌هایی است. کسانی که در این حوزه می‌آیند آرام آرام می‌آیند به کارهای اجرایی و مهارتی. من خواهم این است به کمک خود عزیزان و بزرگانی که صاحب نظر هستند هر راهی، هر مسیری، هر پیشنهادی که می‌تواند این دو حوزه را به هم وصل کند حتماً در آن حوزه فعال باشید متناسب با توانمندی‌هایمان، حالا حساب کنید بودجه‌مان یک مقدار بیشتر شد، یک مقدار بودجه بیشتر برای بحث آموزش بگذاریم که انشاءالله این کار را می‌کنیم.

آن مطلبی که آقای آذری فرمودند را ببینید حالا صدا و سیما شاید محدودیت‌هایی داشته باشد شبکه میراث در تلویزیون هست، با صدا و سیما قرارداد بستیم الان هم اکثراً مردم در رفت و آمد هستند و همه از موبایلشان استفاده می‌کنند، تلویزیون بخشی هست که این شبکه‌ها در آن موجود است، شبکه میراث الان آزمایشی شروع به کار کرده و قرار شده خیلی کارها انجام بگیرد.

شبکه میراث متعلق به فعالان حوزه گردشگری است، یعنی همه عزیزان و صاحب نظران بحث‌های آموزشی، مصاحبه‌ها و مناظرهای چالشی و پیشنهادهایی که هست را بدون هیچ‌گونه خط قرمزی اعلام کنند. این همان صدا و سیما ما است بخش‌های دیگر صدا و سیما همراهی خواهند داشت اما این شبکه خود ما است که در خدمت دوستان باشد، ظرفیت‌های آموزشی و جلسات مستقل را یک بار دیگر بررسی کنید.

مثل آن جلسه‌ای که در مورد صنایع دستی داشتیم، هفت، هشت تا دانشگاهی که در حوزه صنایع دستی فعال هستند جلسه خیلی خوبی بود مرتب این جلسات مشترک بین موسسات آموزشی و دانشگاه را بگذارید انشاءالله از ظرفیت‌های آموزشی خودمان همان قدر که لازم و شایسته است استفاده بکنیم.

بیست و یکمین همایش سالانه باستان‌شناسی



سالن همایش موزه ملی، ۱۴۰۲/۱۲/۱۴

بسم الله الرحمن الرحيم

سلام و ادب. خیلی خوشحالم که در این جمع از فرهیختگان حضور دارم. در این مراسم من در حضور بزرگان باستان‌شناسی درس پس می‌دهم. اعتراف می‌کنم که صحبت‌های باستان‌شناس پیشکسوت آقای ملاصالحی برای من مفید بود که من لحظه‌ای پلک نمی‌زدم تا چیزی را از دست ندهم و به نظر من صحبت‌های این باستان‌شناس پیشکسوت می‌تواند یک منبع باشد.

برای مطالب استاد ملاصالحی پروژه تعریف شود و من آمادگی دارم که برای این پروژه‌ها به‌عنوان یک مشاور فعالیت کنم. چرا که صحبت‌های این استاد پیشکسوت باستان‌شناسی باعث شد تا مطلب چند سخنرانی برای خود من از بین این صحبت‌ها حاصل شود. البته در این مراسم بزرگان زیادی هستند که از حضور تمامی آن‌ها می‌توان درس یاد گرفت.

من چندی پیش به الموت رفته بودم. حقیقتاً بالا رفتن از آن سخت است. شاید قبلاً که جوان‌تر بودم می‌توانستیم این مسیرها را به راحتی طی کنم اما اکنون کمی سخت شده با این حال در بازدید از الموت بزرگان و پیشکسوتانی مانند خانم دکتر چوبک با توجه به علاقه‌ای که به کار دارد با توان و قدرت این مسیر را بالا می‌رفت. بزرگان این‌گونه هستند. باید قدر همه آن‌ها را دانست.

باستان‌شناسی هم علم و دانش است هم هنر است و هم مهارت است. ریشه همه این‌ها یک عشق و انگیزه خاصی است که محرک اصلی برای باستان‌شناس است. آن عشق و علاقه است که به باستان‌شناس توان و قدرت می‌دهد. از هر پروژه‌ای که کاوش می‌شود یک حرف جدید و یک تمدن جدید به دست می‌آید.

قرآن وقتی درباره خرابه‌هایی که عبور می‌کنیم، صحبت می‌کند تاکید دارد که از برون به درون برسیم و به تعبیری درس بگیریم و مایه عبرت ما شود.

چندی پیش برنامه‌ای را داشتم می‌دیدم که از نقل قول مرحوم آیت‌الله مصباح داشت پخش می‌شد که آن مرحوم می‌گفت: فرعون‌ی که دوره موسی بود، فرعون‌های دیگری هم بودند، ظلم هم می‌کردند و زندگی اشرافی هم داشتند با این حال قرآن به آن فرعون‌ها کاری ندارد و تنها به فرعون دوران موسی اشاره می‌کند چرا که این فرعون دوران موسی به دین مردم کار داشت.

ما باید با مردم حرف بزنیم. باستان‌شناسان باید با مردم حرف بزنند. ممکن است برخی از مردم از باستان‌شناسی اطلاعات کمی دارند باید فرهنگ‌سازی کنیم. ما امروز مشکل فرهنگی داریم.

اکنون اگر یک خواننده‌ای باید مجازات شود باید مجازاتش این باشد که کتاب حقوق زن نوشته مرحوم مطهری را بخواند و خلاصه آن را تحویل دهد. حوزه باستان‌شناسی نیز باید کار فرهنگی کند در حوزه باستان‌شناسی باید از علم ارتباطات و رسانه استفاده شود. ما ماموریت داریم که بگوییم باستان‌شناسی مهم است.

ایران مهد تمدن است، ۱۹ هزار تپه تاریخی در کشور داریم. ایران در دل خود پر است از اشیاء و آثار تاریخی با این حال مواجه با یک پدیده قاچاق هستیم، البته خوشبختانه در همین اکنون شش کارگاه آموزشی برای مقابله با قاچاق اشیاء تاریخی داریم.

باستان‌شناسان ما نخبه هستند. این‌ها همه جزو انسان‌های شناخته شده هستند و به تعبیر رهبر معظم انقلاب این‌ها جزو بیت‌المال هستند بنابراین این افراد را باید روی سر گذاشت باید تجلیل و تکریم کرد و قدر آن‌ها را بدانیم. باستان‌شناسان خط مقدم میراث‌فرهنگی ما هستند و از همه آن‌ها تشکر و قدردانی می‌کنم و امیدوارم که با همین انگیزه بتوانیم به کشور عزیزمان خدمت کنیم.

آیین پاسداشت و تکریم هنرمندان پیشگوت متولد اسفندماه



باغ زیبای تهران، ۱۴۰۲/۱۲/۱۴

بسم الله الرحمن الرحيم

سلام خدمت همه هنرمندان عزیز این مرز و بوم. حضور من در این جلسه بسیار خوب، ادای احترام به ساحت مقدس هنرمندان است. برای من باعث افتخار است چرا که من خیلی از همکاران را در این جلسه دوباره می‌بینم.

یک جمله حرف حق و حقیقت و راه راستی و درستی وقتی به زبان هنر در می‌آید تاثیر می‌گذارد چرا که اولین و آخرین هنرمند هم خود خدا است.

خدا ستارگان را آفریده و با این که کارکرد اصلی آن‌ها چیز دیگری است با این حال خداوند می‌گوید ما این ستارگان را زیبا آفریدیم.

ما بعد از انقلاب در زیبایی کم گذاشتیم تصور اشتباه این بود که زمانی که زیبایی را بیان کنیم این اشرافی است. ما سادگی را بد بیان کردیم و زیبایی را نیز بد تصور کردیم حالا باید جبران کنیم.

وزارتخانه ما متولی صنایع دستی است. شما ببینید همین صنایع دستی اگر چه برای تأمین معیشت به کار می‌رود اما واقعا زیبا است. ما در ایران در حال حاضر ۲۹۹ رشته برجسته داریم و در دنیا اول هستیم.

این نشان می‌دهد که نیاکان ما آدم‌های خوبی بودند. اصلا همین که اسلام را پذیرفتند آدم‌های خوبی هستند. برای همین اصلا نیاکان ما در زمان ورود اسلام به ایران به تعبیر شهید مطهری، با اعراب نجنگیدند و به خاطر مشخصات زیبا و خوب دین اسلام، درها را گشودند و اسلام وارد ایران شد.

به تعبیر شهید مطهری خدمتی که ما ایرانی‌ها به اسلام کردیم خود اعراب نکردند. برای همین ما عقبه خوبی داریم لذا هنر در گوشت و پوست و خون ما ایرانی‌ها است.

گاهی اوقات در حوزه هنر در برخی از فیلم‌ها و سریال‌ها دیالوگ‌های ماندگاری را شاهد هستیم. در فیلم سینمایی ناخدا خورشید، آقای داریوش ارجمند جمله‌ای دارد که ماندگار است. این هنرمند در قسمتی از این فیلم می‌گوید: «آنجایی که زن و بچه ماجد باید نان بخورند زن و بچه ما هم باید نان بخورند.» این جمله در این فیلم سینمایی در ذهن من مانده است.

شما هنرمندان همه مایه افتخار هستید، به حدی عزیز و بزرگوار هستید که با تجلیل و هدیه و ... زحمات شما قابل تجلیل نیست. به قول مرحوم علی حاتمی هنر مزرعه بلال نیست. هنر بسیار ارزشمند است و همه باید قدردان هنر و هنرمندان باشیم.

نگاه‌های سوداگرانه مقداری دست‌انداز در کار هنر ایجاد کرده، باید این مسئله را برطرف کرد باید بزنیم زیر میز و خط را عوض کنیم. خوشبختانه با وجود هنرمندان پیشکسوت این امید وجود دارد تا راه هنر به خوبی ادامه پیدا کند.

سومین بزرگداشت مفاخر میراث فرهنگی



سالن آمفی تئاتر وزارتخانه، ۱۴۰۳/۳/۳۱

بسم الله الرحمن الرحيم

عرض سلام و ادب و احترام خدمت شما مفاخر و پیشکسوتان، به همه نخبگان و سرآمدان و پیشکسوتان حوزه میراث‌فرهنگی ادای احترام می‌کنم. حضور بنده در سومین دوره این همایش باعث خرسندی و افتخار است و خوشحالم که در جمع شما بزرگان هستم. جا دارد که تشکر کنم از آقای دکتر دارابی و همه همکارانشون که ابتکار و اهتمام از خودشون بوده و گروه‌های تخصصی که دارن خیلی خوب این مراسم رو داشتند و به بهترین شکل برگزار شده است

رئیس‌جمهور شهید با ما چندین بار نشست داشتند و درباره برگزاری چنین همایشی تاکید داشت و بر تداوم آن نیز توجه داشت. آقای رئیسی شخصیت بسیار بی‌نظیری بود. من در دولت‌های مختلف کار کردم. حقیقتاً آقای رئیسی شخصیت برجسته و کم‌بدیلی بود. در حقیقت می‌توان این‌گونه گفت که پندار نیک، گفتار نیک و کردار نیک در شخصیت شهید رئیسی تجلی داشت. ایشان خیلی پرکار بود و همواره تلاش می‌کرد و در عین حال از اخلاق و متانت و ادب دور نبودند. خیلی وقت‌ها گم شده ما همین است. جا دارد از برادر عزیز شهید رئیسی تشکر کنم که امروز در مراسم ما حضور دارند.

توقعی که از بزرگترها داریم این است که بزرگی کنند و نمی‌کنند اما واقعا شهید رئیسی شخصیتی بود که بزرگی می‌کرد. جای خالی او پر نمی‌شود. خوشحالیم که امروز در این همایش از این شخصیت بزرگوار به‌عنوان حامی میراث‌فرهنگی تجلیل می‌کنیم. تجلیل از بزرگان ما در حوزه میراث‌فرهنگی تجلیل و ادای احترام نسبت به تمدن، فرهنگ و ریشه‌ها است. ریشه اصل است و اگر رویش جدیدی شکل می‌گیرد این رویش‌ها اتصال به ریشه دارد. اگر ریشه قطع شود، رویش جدیدی نخواهیم داشت. ما ریشه‌ها را باید حفظ کنیم. این اقدام و این مراسم در حقیقت افزایش سواد میراثی جامعه، توجه دادن نسل جوان، تکریم از شخصیت‌های ارزشمند و در اصل پاسداشت ریشه‌هاست.

همین کلیدی که دوستان زحمت کشیدند نشان می‌دهد در سفر رئیس‌جمهوری به تخت‌جمشید، یکی از کارکنان این مجموعه که چند ماه حقوق دریافت نکرده بود، به ایشان اعتراض می‌کند. ۲۰ سال حقوق همکاران پایگاه‌های ما با مشکل پرداخت می‌شد اما در سفر شهید رئیسی به استان فارس و اعتراض آن کارمند، بعد از شنیدن صحبت‌های کارکنان و مدیران، تذکر جدی دادند که حقوق کارکنان حتی یک روز نباید عقب بیفتد. با دستور ایشان دو سال است که این مشکل برطرف شده است. این اقدام ارزشمندی است. امروز انجمن خیرین تشکیل شده است و خدایوشکر اتفاقات خوبی افتاده و در بعضی استان‌ها اتفاقات خوبی در حال انجام است. اعتبارات ما خیلی محدود است. در دولت خدمت رئیس‌جمهوری هم گفته بودم. به طور مثال ظرفیت‌هایی که در خلیج فارس داریم در کشورهای عربی وجود ندارد. اعتبارات مرمت چندین برابر شده که البته هنوز هم کفایت نمی‌کند. چرا که فقط برای فنس کشیدن تپه‌ها و محوطه‌های تاریخی ۴ هزار میلیارد تومان نیاز است. آثار تاریخی برای این است که بازدیدکنندگان از ظاهر به باطن دست پیدا کنند برای همین است که قرآن کریم می‌گوید ما این آثار را سر راه قرار دادیم. واقعا آثار تاریخی ایران بی‌نظیر است.

گاهی اوقات وقتی نظام اداری دوران هخامنشی را می‌بینیم، به این نتیجه می‌رسیم که یک نظام اداری بسیار پیشرفته است. بر نیمی از دنیا حکومت داشتند اما واقعا نظام اداری خوبی داشتند. باید نهضت روایت را به صورت جدی‌تر دنبال کنیم. بارها رهبر معظم انقلاب بر روی معرفی آثار تاریخی تأکید کردند. برخی‌ها این‌ها را متوجه نیستند و دو قطبی‌هایی بین ایران قبل از اسلام و ایران بعد از اسلام ایجاد می‌کنند. اما مقام معظم رهبری جلوی دو قطبی‌ها را می‌گیرند.

تشکیل این جلسات و رونمایی از خانه مفاخر ایران اقدام بسیار خوبی است. در این خانه باید بدون در نظر گرفتن خط‌بندی‌های سیاسی پیشکسوتان دورهم جمع شوند و باهم گفت‌وگو کنند. گاهی اوقات ممکن است برخی از حوزه‌ها با حوزه سیاست پیوند داشته باشند و خط و ربط سیاسی پیدا کنند اما حوزه باستان‌شناسی حوزه صادقانه و بی‌طرفانه است و در حقیقت یک باستان‌شناس بی‌طرف است. حتی اگر باستان‌شناس بی‌طرف هم نباشد یافته او قطعاً بی‌طرف است.

موقعیتی داریم که خوشبختانه پس از تشکیل وزارتخانه ۳ بخش به بهترین شکل در کنار هم قرار گرفته‌اند. وزارتخانه از همه ظرفیت‌های خود به بهترین شکل استفاده می‌کند. میراث فرهنگی ریشه فعالیت‌های ما است. شما بزرگان ما هستید.

فصل ۲

گردشگری

افتتاحیه رویداد ساری ۲۰۲۲



ساری ۲۰۲۲/۲/۱۴۰۱

بسم الله الرحمن الرحيم

عرض ارادت دارم به همه عزیزان، خواهران و برادران بزرگوار، از حضور همگی خیلی تشکر می‌کنم. وقت خیلی محدود است من در حد خودم واقعا از همه سخنرانان عزیز استفاده کردم، از همه بخش‌های مختلف که در جلسه حضور دارند سپاسگزاری می‌کنم، هم نمایندگان بخش خصوصی و فعالان گردشگری و هم مسئولان دولتی، ملی و استانی.

از استاندار محترم به خاطر همه تلاش‌های ایشان سپاسگزاری می‌کنم، از نمایندگان محترم مجلس جناب آقای بابایی و جناب آقای مرادی که واقعا پشتیبان بخش گردشگری در مجلس شورای اسلامی هستند سپاسگزاری می‌کنم و همچنین از حضرت آقای محمدی هم که فرمایشات خوبی داشتند. قانداً در این وقت کم من باید یک جمله در مورد اکو و یک جمله در مورد مازندران بگویم که در همین وقت کوتاه بحث خودم را جمع کنم.

اولاً از سفرای محترم عضو اکو تشکر می‌کنم، نمایندگان محترم سیاسی بعضی از کشورهای عضو که خود را به محل اجلاس رساندند و در این جلسه طولانی شرکت کردند، ان‌شاءالله برنامه‌های متنوع دیگری هم خواهند داشت.

سازمان همکاری‌های اقتصادی که با یک فلسفه روشنی آغاز به کار کرد ابتدا سه کشور بودند و بعد کشورهای دیگر هم اضافه شدند باید در این حوزه هوشمندانه و مبتنی بر تغییرات و تحولات درست جهانی حرکت کند. گردشگری امروز رکن مهم اقتصادی دنیا است، این یک انتخاب نیست یک ضرورت است.

ویژگی‌هایی که گردشگری دارد اقتضا می‌کند که جایگزین بسیاری از ظرفیت‌های اقتصادی دیگر در سطح جهانی شود، کما اینکه در این مسیر حرکت می‌کنند. اگر کشوری مثل قطر در منطقه ما فقط صرفاً ۲۰۰ میلیارد دلار برای بازی‌های جام جهانی فوتبال هزینه می‌کند نشان دهنده جمع‌بندی است که به لحاظ اقتصادی ارائه می‌شود که الان صرف می‌کند که این مقدار سرمایه‌گذاری انجام بگیرد.

اگر جی دی پی جهانی فعلاً ۱۰ درصد از محل گردشگری است و طبق اخبار و آمار که ما داریم به سرعت در حال افزایش است، کشورهای عضو آکو که بهترین مزیت‌های نسبی گردشگری را دارند نباید در سقف ۷ درصد از این سهم داشته باشند، حتماً باید از میانگین جهان بیش‌تر باشند.

به لحاظ تاریخی و ظرفیت‌ها اکوتوریسم و ویژگی‌های خاص این کشورها واقعاً باید سهم ما بیش‌تر باشد، اگر این جامعه ۴۵۰ میلیونی را درست برنامه‌ریزی کنیم. در مورد سفرهای هوایی جناب آقای رفیعی به درستی اشاره کردند و ان‌شالله پیگیر خواهیم بود، در دولت در این حوزه نگاه خوبی است و ان‌شالله با کمک بخش‌های دیگر خطوط هواییمایی را فعال‌تر خواهیم کرد.

اما پیشنهاد من یک برنامه‌ریزی وسیعی با دفاتر خدمات مسافرتی است و بین این کشورها گردشگری زمینی را به عنوان گردشگری ارزان قیمت که می‌تواند به سرعت گسترش پیدا کند و هم اینکه خیلی از ویژگی‌های دیگر گردشگری را به همراه دارد، باید این راه اندازی کنیم، چون همه اجمالاً همسایه یکدیگر هستیم. راه‌های زمینی باز است.

بنابراین خواهش من از همکاران عزیزمان در کشورهای عضو آکو این است که ضمن هماهنگی با دبیرخانه که انصافاً آقای ناظری در این مدت خوب کار کردند، پراکنگیزه کار کردند و خدمات خود را ادامه می‌دهند ان‌شالله بتوانند در این حوزه برنامه‌ریزی روشنی داشته باشیم. در واقع این مزیت‌ها اقتضا می‌کند که آن‌طور که شایسته این موقعیت است بتوانیم در حوزه گردشگری تلاش کنیم.

بشر گردشگری را افزایش خواهد داد، یعنی در دنیای سایبری امروز که با اینترنت اشیا هرکسی در یک جایی می‌نشیند و همه کارهای اداری خود را انجام

می‌دهد و وقت کم‌تری به لحاظ فیزیکی در محیط کار خواهد گذاشت و دنیا دارد به این سمت می‌رود که روزهای کاری در هفته به ۴ و ۳ روز در هفته تقلیل پیدا کند، بشر؛ گردشگری، اینترنتیمنت و سرگرمی را به عنوان یکی از جدی‌ترین سبک زندگی و نحوه رفتار زندگی برای خود حفظ می‌کند و مرتباً افزایش می‌دهد. بنابراین در حوزه اقتصادی به شدت این بخش رو به افزایش است.

نکته دوم در مورد مازندران است، پایتخت گردشگری اکو مازندران و شهر ساری مرکز استان انتخاب شد. انتخاب دقیق و خوبی بود، ان‌شالله از امروز که افتتاحیه است تا مهر ماه که ادامه پیدا می‌کند برنامه‌های متعددی باید بشود تا مازندران به درستی به کشورهای عضو اکو شناسانده شود.

جمهوری اسلامی ایران ۶ اثر ثبت شده جهانی دارد که یکی از انگیزه‌های مهم گردشگری آن است. سه تا از آن‌ها متعلق به مازندران است، در ایران کم‌تر استانی چنین ویژگی را دارد. یعنی هم جنگل‌های هیرکانی که با ویژگی‌هایی که دارد در سطح جهانی یک نعمت خدادادی بی‌بدیل است، یعنی دیگر متعلق به ما نیست متعلق به همه مردم دنیا است.

حق دارند ببینند چه است، آثار خدادادی و تمدنی خود را ببینند بیابند بازدید کنند، حق همه ملت‌ها است که از زیبایی‌ها و جذابیت‌های گردشگری در هر کجای دنیا که هست استفاده کنند.

جنگل‌های هیرکانی البته بین چند استان ما اشتراک دارد، البته جنگل‌های ارسباران که در شمال استان آذربایجان شرقی است و من هفته قبل یک بازدید ویژه از آن‌جا داشتم و دنبال ثبت جهانی آن‌جا هم با همکاری دوستان عزیزمان در جمهوری آذربایجان هستیم و استفاده از آن سهمیه که بخشی از آن بین ایران و بخش کوچک‌تر آن در کشور آذربایجان مشترک است مجموعاً به نام جنگل‌های ارسباران به ثبت جهانی اضافه می‌شود که در نوع خود بسیار ظرفیت ارزشمندی است.

ما باغ‌های ۹ گانه را داریم و همچنین راه‌آهن سراسری، در هر سه تا، مازندران با همه ویژگی‌های خود نقش محوری دارد، پس یک چنین جایگاهی دارد. در جایگاه تاریخی ابنیه تاریخی استان مازندران فوق العاده است.

من می‌خواهم عرایضم را راجع به مازندران جمع کنم و کل عرضم را تمام کنم. مازندران یک الگوی کامل از ایران است. ما استان‌های متعدد دیگری داریم، ویژگی‌های خودشان را هم دارند، اما علت اینکه مازندران و شهر ساری پایتخت گردشگری انتخاب شد، برای اینکه تمام ویژگی‌های ایران بزرگ در مازندران است. ما حدود ۲ هزار اثر ثبت شده فرهنگ ناملموس داریم، بخش زیادی از آن در همین مازندران است و این ویژگی‌هایی که در استان مازندران است نشانی از ایران بزرگ است.

یک نکاتی را حضرت آقای محمدی امام جمعه محترم اشاره کردند، ترجمه آن به زبان گردشگری همین است که من عرض می‌کنم. یعنی اگر گردشگری زیارتی، اگر گردشگری دینی، اگر گردشگری مذهبی، یکی از مزیت‌های مهم کشورهای عضو اکو و ایران است مازندران در راس آن وجود دارد.

بسیاری از امام زاده‌ها و کسانی که به شخصیت‌های برجسته دینی ما منصوب هستند که پیگیری زندگی آن‌ها نشان دهنده وقایع اجتماعی و سیاسی بسیار جدی تاریخی است که حکام ظلم و جور دنبال ترور این‌ها بودند، این ترورها یک سابقه چند هزار ساله در زندگی بشر دارد، این‌ها مجبور بودند از دیگر کشورها کوچ و مهاجرت و فرار کنند و به این منطقه بیایند که منطقه طبرستان با حکومت علویان که یک حکومت آزاداندیشی به معنای واقعی کلمه در آن دوران ایجاد شده بود، این‌ها به این‌جا آمده و پناه می‌گرفتند و زندگی می‌کردند، یا در بین راه به تعبیر امروزی‌ها ترور می‌شدند و به شهادت می‌رسیدند یا اینکه می‌آمدند در دل این طبیعت زیبا از دنیا می‌رفتند، مردم تکریم می‌کردند و صدها سال است که مورد تکریم و تقدیس مردم هستند و این در فرهنگ مازندران نهادینه شده است.

زمانی که امام زاده‌ای را در قله یک کوه می‌بینیم با طبیعت بسیار زیبا و فوق‌العاده، بررسی می‌کنیم بسیاری از حوادث تاریخی و سیاسی را متوجه می‌شویم. شما می‌دانید در وظیفه جهانی و حرفه‌ای راهنمایان گردشگری است که ضمن اینکه یک اثر تاریخی را نشان می‌دهند در کنار آن باید معرفی درست بکنند و تفسیر واقعی ارائه دهند. این تفسیر واقعی جز وظایف حرفه‌ای ثبت شده راهنمایان گردشگری است.

پس اگر کسی آمد و این موقعیت‌ها را دید تفسیر و معرفی آن فقط مازندران نیست، در واقع رونمایی از یک مجموعه مهم تاریخی و سیاسی اجتماعی بشریت است که شما در کنار این شخصیت‌ها می‌بینید. اکوتوریسم این‌جا یک اکوتوریسم فوق‌العاده است، جناب آقای مرادیان به درستی به یک فهرستی اشاره کردند، این فهرست‌ها انتها ندارد یعنی هر گوشه‌ای از استان مازندران و اطراف ساری برید واقعا صحنه‌های اعجاب‌انگیز و شگفت‌انگیز از کنتراست دریا، جنگل، جلگه و رودخانه می‌بینم و همه این زیبایی‌ها در مازندران جمع شده و ظرفیت‌های فراوانی ایجاد کرده است.

مازندرانی‌ها در بوم‌گردی خوب هستند، ما بوم‌گردی را افزایش می‌دهیم. جناب آقای ناظری حتما در سیاست‌های اکو باید سهم مشخصی در حمایت از مراکز اقامتی مردمی فراهم کنیم. مراکز اقامتی رسمی جای خود را دارد، هزینه‌های خود را هم دارد. اما آنکه مردم می‌آیند و امکانات شخصی خود را در خدمت گردشگری قرار می‌دهند، هم ارزان قیمت است و هم اشتغال ایجاد می‌کند، در خود این کشورها هم همین‌طور.

یکی از سیاست‌های امروز ما در حوزه گردشگری جمهوری اسلامی تقویت بوم‌گردی‌ها است، فقط مسئله اقامت نیست، فقط این نیست که یک محیط حتی طبیعی مناسب با قیمت پایین‌تر فراهم می‌شود، اصلاً تبادل فرهنگ واقعی در حوزه بوم‌گردی‌ها صورت می‌گیرد. یعنی اگر استوری تلینگ که کسی بیاید داستان بگوید و با این داستان گفتن برای گردشگران انتقال فرهنگ کند.

اگر در داخل این بوم‌گردی‌ها و این جنگل‌ها وقتی کسی یک شب مهمان شد و مردم آن منطقه، خانم‌های آن منطقه، پیران آن منطقه، مادر شهید آن منطقه آمد به یک گردشگر خارجی داستان گفت و قصه خود را تعریف کرد هم برای آن گردشگر مهم است و مسائل آن منطقه را می‌فهمد، متقابلاً در مورد کشورهای شما هم همین‌طور است، در مورد همه کشورهای عضو همین‌طور است.

اما قصه‌هایی است که سطح آگاهی بشری را بالا می‌برد، این ظرفیت در بوم‌گردی است. بنابراین ما در سیاست‌های خودمان روی این حوزه تاکید می‌کنیم، از تبصره‌ی ۱۸ که تبصره‌ای برای تسهیلات و وام‌های ارزان قیمت است، هم سال

گذشته مجلس اعتبار خوبی داد که باز از نمایندگان محترم مازندران و مجلس شورای اسلامی تشکر می‌کنم بالاتر از سهمیه به ما دادند. امسال هم همین‌طور است، امسال هم این ظرفیت را فراهم کردند این تسهیلات ارزان قیمت برای همه فعالان گردشگری است، به ویژه در حوزه‌هایی که مردم وارد می‌شوند و با یک وام و مساعدت محدود می‌توانند این کار را رونق بدهند.

این کار اگر پا بگیرد یک نهضت عظیم برای بشریت در حوزه گردشگری ایجاد می‌شود، مسائل اقتصادی آن یک بخش است که می‌تواند فوق‌العاده باعث رونق اقتصادی و اشتغال و تقویت صنایع دستی است.

از افتخارات کشور ما حوزه صنایع دستی مازندران است. ما در ۲۹۹ رشته در حوزه صنایع دستی فعال هستیم، بخش عظیمی از این ظرفیت در مازندران فعال است و نکته جالب آن این است که در برخی از این رشته‌های صنایع دستی مازندران منحصربه‌فرد است، یعنی در این حوزه‌های صنایع دستی در استان دیگری مشابه آن نیست، ویژه مردم همین‌جا است.

زمانی که من از تهران زمینی می‌آمدم در مسیر ۴ ساعته که می‌آمدم چند جا را دیدم. یک جا گفتم سرزده برویم صبحانه بخوریم و آشنا شویم، کنار جاده یک محلی بود که یک دکه زده بودند و امکانات ساده گردشگری و سرویس بهداشتی بود، همان‌جا امروز نشستیم صبحانه خوردیم.

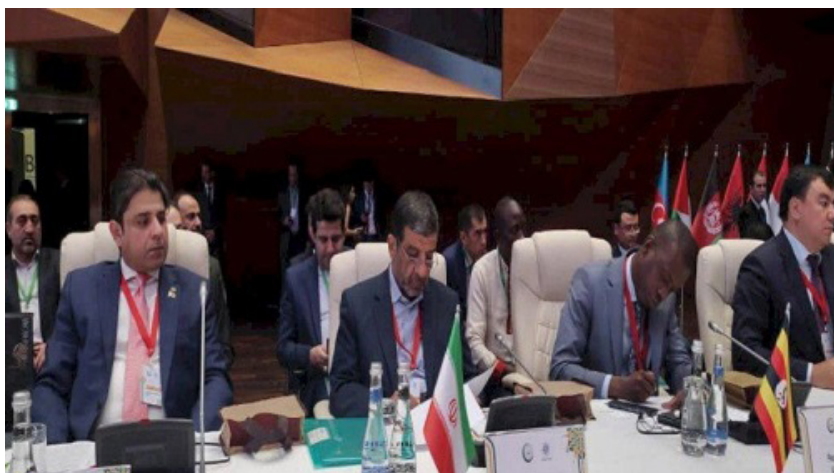
من دیدم این برادر عزیز ما احمد آقا که آن‌جا بود با هم عکس یادگاری گرفتیم و در صفحه مجازی خودم منتشر کردم، ایشان نشان داد که تمام امکاناتی که آن‌جا هست به صورت فردی طراحی کرده، کلبه را ساخته و امکانات بهداشتی ساخته است، چشمه آبی که در آن‌جا بوده را هدایت کرده، تمام غذاهایی که آن‌جا گذاشته‌اند از پنیر محلی و نان محلی پنجه‌کش، کره و عسل محلی و صنایع دستی، از نقاشی‌های سوخته‌ای که کار بسیار دقیقی است و با سوختن چوب، نقاشی می‌کنند تا انواع و اقسام امکانات محلی، یک جوان در کنار جاده یک امکانات خدماتی گذاشته است و همه چیز در آن عرضه می‌کند.

من او را تشویق کردم و گفتم این کار را گسترش دهد، این ظرفیت در همه جای این مازندران است و ان‌شاءالله باید آن را تقویت کنیم. یک جمله هم حیفم می‌آید

نگویم عزیزان، امروز که دنیا در تب و تاب جنگ و خشونت و وحشی‌گری دارد می‌سوزد یکی از راه‌هایی که می‌تواند صلح را به ارمغان بیاورد، صلح پایدار بیاورد. توجه بیش‌تر به خواسته‌های مردم و ملت‌ها بشود تا بعضی از بلندپروازی‌های شخصیت‌های سیاسی در هر جای دنیا؛ حوزه گردشگری است. زمانی که حوزه گردشگری فعال شود مردم بخواهند با هم ارتباط داشته باشند و بازدید متقابل داشته باشند پیام‌آور صلح هستند، می‌خواهند در کنار یکدیگر آرامش و امنیت داشته باشند، زندگی کنند، از زیبایی‌ها بهره ببرند، حق زندگی و استفاده از همه زیبایی‌ها و مزیت‌های گردشگری دارند، کسی حق ندارد این امکان را از مردم بگیرد.

حالا اگر این‌طور است و این ظرفیت وجود دارد هرچقدر ما در حوزه گردشگری و ارتباط اقوام و مردم در کشورهای مختلف فعال باشیم پیام آن صلح جهانی و پایداری امنیتی است که می‌تواند یک ارمغان بزرگی برای بشریت امروز باشد. مجدداً از حضور همه شما سپاسگزاری می‌کنم و آرزوی توفیق دارم.

یازدهمین اجلاس وزاری گردشگری سازمان همکاری اسلامی



آذربایجان، شهر باکو، ۰۹/۰۴/۱۴۰۱

بسم الله الرحمن الرحيم

«قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ / ثُمَّ اللَّهُ يُنشِئُ النَّشْأَةَ
الْآخِرَةَ / إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»

سوره عنكبوت آیه ۲۰: بگو در [روی] زمین بگردید و بنگرید که او چگونه
آفرینش را پدید آورده، سپس [دوباره] خداست که پدیده‌ی [جهان] آخرت را ایجاد
می‌کند؛ زیرا خدا بر هر چیزی تواناست.

پیش از هر چیز مایلیم مراتب قدردانی خود را از دولت و مردم جمهوری
آذربایجان به ویژه همکار ارجمندم جناب آقای فواد نبی‌اف رئیس محترم
آژانس دولتی گردشگری و سایر مسئولان باکو به خاطر مهمان‌نوازی گرم
و صمیمانه و برگزاری موفق یازدهمین کنفرانس وزرای گردشگری کشورهای
اسلامی، ابراز نمایم.

فرصت را مغتنم شمرده و از آقای حسین ابراهیم‌طاها دبیر کل محترم سازمان
همکاری‌های اسلامی و همکاران گرانقدر ایشان در دبیرخانه به جهت برگزاری
شایسته‌ی این رویداد مهم و از تمامی هیئت‌های محترم به خاطر حضور فعال در
نشست‌های کاری آن کمال تشکر را دارم.

مایه‌ی خرسندی است که اعلام نمایم جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از
پایه‌گذاران سازمان همکاری‌های اسلامی در کنفرانس وزرای گردشگری این سازمان
بسیار فعال ظاهر شده است و میزبانی اولین و هفتمین کنفرانس مذکور به ترتیب
در سال‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۱۰ گواهی بر این ادعاست.

امیدوارم در این کنفرانس بتوانیم به اتفاق همدیگر مسائل مرتبط با گردشگری
تمام کشورهای عضو را به گونه‌ای مورد بحث و بررسی قرار دهیم که شاهد

آینده‌ای بهتر برای توسعه‌ی گردشگری در کشورهای عضو OIC باشد. همانگونه که آگاه هستید در سال‌های اخیر گردشگری به یکی از بخش‌های پرشتاب و نیروی پیشران رشد اقتصادی در دنیا بدل شده‌است.

تا قبل از همه‌گیری کرونا، سفر و گردشگری به صورت مستقیم، غیرمستقیم و القایی، یک شغل از هر چهار شغل جدید، ۱۰ درصد از ۳۳۳ میلیون شغل موجود و بیش از ۱۰ درصد از GDP جهان را به خود اختصاص داده بود. در این میان، گردشگران بین‌المللی بالغ بر ۱/۸ تریلیون دلار را در مقاصد مورد بازدید خود هزینه کرده‌اند و این یعنی ۶۸ درصد از کل صادرات جهان.

بدون شک این آثار اقتصادی گردشگری نقش مهمی را در ایجاد اشتغال و رفاه در جوامع محلی ایفا می‌نماید. اما نکته‌ی مهم اینجاست که گردشگری علاوه بر بُعد اقتصادی دارای جنبه‌ی معنوی و انسان‌دوستانه‌ای است که قویاً مورد تأکید اسلام نیز قرار داشته‌است.

در این رابطه قرآن کریم در آیات متعددی ما را به سفر به سرزمین‌های دیگر با هدف فهم بهتر دنیای پیرامون و مشاهده‌ی نحوه‌ی زیست و معاش مردم دیگر بلاد و عبرت گرفتن از زندگی سایر ملت‌ها توصیه می‌نماید که آیه‌ی قرائت شده در ابتدای عرایض بنده تنها یک نمونه از آنهاست.

بنابراین می‌توان گفت روح این آیات بر پیوند انکارناپذیر بین میراث ناملموس و میراث ملموس بشری دلالت دارد. در واقع این وجه از گردشگری به قدری ارزشمند است که می‌تواند بستر مناسبی را برای ارتقای مبادلات فرهنگی، تقویت همبستگی و ایجاد صلح در میان تمامی ملت‌ها فراهم آورد.

ما در جهانی به سر می‌بریم که در آن شمار فزاینده‌ای از کشورهای عضو سازمان همکاری‌های اسلامی قربانی افراطی‌گری، تجاوز و تروریسم بوده‌اند. همانگونه که واقفید ابزارهای امنیتی و نظامی به تنهایی برای رویارویی با تروریسم کافی نیستند و برای مقابله با این پدیده نیاز به نرم‌افزاری ویژه احساس می‌شود. این نرم‌افزار چیزی نیست جز گردشگری، چرا که می‌تواند راه را برای تعامل بیشتر ملت‌ها هموار سازد و صلح، ثبات و امنیت را برای منطقه و جهان به ارمغان آورد.

افزون بر این؛ بروز پدیده‌ی اسلام‌هراسی، مسلمانان زیادی را در معرض تبعیض نژادی، پیش‌داوری منفی و بدنام‌سازی قرار داده‌است. در نتیجه‌ی این امر مسلمانان اعم از بومی یا مهاجر احساس ناامنی را در زندگی روزمره‌ی خود لمس کرده و با انکار حقوق اصلی‌شان روبرو می‌شوند. از این رو مایلیم مراتب تیریک خود بابت قطعنامه‌ی اخیر مجمع عمومی سازمان ملل را که طبق مفاد آن روز ۱۵ مارس به عنوان روز جهانی مقابله با اسلام‌هراسی تعیین شده‌است، به تمام مسلمانان اعلام نمایم.

این قطعنامه تاکید می‌کند که تروریسم نمی‌تواند و نباید به هیچ دین، ملیت، تمدن یا قومیت خاصی نسبت داده شود و لازم است اقدامات بین‌المللی در راستای بسترسازی مناسب برای گفتمان جهانی در زمینه‌ی ترویج فرهنگ سماحت، جوانمردی، مروت و صلح در تمام سطوح تقویت شود.

دست‌یابی به آینده‌ای درخشان برای امت اسلامی در گروی اتحاد، هم‌گرایی و مشارکت روزافزون بین کشورهای اسلامی و سایر اعضای این امت می‌باشد. افزایش همکاری‌های فرهنگی، اقتصادی و تجاری میان اعضای OIC در حوزه‌های مختلف و تقویت زیرساخت‌های مربوط به آن چیزی است که امروزه کشورهای اسلامی به آن نیاز دارند.

بدون شک یکی از مهم‌ترین حوزه‌های همکاری، گردشگری است. لازم به یادآوری نیست که کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی از ظرفیت‌ها و قابلیت‌های بالایی در زمینه‌ی انواع مختلف گردشگری، نظیر گردشگری دینی و زیارتی، گردشگری سلامت، طبیعت‌گردی و بوم‌گردی، گردشگری فرهنگی، گردشگری ورزشی، گردشگری دریایی، گردشگری خوراک و غیره برخوردار هستند. بنابراین، این کشورها می‌توانند و باید سهم بیشتری از گردشگران بین‌المللی را به خود اختصاص دهند.

بر اساس آخرین داده‌های موجود تا قبل از پیدایش ویروس کرونا تنها ۲۵۰ میلیون از ۱ میلیارد و ۴۰۰ میلیون گردشگر بین‌المللی جهان از کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی بازدید کرده‌اند.

از این رو تمامی اعضای OIC باید نهایت تلاش خود را برای معرفی ظرفیت‌های گردشگری در سطح جهانی و تشویق شهروندان خود به بازدید از کشورهای یکدیگر

به کار ببندند. در این رابطه اعتقادات و آئین‌های اسلامی محور و جان‌مایه‌ی فرهنگ ناملموس بشری است که باید به درستی به مردم دنیا معرفی شود.

افزون بر این، گردشگری حلال و دوستدار مسلمان به عنوان یک مزیت رقابتی برای ارتقای جریان‌ات گردشگری در میان کشورهای اسلامی محسوب می‌شود که شایسته است در کنفرانس حاضر به چارچوب، سیاست‌ها و راهبردهای مختص آن پرداخته شود. از این رو گردشگری حق همه‌ی مردم دنیاست و از سوی دیگر بخش اعظم دیدنی‌های دنیا در جغرافیای کشورهای اسلامی واقع شده‌است.

بنابراین پیش‌فرض، لازم است هم کشورهای اسلامی و هم جامعه‌ی جهانی به گونه‌ای مناسب و شایسته شرایط موردنیاز را برای بازدید جهانیان از این دیدنی‌ها فراهم آورند تا از این حق محروم نشوند. این همان چیزی است که در گفتمان رایج سازمان جهانی گردشگری از آن به عنوان گردشگری در دسترس یاد می‌شود.

مراد از گردشگری در دسترس که در واقع نمادی از احترام به ارزش‌های انسانی و اسلامی می‌باشد آن است که دسترسی به سفر می‌بایست برای تمام آحاد مردم جهان با هر سن و جنسیت و طبقه‌ی اجتماعی، درآمد و توانایی جسمی فراهم شود.

در حقیقت با فراهم‌سازی گردشگری در دسترس به ویژه بسته‌های سفر ارزان‌قیمت به عنوان یکی از مصادیق آن می‌توان گردشگری خانواده‌محور را که همواره مورد تأکید آموزه‌های اسلامی بوده‌است، در میان کشورهای عضو ترویج داد. نقش جامعه‌ی محلی در توسعه‌ی گردشگری که به عنوان شعار این کنفرانس نیز طرح شده موضوع دیگری است که نیاز به توجه ویژه‌ی تصویرسازان و برنامه‌ریزان حوزه‌ی گردشگری دارد.

جامعه‌ی محلی حلقه‌ی اصلی زنجیره‌ی ارزش گردشگری است که باید از آثار مثبت اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و زیست‌محیطی گردشگری نظیر درآمد مستقیم، اشتغال، پاسداشت طبیعت و حفظ فرهنگ بومی منتفع شود.

جمهوری اسلامی ایران در سال‌های اخیر به واسطه‌ی راه‌اندازی اقامتگاه‌های بوم‌گردی و مزارع کشاورزی توجه ویژه‌ای به جوامع محلی معطوف داشته‌است. اینجانب رسماً آمادگی وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی را برای انتقال تجربیات حاصله در این زمینه اعلام می‌دارم.

ضمن قدردانی از کشورهای عضو به خاطر حمایت از انتخاب شهر تبریز به عنوان پایتخت گردشگری OIC برای سال ۲۰۱۸ بسیار خرسندم اعلام نمایم ما این انتخاب را در تاریخ ۲۵ آوریل همان سال با حضور و مشارکت مقامات و مهمانان ارشد ملی و بین‌المللی جشن گرفته و رسماً از آن رونمایی کردیم.

قابلیت‌های جمهوری اسلامی ایران در مقابله با همه‌گیری کووید-۱۹ از جمله در زمینه‌ی تولید واکسن، کشور ما را از ماه‌ها قبل برای از سرگیری گردشگری داخلی و پذیرش مجدد گردشگران بین‌المللی آماده کرده‌است. امیدواریم با فروکش کردن همه‌گیری ویروس کرونا و ایمنی کامل بشر در برابر این ویروس نابودگر، یک بار دیگر شاهد جریان‌های گردشگری در بین کشورهای اسلامی به ویژه نمایش اتحاد مسلمانان در مراسم حج باشیم.

اینجانب قویاً باور دارم که ما حاضران در این کنفرانس به عنوان نمایندگان کشورهای اسلامی می‌توانیم دست در دست یکدیگر به توسعه و رونق گردشگری در جهان اسلام کمک کنیم و از این طریق شاهد امنیت، ثبات و صلح و شکوفایی و رفاه جامعه باشیم.

بدین‌منظور ضروری است با همکاری همه‌جانبه‌ی رسانه‌ای و هم‌افزایی ظرفیت‌های اعضا در این حوزه، عقب‌ماندگی تاریخی گردشگری در کشورهای اسلامی به سرعت جبران شود. مجدداً ضمن آرزوی بحث و تبادل نظرهای سودمند در طول جلسات کاری اجلاس مایلم از تلاش‌های برگزارکنندگان این رویداد نهایت تقدیر را به عمل آورم.

والسلام علیکم ورحمةالله وبرکاته.

دومین رویداد سراسری ایران و گردشگری در سده نو



سالن همایش های صدا و سیما، ۱۴۰۱/۰۲/۱۰

بسم الله الرحمن الرحيم

سلام عرض می‌کنم خدمت همه سروران و خواهران عزیز و برادران بزرگوار خودم. از این که توفیق دارم این دقایق را در محضر شما باشم خیلی خوشحالم. این مجلس ترکیبی از هنر و علم و دانش و مهارت و فرهنگ است وقتی در این مقوله‌ای که امروز به نام آن دور هم جمع شدیم و صحبت می‌کنیم همه این فضیلت‌ها در این مجموعه است و شما عزیزانی که فعال و دست اندرکار این حوزه هستید ترکیبی از همه این ارزش‌هایی هستید که هر کدام به نوع خود فوق‌العاده ارزشمند است. از همه شما و عزیزانی که این جلسه را سامان دادند و برگزار کردند نیز تشکر می‌کنم.

همه بخش‌هایی که همکاری کردند از جمله سازمان متخصصین با صحبت‌های خوبی که برادر عزیز ما، آقای مستری کردند هم تشکر ویژه می‌کنم و از صحبت‌های خانم لاریجانی کارشناس خیلی خوب این مجموعه و حرف‌های خوبی که زدند و دبیرخانه علمی این مجموعه نیز سپاسگزاری می‌کنم. از جناب آقای احمدی مجری خیلی خوب رسانه ملی که جلسه را با شور و نشاط خاص حوزه گردشگری اداره می‌کنند سپاسگزاری می‌کنم.

وزیر محترم آموزش و پرورش هم که مهمان ویژه ما هستند تشریف می‌آورند. ایشان هم در این حوزه کار کردند و حرف برای گفتن دارند ضمن این که یکی از حوزه‌های مهم گردشگری ما گردشگری دانش‌آموزی است که به صورت ویژه برای آن برنامه داریم که کارهای خوبی را به طور مقدماتی برای این وزارتخانه آغاز کردیم.

من خوشحالم ریل‌گذاری که در طی این یکسال در حوزه گردشگری انجام گرفت به تدریج به نتیجه می‌رسد و می‌توانیم آثار آن را مشاهده کنیم و انشالله در آینده نه چندان دور شاهد یک جهش قابل قبول و معنادار در همه حوزه‌های گردشگری باشیم. من وقتی دوره اول مدیریتم در صدا و سیما به اتمام رسید به این نتیجه رسیدم که حتما باید شبکه‌ها، موضوعی و تخصصی شود.

این نگاه مخالفان جدی داشت، آنها معتقد بودند این شبکه‌ها عمومی و universal باشد و کسی که فیلم نگاه می‌کند در همان جا هم اخبار تماشا کند و همین‌طور مستند و برنامه‌های مذهبی و سخنرانی تماشا کند و به معنای خاص ارشاد بشود که در حاکمیت مخالفان جدی داشت اما چون من یقین داشتم که این شبکه‌های موضوعی و تخصصی نیاز جدی مخاطبان و جامعه است در این مسئله پافشاری کردم.

در برخی از جاها مبارزه کردم و ثابت کردم که اگر یک نفر بخواهد در یک شبکه‌ای فقط فیلم سینمایی تماشا کند و علاقه‌ای به اخبار ندارد و علاقه‌ای ندارد که توسط مرشدان حرفه‌ای ارشاد بشود، یا نفر دیگری علاقه دارد فقط برنامه‌های مستند ببیند، همان‌طور که یک نفر علاقه دارد در یک شبکه فقط قرآن تماشا کند یا شبکه معارف دینی تماشا کند و این حق همه مردم است.

بعد از پافشاری من بر روی این مسئله در دور دوم ریاستم شبکه‌های تخصصی راه‌اندازی شد، شاید یکی از جاهایی که امروز جای آن خالی است شبکه تخصصی غذا، خوراک، آموزش آشپزی و معرفی انواع خوراک‌ها است که امروزه در دنیا هم مشاهده می‌شود و برخی از شبکه‌های تلویزیونی شبکه خورد و خوراک را جزو شبکه‌های اصلی و پربیننده خود قرار داده‌اند.

لذا تقاضای من از مدیریت محترم رسانه ملی این است که در برنامه‌های تحولی که برای این مجموعه دارند این شبکه را با نگاه گردشگری در اولویت قرار دهند. وزارتخانه ما هم به خصوص در زمینه نرم‌افزاری و محتوایی کمک خواهد کرد چرا که این شبکه مورد نیاز مردم است و من یقین دارم اگر با سلیقه و با هنرمندی طراحی بشود بتواند مخاطبان فراوانی داشته باشد.

مانند همین نگاه را وقتی من در این وزارتخانه آمدم احساس کردم میزهای تخصصی و حوزه‌های خاص موضوعی باید دست‌مایه کار گردشگری بشود و تفکیک شود، فقط در حوزه خوراک این چهار بخشی که دوستان تقسیم کرده‌اند از جمله خوراک

ایرانی، خوراک بین‌المللی، نان و شیرینی، گرم‌نوش‌ها و سردنوش‌ها، از شخصیت‌های ارزشمندی نام بردند که این‌ها کارشناسان ارزشمندی برای کشور هستند و هر کدام مسئول بخشی از این کار هستند.

من واقعا لذت بردم که این حوزه در حال نتیجه یافتن است چرا که این حوزه‌ها، حوزه‌های مهمی هستند و ذیل هر کدام از این حوزه‌ها آدم‌های زیادی گرد هم می‌آیند، متخصصین زیادی جمع می‌شوند. مقالات و کتاب‌های متعددی نوشته می‌شود و به این ترتیب حوزه گردشگری رشد و تقویت پیدا می‌کند.

یک جا باید یک خیمه‌ای بلند شود تا آدم‌های خاص آن جمع بشوند و کار را رونق بدهند. انشاءالله معاونت محترم گردشگری که از زحمات دکتر شالبافیان و ایده‌های خوب و عالمانه‌ای که در این حوزه دارند و به تدریج به نتیجه می‌رسد تشکر می‌کنم.

با همکاری همه فعالان عرصه‌های مختلف گردشگری که خوشبختانه همه آن‌ها همکاری خوبی با معاونت گردشگری دارند انشاءالله بتوانیم کارهای خود را پیش ببریم. از آقای فاطمی هم به نوبه خود سپاسگزاری می‌کنم.

خوراک و طعام آن قدر جایگاه دارد که وقتی به آیات قرآنی نگاه می‌کنید از آیاتی که صراحت دارد مانند آیه «فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ» نظر یعنی نگاه کردن همراه با تأمل و تعمق و تدبر یعنی غذا و خوراک آن قدر مهم است که خداوند به عنوان یکی از نشانه‌های مهم توجه به غذا و خوراکی که می‌خورید می‌دهد.

ده‌ها و یا صدها آیه شاهد است که وقتی می‌خواهند بهشت الهی را ترسیم کنند با خوردنی‌ها ترویج و توصیف می‌کنند که چه غذایی است و چه نوشیدنی است و در چه ظرف‌هایی ریخته می‌شوند و هر چیزی که به خوردن ارتباط دارد. این‌ها همه برجستگی‌هایی است که قرآن با مثال‌های مختلف برای توصیف بهشت خود ذکر می‌کند.

بنابراین این موضوع که به عنوان نیاز اولیه انسان است از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است و یک امر منشوری است که وجوه مختلف آن باید تک به تک شناسایی بشود و انشاءالله در حوزه کاری ما بر روی آن برنامه‌ریزی شود.

ابتدا برای جشنواره‌ها، نمایشگاه‌ها و مجموعه فعالیت‌های تبلیغی برای مردم، سیاست‌های وزارتخانه آن است که همه این‌ها را به بخش خصوصی تفویض می‌کند. ما یک سیاستی را در وزارتخانه از روز اول اجرا کردیم این‌که تفویض بسیاری از مسئولیت‌ها و امضاهای طلایی که در اختیار ستاد وزارتخانه بود در اختیار استان‌ها و مراکز مختلف و بخش خصوصی قرار دادیم.

لذا هر مجموعه‌ای که توانمندی دارد و انواع نمایشگاه‌ها و امکانات متعدد برای معرفی انواع خوراکی‌ها و غذاها و دستاوردهایی که در این حوزه است، همه می‌توانند حضور پیدا کنند. همچنین همه می‌توانند ایونت‌ها و رویدادهای متعددی را شکل دهند، من همه را به این کار دعوت می‌کنم که مستقلا یا با همکاری سازمان‌های مختلف انشالله در این حوزه وارد بشوند و هر ایده و نوآوری که به ذهنشان برسد و دارند را بتوانند در این حوزه انجام دهند.

ما جز کمک کردن و برداشتن موانع و همکاری فکری و ارائه نظر کارشناسی هیچ کاری نداریم. این بخش اول کار ما است که احساس نشود اگر کسی می‌خواهد در این حوزه کارهای ملی و استانی انجام بدهد حتما باید بیاید از هزار توی مجوزها و ستادها گذر کند تا بخواهد کاری را سامان دهد، خیر، امروز سیاست وزارتخانه آزادی کامل عملکرد هر کسی است که در این حوزه است البته افراد سابقه‌دار و صاحب‌نام هستند و با توجه به سوابق شان می‌توانند باعث این رویدادها شوند.

نکته دیگر در حوزه گردشگری خوراک، نگاه گردشگری و برندسازی است، ما تا برندسازی درست انجام ندهیم در کنار آن حتی بسته‌بندی‌های مناسب نداشته باشیم نمی‌توانیم این بخش را رشد بدهیم.

در حال حاضر به طور سنتی در کشور ما چیزهایی به عنوان نشانه‌های آن مردم، شهر و خطه به عنوان خوراک مطرح است، این‌ها محدود هستند اما اگر در این زمینه خوب کار بشود و تبلیغ انجام بگیرد، به صورت علمی اطلاع رسانی شود و کار هنرمندانه انجام بگیرد بسیاری از ارزش‌های خوراکی استان‌ها و شهرستان‌ها می‌تواند به عنوان برند مطرح شود به گونه‌ای که اگر یک نفر به عنوان گردشگر و برای بازدید به یک شهرستانی می‌رود احساس کند تا از آن غذا و نوشیدنی نخورد اصلا سفرش مقبول نمی‌افتد.

به طور مثال یک نفر می‌خواهد به اردبیل برود و از گردنه حیران که عبور می‌کند می‌گویند اگر از این گردنه که عبور می‌کنید، پیاده نشوید و بلال آن‌جا را کنار آن دره نخورید مانند این که مقبول نیفتاده است.

اگر کسی از جاده هراز وسط برف و باران عبور کند و اگر در گردنه امامزاده هاشم نیش ترمز نزند و از آش رشته خوش طعم آن جا در آن هوای سرد نخورد مانند این است که رفتن این افراد در آن جاده مقبول نمی‌افتد و یا اگر کسی به قم سفر کند و سوهان قم را نخورد و یا اگر کسی بناب برود و کباب بناب را در همان میدان اصلی شهر بناب که همین‌طور رستوران‌هایی وجود دارند که کباب بناب اصیل را دارند، نخورد مانند این می‌ماند که سفرش مقبول نمی‌افتد.

من چند وقت قبل با نماینده این شهر جناب باقری از کباب بناب رونمایی کردیم، ما این نشانه‌ها را در همه شهرها داریم اما ظرفیت گسترش زیادی داریم، بسته‌بندی‌ها ما بسته‌بندی‌های خوب و علمی نیستند، کسی که مسافرت می‌کند نمی‌تواند سوغاتی با بسته‌بندی‌های مناسب و شکیل که بتواند آن خوراکی را خوب نگه‌داری کند، بیاورد.

البته این مسئله در حوزه صنایع دستی ما هم وجود دارد و آسیبی است که این حوزه دارد، بر خلاف برخی از کشورها که در این حوزه سرمایه‌گذاری کرده و پیشرفت کردند. خواهش من این است که آقای مصدري بحث برندسازی و بسته بندی را جدی بگیرند و بر روی این کار برنامه‌ریزی کنند، نمایشگاه‌های خاصی در این موضوع داشته باشند که انشالله بتوانیم این حوزه را رونق دهیم.

معتقد هستم که غذا و خوراک بخش عمده‌ای از فرهنگ ناملموس ما را تشکیل می‌دهد، من همیشه به دوستان‌مان در حوزه میراث فرهنگی گفته‌ام به‌رغم این که میراث فرهنگی ملموس به دلیل بناهای تاریخی و ابنیه ارزشمندی که در طی این چند هزار سال تمدن ایرانی را تشکیل می‌دهد و فوق‌العاده ارزشمند است و وضعیت نسبی ما برای گردشگری است، افتخار می‌کنیم اما به آن فرهنگ ناملموسی که برگرفته از این تمدن معماری و تاریخی‌مان است بیشتر اعتقاد دارم.

آئین‌ها، رفتارها، خصلت‌ها و ارزش‌های انسانی و هویتی هستند که هویت می‌دهند و اگر می‌گوییم، پندار نیک و گفتار نیک، این خلاصه همه خوبی‌ها و برگرفته از فرهنگ ارزشمند تمدنی ما است. در حوزه خوراک مسائل هویتی و فرهنگی فوق‌العاده

موج می‌زند و خود را نشان می‌دهد.

ما می‌توانیم در کنار ترویج این بخش مهم از حوزه گردشگری، فرهنگ و هویت ناب خودمان را معرفی کنیم. من در چند شهرستان که شاید آخرینشان مراغه بود که جشنواره خوراک در آن‌جا سامان داده شده بود با مسئولان استان که رفتیم آن قدر شادی، نشاط، رونق و گردشگری خانواده‌محور و زیبایی‌ها دیده می‌شود که مردم در همان‌جا می‌بینند و در همان‌جا در ظرف‌های بسته‌بندی کوچک خوراک‌ها را میل می‌کنند و از قیمت‌های مناسبی هم برخوردار است.

من از هر فردی سؤال پرسیدم از قیمت‌ها راضی بود، یک جشنواره پر نشاطی بود که به بهانه غذا و خوراک مردم از لذت کنار هم بودن بهره می‌برند، به این معنا که یک کار جمعی و اجتماعی فوق‌العاده است.

خواهش من این است تمام مراکز استانی ما و عزیزانی که در بخش‌های مختلف کشور فعالیت می‌کنند این موارد را سامان بدهند. در طول سال می‌توانیم تقویم داشته باشیم و مشخص باشد هر روستا یا شهر و شهرستانی به یک خوراک یا نوشیدنی و حتی اگر با وضعیت کشاورزی و تقویم فصلی کشور ارتباط داشته باشد معروف باشد.

ما می‌توانیم این‌ها را سامان دهیم و تدوین کرده و به دنیا معرفی کنیم که فوق‌العاده زیاد می‌تواند هم در نشاط مردم و هم در امر گردشگری مؤثر باشد. در گردشگری ارزان قیمت یکی از فاکتورهای مهمی که در آنالیز آن مورد توجه ما قرار دارد حوزه خورد و خوراک است، اگر کسی می‌خواهد به سفر ارزان قیمت برود که امروز جزو اولویت‌ها و راهبردهای وزارتخانه ما است این که گردشگری حق همه باشد، این شعار ما است که همه مردم در همه قشرها حق دارند گردشگری کنند آن هم در کشور عزیز ما که از همه جاذبه‌های گردشگری مشحون است، اگر وضع مالی مردم اجازه نمی‌دهد در آنالیزی که ما انجام دادیم بخش مهمی از هزینه‌های سفر به هزینه‌های خورد و خوراک باز می‌گردد.

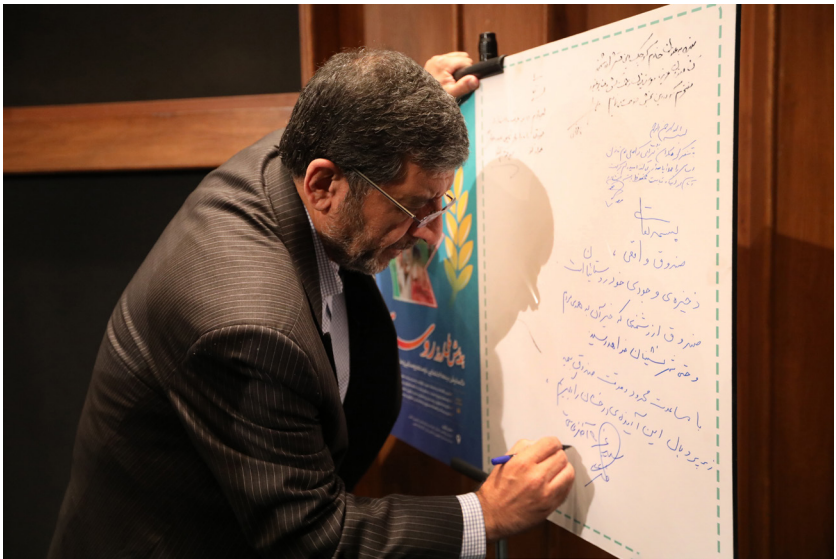
ما در این حوزه کار را شروع کردیم، بخشی از وزارتخانه مسئول این کار شده است، چند روز قبل در جلسه‌ای که برگزار شد گزارش‌های آن‌ها را دیدم که چه اقدامی کردند که برای اقشار پایین جامعه خورد و خوراک ارزان‌تر با حفظ همه کیفیت‌ها و استانداردها چگونه می‌توان با چه مکانیزم و فرآیندی خورد و خوراک

ارزان‌تر در اختیار مردم قرار داد؟

خواهش من این است شما که به طور تخصصی در این حوزه فعالیت دارید زحمت بکشید برنامه داشته باشید و در حوزه بسته‌بندی و گردشگری ارزان قیمت در نقاط مختلف کشور از جمله؛ بوم‌گردی‌ها، هتل‌ها و مراکز مختلف اقامتی پیشنهاد بدهید که انشالله راهبرد مهم وزارتخانه در گردشگری ارزان قیمت هم مورد توجه واقع شود.

جا دارد در این جا از جناب آقای دشتی که در جلسه هستند، رئیس محترم گردشگری فراکسیون مجلس که یک فراکسیون بسیار بزرگ و پر عضو در مجلس شورای اسلامی است از تمام زحمات ایشان و پشتیبانی‌های ایشان در طول این مدت تشکر کنم و تقاضا کنم که مشخصا در حوزه گردشگری خوراک انشالله بضاعت خود و توانمندی‌های مجلس را برای حل برخی از مشکلات و موانع به کار بگیرند که روز به روز شاهد رشد بیشتر این حوزه باشیم.

روز ملی روستا و عشایر



سالن همایش های صدا و سیما، ۱۷/۰۲/۱۴۰۱

بسم الله الرحمن الرحيم

عرض ارادت دارم خدمت همه خواهران عزیز و برادران بزرگوار و همه سروران عزیز که در این جلسه شرف حضور دارند .

خیلی برنامه‌های خوبی بود و من به نوبه خود استفاده کردم که حول روستا و صندوق‌های بیمه جلسه بسیار پربرکت و کارشناسی خوبی تشکیل شده است و بسیار هم قابل استفاده است و از همه کسانی که در اجرای برنامه سهم داشتند از جمله آقای برقراری عزیز که میزبان ما هستند و از تلاش‌های ایشان و همکاران عزیزشان سپاسگزاری می‌کنم و از برادر بزرگوار آقای ابوترابی و فرمایشات خوبی که داشتند استفاده می‌کردیم و تشکر می‌کنم.

همچنین از برادر عزیزم جناب آقای مصری؛ ایشان گزارش کارشناسی خوبی از مجلس دادند، به گزارش ایشان توجه داشتم، چند مطلب مهم در فرمایشات ایشان بود که برحسب تجربه‌ای که داشتند خیلی مفید بود و نکته‌ای هم در مورد چهره‌های ماندگار داشتند که لازم است بگویم چهره‌های ماندگار ابتکار برادر عزیز من جناب آقای دکتر لاریجانی بود که قبل از من سنگ بنای این کار خوب را گذاشتند و بعد هم ادامه پیدا کرد.

از مجریان خوب مان آقای آقاییگی و خانم پورابراهیم عزیز که با دلگرمی و حرفه‌ای این جلسه سنگین را اداره می‌کنند به نوبه خود سپاسگزار هستم، از کار هنری ارزشمند تیم هنری عزیزان کُرد، صمیمانه سپاسگزاری می‌کنم که خیلی خوب بود من اجراهای دیگر هم از دوستان دیده‌ام اما امروز اجرای بسیار خوبی داشتند.

امروز جلسه ما مزین به اقوام مختلف است و همه هم ارزشمند هستند که در جلسه هم حضور دارند و یکی از اقوام ارزشمند ما برنامه هنری حول وحدت اجرا

می‌کنند بسیار مناسب بود من تشکر از آقای برقراری و دوستان‌شان می‌کنم که این ابتکار را به خرج دادند.

ما قبل از این که هفته وحدت بخواهیم، خود وحدت را می‌خواهیم، ما قبل از این که نگران تجزیه کشور باشیم که دشمنان این آرزو را به گور خواهند برد، چرا که ایران یکپارچه هرگز تجزیه نمی‌شود نیاز به این داریم که خودمان در داخل آدم‌ها را تجزیه نکنیم و همه با هم باشیم.

ایران و همه با هم باشیم ایران متعلق به همه ایرانیان است و همه زیبایی‌هایش هم به همین امر است آن زیبایی که خانم پورابراهیمی از لباس و موسیقی و رفتار و آئین و زبان و ... گفتند همه درست است زیبایی‌های ما است اما زیبایی واقعی این وحدت کلمه و همراهی و همدلی و تحمل یکدیگر است و این مساله است که امروز ارزشمند است، و وحدتی که ما از آن می‌گوییم، وحدت است.

ما وقتی خواستیم شبکه نسیم را افتتاح کنیم پیشنهاد شد که در مریوان افتتاح کنیم و تنها شبکه رسمی بود که در شهرستان افتتاح شد و آن افتتاح تاریخی شد چرا که شاید نیمی از مردم مریوان آمدند و کنار دریاچه زرین‌وار آمدند همان جایی که لب مرز است و دشمنان مرتب تبلیغ می‌کنند که امنیت ندارد و بالاترین امنیت را خود مردم ایجاد کردند.

از این جهت که هر جا که مردم هستند امنیت است اشتباه نشود، ما آنجا امکان زیادی برای امنیت نداشتیم اما وقتی نیمی از شهر آنجا آمدند، امنیت آنجا برقرار شد و تمام جاده‌های منتهی به دریاچه؛ مردم در آنجا بساط کرده بودند و نشسته بودند و ما هم کنارشان و سر سفره‌شان نشستیم چای خوردیم و همراهی کردیم و از این که شبکه ملی در شهرستانی مرزی در شهر کردهای قهرمان آنجا افتتاح می‌شد بازتاب‌های خود را داشت.

من خاطره‌ای دارم از این جهت که همان‌جا مسجدی بود از آن مسیر که می‌آمدیم آنجا نماز خواندیم و حتی من ویدیو کوتاه آن را در صفحات مجازی خود گذاشتم چند نفر از پیرمردهای مریوانی نشسته بودند و در کنارشان نشستیم و احوالپرسی کردم و به زبان کردی به نحوی که ما متوجه شویم با ما احوالپرسی می‌کردند در آنجا دوربین هم قرار داشت و یک نفر از بچه‌هایی که مسئول آنجا بود با پیرمردی که با لباس کردی در مسجد نشسته بود گفتند این فرد را می‌شناسید؟

رئیس رادیو تلویزیون ایران هستند، کوچکترین تغییری در نگاهشان نبود و همان‌طور که نگاه می‌کردند گفتند خوب؟ بعد پرسیدند آیا چیزی از ایشان می‌خواهید که به عنوان رئیس صدا و سیما به این جا آمده‌اند؟ گفتند خیر هیچ چیزی نمی‌خواهیم و در ادامه جمله‌ای گفتند که در این شرایط کشور ما نیاز به وحدت هم دارد و من احساس کردم از این تریبون استفاده کنم و این جمله را به مناسبت برنامه‌ای که اجرا شد به خاطر آمد.

ما همیشه در تاریخ می‌خوانیم اسکندر مقدونی وقتی می‌رفتند در جایی به فیلسوف معروف یونان رسیدند که یک گوشه‌ای زیر نور آفتاب خوابیده بودند و اسکندر بر روی اسب به او گفتند من اسکندر هستم چیزی از من بخواهید گفتند من چیزی نمی‌خواهم و اسکندر اصرار کرد اما او گفت من چیزی نمی‌خواهم فقط از مقابل نور آفتاب کنار بروید که این نور ادامه پیدا کند که البته این خاطره در تاریخ مشهور است.

عیزان من و خواهران و برادران عزیز جمله‌ای که پیرمرد مریوانی به من گفتند به مراتب غنی تر از جمله‌ای است که از فیلسوف مشهور در تاریخ نقل شده است.

ایشان در ابتدا گفتند من هیچ چیزی نمی‌خواهم اما بعد که فکر کردند و شروع به دعا کردن برای من کردند و گفتند شما این شخص هستید و رئیس رادیو و تلویزیون هستید ما دعاگوی شما هستیم ما برای شما دعا می‌کنیم شما را در کارتان موفق کند و کمک‌تان کند که به مردم کمک کنید اما آن قدر این دعا به من چسبید به دلیل این همه بزرگی و استقلال و بصیرت از پیرمردی که در کنار مسجد در مریوان نشسته است حیرت‌انگیز است!

ایران ما و هویت ما همین‌گونه است که دشمن می‌خواهد این‌ها را نادیده بگیرد و دشمن بر طبل اختلاف و جدایی می‌کوبد برای این‌که این ویژگی را از ما بگیرد اما انشاءالله این وحدت را در هفته وحدت پاس بداریم، اقوام ما گل‌های سرسبد ما هستند که مایه تشخیص و هویت ایران اسلامی هستند و وحدتی که بین اقوام در ایران است در هیچ کجا در دنیا پیدا نمی‌کنید این نشست حول روستا تشکیل شده است، متأسفانه تصور عوامانه آن است که روستاها نقاط دور دست و محروم هستند در حالی که روستاها جدی‌ترین حوزه مولد اقتصاد هر کشوری

هستند بخصوص در کشور ما گستردگی و تنوع و مزیت‌هایی که دارند در کمترین جایی از دنیا است.

ما در طی انقلاب در طول این چهل و سه سال برای روستاها کار زیاد انجام دادیم اما دشمن سعی دارد نادیده بگیرد اما ما جاده کشیدیم و آب و برق و گاز کشیده‌ایم، من از این امکانات بازدید کرده‌ام، من خیلی در سفر هستم و در طول همین یکسال هم برخی‌ها سعی داشتند انتقاد کنند شما چرا این قدر سفر می‌روید در حذر بنشینید و مدیریت کنید اما در حذر هم کار را انجام می‌دهیم اما در سفر خیلی چیزهای دیگر بیشتر روشن می‌شود، ما این امکانات را به روستاها برده‌ایم.

ولی ضعف بزرگی در روستاها بعد از انقلاب داشتیم که به نسبت امکانات و ظرفیت‌هایی که در روستاها بردیم اما روستاها را توانمند نکردیم و توانمندسازی انجام ندادیم و آموزش ندادیم و در اولویت‌هایی که برای آن‌ها وجود داشت هدایت لازم و تسهیلات و آموزش لازم را انجام ندادیم و هر چه که جلوتر رفت وضعیت روستاهای ما بدتر شد و مهاجرت زیاد شد و خیلی روستاها خالی شد و همین‌طور حاشیه‌نشینی زیاد شد.

اما اکنون این شرایط باید بازگردد که البته می‌تواند بازگردد به شرط این که مزیت‌های نسبی روستا به خوبی شناخته شود و بر اساس آن همه کمک کنند. مزیت نسبی که روستا دارد دامداری و کشاورزی است و همه شقوقی است که از این دو نشأت می‌گیرد.

صنایع دستی که در حوزه ماموریت ما است و حوزه گردشگری بخصوص که حوزه مغفول این حوزه در این عرصه است حتی آنجایی که به لحاظ اقلیمی امکان کشاورزی کمتر اتفاق می‌افتد، حوزه‌های گردشگری می‌تواند خود را به خوبی نشان دهد و منبع درآمد و حضور مردم باشد.

در صنایع دستی تعریفی که ما کردیم صنایع دستی هویت‌بنیان به عدد همه آدم‌ها می‌توانیم اشتغال صنایع دستی داشته باشیم. صنایع دستی مصداق بارز اقتصاد مقاومتی است که رهبر معظم انقلاب مطرح می‌کنند و وابستگی آن به خارج در برخی با مقداری اغراق صفر است، امکاناتی که برای ما وابستگی ایجاد کند وجود ندارد و همه مربوط به توانمندی‌های داخلی است، با مهارت و هنرمندی و

شناسایی درست و آموزش همه ایران می‌تواند و باید یک کارگاه بزرگ باشد و بعد هم هویت‌های مردم است.

بنابراین من از استانداران محترم که در جلسه هستند جناب آقای حیدری و چهارمحال و حسینی پور و عزیزان دیگری که هستند یا از طریق ارتباط زنده برنامه را تماشا می‌کنند و یا باقی مسئولان و دست‌اندرکارانی که هستند همه بخش‌های دولتی در کنار وزارتخانه‌ای مانند ما وظیفه دارند این دو بخش را تقویت کنند.

روستایی و کشاورزی در جای خود قرار دارد اما همان کشاورزی بهترین زمینه برای گردشگری است، ما میز گردشگری روستایی و کشاورزی و عشایری را مدتی در معاونت گردشگری وزارتخانه راه انداخته‌ایم و بر روی آن کار می‌کنیم و کارشناسان هر استان و روستاهایی که می‌رویم آن‌هایی که ظرفیت دارند کمک‌شان می‌کنیم و دستگاه‌های مختلف باید کمک کنند چرا که همه این موارد ظرفیت گردشگری دارد، عشایر وقتی از یک نقطه به نقطه دیگر کوچ می‌کنند می‌روند زیباترین تصاویر خلقت در آن‌جا آفریده می‌شود از این رو همه زیبایی است و همه آیه‌های الهی است.

ما کم‌تر می‌رویم اما خارجی‌ها قدر این نعمت را می‌دانند، ما در گروه‌های گردشگری خارجی گردشگرانی داریم که فقط برای زمان کوچ عشایر هزینه می‌کنند و به ایران می‌آیند که این کوچ را تماشا کنند، بنابراین ما خیلی کار نکردیم و تبلیغ نکردیم و به مردم این ظرفیت‌ها را نشانساندیم، در همین کلیپی که دو نمونه از جلوه‌ها نشان داده شد همه این‌ها برای ما نعمت‌های الهی هستند در روستاها و باغات و کشاورزی هم به همین صورت است همه این‌ها ظرفیت گردشگری دارد.

ما سه هزار بوم‌گردی مجوز دادیم، من دو صفحه آمار هم در مورد صنایع دستی و همین‌طور در مورد گردشگری داشتیم و می‌خواستیم الان چند نمونه از این آمار را بخوانم اما چون وقت نیست اشاره به این آمارها نمی‌کنم اما بعداً این‌ها را بر روی صفحات مان می‌گذاریم که ببینید اما همین‌قدر به شما بگویم که اکنون سیاست دولت سیزدهم بر این اصل قرار گرفته است که تسهیلات و اعتبارات را در اولویت به این حوزه‌ها بدهد. یعنی جاهایی که کار مردم با

مقدار کمی مساعدت و کمک راه می‌افتند چه بوم‌گردی و یا صنایع دستی و یا امکانات گردشگری در هر گوشه‌ای از روستا و زندگی عشایری باشد چرا که محور همه ما روستا است.

متاسف هستیم به برخی روستاها می‌روم که پنج الی شش سال قبل رفته بودم مناظر بسیار زیبا می‌دیدم اما به دلیل بی‌توجهی نگاه می‌کنید که باغ‌ها و شالیزارها و مناطق زیبا و دیدنی را، همه را صاف کرده‌اند و به جای آن آپارتمان‌سازی شده و ساختمان‌های بتنی بالا رفته و طبیعت را کور کرده. این‌ها خود کشاورزی و گردشگری را نابود می‌کند، در این حوزه، نظام باید سخت‌گیر باشد چرا که سوداگران بیداد می‌کنند و به انواع و اقسام روش‌ها طبیعت را نابود می‌کنند برای این‌که چند تکه زمین پیدا کنند و برج‌سازی کنند.

روستاها و جاهای دیدنی و خوش منظره نعمت‌های الهی برای کسب درآمد و استفاده مردم هستند، همه باید مقابله کنند فعالان محیط زیست، فعالان گردشگری، فعالان میراث فرهنگی همه این‌ها بازوهای رصد نظام هستند که باید بروند و فعالیت سوداگران را افشا کنند.

من از شهری ده سال قبل گذر می‌کردم بر روی آن گردنه آن‌قدر آن دامنه زیبا بود که امکان نداشت از ماشین پیاده نشویم و چند عکس نگیریم و از نسیم الهی که بر روی کوه خود را نشان می‌داد استفاده نکنیم اما چند وقت قبل از همان جاده عبور کردم فکر می‌کردم جاده را اشتباه آمدم و دوباره نگاه کردم و متوجه شدم همان نقطه‌ای است که همیشه می‌آمدم اما سرتاسر این دامنه ویلا و خانه و ساختمان شده بود، چه کسی؟ چرا؟ با کدام مجوز این کار را انجام داده است؟

به هر جا هم که نگاه می‌کنیم پای اصحاب ثروت و قدرت را می‌بینید که وقتی با همدیگر تلاقی می‌کنند خانمان برانداز است اما اکنون نگذاریم و در این دولت که دولت مردمی است همه موظف هستند، جلوی این کارها را بگیرند چرا که طبیعت باید بماند و محیط زیست و حوزه‌های گردشگری باید بمانند، مردم از زندگی شهری خسته می‌شوند این تهران را دیگر نمی‌شود کاری کرد همین است که می‌بینیم.

البته در مورد خیلی دیگر از کلان شهرها همین هستند که می‌بینید، سطل‌های آشغال از سر کوزه‌ها جمع می‌شوند و آشغال‌تلبار می‌شود و البته استدلال هم

برای خود دارند و استدلال‌شان این است که این‌جا چون تظاهرات و تخریب صورت می‌گیرد این‌ها را آتش می‌زنند و ما مدتی است وقتی سطل‌های آشغال را آتش می‌زنند دیگر جایگزین نمی‌کنیم تا ببینیم چه می‌شود.

من سر کوچه خودمان که در مرکز شهر است هر شب که خود من بدون استثنا باید کیسه زباله خود را سر کوچه بیاورم و بندازم مدت‌ها است می‌بینم تلنباری از آشغال و زباله است و من هم خجالت می‌کشم و این طرف و آن طرف خود را نگاه می‌کنم و کیسه زباله‌ام را همان وسط می‌اندازم و خانه می‌روم و بعد هم می‌گویند ما فعلا سطل آشغال نمی‌گذاریم و برای این کارشان هم استدلال دارند، این وضعیت شهر تهران است البته در تهران هم باید خیلی کارها انجام داد.

من هفته قبل در شورای شهر تهران بودم چند نمونه از کارهای مهم را برای شورای شهر تهران توضیح دادم ولی این را می‌گویم که بدانید مردم به روستاها می‌آیند و مهاجرت معکوس صورت می‌گیرد و آن افرادی که پول و سرمایه دارند باید در روستاها سرمایه‌گذاری کنند اما می‌خواهد هوای خوب ببیند و کشاورزی کند و طبیعت خوب داشته باشد که این‌ها را نباید نابود کرد.

بخش بزرگی از صنایع دستی ما در روستاها قرار دارند و بخش بزرگی از صنایع روستایی ما خانم‌ها هستند و بیش از هفتاد درصد خانم‌ها اکنون فعال صنایع دستی هستند از همان دورریزهای اطراف خودشان هم استفاده می‌کنند و خیلی کم پیش می‌آید که مواد اولیه‌ای را بخواهند از جای دیگر تهیه کنند.

اخیرا که آقای رئیس‌جمهور از وزارتخانه میراث بازدید داشتند؛ هفته قبل داشتند عیایی به ایشان هدیه داده شد که این عبا دور ریز پشم شتر بود که در یکی از استان‌های کشور که شتر هم زیاد وجود دارد از کرک شتر که دور ریخته می‌شد آن‌ها را جمع می‌کنند و صنایع دستی فرآوری و آماده می‌کنند و بهترین پارچه را به لحاظ ارگانیک بودن و کیفیت داشتن و زیبا بودن و طبیعی بودن تولید کردند که هم می‌تواند از بهترین پالتوها باشد و هم جنبه صادراتی هم داشته باشد.

ما یک نمونه عبا زدیم که خیلی هم مورد استقبال جناب آقای رئیسی قرار گرفت، از هیچ با هنرمندی و مهارت می‌شود همه چیز تولید کرد که دنیا هم این

کار را انجام می‌دهد، خواهش من این است روی گردشگری با سیاست‌هایی که داریم و روی صنایع دستی، همه فعالان این حوزه انشالله، با ادارات ما همکاری داشته باشند و هر چه که جلوتر می‌رویم مزیت‌های نسبی نسبتاً فراموش شده را اگر به فعلیت برسانیم حتماً در حوزه اقتصاد و فرهنگ و اجتماع و حتی در حوزه‌های سیاسی و امنیتی می‌توانیم قدم‌های بلند برداریم.

در مورد صندوق هم، من ضمن تشکر از زحماتی که همه دوستان می‌کشند ابتدا در مورد بیمه جا دارد از این تریبون از مساعدت آقای رئیس‌جمهور در هفته گذشته تشکر کنم که ایشان با دستوری که به وزارت کار دادند ده هزار نفر از فعالان صنایع دستی قرار بر این شد که تحت پوشش بیمه، افرادی که کارفرما ندارند قرار بگیرند.

انشالله خانم دکتر جلالی با برنامه‌ای که ریختند بین استان‌ها این روش توزیع می‌شود و حتماً بخش مهمی از آن هم مربوط به روستاها است که انشالله آن‌هایی که نیاز به حداقل بیمه دارند از دستور مساعد آقای رئیس‌جمهور استفاده کنند و انشالله حوزه بیمه روستایی ما در صنایع دستی رونق بیشتر بگیرد.

اقداماتی برای بازارهای بزرگی در سطح ملی انجام می‌شود که انشالله شکل بگیرد، آن کسی که در روستا و یا منزل خود کار صنایع دستی انجام می‌دهد و یا در حوزه صنایع دستی فعال است درآمد او وقتی خوب شد و وقتی کارفرماهای محلی شکل گرفتند و توانستند این ظرفیت‌ها را به فعلیت برسانند.

ما هم مشکل بیمه نداریم که دولت مجبور باشد همیشه یک طرفه اعتبار زیادی را بگذارد و یک عده را یک طرفه بیمه کند در صورتی که وقتی چرخه اقتصاد رونق یافت و وقتی سودآور شد بیمه این‌ها سودآور می‌شود و همه آن‌ها سودآور می‌شوند و البته تسهیلات دیگری هم انجام می‌گیرد اما در حال حاضر ما باید زیر پر وبال این صنایع را بگیریم و مساعدت و کمک کنیم. بنابراین بیمه یک طرفه از سمت دولت کماکان برقرار است و با دستور آقای رئیس‌جمهور هم انشالله این اقدام شکل خواهد گرفت که بتواند قدم موثری برای این حوزه باشد.

نشست وزرای مجمع تمدن های باستانی



بغداد- ۱۳/۹/۱۴۰۱

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب آقای رئیس، مقامات عالی و شرکت کنندگان محترم
ابتدا اجازه می‌خواهم مراتب قدردانی خود را از دست‌اندرکاران تشکیل این
مجمع و از تلاش‌هایی که برای حفاظت از میراث فرهنگی و بشری کشورهای
صاحب تمدن‌های کهن، در اجلاس‌های گذشته انجام شده ابراز نمایم.
همچنین از پیش‌نویس بیانیه بغداد که توسط کشورهای عضو با همکاری
سازمان‌های بین‌المللی انجام شده بویژه تأکید مجدد بر همبستگی و تلاش‌های
فرهنگی و دیپلماتیک برای کمک به استرداد اموال فرهنگی و حفاظت از میراث
کشورهای عضو، قدردانی می‌نمایم.

از کشور دوست و همسایه و میزبان این مجمع برای مهمان‌نوازی گرم و صمیمانه
و همچنین تلاش‌های ارزنده در مرمت و بازسازی سایت‌های باستانی و آثار تاریخی
بعد از جنگ و تخریب‌های داعش، تشکر نموده و آمادگی وزارت متبوع را در همکاری
با پژوهش، مستندسازی، تهیه پرونده‌های نامزدی میراث جهانی، ثبت و حفاظت و
مرمت و احیاء این آثار ارزشمند و غیرقابل جایگزین بشری اعلام می‌نمایم.

از آنجاییکه هویت و اصالت ساکنان کشورهای صاحب تمدن در گرو حفظ
اهمیت و ارزش‌های تاریخی و باستانی است همکاری‌ها و گفتگوهای بین فرهنگی
باید تداوم داشته باشد. بویژه در زمان‌های که جهان در گیر و دار بحران‌های مختلف
انسانی و زیست محیطی است، ارتقای صلح جهانی و دستیابی به توسعه پایدار
فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی جوامع ما، تنها با مشارکت مردم و از طریق حفاظت از
میراث فرهنگی و طبیعی بدست می‌آید. این مهم تنها در سایه تلاش برای آموزش
و آگاهی بخشی جامعه، ظرفیت‌سازی و همکاری بین فرهنگی میسر است. بنابراین

همکاری بیشتر و اجرایی شدن تصمیمات و موضوعات مطرح شده در پیش نویس بیانیه، نیازمند تشکیل کارگروه‌های تخصصی و کار مداوم است.

همکاران ارجمند

یکی از ماموریت‌های مهمی که از همکاری بین تمدن‌های کهن ما متصور است، مقابله ریشه‌ای و اساسی با «انحصار گرایی» «برتری جویی» و «نژادپرستی مدرن» در عرصه‌های جهانی و به ویژه تعاملات بین دولت‌ها در صحنه روابط بین‌الملل است که در اقدامات یک جانبه گرایانه برخی دولت‌ها متبلور می‌شود.

جهان امروز هنوز از زخم‌های دوره استعمار و استثمار رنج می‌برد و یک جانبه‌گرایی و تلاش برای تحمیل ارزش‌های تک بعدی و تک ساحتی در دنیای مدرن امروز، بخشی از همین میراث شوم در گذشته‌های نه چندان دور است. در مقابل، اگر بخواهیم از مهم‌ترین اشتراکات تمدن‌های کهن نام ببریم، بدون شک اشاعه صلح و پرهیز از جنگ، ترویج همزیستی مسالمت آمیز، توصیه به احترام متقابل و تلاش برای مفاهمه با دیگر تمدن‌ها از مهمترین آن‌هاست.

هرچند هدف از تشکیل مجمع گفتگوهای تمدن‌های کهن، علیه هیچ کشور یا دولتی نبوده و نیست، ولی نمی‌توان از دولت یا دولت‌هایی که به این ارزش‌های تمدنی مشترک آسیب می‌زنند، غفلت کرد.

وظیفه همه ماست که با دولت‌هایی که با به کارگیری‌های ابزار تروریسم اقتصادی و تحریم، تلاش دارند که ارزش‌ها و خواسته‌های نامشروع خود را به دیگران تحمیل کنند، مخالفت کنیم و به صورت یکپارچه و متحد در مقابل این اقدامات غیر مشروع و غیر منطقی ایستادگی کنیم.

هرچند ملت ایران، با تکیه به آموزه‌های چند هزار ساله تمدن کهن خود، تسلیم چنین فشارهایی نخواهد شد، ولی تمامی اعضای جامعه جهانی، به ویژه اعضای این مجمع گرانقدر، می‌بایست مخالفت خود را با به کارگیری مخرب و غیرانسانی ابزارهای تروریسم اقتصادی، با اقدامات عملی نشان دهند.

مالکیت اموال فرهنگی که حکایت از هویت و اصالت مردمان یک سرزمین دارد، حق مسلم انسانی جامعه مربوطه است، در نتیجه جامعه جهانی یک مسئولیت بسیار خطیر و مشترک و یک تعهد اخلاقی و قانونی برای استرداد آن به کشورهای مبدا دارد. قاچاق اموال فرهنگی هنوز یک نگرانی عمده برای کشورهای صاحب

تمدن از جمله جمهوری اسلامی ایران است.

متأسفانه این تهدیدها در سال‌های اخیر بطور فزاینده‌ای افزایش یافته بویژه نزاع‌ها، اشغالگری‌ها، مداخلات خارجی و سایر اعمال غیرقانونی و غیر بشری که توسط کشورهای غاصب، باعث ناآرامی منطقه گردیده، زمینه را برای افزایش جنایت‌های فرهنگی فراهم نموده است. لذا برای مقابله موثر با قاچاق اموال فرهنگی و تلاش برای استرداد آثار به غارت رفته به کشورهای مبدا، جمهوری اسلامی ایران پیشنهاد می‌کند که:

«طرح ایجاد یک برنامه عمل همکاری مشترک میان کشورهای عضو مجمع تمدن‌های کهن با تمرکز بر مبارزه با قاچاق اموال فرهنگی تاریخی و استرداد اموال به غارت رفته یا مسروقه ایشان و همچنین تشکیل یک کارگروه مشترک کشورهای مجمع تمدن‌های کهن جهت اجرایی نمودن برنامه عمل موصوف» در دستور کار مجمع تمدن‌های کهن قرار گیرد.

همچنین نظر به کاستی‌های موجود در کنوانسیون ۱۹۷۰ یونسکو از جمله این که این معاهده عطف به ماسبق نمی‌شود و همچنین طی بند C ماده ۴ اموال فرهنگی تاریخی خارج شده توسط هیات‌های باستان شناسی خارجی از کشورهای مبدا پیش از تصویب این کنوانسیون را به عنوان اموال متعلق به کشورهای مقصد به رسمیت می‌شناسد پیشنهاد می‌شود اصلاح این کنوانسیون از جانب مجمع تمدن‌های باستانی و طی یک بیانیه نهایی، از یونسکو درخواست شود.

با این که کنوانسیون ۱۹۷۰ پیش‌بینی‌های مفید و موثری در راستای مبارزه با قاچاق و انتقال غیرقانونی مالکیت اموال فرهنگی تاریخی کشورهای مبدا دارد اما این پیش‌بینی‌ها شامل موارد قاچاق و غارت اموال فرهنگی تاریخی کشورهای مبدا، پیش از تصویب این معاهده نمی‌شود.

این در حالی است که مقادیر بسیاری از اموال فرهنگی تاریخی ایران پیش از تصویب این کنوانسیون و در سایه نا آگاهی عمومی نسبت به اهمیت میراث فرهنگی و صرفاً با موافقت مقامات وقت ایران و یا حتی به صورت مخفیانه از جانب این هیات‌ها از کشور خارج گردید.

در دهه‌های پس از این رویدادها به دلیل رشد آگاهی‌های عمومی، قوانین حفاظت از میراث فرهنگی به تصویب رسیدند.

بدین ترتیب موافقت مقامات وقت نمی‌تواند دلیل منطقی بر قانونی بودن تعلق دائمی میراث فرهنگی یک ملت به ملت‌های دیگر باشد. اگرچه امروزه میراث فرهنگی به عنوان میراث مشترک بشری شناخته می‌شود، اما تردیدی در این واقعیت مهم نیز وجود ندارد که اموال فرهنگی تاریخی، بخش مهمی از هویت مردم کشورهای مبدا هستند و باید توسط خود ایشان نگهداری و به کشورهای دیگر شناسانده شوند.

میراث فرهنگی عامل وحدت و همبستگی انسجام ملی کشورهاست و ابزار مهمی برای رشد گردشگری و توسعه فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی آنهاست. بنابراین شایسته است توسط این کشورها حفظ و نگهداری شود.

حضار محترم

با وجود این‌که بسیاری از کشورهای مبدا به عضویت کنوانسیون ۱۹۷۰ در آمده‌اند لیکن رفع ایراد محتوایی این معاهده با این استدلال که عدم رفع این ایراد می‌تواند به بی‌اعتمادی کشورها به این معاهده بیانجامد، ضرورت دارد.

این درخواست می‌تواند آغازگر یک آگاه‌سازی جهانی در خصوص اصلاح معاهده ۱۹۷۰ با هدف مبارزه موثر با قاچاق اموال فرهنگی تاریخی و استرداد اموال کشورها که پیش از این کنوانسیون از کشورهای مبدا خارج شده‌اند باشد.

همکاری‌های بین کشورهای عضو مجمع تمدن‌های کهن، علاوه بر استرداد اموال فرهنگی و حفاظت از میراث فرهنگی، می‌تواند در همه‌ی حوزه‌ها از جمله گردشگری و صنایع دستی نیز انجام شود. از جمله توسعه گردشگری بین کشورها و تبادل نمایشگاه‌های موزه‌ای و صنایع دستی به گفتگوی بین فرهنگی کمک می‌نماید. همچنین ضرورت دارد از حضور موثر نماینده کشورهای عضو مجمع در مجامع بین‌المللی از جمله کنوانسیون‌های یونسکو از جمله ۱۹۷۲ و ۲۰۰۳ پشتیبانی گردد.

در پایان، مایلم آمادگی جمهوری اسلامی ایران برای میزبانی هفتمین اجلاس وزرای این مجمع را اعلام نمایم.

از صبر و توجه شما سپاسگزارم.

اقتصاد رویداد اردبیل ۲۰۲۳



مجموعه فنک، اردبیل، ۱۴۰۲/۰۲/۰۷

بسم الله الرحمن الرحيم

از مهمانان خارجی خودمان، کشورهای عضو اکو و مهمانان دیگری که افتخار دادند خارج از پیمان اکو، سفرا و مسئولان محترم آنها در این جلسه حضور پیدا کردند، صمیمانه سپاسگزاری می‌کنم. از همه کسانی که برای برگزاری افتتاحیه رویداد مهم اردیبهشت ۲۰۲۳ پایتخت گردشگری کشورهای عضو اکو، تلاش کردند صمیمانه سپاسگزاری می‌کنم.

از جناب آقای مهندس عاملی استاندار محترم و پرتلاش و موفق استان و از همه همکاران عزیز آنها در استان سپاسگزاری می‌کنم که انصافاً تلاش کردند. از همه دستگاه‌هایی که تلاش کردند، نیروهای نظامی و انتظامی بخصوص وزارت امور خارجه که همانطور که اشاره کردند تلاش زیادی برای برگزاری این نشست داشتند سپاسگزاری می‌کنم.

نمایندگان مجلس، از استان اردیبهشت جز حامیان درجه اول حوزه گردشگری در کشور هستند، ۷ نماینده پرتلاش، زحمت‌کش و بانگیزه که جا دارد من از همه آنها تشکر کنم به ویژه عزیزانی که در این جلسه هستند، حجت الاسلام موسوی که شبانه‌روز در خدمت ماموریت‌های وزارتخانه در مجلس تلاش می‌کنند.

آقای بدری نماینده اردیبهشت هم همینطور که از پشتیبانی‌های ایشان همیشه بهره بردیم، آقای ولی اسماعیلی که رئیس فراکسیون مرتبط با کشورهای عضو اکو در مجلس هستند، یعنی فراکسیونی که مسئولیت آن توسعه ارتباطات بین کشورهای اکو است، آقای اسماعیلی چه در زمانی که رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس بودند که فوق‌العاده مهم است خیلی همکاری با ما داشتند و الان هم در این فراکسیون و هم در سایر برنامه‌ها همکاری خیلی خوبی با ما دارند و عزیزانی که الان در جلسه نیستند،

از همکاری آنها هم سپاسگزاری می‌کنیم.

از دبیرکل اکو آقای ناظری خیلی تشکر می‌کنم. مقرر کشورهای عضو اکو در تهران و ایران است و این افتخار برای جمهوری اسلامی است و آقای ناظری از کشور برادر و دوست تاجیکستان، دبیرکل سازمان منطقه اکو است که در ایران مستقر هستند، با زبان شیوای فارسی که دارند هر وقت ما ایشان را می‌بینیم از اشعاری که می‌خوانند لذت می‌بریم و فرمایشات ایشان هم خیلی دقیق بود و بخشی از کار ما را ایشان انجام دادند و ارجاعات درست و خوبی در مورد اردبیل دادند که همه ما استفاده کردیم.

از سفیر چین، سفیر صربستان که مهمان ویژه هستند و نمایندگانی که از سفارت رومانی و بلغارستان آمدند، به نوبه خودم تشکر می‌کنم و همچنین سفرای محترم کشورهای عضو اکو که در واقع خودشان میزبان هستند و مسئولیت اصلی پیگیری مسائل مرتبط با این نشست برعهده آنها است.

از جانبازان بزرگوار و عزیزمان که نور چشم همه ما هستند و افتخار ما و اردبیل هستند و نشان اردبیل هستند و قرآن می‌فرماید اینها علامات اند. «علامات وبالنجم هم یهتدون» بهترین تعبیر در مورد عزیزان اینارگر و جانباز ما این آیه قرآن است که اینها نشانه‌های هدایت هستند، هر جا که هدایت فراموش می‌شود و به انحراف می‌رود، کسانی هستند که نشانه‌های هدایت هستند و از حضور معنوی و دلگرم‌کننده آنها تشکر می‌کنم.

از صنوف گردشگری، مسئولان و بزرگان صنوف همه هستند، اسم‌های همه را هم می‌دانم، آقای رفیعی رئیس آژانس‌های خدمات مسافری در هواپیما بودیم و صحبت‌هایمان را کردیم و بقیه دوستان هم آنجا هستند، من از حضور همه آنها سپاسگزاری می‌کنم، خیلی جلسه خوبی است.

من وظیفه داشتم یک دور به قول غربی‌ها اسکن بکنم که کسانی که زحمت کشیدند و باید به نوعی به آنها اشاره می‌شد، اقتضای صحبت من این بود که به آنها اشاره بکنم. از روحانیت معظم، مدیرکل دادگستری استان که خیلی نگاه مترقی و خوبی دارند و حضورشان برای تقویت گردشگری برای ما واقعاً معتنم است سپاسگزاری می‌کنم. انشاءالله که خداوند از همه شما قبول کند.

یکی دو جمله عرض کنم نکته اول تشکر از کشورهای عضو اکو است که اردیبهیل را در سال ۹۸ ایرانی، به عنوان پایتخت گردشگری کشورهای عضو انتخاب کردند. بسیار انتخاب دقیق، درست و عالمانه و کارشناسی بود. استان اردیبهیل به عنوان نماینده شایسته ایران بزرگ، بخش اعظمی از مزیت‌ها و ارزش‌های گردشگری را یکجا در خودش جا داده، کسی که به استان اردیبهیل می‌آید شهرهای مختلف اردیبهیل را از شمال تا پایین حدود ۱۰ شهر وقتی که مرور می‌کنید.

هر کدام از این شهرها ویژگی‌ها و مزیت‌هایی دارند که مجموعه اینها واقعاً یک نماینده شایسته‌ای برای ایران بزرگ است. بنابراین انتخاب اردیبهیل، انتخاب بسیار دقیق و درستی بوده و جا دارد من تشکر کنم.

این استان پر از ابنیه و محوطه‌های تاریخی است، در راس آنها اثر ثبت‌شده جهانی شیخ‌صافی‌الدین اردیبهیلی، بقعه شیخ‌صافی که بر تارک ابنیه تاریخی و فرهنگی جهان می‌درخشد و از کشورهای بسیاری برای بازدید از این ساخته هنر و معماری ارزشمند ایرانیان در طول سال، همیشه گردشگر می‌آید.

در کنار این اثر بی‌بدیل بقاع متبرکه، مساجد مختلف و ابنیه تاریخی، خود این یک مجموعه گردشگری ارزشمندی است که یکجا جمع شده است. به این نکته هم اشاره کنم که اردیبهیل موقعیتی دارد که تمامی این مزیت‌های گردشگری در استان با یک فاصله کمی، ۸۰ کیلومتر، ۱۰۰ کیلومتر، حدود ۱ ساعت همه اینها قابل دسترسی است و این خیلی مهم است، کسی که به استان اردیبهیل می‌آید به راحتی می‌تواند با طی مسافتی حدود یک ساعت از یک طرف جنگل‌های هیرکانی که یک نعمت خدادادی به بشریت است و جزء مجموعه‌های ثبت جهانی ماست.

از آنجا تا دریای خزر تا چشمه‌های آب گرم (حداقل ۱۱۰ چشمه معدنی آب گرم است). من در کشور زیاد گشتم بخصوص در این مسئولیتی که داشتم، ما چشمه‌های آب گرم در جاهای مختلف کشور داریم، بعضی از آنها هم خیلی خوب است، باید سرمایه‌گذاری بیشتری شود ولی هر جا که می‌خواهند بگویند که اگر شما سرمایه‌گذاری کنید، اینجا اردیبهیل می‌شود.

من به آنها می‌گویم شما اردیبهیل را نشناختید! شما سرعین را نشناختید! شما ظرفیت‌های آب‌های گرم معدنی اردیبهیل را نشناختید، این ظرفیت با فاصله در سطح جهانی است و چنین جایگاهی که استان اردیبهیل با این نعمت خدادادی دارد. اینها

همه به یک فاصله محدودی در کنار هم است و گردشگران می‌توانند از این امکان استفاده کنند.

قله سبلان یکی از موهبت‌های ویژه و استثنایی الهی است که خداوند به مردم ایران؛ مردم منطقه و بخصوص به اردبیلی‌های بایمان داده است؛ زیباترین دریاچه در ارتفاع سبلان است، من به جوانانی که صحبت مرا می‌شنوند عرض می‌کنم هر جوان ایرانی که یکبار در عمرش به سبلان نرود نیمی از عمرش بر فناست، همیشه من می‌گویم یک جوان ایرانی هم باید قله دماند را ببیند، هم سبلان را ببیند.

کسی که شب می‌رود در این پناهگاه می‌خوابد و به فاصله ۵ ساعت می‌تواند قله را فتح کند، تازه وقتی به قله می‌رسد بهترین چشم‌انداز و زیباترین منظره در آن ارتفاع، آن آبی که مثل اشک چشم زلال، جلوی چشمانش است، چشمانش را خیره می‌کند! این نعمت بزرگی است که خداوند به مردم استان اردبیل داده است. این دامنه سبلان یک دامنه رویایی است. این همه شعر، ادبیات، با زبان زیبایی ترکی و آذری همه بیانگر تاریخ و تمدن این منطقه است.

من به چند موضوع مهم گردشگری استان اشاره می‌کنم که مهمان خارجی، سفرا و کسانی که از شبکه جام‌جم در سراسر دنیا حرف‌های من را می‌شنوند، بدانند ما راجع به کجا داریم، صحبت می‌کنیم، بدانند راجع به چه منطقه‌ای صحبت می‌کنیم! اینجا سرمایه‌گذاری انجام گرفته، ولی نسبت به شایستگی‌هایی که استان دارد هنوز خیلی جا برای سرمایه‌گذاری دارد.

من از معاون گردشگری وزارتخانه دکتر شالباغیان که واقعاً تلاش درخوری در طول این مدت داشتند، هم عالمانه و هم به صورت عملیاتی، خواهش می‌کنم فرصت‌های سرمایه‌گذاری که برای همه استان‌ها فراهم و اطلاع‌رسانی شده در مورد اردبیل بخصوص در امسال (در این یکسال) که اینجا پایتخت گردشگری کشورهای عضو اکو است) به صورت ویژه فرصت‌های سرمایه‌گذاری را هم برای هم‌وطنان عزیز ما و هم برای سرمایه‌گذاران خارجی با اولویت کشورهای عضو اکو معرفی کنند.

البته الان سازمان منطقه‌ای، توسعه منطقه اقتصاد دریای سیاه هم همانطور که پیام خوب دبیرکل را شنیدید، اینها همه علاقمندند در این حوزه‌ها مشارکت کنند،

اردبیل خیلی شایستگی سرمایه‌گذاری دارد، آینده اردبیل بسیار درخشان‌تر به فضل الهی از وضعیت فعلی خواهد بود، دسترسی‌ها دارد تکمیل می‌شود. انشاءالله راه آن به فضل خدا و قولی که آقای استاندار دادند و در جلسه دولت، وزیر راه و شهرسازی چندین بار اشاره کردند، رو به اتمام است.

انشاءالله اگر این کار انجام شود یک انقلابی در دسترسی به استان اردبیل است. در دولت مردمی حدود ۵۰ کیلومتر از این پروژه ریلی که جزء سخت‌ترین بخش‌های این پروژه بود انجام گرفته و اگر خدا بخواهد بقیه‌اش هم به سرعت انجام می‌گیرد و این دسترسی‌ها فراهم می‌شود.

ظرفیت‌های گردشگری سلامت در این استان بسیار بالاست، من از کشورهای همسایه که همیشه سهم گردشگری بالا و خوبی از آنجا داریم و بخش قابل توجهی از آن در حوزه سلامت است، تقاضایم این است که روی مجموعه ظرفیت‌های گردشگری که در کنار گردشگری سلامت شکل می‌گیرد، تاکید داشته باشند.

گردشگری سلامت یکی از مزیت‌های جمهوری اسلامی است، توانمندی ما در درمان و ظرفیت‌هایی که ما داریم فوق‌العاده است، از همه جای دنیا حتی کشورهای اروپایی برای درمان و اعمال جراحی در حوزه‌های مختلف به ایران می‌آیند، اما گردشگری سلامت یک پله بالاتر از درمان و معالجه پزشکی است، محیط استان اردبیل. آب گرم اردبیل، آب و هوای اردبیل.

من اخیراً با آقای نظری نماینده خلخال که سخنگوی فراکسیون گردشگری مجلس هم هستند، یک برنامه مفصلی در خلخال داشتیم و کمپ‌های مختلف، دوستان ما در حوزه گردشگری آمدند و یک مانوری در این جاده دادند، یکی از بهترین و زیباترین جاده‌های گردشگری استان اردبیل است، در جای جای این جاده می‌شود سرمایه‌گذاری کرد، به استان گیلان وصل است، استان گیلان ظرفیت گردشگری بالایی دارد این جاده که به اردبیل وصل می‌شود یک موقعیت گردشگری فوق‌العاده‌ای دارد.

قسمت‌های شمالی استان از بيله‌سوار و پارس‌آباد بگیریید که خدمت آقای اسماعیلی مفصل آنجا را دیدیم، و نمایندگان زحمت کشیدند، الان برای سرمایه‌گذاری آماده است.

انشاءالله این سخت‌گیری‌هایی هم که دارد در مرز آذربایجان صورت می‌گیرد که یکی از مهمترین مرزهای ما را آنجا بستند، من از دولت آذربایجان که عضو او است، توقع دارم این ارتباط بسیار موثری که بین مردم دو کشور از طریق مرزهای زمینی بود، سخت‌گیری‌ها را کنار بگذارند، این توفقی که در مورد گردشگری زمینی انجام گرفته و فوق‌العاده ارتباط دو ملت را محدود کرده، اینها را بردارند.

گردشگری راه سالم و پایدار ارتباط ملت‌ها با همدیگر است. هر جا روابط خشک دیپلماسی، به مشکلاتی برمی‌خورد متوقف می‌شود. راه مردم باید باز باشد، گردشگری حق همه مردم دنیاست. همه مردم دنیا حق دارند که از این نیاز طبیعی‌شان استفاده کنند و نیاز طبیعی‌شان را برطرف کنند و به امر گردشگری بپردازند. گردشگری راه‌ها را باز می‌کند.

گردشگری بهترین روش دیپلماسی عمومی است. سفرای محترمی که در جلسه ما هستند به این مساله توجه دارند که هر چه رابطه ملت‌ها صمیمی‌تر می‌شود، دولت‌ها را به دنبال خودشان می‌کشاند، راه ملت‌ها را ما باید باز کنیم. ما در دولت طرحی را دادیم که در بخش زیادی از کشورها یک طرفه لغو روایید صورت بگیرد در ۵ گروه حدود ۵۰ کشور را پیشنهاد کردیم که لغو روایید شود تا مردم بیابند ببینند، مدام در تنگنای روابط دیپلماتیک نیفتیم، راه را باز بکنیم تا مردم بتوانند بیابند تعامل فرهنگی داشته باشند.

ما با یک دنیای واحد طرف هستیم دیگران دنبال یکسان‌سازی هستند. آنطور که خودشان می‌خواهند بخصوص کسانی که فرهنگ عمیق و تمدن باستانی و طولانی ندارند، از روش‌های دیگر استفاده می‌کنند از فضای مجازی، از رسانه‌ها؛ از فیلم و سینما صد سال است استفاده می‌کنند، برای سبک زندگی واحد، برای اینکه همه را به اسم جهانی‌سازی آنطور که خودشان می‌خواهند یکسان کنند. برای همین کشورهای صاحب تمدن، کشورهایی که تمدن چند هزار ساله دارند.

هر طور است نگاه‌های استعمارگرایانه‌ای بر آنها حاکم می‌شود که این اتفاق نیفتد، باید با این مقابله کرد، پیام وحدت باید از کشورهای عضو او به دنیا صادر شود. چین با این تمدن بزرگ، اصلاً راه ابریشم و جاده ابریشم قبل از اینکه اقتصادی باشد از نظر من به عنوان یک فعال فرهنگی، در طول این چند دهه راه فرهنگی

است. راه اجتماعی است، راه تعامل است، مردم با هم دست به دست می‌شوند، از مزایای همدیگر استفاده می‌کنند، این کم چیزی نیست.

اردبیل باید پرچم‌دار وحدت و انسجام ملی هم در داخل کشور، هم در سطح منطقه و هم در سطح جهانی باشد و این کار را ما می‌توانیم انجام بدهیم. شما بقیه شیخ‌صفی، تفکر ایدئولوژیکی که شیخ صفی در ایران آورد و بعد به یک حکومت مقتدر سیاسی و فرهنگی و هنری منجر شد که دوران پرشکوه صفویه است، ریشه ایدئولوژیک آن در همین اردبیل شکل گرفت، از برکت آن بود که به این جاها رسیدند.

طبقه دوم بقیه شیخ‌صفی کلاس درس مفصلی فقط برای خانم‌ها داشت، چندصد سال قبل (۶۰۰، ۷۰۰ سال قبل) خانم‌ها در یک حجم بالایی می‌آمدند و شاگردهای ایشان بودند، شخصیت‌هایی که اسامیشان مشخص است. آن زمانی که خیلی از مدعیان امروز رابطه‌ای با زن نداشتند. طور دیگری زندگی می‌کردند، اینجا بساط علم و تحقیق و دانش و نگاه آموزش‌های دینی برقرار بوده و اینجا آموزش می‌دیدند. نگاه ایدئولوژیکی که شیخ‌صفی داشته برای تفکر پاک الهی و توحیدی، بعدها در طول صدها سال خودش را گرفت و قوام پیدا کرد و آثار و برکات داشته است.

ما باید این روحیهٔ انسجام و وحدت ملی را که مهمترین توصیه بزرگان ما است؛ این را بیشتر برای ایرانیان عرض می‌کنم. صحبت‌هایی که رهبر معظم در ماه‌های اخیر در مورد وحدت داشتند را باید بسیار جدی تلقی کنید، این تعارف نیست. این یک حقیقتی است که امروز بیش از هر زمان دیگری رهبری معظم دارند روی آن تاکید می‌کنند.

یک نگاه جدی و کاملاً عملیاتی به اسم وحدت، همه چیز را ما می‌توانیم فدای وحدت کنیم. وحدت اولویت اول ماست، فراموش نکنید، اینکه ایشان فرمودند همهٔ سلیقه‌ها نه بعضی‌ها، در کنار هم با مهربانی، ایشان دو تا راهبرد مهم را فرمودند، ما باید این کار را انجام بدهیم، ذات نایافته از هستی بخش / کی تواند که شود هستی بخش.

«أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ مَنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَىٰ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ»

آن کسی که می‌خواهد هدایت کند، خودش باید به طریقه اولی هدایت یافته باشد، کسی که هدایت نیافته نمی‌تواند راه دیگران را باز کند. اگر ما پرچم‌دار

وحدت در دنیا هستیم، خودمان باید بهترین الگوهای وحدت را فراهم کنیم، تا انشاءالله شایستگی این هدایت جهانی را داشته باشیم.

یکبار دیگر صمیمانه از همه برگزارکنندگان، از همکاران، اداره کل میراث فرهنگی و گردشگری و صنایع دستی استان اردبیل، آقای محمدی‌ادیب و همه همکاران آنها، دستگاه‌های مختلف استان مجدداً سپاسگزاری می‌کنم، انشاءالله با نگاهی که دولت مردمی در شرایط فعلی دارد، سفر استانی آقای رئیس‌جمهور به خوزستان بود، خیلی اصرار داشتند که من بروم، از ایشان عذرخواهی کردم، گفتم من دارم به اردبیل می‌روم.

البته بخش مهمی از برنامه ایشان در سفر خوزستان در حوزه گردشگری است، آن تالاب شادگان که چند وقت پیش رفتم ظرفیت گردشگری بسیار بالایی دارد و قرار است آقای رئیس‌جمهور آن جاها را ببینند و تصمیم‌گیری و سرمایه‌گذاری کنند.

من از برنامه‌ریزان تقاضا می‌کنم که وقتی اردبیل پایتخت گردشگری می‌شود و گردشگرها برای دیدن استان اردبیل می‌آیند، فرصت بسیار خوبی است که از سایر نقاط ایران و جاذبه‌های گردشگری ایران بتوانند بهره‌برداری و استفاده کنند.

به امید خدا از برنامه یکساله این رویداد باید بهره‌برداری ویژه‌ای برای ارتقای گردشگری ایران اسلامی بشود که متعلق به همه ملت‌ها است، من معتقدم گردشگری متعلق به یک ملت و منطقه خاص نیست، باید زمینه فراهم شود تا مردم دنیا بتوانند از جاذبه‌های تاریخی؛ دیدنی‌ها و ظرفیت‌های گردشگری و مهمتر از همه تعامل فرهنگی که لازم است، استفاده کنند.

آیین بازگشایی هتل آپادانا مروودشت



استان فارس (مروودشت)، هتل آپادانا، ۱۴۰۲/۰۳/۰۴

بسم الله الرحمن الرحيم

بابت تأخیرم عذرخواهی می‌کنم، چون به فیروزآباد رفته بودم، این منطقه‌ای که مشحون از ظرفیت‌های بالای میراث فرهنگی و گردشگری است و با همه عجله‌ای که کردیم این تأخیر طولانی را داشتیم و شرمنده هستم.

چهارمین بار است که به استان فارس می‌آیم. هنوز بخش زیادی از ظرفیت‌های بی‌بدیل و بی‌نظیر استان فارس در حوزه میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی مغفول باقی مانده است. من نتوانستم با متولیان آنجا به صورت چهره به چهره صحبت و وظایف خودم را پیگیری کنم.

انشاءالله باز هم به استان فارس خواهیم آمد. امشب حضور من در این مراسم ادای احترام به مرودشت است، ادای احترام به شما مردم بزرگوار مرودشت که هزاران سال است از این ریشه‌های ارزشمند ملت بزرگ ایران و بلکه کل جهان بشریت پاسداری می‌کنید، مردم مرودشت توفیقات زیادی در طول سالیان کهن داشتند و امروز به دست ما رسیده است.

در دهه کرامت برای مرودشت سه عنوان مدنظر است. کرامت، ایثار و مقاومت. این سه را در چنین روزی عنوان کردند. اولاً مرودشت در کنار همه برکت‌هایی که خداوند به آن داده است در حوزه کاشت و دروی محصول گندم مقام برتر و ممتاز را در کشور دارد.

همانطور که اشاره هم فرمودند در چنین روزی و در چنین روزهایی برداشت گندم صورت می‌گیرد و بهترین مصداق برکت، در دهه کرامت همین مرودشتی‌های عزیز هستند که برداشت محصول اینها در این ایام انجام می‌گیرد. گفتند روز ایثار است، ۱۲۰۰ شهید گلگون کفن، افتخار این مردم عزیز است. در عملیات جدی و سهمگینی

که سوم خرداد بعد از فتح خرمشهر بود، با ایثارگری‌های گردان امام محمدباقر(ع) و جوان‌هایی که جلوی دشمن بعثی را گرفتند، نگذاشتند حملات سهمگین آنها برای بازپس‌گیری خرمشهر نتیجه بدهد. بسیاری از آنها به شهادت رسیدند. آفرین به جوانان مرو دشت. بارک‌الله به ایثارگران، بارک‌الله به شما عزیزانی که این بچه‌ها را تربیت می‌کنید!

روز مقاومت است. علاوه بر دزفولی‌ها که من در گذشته برایشان صحبت کرده بودم، مصداق بارز مقاومت شما مردم مرو دشت نیز هستید. به بهانه روز مرو دشت و بازگشایی این مجموعه ارزشمند اقامتی اینجا هستیم. البته من به رسانه‌هایی که اینجا هستند تاکید کنم ما برنامه افتتاح نداریم.

این مجموعه در گذشته افتتاح شده، کار کرده، خدمات انجام داده، اما مدت‌ها تعطیل بوده، معطل مانده و این ظرفیت ارزشمند آن هم در این موقعیت مکانی در کنار تخت‌جمشید بلااستفاده مانده بود. من تشکر می‌کنم هم از سرمایه‌گذار محترم که صحبت کردند، هم از صندوق احیا آقای دکتر طلائی که با درایت از موضع کارشناسی این مجموعه را تکمیل کردند.

مجموعه بسیار آبرومندی شده که مجدداً می‌تواند فعالیت خودش را شروع کند و به نوعی بازگشایی است، لذا از همه، بخصوص متولیان این مجموعه اقامتی سپاسگزاری می‌کنم.

یک نکته در مورد برادر آقای رشیدی کوچی که افتخار دوستی و همکاری با ایشان را دارم عرض کنم. این مراسم باید همیشه با شادی همراه باشد، شادی ابزار مختلف دارد. حتماً یکی از ابزارهای مشروع، صحیح و درست آن استفاده از موسیقی اصیل و ملی ماست که بتواند هویت و فرهنگ ما را حفظ کند و شادی را برای مردم ما به ارمغان بیاورد.

برادر عزیزم آقای سالار عقیلی که از طرف من به عنوان سفیر میراث فرهنگی انتخاب شده است برنامه‌ها و کنسرت‌های ایشان فوق‌العاده ارزشمند است. من بسیار علاقمندم که ایشان بتوانند در همین محل در کنار تخت‌جمشید یک مجموعه‌ای از کنسرت‌های شادی‌آفرین خودش را اجرا کند و شما مردم عزیز حق دارید که از این برنامه استفاده کنید. من پیگیری لازم را خواهم کرد.

انشاءالله باید زمینه‌های سالم فراهم بشود، مسئولین ما در استان همکاری لازم را بکنند. کنسرت و موسیقی برای مردم فرصت است. کسی تصور نکند که این تهدید محسوب می‌شود، هر جا مردم هستند، هر جا شادی است، هر جا موسیقی ملی است حتماً آنجا پایداری، حضور مردم و فرصت‌های ارزشمندی برای کشور است، اینها اصلاً تهدید محسوب نمی‌شود.

همانطور که مردم شیراز و مردم استان حرم سوم اهل بیت(ع) افتخار دارند که میزبانی می‌کنند و سالیانه میلیون‌ها نفر برای زیارت حرمین شرفین اینجا می‌آیند. این واقعاً یک نعمتی است که خداوند به استان فارس عنایت کرده است. همانطور هم در کنار آن شادی‌ها، برنامه‌های فرهنگی مناسب، آنطور که مردم توقع دارند و مردم می‌خواهند، انشاءالله باید مکمل فعالیت‌های دیگر باشد.

اما آن نکته‌ای که درباره آقای رشیدی کوچی خواستم بگویم. پدر بزرگوارشان دوست صمیمی من بودند. اولین باری که من به تخت جمشید آمدم و از نزدیک پیگیری کردم در معیت پدر بزرگوار ایشان بودم. آنقدر ایشان پرتلاش و فعال بود، خودش با یک پاترول رانندگی می‌کرد و مرتباً بنده را به جاهای مختلف می‌برد، چندین بار گفتم آقای رشیدی کمی آرام‌تر بروید! ما به شما نیاز داریم!

خودش با عشق و علاقه رانندگی می‌کرد، نماینده شما مردم بود و من می‌دیدم چطور خودش را به آب و آتش می‌زند برای اینکه بتواند گره‌ای از مشکلات مرودشت باز کند. خداوند انشاءالله درجات او را متعالی کند و جای او در جمع ما خالی است! اما وقتی آقازاده بزرگوار، انقلابی، شجاع و مردمی ایشان به عنوان نماینده مردم مرودشت انتخاب شد من واقعاً از صمیم دل خوشحال شدم و خدا را سپاس کردم که این مسیر پرخیر و برکت ادامه دارد.

من از تلاش‌های آقای رشیدی در مجلس و از پشتیبانی‌های ایشان در حوزه میراث فرهنگی و گردشگری، از دلسوزی‌های ایشان سپاسگزارم. دفعه قبل که خدمت ایشان بودم نکاتی را اشاره کردند که از ذهن من مخفی مانده بود. در مجلس هم با صراحت اینها را از بنده پیگیری می‌کنند و یک دلیل اینکه من امروز اینجا هستم، پیگیری‌های جدی ایشان بود که علیرغم فشردگی برنامه‌های من در این چند روز، توفیق پیدا کردم خدمت شما برسم.

انشاءالله تا زمانی که امثال آقای رشیدی کوچی نماینده مردم هستند، فردی که مردمی و شجاع هستند و تلاش می کنند، نگران خیلی از محاسبات دیگران نیستند و حتماً راه خیر و برکت برای مردم ما هموار خواهد شد.

از همه عزیزانی که در جلسه هستند، مقامات استانداری، امام جمعه، نیروهای نظامی و انتظامی و خانواده محترم شهدا که چشم و چراغ ما هستند و همه عزیزانی که برای مراسم امشب تلاش کردند، سپاسگزاری می کنم.

عزیزانی هم جلوی در به استقبال من آمده بودند، چون دیر شد از آنها هم عذرخواهی می کنم. مسیرم را عوض کردم که خدمت شما برسم. از عزیزانی که کار موسیقی و هنری می کنند و هم چنین از مجری برنامه که اجرای او خوب بود، به جز تعریفی که از بنده کرد، از ایشان و اجرای خوب ایشان هم سپاسگزارم.

گرددنشکری سلامت



مرکز همایش های صدا و سیما، ۲۶ / ۴ / ۱۴۰۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عرض سلام و ارادت دارم خدمت سروران عزیز خودم، خواهران و برادران بزرگوار و به ویژه مهمانان محترم خارجی که حضور خیلی شایسته‌ای در این نشست بین‌المللی دارند. جا دارد از همه برگزارکنندگان این همایش بسیار خوب و تخصصی و ضروری تشکر کنم به ویژه آقای دکتر محسنی که این توفیق را برای من فراهم کردند که خدمت همه شما عزیزان برسم.

در وهله اول حضور من برای ادای احترام به پزشکان ارزشمند و جامعه ممتاز پزشکی و سلامت کشور است. پزشکی جز شریف‌ترین مشاغل بشری است، در طول تاریخ بشر و به ویژه در کشور خودمان در سال‌های اخیر جلوه‌های برجسته‌ای از این شرافت را همه دنیا دیده‌اند.

این فداکاری و ازخودگذشتگی فقط در دوران دفاع مقدس نبود، من دارم از پزشکان ایرانی حرف می‌زنم که در دوران سخت کرونا معلوم شد، فعالیت پزشکان در دوران دفاع مقدس صرفاً یک اتفاق نبوده است، بلکه این فداکاری و ایثار و بزرگی که مربوط به پزشکان خوب کشور ما است یک جریان ریشه‌دار و اصیلی است که در دفاع مقدس به طریقی خود را نشان داد و در حادثه کرونا که به نظر من ابعاد این فداکاری به مراتب از دوران دفاع مقدس به دلیل ویژگی‌هایی که این مقطع داشت بالاتر بود.

جا دارد تشکر کنیم و ادای احترام به شهدای پزشک و جامعه پزشکی و سلامت کشور که نشان دادند جوهره آن‌ها چیست. من این را در پاسخ به کسانی که اگر یک مورد خاصی را مثل همه مشاغل در یک گوشه‌ای می‌بینند و بزرگنمایی می‌کنند می‌گویم، «فِي تَقْلِبِ الْأَحْوَالِ عَلِمَ جَوَاهِرُ الرَّجَالِ»، یعنی در ملاحظه

تاریخ است که جوهره آدم‌ها خود را نشان می‌دهد.

پزشکان و جامعه سلامت ما در دوران کرونا جوهره خود را نشان دادند و این بسیار ارزشمند است و یک داشته بزرگ ما است که ریشه تاریخی دارد. من هفته قبل به قلعه الموت رفته بودم، قلعه حسن صباح، به ذهن من الان رسید که این را برای مهمانان خارجی بگویم، چون برای این جمع صحبت کردن هر دو طرف را باید در نظر بگیریم، لذا عرایض من همان که آقای کریمی گفتند باید حاکم باشد، برای هر دو مخاطب ارزشمند ما که در این جلسه هستند باید قابل توجه باشد.

حسن صباح که به نبوغ نظامی معروف است و قلعه الموت که قلعه دست نیافتنی تاریخی بود و هیچ کدام از سلاطین نتوانستند با کار نظامی آن‌جا را فتح کنند و شخصیت نظامی حسن صباح بر بقیه ویژگی‌های او سایه می‌اندازد یک پزشک و یک داروساز برجسته بود که از ۲۰۰ گیاه دارویی ارزشمندی که در دامنه کوه الموت می‌روییید بهترین داروها را می‌ساخت و در اختیار مردم قرار می‌داد، به کشورهای جاده ابریشم صادر می‌کرد و به کسانی که نیاز داشتند می‌داد.

نکنه جالب این است که هیچ وقت قیمت این داروها را افزایش نمی‌داد، وقتی به او می‌گفتند در قبال کالایی که مثلاً از هندوستان باید فندوق بگیرید و دارو بدهید قیمت آن بالا رفته است شما قیمت دارو را هم بالا ببرید، هرگز حسن صباح حاضر نشد قیمت دارو را بالا ببرد و می‌گفت پزشکی و سلامت یک امر شریفی است که متعلق به همه مردم دنیا است لذا من نسبت به بیماران آن کشورها هم چنین وظیفه‌ای احساس می‌کنم، هرگز قیمت دارو را بالا نبرد.

من هفته قبل در یک تویییتی که نوشتم به همین مسئله اشاره کردم که نشان می‌دهد جریان اصیل پزشکی و داروسازی چقدر ریشه‌دار است، در ایران هم نیست در همه جای دنیا چنین مسئله‌ای هست.

یک نکته راجع به گردشگری سلامت بگویم، در تکمیل فرمایشات دوستان عزیزی که فرمایشات خوبی هم داشتند. عذرخواهی هم می‌کنم از اینکه نتوانستم از ابتدای برنامه در خدمت شما باشم.

گردشگری سلامت یک مقوله بسیار زیبا جالب توجه و با یک هویت منشوری است، یعنی بیمار و گردشگری که با هم تلاقی پیدا می‌کنند مفاهیم جدیدی را

خلق می‌کنند که بهره‌های فراوان انسانی می‌توان از این موقعیت برد. اولاً بحث پزشکی و سلامت در دو حوزه مطرح است؛ هم حوزه درمان مستقیم و هم حوزه سلامت، طبیعت، موقعیت‌های اقلیمی، دوره نقاهت بعد از درمان و دوران قبل از آن و موقعیت‌هایی که می‌تواند بهداشت را شکل دهد که حتی احتیاج به یک دوران خاص نداشته باشد، در هر دو حوزه مطرح است.

در کشور ما ایران هر دو حوزه در سطح جهانی سرآمد است، یعنی هم حوزه درمانی ما و هم حوزه اقلیم‌های متنوع و متفاوتی که داریم، کشور ما را تقریباً تبدیل به یک کشور اگر نگوئیم بی‌نظیر، کم‌نظیر در دنیا کرده است. من به مهمانان خارجی خودمان مجدد این را یادآوری می‌کنم، به عنوان مزیت‌های نسبی که در جمهوری اسلامی وجود دارد.

در حوزه پزشکی ما سه برجستگی داریم؛ پزشکان حاذق برجسته و متخصص و مشهور در سطح جهانی که از ویژگی‌های جمهوری اسلامی است، تجهیزات پیشرفته که در طول سال‌های اخیر از این نظر واقعا گام‌های بلندی برداشته شده است و مادر هر موقعیتی که قرار می‌گیریم این برجستگی تجهیزات و فناوری‌های پیشرفته را شاهد هستیم، مسئله سوم هم قیمت مناسب و بهای تمام شده است به خصوص نسبت به کشورهای آمریکای شمالی و اروپا و جاهایی که خود را در بعضی از رفتارهای پزشکی و جراحی‌ها مقایسه می‌کنند قیمت تمام شده در ایران قیمت پایینی است.

پس این سه مورد واقعا بخش اول را به یک بخش ویژه در کشور تبدیل کرده که می‌تواند واقعا به درستی همان‌طور که بوده یکی از قطب‌های کم‌نظیر سلامت و گردشگری سلامت باشد. در حوزه بعدی هم واقعا کشور ما ایران که ۴ فصل است، نه فقط در نقاط مختلف کشور بلکه شهرهایی وجود دارد که شما در یک شهر، هم آب و هوای گرم خرمایزان هست و خرما آن‌جا به عمل می‌آید و هم وقتی کمی فاصله می‌گیرید و بالاتر می‌روید آن‌جا گردو به عمل می‌آید، یعنی در بالاترین سطح این تفاوت طبیعت حتی در یک شهر مثل جیرفت و در جاهای دیگر این برجستگی در ایران وجود دارد. بنابراین از مجموعه متنوع اقلیم ایران و ویژگی‌های آن واقعا در حوزه سلامت شایستگی بالا داریم.

بخواهم عریضم را جمع کنم و نتیجه بگیرم، گردشگری سلامت باید به سلامتی انجام بگیرد. ما وزارت بهداشت، دستگاه‌های دولتی، بخش خصوصی و سَمَن همه

مجموعه‌هایی که در این حوزه تلاش می‌کنند باید تلاش کنند گردشگری سلامت را حفظ کنند.

روزهای اول که دولت سیزدهم کارش را آغاز کرد یک مقدار اختلافات فرآیندی و اجرایی بین دو وزارتخانه از گذشته مطرح بود، امروز که با هم صحبت می‌کنیم هیچ مشکلی از این جهت نیست، وزارت گردشگری و وزارت بهداشت و درمان همکاری خیلی خوبی را با هم شروع کرده‌اند و ادامه می‌دهند و از این جهت خوشبختانه در دولت سیزدهم هماهنگی خیلی خوبی برقرار شده است. خط قرمز همه ما باید دلالی و سوداگری در حوزه گردشگری سلامت بشود، داریم آسیب‌شناسی می‌کنیم.

حرف ما هم آنقدر صریح است که اگر مهمانان خارجی هم هستند بدانند که ما کاملاً با نگاه آسیب‌شناسانه و نظارت دقیق اگر مشکلاتی در ارتباط با گردشگری سلامت هست، خودمان بررسی و نظارت می‌کنیم و آن را حل می‌کنیم. این جماعت، جماعت محدودی هستند، در همه جای دنیا هم به نوعی خود را نشان می‌دهند، این‌ها هستند که آن جامعه سالم را تخریب می‌کنند، در حوزه گردشگری سلامت کسانی هستند که با دلالی و سوداگری زحمات ارزشمند مجموعه‌های خدمتگزار را خراب می‌کنند.

وظیفه مدیران صرفاً توصیف نیست بلکه ارائه راه حل و اقدام عملی است. اگر ارائه راه حل و اقدام عملی را از زمان بنده‌ای که در یک گوشه‌ای از این پروسه ماموریت دارم بخواهید دو چیز را با صراحت به شما عرض می‌کنم؛ اولاً مجموعه کسانی که برای گردشگری سلامت کارسازی می‌کنند باید مجموعه‌های معتبر و دارای مجوز و شناسنامه‌دار و قابل نظارت باشند، آن هم دفاتر خدمات مسافری و آژانس‌های مسافرتی ما است، آن‌ها باید مسئولیت مستقیم به عهده بگیرند تا امر گردشگری سلامت در این بُعد به درستی انجام بگیرد.

ما از حدود ۵ هزار دفاتر خدمات مسافرتی که داریم، ۷۰۰ دفتر مشخصاً در حوزه سلامت فعالیت می‌کنند و پرونده و مجوز و کارنامه دارند و نظارت می‌شوند، مجموعه‌های خوب تشویق می‌شوند، با مجموعه‌هایی که بد عمل کنند با آن‌ها برخورد می‌شود و اگر گردشگری سلامت از طریق آژانس‌های رسمی انجام بگیرد بخش زیادی از این آسیبی که عرض کردم مرتفع می‌شود.

نکته دوم در واقع خود بیمارستان‌ها هستند، یعنی مراکز درمانی که باید سرویس خدمات پزشکی بدهند. آمارهایی که آقای دکتر کریمی فرمودند آمار دقیق است، در ذهن من هم اینگونه است که چون انتهای فرمایش ایشان رسیدم، حداقل ۲۴۰ بیمارستان داریم که مجوز دارند، آی پی دی دارند و شناخته شده هستند، بعضی از آن‌ها کارنامه‌های خیلی خوبی دارند.

زمانی که ما به طریقی بیمارستان محور کار می‌کنیم، ضمن احترام به اشخاص و خود پزشکان که در این بیمارستان و مرکز اقامتی تعریف برجسته‌ای دارند، اما اگر بیمارستان و مرکز رسمی، مجوز محور شد، آن طرف هم آژانس‌های مسافرتی مجوزدار، محور شدند می‌توانیم ادعا کنیم که تا حد زیادی تخلفات و سوداگری‌ها و دلالتی‌ها که گزارش‌های آن‌ها به ما می‌رسد رفع می‌شود.

انشاءالله با همکاری همه دستگاه‌ها، جامعه پزشکی و جامعه سلامت من از این دو طریقی که عرض کردم بتوانیم روزبه‌روز این بخش را تقویت کنیم. درست است که بخش مهمی از گردشگری سلامت در حوزه اقتصاد گردشگری است، اقتصاد گردشگری بسیار مهم است ولی دقت کنید که شرافت و انسانیت و توجه به اخلاق و ارزش‌های اسلامی و انسانی بر هر چیز دیگری شرف دارد، لذا همان‌طور که در داخل کشور یک بار هم رهبر معظم انقلاب به جامعه پزشکی ما یادآوری کردند که بگذارید صرفاً همان ناراحتی و درد بیماری، بیمار را رنج بدهد نه کمبودهای دیگری که نگران آن کمبودها به خصوص بحث‌های اقتصادی باشد.

من در مورد بیماران خارجی هم همین را می‌گویم، بگذاریم خود آن بیماری و آن هزینه‌ای که فراهم کرده تا داخل کشور ما بیاید و خود را درمان کند، همین دو ذهن او را مشغول کند، این یک هشداری هم به خودم و هم به همه عزیزانی که الان در این رابطه مسئولیت دارند است.

بگذاریم همین دو تا دغدغه فکری گردشگران سلامت باشد، خدایی نکرده بعضی رفتارهای غیرموجه و غیرقانونی به گونه‌ای بر زحمات ارزشمند همکاران ما سایه نیندازد که خدایی نکرده لازم باشد بیمارانی که می‌آیند به آن چیزها هم فکر کنند و دغدغه‌ی همان‌ها را هم داشته باشند. مجدد از همه شما دوستان عزیز سپاسگزاری می‌کنم، برای همه شما آرزوی سلامتی و موفقیت دارم، والسلام علیکم ورحمت‌الله.

سومین اجلاس وزاری گردشگری عضو «D8»



پاکستان. اسلام آباد. ۱۴/۰۵/۲۰۲۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

در ابتدا مایلیم مراتب قدردانی خود را از دولت و مردم جمهوری اسلامی پاکستان به ویژه همکار ارجمندم عون چودری دستیار مشاور محترم نخست‌وزیر در حوزه گردشگری و همکاران ایشان در سازمان توسعه گردشگری پاکستان، به خاطر مهمان‌نوازی گرم و صمیمانه و برگزاری موفق سومین نشست وزرای گردشگری سازمان همکاری اقتصادی هشت کشور در حال توسعه «دی - ۸» ابراز کنم.

همچنین از آقای سفیر و ایسیاکا عبدالقادر امام دبیرکل «دی - ۸» و همکاران گرانقدر ایشان، به جهت برگزاری شایسته این رویداد مهم و از تمامی هیأت‌های محترم به خاطر مشارکت فعالانه کمال تشکر را دارم.

جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از اعضاء «دی - ۸» همواره در جهت اهداف اصلی این سازمان فعالانه ظاهر شده و تمامی تلاش خود را به کار بسته است. میزبانی اولین نشست وزرای گردشگری در سال ۲۰۰۸ و دومین نشست همکاری‌های گردشگری در سال ۲۰۱۳، شاهدی بر این ادعاست.

امیدوارم در این نشست بتوانیم به اتفاق یکدیگر مسائل مرتبط با گردشگری کشورهای عضو را، به گونه‌ای مورد بحث و بررسی قرار دهیم که شاهد آینده‌ای بهتر برای توسعه گردشگری در این کشورها باشیم.

اعضای «دی - ۸» را عموماً کشورهای اسلامی تشکیل می‌دهند و این امر مفاهمه بهتر، جهت‌گیری شفاف‌تر و اهداف یکپارچه‌تری را برای ما به ارمغان می‌آورد. امروز سخنرانی خود را عمدتاً با تمرکز بر این واقعیت مهم ارائه می‌دهم.

در سال‌های اخیر گردشگری به یکی از بخش‌های پرشتاب و نیروی پیشران رشد اقتصادی در دنیا بدل شده است، به گونه‌ای که تا قبل از همه‌گیری کرونا،

۱۰ درصد از جی‌دی‌پی جهانی را به خود اختصاص داده بود، اما نکته قابل تأمل اینجاست که گردشگری علاوه بر آثار اقتصادی، دارای ابعاد معنوی است که قویاً مورد تأکید اسلام نیز قرار داشته است.

در این رابطه قرآن کریم در آیات متعددی ما را به سفر به سرزمین‌های دیگر با هدف فهم بهتر دنیای پیرامون، مشاهده نحوه زیست و معاش مردم دیگر سرزمین‌ها و عبرت گرفتن از زندگی سایر ملت‌ها توصیه می‌نماید؛ به عبارت دیگر روح این آیات توجه ویژه به میراث ناملموس بشریت را مورد تأکید قرار می‌دهد، در واقع این وجه از گردشگری به قدری ارزشمند است که می‌تواند زمینه ارتقای مبادلات فرهنگی، تقویت همبستگی و ایجاد صلح در میان تمامی ملت‌ها را فراهم کند.

ما در جهانی به سر می‌بریم که در آن تعداد فزاینده‌ای از کشورها، قربانی افراطی‌گری، تجاوز و تروریسم بوده‌اند، همانگونه که واقف هستید ابزارهای امنیتی و نظامی به تنهایی برای رویارویی با تروریسم کافی نیستند و برای مقابله با این پدیده شوم، نیاز به سازوکاری ویژه و متفاوت احساس می‌شود، این سازوکار چیزی نیست به جز دیپلماسی و گردشگری، چرا که می‌تواند راه را برای تعامل بیشتر ملت‌ها، هموار سازد و صلح و ثبات و امنیت را برای منطقه و جهان به ارمغان آورد.

افزون بر این بروز پدیده اسلام‌هراسی مسلمانان زیادی را در معرض تبعیض نژادی، پیشداوری منفی و بدنام‌سازی قرار داده است، در نتیجه این امر مسلمانان احساس ناامنی را در زندگی روزمره خود لمس کرده و با انکار حقوق اصلی‌شان روبرو می‌شوند. در این میان گردشگری با معرفی ماهیت واقعی کشورهای اسلامی موثرترین راهکار برای زودودن این چهره منفی جعلی است.

دستیابی به آینده درخشان برای کشورهای «دی - ۸» در گرو اتحاد، همگرایی و مشارکت روزافزون بین آنهاست. افزایش همکاری‌های فرهنگی، اقتصادی و تجاری در حوزه‌های مختلف و تقویت زیرساخت‌های مربوطه، آن چیزی است که امروزه کشورهای عضو، به آن نیاز دارند.

بدون شک یکی از مهمترین حوزه‌های همکاری، گردشگری است. کشورهای «دی - ۸» از ظرفیت‌ها و قابلیت‌های بالایی در زمینه انواع مختلف گردشگری نظیر گردشگری دینی و زیارتی، گردشگری سلامت، طبیعت‌گردی و بوم‌گردی، گردشگری

فرهنگی، گردشگری ورزشی، گردشگری دریایی، گردشگری خوراک و غیره برخوردار هستند، اما به زعم بنده با توجه به اینکه تمامی کشورهای عضو مسلمان هستند، می‌توانند از گردشگری حلال و دوستدار مسلمان به عنوان مزیت‌های رقابتی برای تقویت جریانات گردشگری میان کشورها استفاده نمایند.

گردشگری حق همهٔ مردم دنیاست، بنابراین لازم است جامعه جهانی از جمله کشورهای «دی - ۸» شرایط مورد نیاز را به طرز مناسب و شایسته‌ای برای مردم سراسر جهان فراهم آوردند، به گونه‌ای که بتوانند از تمامی مقاصد گردشگری، بازدید کرده و از این حق محروم نشوند، این همان چیزی است که در گفتار و گفتمان رایج سازمان گردشگری از آن به گردشگری در دسترس یاد می‌شود.

مراد از گردشگری در دسترس آن است که دسترسی به سفر می‌بایست برای تمام آحاد مردم جهان با هر سن، جنسیت، طبقه اجتماعی، درآمد و توانایی جسمی فراهم شود.

یکی از راه‌های ترویج گردشگری در دسترس، سیاست درهای باز است، بنابراین پیشنهاد می‌شود، رهاسازی فرآیند صدور روادید برای کشورهای عضو، در قالب تصویب یک توافق درون «دی - ۸» در دستور کار سازمان قرار گیرد.

این ایده حتی می‌تواند پس از تأیید وزارتخانه‌های امور خارجه کشورهای عضو، توسعه بیشتری یافته و شکل رژیم روادیدی «دی - ۸» را به خود بگیرد، مثال دیگر گردشگری در دسترس، سفرهای ارزان قیمت است که مشخصاً می‌تواند گردشگری خانواده‌محور را تقویت بکند.

افزون بر این سازوکار انتخاب و اعلام شهر گردشگری «دی - ۸» نیز، می‌تواند فرصت منحصر به فردی را برای کشورهای عضو فراهم سازد تا مقاصد گردشگری خود را، از طریق یک رقابت سالم معرفی و برندسازی نمایند. از این رو مایلیم به دبیرخانه «دی - ۸» پیشنهاد دهم تا این سازوکار را تدوین و اجرایی نماید.

خوشبختانه برخی از کشورهای عضو «دی - ۸» در زمرهٔ مقاصد گردشگری پیشرو قرار دارند و می‌توانند تجارب و دانش تخصصی خود را از طریق دوره‌های آموزشی به دیگر کشورها منتقل نمایند. در این رابطه، ایجاد مرکز آموزش گردشگری «دی - ۸» که بتواند به صورت مجازی یا حضوری فعالیت نماید، پیشنهاد می‌شود.

اینجانب عمیقاً باور دارم که ما حاضران این نشست به عنوان مسئولان گردشگری «دی - ۸» می‌توانیم دست در دست یکدیگر، به توسعه و رونق گردشگری

در کشورهای عضو خود کمک کنیم و از این طریق شاهد امنیت، ثبات، صلح، شکوفایی و رفاه جامعه باشیم. بدین منظور ابتکار دو سند راهبرد جامع گردشگری «دی - ۸» و ابتکار هلال ماه، قویاً مورد تأکید است.

مجدداً ضمن آرزوی بحث و تبادل نظرهای سودمند در طول جلسات کاری اجلاس، مایلم از تلاش‌های برگزارکنندگان این رویداد، نهایت تقدیر را به عمل آورم. در آخر مایلم به اطلاع شما برسانم هفدهمین نمایشگاه بین‌المللی گردشگری تهران در فوریه ۲۰۲۴ برگزار خواهد شد، بسیار خرسندیم از شما برای حضور در این رویداد مهم دعوت نماییم، بر همین اساس دعوتنامه مربوطه بر روی میز شما قرار داده شده است.

همایش ملی گردشگری سبز



سالن آمفی تئاتر وزارتخانه، ۱۴۰۲/۰۷/۰۹

بسم الله الرحمن الرحيم

یک خیر خوش خدمت شما می‌دهم، بنا به سخنرانی ندارم، فقط آمده‌ام که تشکر بکنم. شاید ادب این بود که من قبل از فرمایشات برادر عزیزمان مهندس سلاجقه، کوتاه خدمت ایشان خیر مقدم بگویم و از حضورشان تشکر کنم. من این کار را برای آخر گذاشتم. سخنرانی ایشان در حوزه گردشگری انصافاً جامع و کامل و سخنرانی مرجع و تاریخی است. باید به آن رجوع و از مبانی نظری و اجرایی آن استفاده کنیم. از حضور ایشان، معاونان و مجموعه همکاران ایشان صمیمانه سپاسگزارم که به عنوان گردشگری سبز حضور و همکاری‌هایی که در این زمینه دارند واقعاً بهترین کارنامه‌ها و عملکردها را در سطح دنیا رقم زده است.

آقای شالبافیان چون با آقای زوراب رئیس wto رفیق است، حتماً به ایشان گزارش بدهید در خصوص سایت گردشگری سبز و توجه به مسائل زیست محیطی در این سطح و ارتباطش با گردشگری و صنایع دیگر که من یکی یکی بابت آن تشکر می‌کنم؛ بگویید کارهایی در چنین سطحی انجام شده است تا در آینده همکاری‌های بهتری داشته باشند.

آقای ظهوریان همکار عزیز ما و مجری برنامه، خیلی خوب اجرا کردند چهره‌ای که من از ایشان داشتم چهره‌ای خشک و رسمی است در خواندن اخبار و نمی‌دانستم ایشان استعداد اداره چنین کار لطیفی را هم دارند، به ویژه اشعاری که خواندند به موقع و به جا بود بخصوص اشعار سهراب در ارتباط با محیط زیست.

من هم تکمیل کنم که سهراب سپهری می‌گوید جای مردان سیاست بنشینید درخت، تا هوا تازه شود. البته منظور از مردان سیاست من و آقای سلاجقه نیستیم. ما

انشاءالله و بخصوص ایشان، مرد همت هستند.

امروز روز متعلق به ناشنویان عزیز است، ابتکار خوبی به خرج داده‌اید و اداره این جلسه را همراه با این مناسبت کرده‌اید. من از خانم سالاری و خانم شاکر که دوربین نشان می‌داد و در طول این برنامه سرپا ایستاده‌اند و با انرژی و انگیزه و علاقه مسائل مربوط به گردشگری و محیط زیست را به همکاران و همراهان عزیز ما منتقل می‌کنند، صمیمانه سپاسگزاری می‌کنم. خواهش می‌کنم سرپا بایستیم و همه عزیزان را تشویق کنیم.

جا دارد صمیمانه از همه همکاران عزیزمان در حوزه گردشگری تشکر کنم. فعالان حوزه گردشگری و رسانه‌های عزیزمان و صفحات تخصصی و همکاران خوب ما در رسانه‌ها که نقش مهمی در این حوزه دارند.

روسای محترم صنوف که تلاش زیادی می‌کنند و با ما همکاری خوبی دارند و در این جلسه هستند؛ بر حسب مورد برادر عزیزمان آقای حمزه زاده که از زحمات ایشان و همه همکارانشان در جامعه هتل‌داران تشکر می‌کنیم، نکات خوبی را به لحاظ تخصصی مطرح می‌کنند.

از دستگاه‌هایی که با ما در حوزه اداره درست گردشگری بخصوص در حوزه قیمت‌ها و بهای انرژی که در اقتصاد بسیار موثر است همکاری کرده‌اند، کمال تشکر را دارم. بخصوص کسانی که در اقدامات زیست محیطی کمک کرده‌اند. تشکر ویژه‌ای از وزارت نفت دارم. انصافاً مهندس اوجی با درک درست اهمیت گردشگری هر چه که ما درخواست کردیم همراهی کرد. من این را بدون اغراق عرض می‌کنم، نه به این دلیل که گردشگری کلاً باید در این کشور جای نفت را بگیرد، باید این کار را بکنیم چون درآمد اصلی کشور باید از نفت به سمت گردشگری شیفت پیدا کند و حتماً چنین ظرفیتی را در کشور داریم که اگر این‌طور باشد وزارت نفت کمی نفس می‌کشد.

امروز وقتی در دولت مشکلی پیش می‌آید، همه نگاه‌ها به آقای اوجی است و گفته می‌شود چه شد؛ شما باید این مقدار را تهیه کنید و... من می‌بینم که چقدر اذیت می‌شوند، نه به این خاطر بلکه به خاطر محبتی که دارند و درک درستی که از گردشگری دارند، هر کاری که ما داشتیم انجام داده‌اند.

تا به حال چندین بار پیش آمده است که در جلسه دولت به من گفته‌اند؛ ایشان همان‌جا زنگ می‌زنند، به جز نامه‌های رسمی حرف‌های ما را دستور می‌دهند و برای راحت شدن خیال طرف که باید انجام شود به معاونش می‌گویند. حتماً امروز این را انجام بدهید، ضرغامی کاکو است. کاکو اصطلاحی در شیرازی‌ها است. مثل این‌که این رمزی بین خودشان است، مثل خودکار سبز و آبی که مدیران دارند و با هر رنگی که امضا می‌کنند یک معنی می‌دهد.

این کاکو یعنی سنگ قلابش نکن و با او همراهی کن. انصافاً مدیران و بدنه همکاری خوبی دارند. بنا داشتم امروز از ایشان تشکر کنیم و لوح تقدیری خدمتشان ارائه کنیم که مشکلی برایشان پیش آمد و تشریف نیاوردند.

از وزارت نیرو و همراهی‌های دکتر محرابیان و معاون محترم آبفا تشکر می‌کنم در بسیاری از استان‌ها مسائل ما با وزارت نیرو جدی است، در آخرین مورد سرعین بود که دعوایی طولانی داشتیم. ایشان با دستوری مستقیم به معاونت خود، دعوایی چند دهه‌ای را در یک جلسه به نفع گردشگری حل کردند.

از وزارت جهاد کشاورزی تشکر می‌کنم. ما با جهاد کشاورزی کارهای بسیاری داریم چه در زمان آقای سادات‌نژاد همکاری‌های خوبی بود و چه در زمان آقای نیکبخت که با ما همراهی دارند. اخیراً پروژه مهمی را آقای رئیس‌جمهور در سفر استانی افتتاح کردند که منوط به همکاری با وزارت جهاد بود، آقای نیکبخت همراهی کردند و این پروژه در سفر استانی کلید زده شد.

یکی از بزرگترین کارهای ایشان برای ما در خصوص زمین معوض برای محوطه‌های تاریخی بود که قرار بر این شد که اگر محوطه‌های تاریخی به مردمی که از قدیم زمین کشاورزی داشتند اجازه کشاورزی نمی‌دهد به مردم زمین معوض داده شود و مستقر شوند، حریم‌های تپه‌های تاریخی را برای همیشه رها کنند.

در جایی مثل کلاردشت از سال ۴۲ این دعوا بین کشاورزان بود. وقتی من بالای تپه رفتم جمعیت زیادی از کشاورزان به ما حمله ور شدند که تکلیف آنجا را مشخص کنید و حق هم داشتند. این مشکل با همکاری‌های وزارت جهاد کشاورزی حل شد و جا دارد من صمیمانه تشکر کنم.

در هفته گردشگری ضمن تبریک به همه ملت ایران، گردشگری حق همه است و همه باید گردشگری کنند. باید گردشگری آسان و راحت و پر نشاط فراهم شود، کسی که برای گردشگری می‌رود باید حالش خوب شود اگر روی سرویس بهداشتی آنقدر تأکید می‌کنیم، برای این است حال مردمی که با خانواده به سفر می‌روند، خوب نیست.

کسی که به سفر می‌رود نباید افسرده شود. حافظ می‌گوید «کسی شعرتر انگیزد خاطر که حزین باشد» شعرتر یعنی شعر پر معنا و پر نشاط. می‌گوید اگر خاطر آدم‌ها حزین و افسرده باشد، هیچ کاری سامان پیدا نمی‌کند و کار مثبتی صورت نمی‌گیرد، یکی از جاهایی که حال مردم را خوب می‌کند گردشگری است. انشاءالله سلامت و موفق و پایدار باشید.

کرامیداشت روز جهانی گردشگری



برج میلاد، ۱۴۰۲/۰۷/۱۰

بسم الله الرحمن الرحيم

کمتر مجلسی در این وسعت به لحاظ کمی، کیفی، تخصصی و در حوزه بسیار مهم از نظر ملی و فرا ملی، مانند گردشگری در کشور تشکیل می‌شود. از صنوف مختلف، همکاران عزیزمان و همه بخش‌های صنعت گردشگری تشکر می‌کنم، به دلیل حضورتان و به دلیل تمام زحماتی که متحمل می‌شوید.

حضور من ادای احترام به همه شما است که خط مقدم یکی از مهم‌ترین بخش‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی در کشور هستید. از برادر عزیزمان جناب رفیعی سپاسگزاری می‌کنم، صحبت بسیار خوبی کردند، در طی این دو سال هم من از ایشان جز این چیزی ندیدم و از تمام زحمات ایشان تشکر می‌کنم و از تشکیل این جلسه و دعوتی که از بنده کردند و این فرصت را فراهم کردند تا من عرض سلامی به شما کنم سپاسگزار هستم.

مهمانان عزیز خارجی مان و سفرای محترم و نمایندگان سیاسی برخی کشورها که در جلسه تشریف دارند را گرامی می‌دارم و از همه آن‌ها سپاسگزاری می‌کنم. نظر و اعتقاد ما این است که گردشگری حق همه مردم دنیا است.

گردشگری بازی برد برد بین تمام کشورها است و همه مردم دنیا به ویژه همسایگان و مجاوران حقیقتاً است که گردشگری کنند و راه را باید هموار کرد، تسهیلات ایجاد کرد، همه باید سود ببرند، این را به عزیزان خارجی که در جلسه هستند عرض می‌کنم، لذا ما در گفتگوهایمان و توافق‌هایی که با یکدیگر می‌کنیم اصلاً بحث این نیست که چه کسی بیشتر سود می‌کند، بلکه همه باید سود کنند و با یکدیگر ارتباط داشته باشند. حضورشان را مغتنم می‌شمارم و امیدوار هستم ان‌شاءالله روز به روز این روابط حول گردشگری تقویت پیدا کند.

گردشگری کلید حل مشکلات کشور است، امروز اگر مجموعه‌ای از تنگناها، آسیب‌ها، مشکلات و کمبود منابع در کشور مطرح است، اعتقاد ما این است که کلید حل همه مشکلات می‌تواند گردشگری باشد.

خوشبختانه در طی این مدت تلاشی که ما کردیم تا تصمیم‌گیران و حکمرانان و مسئولان متوجه اهمیت و عرض این بخش شوند تا حد زیادی به نتیجه رسیده است. این امر خیلی مهم است، اولین قدم برای تحول در این حوزه این بود که بزرگان این کشور نسبت به اهمیت این مسئله واقف شوند و هم‌زمانی مشترکی پیدا کنیم، امروز ما در دولت طرحی نداریم و خواسته‌ای از مجلس نداریم، مطالبه‌ای از دستگاه قوه قضاییه نداریم که وقتی مطرح می‌کنیم و فرصت تبیین پیدا می‌کنیم پاسخ منفی بشنویم، اصلاً این‌گونه نیست و این خیلی خوب است.

ما تا وقتی که زبان مشترک پیدا نکنیم و تا زمانی که همه همراه نشویم نمی‌توانیم کار را جلو ببریم، مجموعه‌ای از مشکلات داریم و رئیس محترم قوه قضاییه تشریف می‌آورند وقتی ما مطرح می‌کنیم ایشان بالاتر از آن را مطرح می‌کنند، بلافاصله هم پیگیری می‌کنند و بعد از آن دیدار مسئولان دستگاه قضایی تماس می‌گیرند که ما آماده‌ایم آن چیزهایی که گفتید و رئیس محترم قوه دستور دادند، بیایم به صورت ریز و با فهرست دانه به دانه به این‌ها عمل کنیم، از روز قبل از آن هم از من درخواست داشتند فهرستی از نیازهایمان را به ایشان بگوییم که ایشان قبل از آن مطالعه کنند با آمادگی بیایند و پاسخگویی کنند و این خیلی خوب است.

اگر مجموعه مهم گردشگری با یک دلیل کم اهمیت پلمپ می‌شود و می‌تواند این امر آثار خسارت باری داشته باشد، ممکن است این‌ها را برخی‌ها در برخی از سطوح اقلیت‌های محضی که تریبون و رسانه‌های خوب دارند به گونه‌ای مطرح کنند که حتماً به ضرر گردشگری است؛ اما وقتی ایشان می‌آیند مشخص می‌شود که به این مسائل توجه دارند، من این‌جا از آقای دشتی و نوروزی که همیشه در مجلس همراه من بودند تشکر می‌کنم.

ما در مجلس و کمیسیون‌ها هر چه خواستیم کار را جلو بردیم، برنامه هفتم شاید غنی‌ترین اتفاق در مورد حوزه گردشگری است اگر بخواهیم با بخش‌های دیگری مقایسه کنیم، برای اولین بار در برنامه هفتم فصل مستقلی تحت عنوان

میراث فرهنگی، گردشگری، صنایع دستی آمده است البته خود دولت در وهله اول این کار را انجام داد و فصل مستقل گذاشت و در مجلس بسیار غنی شد.

از رئیس محترم مجلس برادر عزیزمان آقای دکتر قالیباف هم سپاسگزاری می‌کنم و حتی مشاوران ایشان که جمع‌بندی نهایی کمیسیون تلفیق را باید انجام می‌دادند، با دستوری که ایشان داد در جلساتی که با معاونان من گذاشتند کاملاً همراهی کردند و هر چه که ما می‌خواستیم را تصویب کردند و در این بخش لازم است از برادر عزیزمان آقای غمخوار هم تشکر کنم که نقش خوبی در برقراری این ارتباط داشتند.

دولت و شخص آقای رئیس‌جمهور بیشتر از هر کسی امروز توجه به مسئله گردشگری دارد و در دولت در هر فرصتی که پیش می‌آید و در هر مصوبه‌ای که باید انجام بگیرد همراهی دارند، توصیه دارند و پشتیبانی می‌کنند. ما مقداری این کار را کم داشتیم، امروز که با یکدیگر صحبت می‌کنیم، حداقل ۲۰ مصوبه حمایتی در حوزه گردشگری در طی این مدت داشتیم.

وزارتخانه‌های مختلف همکاری خوبی دارند، دیروز در نشست گردشگری سبز تفاهم‌نامه‌هایی که امضاء شد، ۳ الی ۴ وزارتخانه کلیدی که با آن‌ها کارهای زیادی داریم، مانند؛ وزارت نفت، وزارت نیرو، وزارت جهاد، سازمان محیط زیست و دستگاه‌های دیگر همکاری‌های بسیار خوبی با ما دارند و همچنین دستگاه‌های حاکمیتی و نهادهای مختلف هر چه که جلو می‌رویم این هم‌زمانی بیشتر اتفاق می‌افتد و این خیلی خوب است ما باید این امر را تقویت و پاسداری کنیم؛ لذا هنوز راه زیادی در پیش داریم.

من وقتی در دولت با صراحت می‌گویم که گردشگری باید جای نفت بنشیند و همه هم این حرف را قبول دارند، راهی ندارند جز این که درآمد اصلی کشور از گردشگری باشد و مزیت‌هایش را هم داریم مانند؛ مزیت فرهنگی، میراث فرهنگی، طبیعت و سلامت. بسیاری از مزیت‌های گردشگری در ایران در بالاترین سطح قرار دارد. باید مقداری سرمایه‌گذاری شود و سرمایه‌گذاری دولت و حاکمیت در حال حاضر خوب نیست.

من در دولت بارها گفته‌ام که اگر نفت محل درآمد اصلی ما است بر اساس قانون، ۱۴ درصد از درآمد نفت مستقیماً برای سرمایه‌گذاری در وزارت نفت می‌رود.

بارها وزیر نفت در دولت انتقاد می‌کنند که ما با این ۱۴ درصد به جایی نمی‌رسیم چون خیلی از سرمایه‌گذاری‌ها را نتوانستیم انجام دهیم و از منابع مشترک نمی‌توانیم استفاده کنیم و اگر امروز آرامکو بزرگ‌ترین شرکت سودآور دنیا است و حرف اول را درآمد می‌زند به دلیل سرمایه‌گذاری‌هایی است که از فروش نفت انجام می‌دهد. درست است که ۱۴ درصد برای نفت می‌رود، اما ما هنوز نتوانستیم درصد قابل قبولی از بودجه عمومی را برای زیر ساخت‌های گردشگری تخصیص دهیم.

هر کاری که برای گردشگری انجام دهیم کم است، خیلی عقب‌ماندگی در این حوزه داریم، این‌که ما برخی مواقع بر بدیهیات تاکید می‌کنیم و می‌گوییم سرویس‌های بهداشتی بین مسیر که به عنوان اولین نیازهای آدم‌ها باید فراهم شود، متأسفانه این‌گونه هم نیست و جالب است که هیچ فردی هم خود را مسئول نمی‌داند، ما حداقل مساجد و امامزاده‌ها را توصیه کردیم و من یادداشت دادم و با ائمه جمعه صحبت کردم مبنی بر این‌که شما تریبون دارید و مرتباً فرمایشات می‌کنید، به ما رهنمود می‌دهید و انتقاد می‌کنید.

در همین جمعه یکی از بزرگان‌شان فرمودند در گردشگری باید خیلی کارها انجام بگیرد و اگر خون شهدا پاسداری شود، مشکلات گردشگری حل می‌شود، من پیغام دادم که ما چه مشکلی با خون شهدا داریم که فکر می‌کنید آن موضوع حل نشده است؟ من از ایشان خواهش کردم که از موقعیت‌شان استفاده کنند و درب مساجدشان را باز نگه دارند. مساجد که زیر نظر خودشان است، درب مساجد بین‌راهی و مساجدی که در داخل شهرها در مسیر گردشگر است را باز نگه دارید.

می‌گویند بخش زیادی از مساجد امام جماعت ندارد؟ اشکالی ندارد، سرویس بهداشتی، صحن مسجد، شبستان مسجد این همه گردشگر به خصوص در اوج مسافرت‌ها مردم واقعاً نیاز دارند و متدین هستند می‌خواهند نماز بخوانند و در محیط معنوی باشند. آن وقت می‌گوییم چرا این اتفاقات رخ می‌دهد؟ شما درب محل‌هایی که دینی هستند را بستید، مسئله زباله‌ها و پسماند در کنار جاده‌ها یکی از گرفتاری‌های جدی ما در حوزه گردشگری است.

به عنوان مثال؛ برخی از مردم دریا که می‌روند می‌گویند این قدر جلوی دریا کثیف است که منصرف می‌شوند و سوار بر ماشین می‌شوند. ترجیح می‌دهند در کافی شاپ بنشینند به دلیل آشغال‌های زیادی که در آن جا است.

آیا وظیفه وزارت گردشگری یا آژانس‌های گردشگری ما است که ساحل را تمیز کنند؟ من بارها در دولت صحبت کردم و دوبار آقای رئیس جمهور دستور مستقیم به وزرای مربوطه دادم که آشغال‌ها را جمع‌آوری و نظافت کنند، فرماندارها و شهرها وظیفه دارند.

من مجدد از ائمه جمعه و از روحانیون مان تقاضا می‌کنم کمپین راه‌اندازی کنند، در دنیا از این کارها انجام می‌دهند. هالیوود از این کارها انجام می‌دهد. هنرپیشه‌ها و فوتبالیست‌های مشهور از این کارها انجام می‌دهند.

یک روز قرار می‌گذارند و به کمپین جمع‌آوری آشغال می‌روند و خود آن شخصیت‌ها کیسه زباله در دست می‌گیرند و در جایی که پر از آشغال است قرار می‌گذارند و خودشان شروع به جمع کردن آشغال می‌کنند و تمام هواداران شان و همه مردم شروع به جمع کردن آشغال می‌کنند و آن محل کاملاً تمیز می‌شود.

دیروز به شوخی گفتم سهراب سپهری می‌گوید: «جای مردان سیاست بنشانید درخت/ تا هوا تازه شود» کسی که فقط حرف از سیاست می‌زند و خدمتگذاری را فراموش می‌کند ارزشی ندارد. ما چه کسی هستیم که فکر کنیم اگر بگوییم ما مسئول کل سرویس‌های بهداشتی هستیم برای ما کسر شأن باشد؟

خیلی افراد می‌گویند مهم‌ترین مسئله ما در سفرها همین موضوع است. یک نفر گفته است من با حفظ سمت مسئول همه سرویس‌های بهداشتی هستم.

امروز در جلسه‌ای بودم برخی از بزرگان از این کاری که شروع شده است، تشکر می‌کردند. آقای رحیم‌پور ازغدی خیلی تشکر می‌کردند و خاطره‌ای از پدرشان نقل می‌کردند، مرحوم آقای رحیم‌پور ازغدی از مبارزان باسابقه انقلاب و نویسندگان فعال است، خیلی شخصیت موجهی هستند و چند وقت پیش از دنیا رفتند، ایشان می‌گفتند پدر من می‌گفتند: «من با خانواده در جاده‌ای می‌رفتیم که همه مشکل دستشویی پیدا کردیم و هر چه جلوتر رفتیم وسط

بیابان هیچ کجا دستشویی نبود، یک پاسگاه پیدا کردیم همان جا نگه داشتیم و شروع به اصرار و خواهش به سرباز جلوی پاسگاه کردیم و گفتیم ما چند نفر مشکل دستشویی داریم، سرباز قبول نکرد و ما گفتیم بخدا ما در انقلاب زحمت کشیدیم و در انقلاب سابقه دار هستیم ما به انقلاب خدمت کردیم اجازه دهید ما به دستشویی برویم».

آن حدائقی که باید باشد در اختیار مردم نیست و حالا که جلوتر رفته‌ایم مشاهده می‌کنیم که ظرفیت داریم اما ساماندهی نشده است، مدیران ما شناسایی نکردند و روی اپلیکیشن نیاوردند و تابلو در جاده نزدند. یک کار کوچک برای این که به نتیجه برسد خیلی کارها باید انجام بگیرد و ما در حال انجام آن هستیم، شاخص ارزیابی مدیران را گذاشته‌ایم که بدانند بین دو شهر چند دستشویی و چند تابلو قرار دارد و آیا آن سرویس‌ها تمیز و آماده هستند؟ جز این کار اصلاً راهی وجود ندارد.

از یک مسئله کوچک در نظر بگیرید تا به جلو که می‌آید و بقیه زیرساخت‌ها را انجام می‌دهید. این همت امروز در همه دستگاه‌ها انجام شده است، وزارت گردشگری به عنوان دستگاه فرباخشی است ما ستاد سفرهای نوروزی را داریم و ۲۷ دستگاه عضو هستند. جا دارد این جا صمیمانه از تمام تلاش‌های آقای شالبافیان در روز آخر هفته گردشگری تشکر کنم.

ما نیاز به این داریم که خط‌شکنی کنیم، برخی از این خط‌شکنی‌ها را ما انجام می‌دهیم و هزینه‌اش را می‌پردازیم، لازم به یادآوری نیست و ممکن است کسانی هم نفهمند و خیلی به آقای رئیس جمهور انتقاد کنند.

برخی اوقات من به شوخی به خبرنگاران می‌گویم هرگاه من یکی از حرف‌ها را می‌گویم که راه باز شود، می‌دانم تلفن آقای رئیس جمهور مرتب زنگ می‌خورد و دائم زنگ می‌خورد که مشخص است آن طرف شخصیت سیاسی و دینی و .. است که می‌خواهد به آقای رئیس جمهور گله کند این چه مطلبی است که گفته می‌شود اما ما این کار را انجام می‌دهیم برای دفاع از گردشگری و برای این که حداقل نیازها مرتفع شود.

ما این وظیفه را انجام می‌دهیم و نگران چیزی نیستیم، ما باید خدمتگذار مردم باشیم و همه باید برای مردم کار انجام دهیم و از آن‌ها بترسیم و اگر ترسی داریم

باید از مردم باشد نه حکمرانان، هر وقت ما به این نتیجه رسیدیم آن زمان عقربه ما تنظیم می‌شود که باید چکار کنیم.

من وقتی مشاهده کنم که خانواده‌ای در جاده نیاز به دستشویی دارد و پیدا نمی‌کند، باید وحشت کنم و نباید خوابم ببرد، از کس دیگری نباید ترسید، متقابلاً هم از شما همکاران عزیز تقاضا دارم راه‌های طی نشده را انتخاب و ورود کنید.

در ابتدا خواهش من این است که وحدت را کاملاً بین خودمان حفظ کنیم، ما راهی به جز وحدت نداریم من در حوزه سیاسی دائم این را می‌گویم که راهی جز گفتگو و همدلی و درک متقابل همدیگر نداریم و با حذف کردن‌ها به هیچ جا نمی‌رسیم، هر چه مشکل داریم از این تفرقه‌ها و اختلافات است.

من از صنوف خواهش می‌کنم در این زمینه همت کنید، سیاست وزارت گردشگری ارتباط مستمر با همه بخش‌ها است و با همه گروه‌ها و فعالان حوزه گردشگری است و از نظر ما تفاوتی ندارند ما با همه ارتباط داریم، تقاضای من این است که این وحدت را بین مجموعه‌های خودمان حفظ کنیم چرا که این کار خیلی خوب و لازم است.

من در روز دوم و سوم که آمدم با آقای رفیعی آشنا شدم و ایشان نشستی در شیراز داشتند از من خواستند من بروم و فرصت نداشتم؛ گفتند ارتباط زنده برقرار کنید و من پذیرفتم، در اولین ارتباط رسمی زنده صحبت من با بدنه گردشگری همان جلسه‌ای بود که ایشان درخواست کردند و ارتباط بسیار خوبی شد.

من مقداری تأمل کردم و مطالب مهمی را پیدا کردم که باید مطرح می‌کردم و از گفتگوهای خوب من در همان روزهای اول با فعالان گردشگری شد. همه چیز در حال آماده شدن بود و نامه‌ای روی میز من از طرف بخشی از وزارتخانه‌ای که من تازگی مسئول آن شده بودم آمد، در این نامه نوشته بود شما این جلسه را برگزار نکنید و صحبت نکنید به دلیل این‌که در این حوزه اختلافاتی است که برخی‌ها یک طرف را قبول دارند و برخی‌ها طرف دیگر را قبول دارند که اگر شما به رسمیت بشناسید بخش دیگری است که حرف دیگری دارد.

من اصلاً به این نامه توجه نکردم، یک زمانی است که آدم فکر می‌کند و به جمع‌بندی می‌رسد و زمانی است که مشی و راهبردی دارد و نیاز به فکر کردن ندارد. گفتم به هیچ وجه اگر تا الآن این‌گونه فکر می‌کردم حتماً نادرست است،

فرد موجهی مانند؛ آقای رفیعی وجود دارد و ما باید با این افراد صحبت کنیم. «باران که شدی مپرس این خانه کیست / سقف حرم و مسجد و میخانه یکی است / باران که شدی پیاله‌ها را نشمار / جام و قدح و کاسه و پیمانہ یکیست» مشکل کشور ما این است، آن کسانی که در حکمرانی مسئولیت می‌گیرند؛ چه در دولت و چه در نظام رسمی و چه در نظام‌های صنفی و چه در NGO و چه در بدنه‌های تأثیرگذار، یادشان می‌رود وقتی موثر هستند باران هستند، من همیشه می‌گویم مشکل برخی از بزرگان کشور این است که بزرگی نمی‌کنند.

من از آقای محسنی اژه‌ای که تشکر کردم اولین نکته من این بود که ایشان فرد بسیار متواضعی است، من قبلاً برای مسئله دیگری نزد ایشان رفته بودم و به ایشان گفته بودم ما چند تا مسئله مهم با شما داریم قرار می‌کنیم که من و مدیران بیاییم با شما در این مبحث صحبت کنیم که ایشان فرمودند چرا شما بیاید؟ ما خدمت شما می‌آییم، وقت مفصلی گذاشتند و توافق کردند و آمدند، من گفتم مشکل ما این است که بزرگان ما بزرگی نمی‌کنند.

ما در توصیه‌ها داریم «وَقَرُّوا كِبَارَكُمْ وَ ارْحَمُوا صِغَارَكُمْ وَ صَلُّوا اَرْحَامَكُمْ» بزرگان‌تان را تکریم کنید و جوانان خود را محبت و درک کنید، ما ارْحَمُوا صِغَارَكُمْ را فراموش کرده‌ایم و نتیجه‌اش شد بخش زیادی از دهه ۸۰ ها که کشور را دچار مشکل کردند. به دلیل این که ارتباط ندارند و این ارتباط قطع شد و این «ارْحَمُوا صِغَارَكُمْ» فراموش شد، اما از آن طرف هم باید «وَقَرُّوا كِبَارَكُمْ» بزرگان را تکریم کنیم و بزرگی کنیم، خیلی اوقات بزرگی نمی‌کنیم؛ آن وقت می‌مانیم که مشکلات را چگونه رفع کنیم.

امام رضا علیه‌السلام: «وَقَرُّوا كِبَارَكُمْ وَ ارْحَمُوا صِغَارَكُمْ وَ صَلُّوا اَرْحَامَكُمْ» به بزرگتره‌ایتان احترام بگذارید و با کوچکترها مهربان باشید و صلہ رحم نمایید.

من جا دارد از شهرداری محترم تهران تشکر کنم، تهران جای مهمی است. انصافاً مدیر جدید تهران همکاری خیلی خوبی با ما داشته است. من چند روز قبل هم با مدیران سازمان زیباسازی شهر تهران جلسه داشتم چون همان‌طور که مشاهده می‌کنید در سطح تهران کارهای خیلی خوبی در حوزه گردشگری می‌کنند و برنامه‌های بسیار خوب دیگری هم دارند که من هر جا هر کسی را می‌بینم

تذکری راجع به دستشویی می‌دهم.

به آن‌ها گفتم میدان ولیعصر که منزل من آن‌جا قرار دارد؛ ۲۰ سال است از آن‌جا رفت و آمد می‌کنم و تا به حال ندیده بودم بین میدان ولیعصر تا سر حافظ، سرویس بهداشتی خیلی خوب که چشمه‌های زیادی هم دارد باشد؛ آن چنان پشت درخت‌ها و در حاشیه قرار گرفته است که هیچ‌کس نمی‌داند آن‌جا سرویس بهداشتی قرار دارد، اگر کسی هم از میدان ولیعصر عبور می‌کند و نیاز دارد؛ تابلویی سر میدان نمی‌بیند که سمت دستشویی را نشان دهد.

این مسئله در همه‌جا وجود دارد اعم از شهرهای کوچک و بزرگ. گفتند حتماً انجام می‌دهیم و کارهای خیلی بزرگ‌تر دارند، همچنین هلدینگ گردشگری را آقای زاکانی راه‌اندازی کردند و با من صحبت کردند و من توصیه‌هایی به این دوستان کردم که تهران قدیم خیلی دیدنی است، اتوبوس‌های دو طبقه قدیمی بیاورید و رنگ و لعاب آن را همان‌طور نوستالژیک بکنید.

ما که بچه تهران هستیم عاشق این‌ها هستیم و خیلی از شما که از شهرستان‌ها آمدید ممکن است حس تهرانی‌ها را نداشته باشید، اما تصویرهای قدیمی برای همه دیدنی و خاطره‌انگیز است، از موسیقی‌های قدیمی و مناظر و خودروهای قدیمی، هر چیزی که مقداری روی آن فکر کنیم پر از جاذبه‌های گردشگری است، اطراف ما پر است از دیدنی که فقط این دیدنی‌ها را باید به رخ مردم بکشیم و جلوی چشم مردم بگذاریم که گردشگری را تقویت کنیم.

اختتامیه جشنواره اقوام ایران زمین



گهستان، شهر کرگان، ۱۴۰۲/۰۹/۰۴

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

برای برگشت به تهران به دلیل کارهایی که دارم وقت من کوتاه است. بیشتر برای ادای احترام به شما است. ابتدا به مردم بزرگوار و استان گلستان به ویژه خانواده معظم ایثارگران و شهدا ادای احترام می‌کنم که میزبانان خوبی برای آحاد هنرمندان در سراسر کشور بودند و از همه مسئولان محترم استان که این رویداد بزرگ و در نوع خود کم‌نظیر را بر پا کردند و موفق بودند در طی این چند روز باید سپاسگزاری کنم.

از استاندار محترم، برادر پرتلاش ما، آقای مهندس زنگانه تشکر می‌کنم که کارهای شایسته‌ای را در طی این مدت انجام دادند، از برادر عزیزم جناب آقای ساوری که به نمایندگی از همه عزیزان و ادارات دیگری که برای برگزاری این مجلس و این رویداد تلاش کردند سپاسگزاری می‌کنم.

این صحنه‌ای که امروز دیدیم، این مجلس خیلی عظمت دارد و خیلی فشرده است، جمعیت زیادی این‌جا حاضر است و همه نوع مخاطب هم در این مجلس شریف هست، لذا من باید کوتاه و متناسب با همه افرادی که این‌جا هستند عرض کوتاهی داشته باشم.

صحنه امروز این‌جا، برای آیه سیزدهم سوره حجرات است آن‌جایی که خداوند می‌فرماید «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ»

این نمایشی که ما الان سمبلیک دیدیم شاید کمتر مفسر قرآن بتواند این آیه شریفه را این‌گونه تفسیر کند و نشان دهد، پروردگار متعال می‌فرماید «ما شما را قبیله قبیله آفریدیم به صورت اقوام آفریدیم و شما را شعوب آفریدیم برای این‌که شناخته

شوید و از هم تمیز داده شوید.» زیبایی خلقت به این تفاوت‌ها است، اقوام یعنی همین قبائل و شعوب که قرآن می‌فرماید.

چون می‌خواهیم کمبودهای گذشته‌مان را در دوران پس از انقلاب همان‌طور که رهبر معظم انقلاب در گام دوم فرمودند، آسیب‌شناسی و رفع کنیم، ما به دنبال این هستیم. اقوام نشان‌دهنده تفاوت‌های مختلف در رنگ و لباس و زبان و گویش و فرهنگ و موسیقی و آداب و رسوم و در خیلی از حوزه‌های دیگر است، زیبایی اقوام این تفاوت‌ها می‌باشد، قرآن به ما می‌گوید. اگر من بخواهم یک جمله بگویم در واقع در این آیه تفاوت‌ها به رسمیت شناخته می‌شود.

عزیزانی که از طریق رسانه‌های ملی و دیگر رسانه‌ها این برنامه‌ها را می‌بینند، بدانند که جان کلام من به عنوان وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی این است که پروردگار متعال تفاوت‌ها را به رسمیت شناخته است و آن‌ها را مایه تعارف و شناخت متقابل قرار داده است اما برخی‌ها فکر می‌کنند باید همه را یکسان کنند، نمی‌شود.

سوره حجرات آیه ۱۳: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ»: ای مردم، بی‌تردید ما همه (افراد نوع) شما را از یک مرد و زن (آدم و حوا) آفریدیم و یا هر فرد شما را از یک پدر و مادر خلق کردیم و شما را قبیله‌های بزرگ و کوچک قرار دادیم تا همدیگر را بشناسید (پس در میان شما برتری نژادی نیست بلکه) مسلماً گرامی‌ترین شما در نزد خدا پرهیزکارترین شماست همانا خداوند بسیار دانا و آگاه است.

یعنی نباید بشود این کار را هفتاد سال قبل کمونیست‌ها انجام دادند که موفق نبودند و فرو پاشیدند چرا که به دنبال این بودند همه را مانند هم کنند اما نشد.

غربی‌ها و آمریکایی‌ها با تره‌های جدیدشان به دنبال یکسان‌سازی هستند، جوان‌های عزیز می‌خواهند که اهل مطالعه هستند، بدانند یکسان‌سازی از توطئه‌های غربی‌ها است و می‌خواهند از طریق فیلم و سینما و ماهواره و فضای مجازی همه را مانند خود کنند و می‌گویند همه همانی باشند که ما می‌خواهیم، نمی‌شود و نباید بشود. بهترین تعبیر را رهبر معظم انقلاب در این حوزه دارند که فرمودند

«بدترین بلا، خود فراموشی است.» خود فراموشی یعنی فراموشی از هویت که مایه بدبختی ملت‌ها است.

جمهوری اسلامی و ملت بزرگ ایران مفتخر است که هویت ریشه‌دار و چندهزار ساله پر از ارزش‌های انسانی و الهی دارد، می‌دانید که ما بیش از سه هزار میراث فرهنگی ناملموس داریم میراث ناملموس در مقابل ملموس است که شامل تاریخ و ابنیه تاریخی و محوطه‌ها هستند که نزدیک به ۳۵ هزار مورد هستند.

در مورد میراث ناملموس بیش از سه هزار ارزش قومی داریم، یعنی همین چیزهایی که می‌بینید، بنابراین قرآن کریم تفاوت را به رسمیت می‌شناسد و اوج تفاوت با ارزش تصویری بود که هنرمندان عزیز و دست‌اندرکاران این رویداد بزرگ به خوبی و با هنرمندی و با سلیقه انجام دادند.

من در خیلی از محیط‌های هنری در این چند دهه بودم اما تصویری که دیدم به جرأت می‌توانم بگویم که جایی ندیدم با این تعداد تنوع، آخر آیه می‌فرماید «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاهُمْ».

خداوند می‌فرماید همه این تفاوت‌ها هست اما مقرب‌ترین و بهترین شما افرادی هستند که تقوا پیشه کنند. اینها همه تفاوت‌های زیبای بشری است.

من به خیلی از شخصیت‌های سیاسی و فرهنگی توصیه می‌کنم، آنهایی که برخی مواقع با شاه‌غول‌های شخصی به دنبال قضاوت بین آدم‌های مختلف هستند و دوست دارند همه را در رفتار و کانالی ببرند که خیال می‌کنند بهترین است و خیلی وقت‌ها نیست، پیام این جشنواره‌ها این است که این تفاوت‌ها به رسمیت شناخته شود که زیبایی خلقت در تکوین این تفاوت‌ها است.

خوشبختانه کشور عزیز ما ایران از این جهت در دنیا منحصر بفرد است. این را بدانید، در مورد تنوع اقوام ما جزء کشورهای اولیه دنیا هستیم، نه تنها کشورهای اولیه بلکه در طول تاریخ اقوام ما هیچ وقت با هم درگیر نبودند.

شما خیلی از کشورها را که می‌بینید در طول تاریخ اقوام‌شان با یکدیگر جنگ‌های طولانی داشتند. ایران استثنا است و همیشه در طول چند هزار سال اقوام با هم بودند و تعامل داشتند و امروز گرگان عزیز ما، استان گلستان عزیز ما و این

مردم بزرگ و فهمیده یک ویتربینی از این تنوع اقوام هستند که با زیبایی و تنوع بالا با هم زندگی می‌کنند و مایه افتخار هستند.

از تمام افرادی که برنامه را اجرا کردند آقای واحدی و برادرهای عزیزی که زحمت کشیدند و قاری قرآن که از بچه‌های گرگان است و قرآنی که تلاوت شد یکی از بهترین و زیباترین تلاوت‌هایی بود که من شنیدم، الحمدلله این جا مهد فرهنگ و هنر است.

من به توصیه استاندار ادامه همکاری‌ها در حوزه گردشگری استان، انشاءالله اقدامات بعدی را انجام دهیم تا در سفر بعدی آقای رئیس‌جمهور شرمنده شما نشویم و آن‌طور که شایسته مردم عزیز استان گلستان است انجام وظیفه کنیم.

افتتاح هفدهمین نمایشگاه بین‌المللی گردشگری و صنایع وابسته



سالن اجلاس سران، ۱۴۰۲/۱۱/۲۳

بسم الله الرحمن الرحيم

از میهمانان عزیز و سروران بزرگوار خودم به ویژه محضر رئیس جمهور عزیزمان جناب آقای دکتر رئیسی که محبت کردند و امروز هم در خدمتشان هستیم در اجلاس تشکر می‌کنم، انشالله یک بازدیدی هم از هفدهمین نمایشگاه گردشگری خواهند داشت.

جا دارد از مهمانان عزیز خارجی‌مان جناب آقای زوراب دبیر کل محترم سازمان جهانی گردشگری در حضور آقای رئیس جمهور از همه پشتیبانی‌ها و حمایت‌ها و همکاری‌های‌شان با بخش گردشگری جمهوری اسلامی تشکر کنم.

دبیران کل و روسای محترم OIC، ECO، D8 که همکاری‌های بسیار خوبی در حوزه گردشگری با ما دارند سپاسگزاری کنم. سفرای محترم، مسئولان گروه‌های مختلف، مهمانان خارجی که در نشست امروز ما تشریف دارند از همه آن‌ها سپاسگزاری می‌کنم.

از استانداران محترم روسای تشکل‌های تخصصی حوزه گردشگری، رسانه‌های تخصصی حوزه گردشگری و همه عزیزانی که از سراسر کشور تشریف آورده و محبت کردند و در نمایشگاه حضور دارند صمیمانه سپاسگزاری می‌کنم.

چون وقت محدود است نمی‌خواهم زیاد مصدع اوقات مهمانان عزیز بشوم. یکی دو نکته را فقط به عنوان مقدمه از فرمایشات رئیس جمهور استفاده می‌کنم. عرض کنم، کارنامه دولت هشتم دولت مردمی، کارنامه حوزه گردشگری، کارنامه موافقی است و جا دارد از همه حمایت‌های آقای رئیس جمهور تشکر کنم.

ده‌ها کار ریز و درشت در حوزه گردشگری انجام گرفته است که بخشی از آن را معاون محترم گردشگری جناب آقای دکتر شالبافیان اشاره کردند. گزارشات متعددی

خدمت آقای رئیس‌جمهور ارائه دادیم، شاید مهمترین و اولین کاری که ایشان در ابتدای دولت انجام دادند، آغاز صدور رواید گردشگری بود که به دلیل کرونا ۲۰ ماه بود که تعطیل شده بود و نگاه‌های محافظه‌کارانه و انقباضی اجازه راه‌اندازی این حوزه را نمی‌داد.

الحمدلله نظرهای کارشناسی ما در دولت موثر افتاد با پشتیبانی خود ایشان صدور رواید گردشگری آغاز و کمک بزرگی به گردشگری کشور شد.

تا همین هفته‌های اخیر که لغویک‌طرفه رواید گردشگری برای ۳۳ کشور به تصویب رسید که کار بسیار شجاعانه و تصمیم تاریخی بود و با درایت و شجاعت آقای رئیس‌جمهور انجام گرفت، از ۱۵ بهمن هم با تمهیداتی که وزارت امور خارجه انجام داد لغویک‌طرفه رواید گردشگری برای ۲۸ کشور آغاز شد.

با آماری که قبل از این وجود داشت امروز بیش از ۵۰ درصد جمعیت دنیا می‌توانند بدون اخذ ویزا، با خرید یک بلیت از جاذبه‌های گردشگری ایران و جمهوری اسلامی از نزدیک بازدید کنند.

در واقع ما درهای ایران را روی دنیا باز کردیم و علی‌رغم همه تبلیغات منفی که معاندان بر علیه جمهوری اسلامی می‌کنند امروز این شرایط فراهم شده که بیش از ۵۰ درصد مردم دنیا بدون ویزا به ایران سفر کنند.

در برنامه هفتم برای اولین بار فصل مستقلی از سوی آقای رئیس‌جمهور مورد تأکید قرار گرفت و به تصویب مجلس هم رسید، فصل مستقلی برای گردشگری، میراث فرهنگی و صنایع دستی که اتفاق بزرگی بود و احکام خیلی خوبی در این حوزه به تصویب رسید، انشالله بتواند مشکلات و مسائل ما را در حوزه گردشگری رفع کند.

اقدامات متعدد دیگری هم انجام شده، من وقت شما را نمی‌خواهم بگیرم اما همین قدر عرض کنم اگر گردشگری که پیشران است، حالش خوب، سلامت و پرقدردت باشد، حال همه بخش‌های دیگر را خوب می‌کند، خیلی از آسیب‌ها را در کشور حل می‌کند.

مزیت‌های گردشگری جمهوری اسلامی در بالاترین رتبه نسبت به کشورهای دیگر دنیا قرار دارد. در حوزه گردشگری تاریخی و تمدنی، در حوزه گردشگری طبیعت و اکوتوریسم، در حوزه گردشگری زیارتی، در حوزه گردشگری سلامت

و حدود ۳۰ میز گردشگری که ما تشکیل دادیم همه این‌ها قابلیت‌های بسیار ارزشمندی محسوب می‌شوند که وقتی در این حوزه‌ها اقدامات لازم انجام بگیرد می‌تواند هم در حوزه اقتصاد، هم در حوزه فرهنگ، هم در حوزه دیپلماسی جهانی، حتی در حوزه‌های امنیتی نقش بسیار جدی داشته باشد.

اگر در یکی از این حوزه‌ها سرمایه‌گذاری شایسته‌ای انجام بگیرد بسیاری از مسائل ما در این ۴ حوزه حل می‌شود.

امسال به توصیه رهبری معظم رشد ۸ درصدی اقتصادی قرار است در کشور انجام بگیرد که خوشبختانه اقدامات خوبی در دولت شده است، ما نزدیک می‌شویم به این هدف‌گذاری که صورت گرفته است.

بخش بسیار مهم آن در حوزه گردشگری است، هرچند وقتی گردشگری به صورت مستقل می‌خواهد مورد محاسبه قرار بگیرد تا الان در محاسبات بانک مرکزی متأسفانه به عنوان یه موضوع مستقل نیامده است، ولی آرام آرام این کار در حال انجام است.

بخش اقامت در یک جا، بخش مراکز تفریحی در جای دیگری، بخش رستوران‌ها در جای دیگر. اما وقتی سرجم آخرین گزارش بانک مرکزی را نگاه می‌کنیم بیش از دو برابر رشد اقتصادی در حوزه گردشگری هدف‌گذاری شده است که علی‌رغم همه مشکلاتی که همکاران و فعالان عزیز ما دارند این امر حاصل شده است.

بنابراین عقل سلیم و تدبیر درست حکم می‌کند که در حوزه گردشگری بالاترین مزیت‌های نسبی را داریم و سرمایه‌گذاری در این حوزه به عنوان یک کار خدماتی خوب فرهنگی و اجتماعی که شادی عمومی را هم برای ملت ما می‌آورد به مراتب از بخش‌هایی مثل بخش صنعت کمتر است، حالا اگر اینطور است در این حوزه باید سرمایه‌گذاری بیشتری انجام بگیرد.

ما درهای ایران را به روی مردم دنیا باز می‌کنیم و می‌گوییم آماده‌ایم برای اینکه بیایید از نزدیک ایران بزرگ را ببینید، آن وقت باید زیرساخت‌های ما آن‌طور که شایسته این راهبرد است، آماده شود.

در هر جایی که من رفتم مشکلاتی بوده است، از همان‌جا پیگیری کردیم، اگر مشکلات به وزارت راه، وزارت نفت یا وزارت نیرو مربوط می‌شده، پیگیری

می‌کردیم. پروژه‌های بزرگ مشکلاتی داشتند همان‌جا به صورت موردی خیلی از این‌ها را حل کردیم، جا دارد باز هم از همکاری‌های وزرای محترم تشکر کنم. شخصاً به ۲۰۱ شهر رفتم و بعضی از پروژه‌های بزرگ را همان‌جا حل کردیم، گزارشی دادند آقای شالبافیان و ۵۰ پروژه بزرگ را رفع مانع کردیم که آرام آرام به نتیجه می‌رسد.

انشالله این سرمایه‌گذاری که تا اینجا شده است، همان‌طور که گزارش شده، چیزی حدود ۴۰۰ همت پروژه گردشگری (تقریباً بیش از یک سوم پروژه‌های ساخت و ساز در این حوزه الان در حال انجام است). اگر ما درست جلو برویم تا پایان دوره اول ریاست جمهوری ما بیش از ۱۰۰ همت پروژه افتتاح خواهیم کرد که فقط ۱۷ مورد آن هتل ۵ ستاره است.

این اقدامات دارد انجام می‌گیرد، این قسمت آخر صحبت‌م را با عذرخواهی از آقای رئیس‌جمهور عرض می‌کنم چون درد دل همه فعالان گردشگری است، من در این‌جام به نمایندگی از همه این عزیزان جا دارد که یک جمله‌ای را خدمتتون بگویم انشاءالله اگر فرصت بشود در جلسات دیگر؛ ما سه جلسه تخصصی از محضر شما تقاضا کرده بودیم، فعالان گردشگری، فعالان میراث فرهنگی و فعالان صنایع دستی خدمت شما باشند تا نمایندگان‌شان صحبت کنند.

هر سه حوزه از حوزه‌های بسیار مهم جمهوری اسلامی است. در این حوزه مشخص من از طرف همه عزیزانی که در این جلسه تشریف دارند از رئیس‌جمهور درخواست می‌کنم، من درخواستم از آقای رئیس‌جمهور این است که نسبت به این موضوع به صورت جهشی و انقلابی در دولت عمل بشود.

معاون اول محترم رئیس‌جمهور مسئولیت مشخصی در حل و فصل مسائل گردشگری که بین دستگاه‌های مختلف جریان دارد و باید رفع و رجوع بشود، انشاءالله مسئولیت برعهده بگیرند.

بحث اعتبارات و بحث وام بانکی همه یک طرف، حل بسیاری از مشکلاتی که ما داریم و می‌تواند در سطح دولت رفع و رجوع بشود در طرف دیگر، انشاءالله می‌تواند نقش بسزایی در رونق گردشگری داشته باشد. من عرضم تمام شد اجازه می‌خواهم یک مطایبه کنم، چون بعضی مطایبات من باعث می‌شود که بعد حرف‌مان جا بیوفتد.

جایگاهی که این عزیزان حاضر دارند نقطه قوت کشور ما در حوزه گردشگری است، علی‌رغم همه مشکلات کارهای بزرگی دارد انجام می‌شود، آنها عشق، انگیزه و علاقه دارند، سرمایه‌هایشان را می‌آورند. آنها توجه کوچک می‌خواهند و همان توجه کوچک و راهبردی که دولت نشان می‌دهد بسیار می‌تواند موثر باشد.

می‌گویند یک بنده خدایی رفت یک پول سیاه را برداشت رفت توی میخانه‌ای پول سیاه را انداخت گفت با این پول به من یک خمره شراب ناب بده صاحب میخانه گفتش که با این پول سیاه یک خمره شراب ناب نمی‌شود، گفت خب اگر نمی‌شود یک سبوی ناب از شراب بده، گفت آن هم نمی‌شود، گفت پس یک پیمانۀ شراب بده، گفت پیمانۀ هم نمی‌شود، نگاهی کرد و گفت خب در این پیمانۀ کمی شراب بریز و بگذار من فقط به این پیمانۀ دست بکشم، گفت حالا من اگر این کار را بکنم چه فایده‌ای برای تو دارد و کجا به درد می‌خورد، چه مشکلی از تو حل می‌کند، گفت تو فقط اجازه بده من دستی به این پیمانۀ بکشم بدمستیش با خود من.

اگر بدمستی به این عنوان است کسی که ظرفیت دارد از یک امکان کوچک کارهای بزرگ صورت بدهد؛ این عزیزانی که اینجا هستند و توانمندی بالای گردشگری که ما در کشور می‌بینیم، نیازمند یک نگاه هستند. آقای رئیس‌جمهور اراقامی که ما توقع داریم در این حوزه، با رقم‌های بسیار بالا و بعضاً نجومی که در حوزه‌های مختلف هزینه می‌شود خیلی فرق می‌کند، خیلی پایین‌تر است من در دولت می‌بینم عنایت می‌کنید.

بعضی موقع در حوزه آموزش و پرورش، بعضی موقع در حوزه کشاورزی از خرید گندم کشاورزا که بسیار مهم است تا طرح‌های مختلف آموزش و پرورش و حل مشکلات معلمان عزیز، رقم‌ها همه چند همتی است، اما در حوزه ما بعضی مواقع رقم‌های بسیار کوچک می‌تواند گشایش‌های بسیاری زیادی ایجاد کند. من از طرف همه همکاران عزیزم که در این جلسه هستند از محضر حضرت عالی تقاضا می‌کنم بعد از این نشست که در خدمت شما هستیم و بازدید می‌کنیم که انشاءالله از نمایشگاه می‌کنید عنایت خوب و ویژه‌ای که همیشه داشتید به ما، مضاعف بشود تا انشاءالله روزهای بهتری را برای حوزه گردشگری کشور شاهد باشیم.

به استقبال نوروز و ماه مبارک رمضان



سالن آمفی تئاتر وزارتخانه، ۱۴۰۲/۱۲/۱۰

بسم الله الرحمن الرحيم

سلام و خیر مقدم عرض می‌کنم خدمت خواهران و برادران بزرگوار با تشکر از حضور شما در این نشست با وجود سردی هوا فشرده‌گی برنامه و برنامه‌های انتخاباتی از جناب آقای دکتر دارابی سپاسگزاری می‌کنم در این یکی دو سال بسیار برنامه نوروز را جدی گرفتند برنامه‌های توجیهی بسیار خوبی برگزار کردند بقیه معاونت‌ها هم بسیار زحمت کشیدند در نشست‌هایی هم که با شما داشتند آنچه که لازم بود انجام دادند ما در تقاطع دو رویداد هستیم.

رویداد ملی و مذهبی یادتان باشد که ملی و مذهبی خود ما هستیم اوایل انقلاب ملی و مذهبی را از ما سرقت کردند ظاهر نوروز بیشتر به ملی می‌خورد و افطار بیشتر به مذهبی ولی هر دو معنا در هر دو هست یادتان باشد نوروز را اگر بخواهید تئوریزه کنید یک رویداد کاملاً مذهبی است و کاملاً نگاه الهی و افطار هم که تقاطع این دو میراث ناملموس است و تقارن بسیار میمونی است.

امسال که به استقبال نوروز می‌رویم؛ استقبال ماه مبارک رمضان هم می‌رویم. لذا باید برای دنیا و آخرت برنامه ویژه‌ای داشته باشید به ویژه برای مسافران نوروزی شورای فرهنگ عمومی با حضور دوستان ما جناب آقای شالبافیان مصوبات خوبی داشتند.

برای نوروز که ۱۴ بند داشته و من آنها را مطالعه کردم و بندهای خوبی بود فرض بر این است که مدیران ما به خصوص مدیران استانی این ۱۴ بند مربوط به شورای فرهنگ عمومی را مسلطند و به آن عمل می‌کنند. لطفاً در استان‌ها در نشست‌هایی که دارید روی این موضوعات تاکید کنید.

نکته بعدی اینکه باید دقت کنید شما میزبان میلیون‌ها نفر مسافری هستید که از داخل و خارج از کشور می‌آیند و هدفشان تفریح و استراحت است. یعنی آدمی که آمده است تا حالش خوب شود نباید به خاطر یک سری ناهماهنگی‌ها حالش بد بشود و برگردد.

این سختی کار شماسست اصل این است که مردم را شاد کنید کاری که گرفتاری برای مردم ایجاد می‌کند را رفع کنید خط قرمز مدیران این وزارتخانه این است که هر چیزی که موجب محدودیت مردم باشد و حال آنها را بد می‌کند و برای آنها سختی و مانع ایجاد می‌کند؛ شما نباید بگذارید اتفاق بیفتد.

آنجایی که تعارض بین آسایش، شادی مردم با بعضی از شاخص‌های بی‌ربطی که بعضی‌ها به اسم دین می‌خواهند تعارض ایجاد کنند احتیاط در این است که به سمت مردم غش کنیم یعنی رضایت آنها احتیاط به سمت رفتار دینی و انقلابی است، اول انقلاب ما اینطور فکر نمی‌کردیم اما هر چقدر که جلوتر رفتیم و دیدیم که به نام دین یک سری اتفاقاتی می‌افتد که مردم از اساس دین دل‌زده می‌شوند.

بزرگترین و مهم‌ترین وظیفه ما به عنوان بازیگران و مدیران عرصه گردشگری آن است که نگاه خواص و متولیان امر به آنها که تاثیر گذارند را بتوانیم تغییر دهیم. باید خودمان را باور داشته باشیم اگر کسی خودش را باور ندارد بهتر است کار دیگری انجام دهد.

خداوند در سوره بقره آیه یکی مانده به آخر به پیامبر خود می‌فرماید که معروف است به آیه آمن الرسول؛ «أَمَّنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ» می‌گوید که پیغمبر تو اول ایمان آوردی به آنچه که می‌خواهی. به مردم بگویی یعنی پیامبر خدا اگر خودش ایمان نداشته باشد و قبول نداشته باشد نمی‌تواند مردم را هدایت کند.

من گاهی اوقات می‌بینم که یک خورده بین بچه‌های خودمان بنیه‌های تئوری ضعیف است مثلاً اگر یک جایی امام جمعه‌ای نسبت به مسئله‌ای توجیه نیست در اینجا یکی از مدیران ما می‌رود و ایشان را نسبت به آن مسئله توجیه می‌کند توضیح می‌دهد و حل می‌کند یکی از شاخصه‌های خوب مدیران ما ارتباط‌های خوب و تعاملی است.

امام جمعه آذربایجان شرقی بسیار توجیه و انسان مترقیست و به روز است. من شخصاً با ایشان ارتباط دارم مدیرکل و بچه‌های مرکز ما بچه‌های خوبی هستند و هم‌افزایی می‌کنند ما استانی را داریم که امام جمعه در آن نیاز به توضیح بیشتری دارد. بعد مدیر ما آنقدر ضعیف است که حتی نمی‌تواند یک قرار بگذارد و با امام جمعه حرف بزند، اگر امام جمعه گله‌ای هم بکند باید از آن دلجویی کند چرا چون باور نداریم که دنبال چه چیزی هستیم.

این در مورد تعداد محدودی و اندکی از ائمه جمعه بعضی استان‌ها هست اما شخصیت‌های دینی ما روحانیون و ائمه جمعه ما بسیار همراه هستند. شما باید در حوزه میراث فرهنگی گردشگری و صنایع دستی این توانمندی را داشته باشید که بتوانید نگاه‌ها را عوض کنید؛ یعنی باید تغییر ایجاد کنید و گرنه آنطور می‌شود که هنوز بعد از سال‌ها حوزه ماموریت ما در انزوا است.

مثالی از آخرین جلسه دولت بزمن البته من نمی‌خواستم این را رسانه‌ای کنم در جلسه پریروز دولت قبل از جلسه من وقت گرفتم و مصیبت زباله‌ها را در محیط‌های گردشگری جاده‌ها عنوان کردم، آقای رئیسی تذکرات لازم را دادند و دستوراتی ... من در جلسه گفتم وقتی که شما جاده‌ها را به خصوص جاده‌های سواحل نگاه می‌کنید ۱۰۰ متر به ۱۰۰ متر پراز زباله و آشغال است. معلوم نیست چه کسی باید این‌ها را جمع‌آوری کند.

گفتم آقای رئیس‌جمهور بحث محیط زیست و بهداشت به کنار، این باعث آلودگی بصری می‌شود و به من مسئول گردشگری مربوط می‌شود. گاهی مردم می‌خواهند یک عکس خانوادگی در محیط جنگل بگیرند اما نمی‌توانند یک فضای بدون آشغال و زباله را پیدا کنند و به راحتی عکس بگیرند.

ما متأسفانه از این جهت نیازهای گردشگری را در نظر نگرفته‌ایم. من از کشوری نمی‌خواهم اسم ببرم اما بروید ببینید چه سرمایه‌گذاری‌هایی کرده‌اند، چه ساحل‌سازی‌هایی کردند، من خیلی وقت‌ها در دولت دنبال بودجه وزارت راه بودم.

در مورد همین پسماندها قرار شد یک بودجه‌ای وزارت کشور در معاونت عمرانی ایجاد شود رئیس‌جمهور به سازمان اداری استخدامی کشور دستور دادند

که من شنبه مسافرت دارم، اگر شما تا جمعه شب این ساختار را ابلاغ نکنید من خودم در جایگاه رئیس جمهور این ساختار را ابلاغ می‌کنم. یک فردی را هم مسئول آنجا کنید تا به این کارها رسیدگی کند.

یک تذکر من این بود که دستگاه‌هایی که وظیفه دارند و وظیفه‌شان را انجام نمی‌دهند، مدیران ما در استان‌ها و حتی در ستادها وظیفه دارند، به آنها مکتوب تذکر بدهند و اگر انجام ندادند رونوشت را به معاونت حقوقی رئیس جمهور می‌دهیم. در جلسه مولدسازی بحث سرویس‌های بهداشتی مطرح شد به مناسبت آن من باید جمله‌ای میگفتم؛ گفتم ۸۷۰ مسجد بین‌راهی داریم که درش بسته است؛ اگر من می‌گویم مسجد تاجیکستان یک الگو است نه فقط به خاطر معماری آن، نظافت و همه زیبایی‌های آن چه اشکالی دارد.

پیامبر فرمود: «اطلبوا العلم ولو بالصین» نگفت بروید به چین آنجا هواخوری کنید و برگردید. شرطش این است که بروید آنجا طلب علم کنید، چیزی یاد بگیرید و برگردید و به مردم خدمت کنید.

صاحبان مساجد ما در مسجدها را باز نگه نمی‌دارند گاهی من زمینی سفر می‌کنم و می‌بینم که بعضی مسجدها در زمان نماز هم درشان بسته است آفرین به اهل سنت که مساجدشان بیشتر از ما بازند. یک جا در کردستان رفتیم و دیدیم در یک مسجد بسته است آنجا پرس و جو کردیم گفتند؛ این مسجد زمانی است که به شیعیان واگذار شده است.

دوستان ما نامه‌نگاری می‌کنید به ائمه جمعه و به روسایی مثل سازمان تبلیغات و حوزه‌های علمیه و اسم مسجدهایی که در مسیر گردشگری هستند را می‌برید. گاهی می‌گویند این مساجد امام جماعت ندارند خوب ما چه کار کنیم که بعضی امام جمعه‌ها مسئولیت‌های اجرایی گرفتند ولی اقلاباً باید در مسجدها را باز کنید تا مردم بتوانند در آنجا نماز بخوانند.

مساجدی که در مسیر گردشگری هستند وظیفه ماست که تذکر دهیم که باز باشند این وظیفه دینی و شرعی ماست شما می‌توانید با محیط زیست با جوانان و NGOها نامه‌نگاری کنید و کمپین‌ها و پویش‌های جمع‌آوری زیاله راه بیندازید در دنیا هم این پویش‌ها وجود دارد این کارها را انجام دهید.

من برای شاخص مدیران این کارها را در نظر می‌گیرم امروز قرار بود از ۸ مدیر تجلیل کنیم من که دیروز اسامی را گرفتم گفتم که من هنوز قانع نشدم که برخی از اسامی را اعلام کنم از مسئولین برخی از استان‌ها انتقاد دارم گفتم باید دست نگه دارید گفتم من خودم باید شخصاً تک به تک شاخص‌ها را بررسی کنم. وقتی ۲۷ دستگاه به طور مستقیم با ما کار دارند ما وظیفه داریم نظارت و نامه‌نگاری و پیگیری کنیم و به ستاد وزارتخانه اعلام کنید که جدی‌تر پیگیری شود من خودم پیگیری کنم.

تذکر بعدی که ما در آن ضعف داریم اطلاع‌رسانی است. مثلاً ما می‌خواهیم از تهران به گنبد سلطانی برویم من خیلی پیگیری کردم که یک تابلو در مسیر تحت عنوان گنبد سلطانی نصب شود تا مردم به اشتباه به مسیر خود ادامه ندهند باید این تابلوها به دو زبان نوشته شود چون ما گردشگر خارجی داریم به خصوص در مورد بناهایی که ثبت جهانی هستند.

ما ۵۴ کاروانسرا ثبت جهانی کردیم من مطمئنم هنوز در اطلاع‌رسانی آنها مشکل داریم ما باید در زیرگذرها و جاده‌های فرعی نیز تابلو راهنما داشته باشیم. اگر دوستان ما در این خصوص در استان‌ها نتوانند آنطور که شایسته است این کار را انجام دهند با اجازه شما از آن استان این ماموریت را می‌گیرم و به استان دیگری می‌دهم، نگذارید این اتفاق بیفتد.

مثلاً من بگویم استان آذربایجان شرقی از امروز مسئولیت استان دیگری را هم در عهده بگیرد و تابلوهای آن را بزند اطلاع‌رسانی فقط این نیست جور دیگر می‌شود اطلاع‌رسانی کرد من در مورد سرویس‌های بهداشتی زیاد صحبت کردم و شما به خوبی جلو رفتید، اما خیلی راه مانده است یک نمونه سرویس بهداشتی در مسیر مشهد در پاکدشت وزارتخانه با نظارت خود بنده احداث کرد. در ۵۰۰ متر در یک زمین خوب و ورودی خوب و بنای شیک و معماری اسلامی ما باید حداقل هزار تا از این مدل سرویس بهداشتی در کشور احداث کنیم.

چند روز پیش استاندار قزوین به همراه رئیس اوقاف در یک جلسه‌ای نشسته بودیم و گفتند یکی از سفرای کشوری که در حوزه گردشگری پیش رفته است به قزوین آمده بود و به ایشان گفته بودند که شما چرا تلاش نمی‌کنید که از کشور

شما هم به اینجا گردشگر بیاید؟ او در جواب به من گفت هر وقت شما سرویس بهداشتی تمیز احداث کردید به اندازه کافی ما هم به مردم خود تبلیغ می‌کنیم تا به اینجا بیایند.

یک جاهایی مثل پایانه‌ها فرودگاه‌ها و قطار فکر نکنید که چون به ما مربوط نیست و آنجا خود مسئول دارد به ما ربطی ندارد یک بحث من با شما بحث‌های رسانه‌ای است، شما باید مصاحبه کنید و اطلاع‌رسانی کنید و با مردم صحبت کنید و حرف حساب مردم را گوش کنید، عذرخواهی کنید، اگر لازم است جبران کنید.

این را جزو رفتارهای خود بگذارید این شماره سامانه خودمان را به طور جدی مد نظر داشته باشید که یک بخش آن مربوط به تخلفات به خصوص در ایام عید نوروز است مرتباً به خصوص در ایام پیک مسافر شخصاً خودتان پیگیری کنید و ببینید که مردم از کجا ناراحت هستند، بهترین بازخورد خود مردم هستند.

من از زحمات آقای مرزبان بسیار تشکر می‌کنم. یک تغییر مدیریتی در این یکی دو روز ایجاد شده. از آقای مرزبان در موقعیت‌های دیگر استفاده می‌کنیم و خیر مقدم می‌گویم به برادر عزیزی که جای ایشان آمده‌اند.

من عید پارسال در جاده مشغول سرکشی بودم یک شماره‌ای با من تماس گرفت و ناشناس بود من چون وقت داشتم پاسخ دادم؛ یک خانمی بود که گفت ما آمده‌ایم غار نخجیر و بسته است. در روز دوم عید و هیچکس هم به ما اطلاع‌رسانی نکرده بود. من از ایشان شخصاً عذرخواهی کردم و گفتم انشالله تا یک ساعت دیگر باز می‌شود. با آقای مرزبان تماس گرفتم آقای مرزبان فرمودند قرارداد نفر قبلی تمام شده است و دو هفته این پروسه طول خواهد کشید من گفتم این دو هفته پیک مسافر است و تعطیلات عید است. بعد چرا به مردم اطلاع‌رسانی نکردید؟

چند نفر از بچه‌ها را بسیج کنید که بروند در غار را باز کنند و خودتان مدیریت کنید و نمی‌خواهد که آن را به شرکت بدهید آقای مرزبان کار خودشان را انجام دادند نکته بعدی اینکه در محیط‌هایی که در مورد خودمان است باید خیلی بیشتر وسواس به خرج دهیم به خصوص در مورد پایگاه‌های جهانی.

ما و شما مکه و جاهای زیارتی رفته‌ایم. از کشورهای مختلف به آنجا سفر می‌کنند سرویس‌های بهداشتی آنجا این‌گونه است که بعد از اینکه هر نفر استفاده می‌کند یک نفر مسئول است که سرکشی کند و مرتباً آنجا را تمیز نگه دارد. پایگاه‌های ما آبروی ماست.

عزیزان باید محیط پایگاه‌های ما تمیز باشد نگویند این زباله لب جاده است و دور از پایگاه‌های ماست شما باید در جاذبه‌های تکمیلی محیط را کامل کنید. در بناهای تاریخی ما گردشگران باید مسافت‌های طولانی را پیاده‌روی کنند و ما باید نیمکت‌هایی برای استراحت آنها در نظر بگیریم، مردم برای استراحت روی سنگ‌ها و ابنیه‌های تاریخی ننشینند، یا امکان دسترسی به نوشیدنی‌های خنک در هوای گرم وجود داشته باشد این‌ها جاذبه‌های تکمیلی است.

نکته دیگری که باید عرض کنم در مورد صنایع دستی است، مردم صنایع دستی را از شهرهای دیگر می‌خرند و به شهر خود می‌برند، از خوردنی‌ها گرفته تا پوشاک و غیره هم در مورد بازارچه‌های دائمی خود برنامه‌ریزی داشته باشید.

نکته آخر در مورد موزه‌ها است، از چیزهایی که مردم را شاد می‌کند این است که مردم با تمدن خود آشنا می‌شوند؛ تمدن ما واقعاً قابل افتخار است. از هر دوره‌ای ما حرف برای گفتن داریم که مردم به گذشته خود افتخار کنند و مشکل ما این است که در موزه‌ها راهنما نداریم.

من بارها این را گفتم بعضی جاها رعایت کردند اما بعضی جاها خیلی عقب‌ماندگی دارند. من بارها گفتم وقتی جمعیت زیاد می‌شود از سَمَن‌ها و نیروهای مردمی و دانشجویها و طلبه‌های جوان و ترجیحاً دانشجویهایی که رشته آنها تاریخ یا گردشگری است استفاده کنید.

یک لباس یا کاور مشترک تهیه کنید و یک اطلاعات اولیه به آنها بدهید. گاهی ما گردشگرهای اسلامی داریم که برای این کار می‌توانیم از جامع المصطفی کمک بگیریم مجدداً از همه زحماتی که می‌کشید خالصانه تشکر می‌کنم. انشاءالله بعد از تعطیلات، در جلسات افق تحول، جمع‌بندی مباحث را می‌کنیم و ارزیابی خواهیم داشت از خدمات شما. انشاءالله بتوانیم وظیفه ملی و دینی خود را به نحو احسن انجام داده باشیم. خیلی ممنون و متشکرم.

فصل ۳

صنایع دستی و هنرهای سنتی

سرویسیمین ۲
(مراسم اختتامیه، هفتمین جشنواره بین المللی صنایع دستی و
هنرهای سنتی فخر)



برج میلاد، سالن همایش، تاریخ: ۱۴۰۱/۱۲/۰۴

بسم الله الرحمن الرحيم

عرض ارادت دارم به همه شما عزیزان و سروران خودم. خواهران بزرگوار و برادران عزیز. در این مجلس بسیار باشکوه، هنرمندان هنرهای سنتی، فعالان ارزشمند صنایع دستی و همه دستداران این بخش مهم از فرهنگ و هنر و هویت و تمدن ایران اسلامی حضور دارند. خیلی مجلس خوبی است و من سپاسگزاری می‌کنم.

در وهله اول از همه شما عزیزانی که اینگونه در این مدت طولانی قبل از اینکه ما به جلسه بیاییم حضور داشتید و برنامه‌های مختلف اجرا شد. این گرمی سالن و همراهی شما و محبتی که داشتید همه اینها روحیه دادن به همکاران عزیز ما است که بتوانند وظیفه‌شان را آن‌طور که شایسته این حمایت است انجام بدهند.

من از همه تشکر می‌کنم از همه مهمانان بین‌المللی و خارجی، امسال اولین سال است که این جشنواره بین‌المللی اجرا می‌شود. سال قبل در همین تریبون اعلام کردیم که از سال آینده مهمانان خارجی ما حضور دارند، هم در ارائه آثار و هیأت داوران و هم در ارتباط با شخصیت‌های شناخته شده و برجسته بین‌المللی کارگاه‌های آموزشی خوبی در اینجا راه‌اندازی کردند.

من جا دارد از زحمات و خدمات همه مدیران و عزیزانی که در گذشته این مجموعه را اداره می‌کردند به نوبه خودم سپاسگزاری کنم. از تلاش‌ها و زحمات خانم محمودیان معاون گذشته صنایع دستی که خدمات ارزشمندی داشتند در چنین جلسه‌ای تشکر کنم.

من مطلع شدم که امشب همسر بزرگوار استاد شهید و یگانه دوران شهید

مطهری به رحمت خدا رفتند. خدا ایشان را رحمت کند، همین را من مبنا قرار می‌دهم برای ابتدای عرضم و برای جمع کردن مطلب خودم. برای شادی روح ایشان صلواتی ختم بفرمائید.

همسر بزرگوار شهید مطهری در جلسات متعددی که من در مورد آن شخصیت بزرگوار صحبت می‌کردم حاضر شده و بعداً به من می‌گفت که وقتی این صحبت از تلویزیون پخش می‌شد من مجدداً صحبت‌های شما را گوش کردم. یک محبت و ویژگی‌های داشتند به عرایضی که من در مورد شهید مطهری می‌کردم، از جمله اینکه بارها ایشان گفتند تعبیری که شما در مورد شهید مطهری دارید که گفتید ایشان شهید راه نقد است از نظر من بهترین تعبیر برای آن شخصیت بزرگوار است. زمانی که ایشان به شهادت رسیدند، منتقدین کوردل و خوارح‌صفت نتوانستند استدلال‌ها و بیان عمیق و قوی او را تاب بیاورند، تنها راه را در شهید کردن ایشان دیدند. ایشان شهید راه نقد را خیلی می‌پسندید.

من می‌خواهم همین جمله را چون به کار ما هم مربوط می‌شود؛ بهره بگیرم و عرض کنم که شهید مطهری استاد نقد مردانه بود. مردانه به عنوان صفت عرض می‌کنم و الا زن و مرد ندارد. چرا که شهید مطهری پرچمدار نقد مردانه بود، به دو دلیل. دلیل اول اینکه شهید مطهری وقتی می‌خواست کسی را نقد کند در حق او نامردی نمی‌کرد، یک کلمه؛ یعنی افکار و عقاید آن فرد یا آن جریان را آنطور که حقیقت داشت و شایسته بود و جامعیت داشت کاملاً بیان می‌کرد که خیلی از اوقات آن کسانی که خودشان صاحب آن اندیشه بودند سوادشان کمتر از آن چیزی بود که شهید مطهری در مورد آنها مطرح می‌کرد، می‌گفتند که بروید و فلان کتاب را بخوانید.

شهید مطهری به جای اینکه ما را نقد کند، در ابتدا کاملاً اعتقادات ما را آن طور که حقیقت دارد بیان می‌کند، تا این حد مردانه بود، بعد که همه اعتقادات و آرا و نظرات مثبت و منفی راجع به یک فرد که می‌خواهد نقد کند را مطرح می‌کرد؛ آرام‌آرام شروع می‌کرد به پاسخ دادن، پاسخ‌های مردانه و مستدل، نه جوسازی و اهانت و نه بمباران کردن شخصیت فردی که باید نقد شود. چنان استدلال شهید مطهری قوی بود که حرفی برای آنها نمی‌گذاشت، برای همین هم تحمل نکردند.

امروز نقد مردانه گمشده این کشور است، اصلاً بحث من این نبود و بیست دقیقه پیش به من اطلاع دادند که همسر بزرگوار این مرد بزرگ از دنیا رفته است، احساس کردم که از این تریبون و این فرصت راجع به نقد مردانه صحبت کنم که امروز گمشده کشور است.

یعنی تا یک نفر یک بحث جامعی می‌کند به جامعیت آن بحث کاری ندارند، یک تکه را تقطیع و بزرگنمایی می‌کنند و دروغ می‌گویند. وقتی هم به آنها می‌گویند که شما همه صحبت را ببین، می‌گویند که ما کاری نداریم و به همین تکه کار داریم.

یعنی نابود کردن علم و استعداد و فرهنگ و تمدن. امروز ما گرفتار این مشکل هستیم و شهید مطهری به عنوان شهید راه حق پرچم نقد مردانه را داشت و برای همه ما موجب درس است.

راجع به صنایع دستی که حتماً عملکرد ما و شما در کنار همه‌ی زحماتی که می‌کشید و باید گفته شود، اشکالات، آسیب‌ها و نقاط ضعف باید صادقانه روشن و گفته شود مانند یک خانواده بزرگ؛ بعد آرام‌آرام در جهت رفع آن مشکلات همه با هم کمک کنند که من یکی دو نکته را عرض می‌کنم و عرضم را تمام می‌کنم. صنایع دستی بزرگترین جامعه هنری و نزدیک‌ترین رشته هنری به فرهنگ، تمدن، هویت و ارزش‌های ملی و دینی ما است. من این را شعار نمی‌دهم، من عمرم را در ارتباط با هنرمندان گذرانده‌ام و شما می‌دانید.

با همه هنرمندان ارتباط داشتیم و از آنها تجلیل کردم و جوامع‌شان را مدیریت کردم ولی امروز اعتراف و اذعان می‌کنم به اینکه همه این هنرها را که من دور زده‌ام و مسئولیت داشتم، هفته قبل هم این مسئله را در دولت به همکارانم عرض کردم، هیچ جامعه‌ای و مجموعه‌ای به گستردگی، پاک‌ی، هنرمندی و ارتباط نزدیک با فرهنگ و تمدن و ارزش‌های دینی و ارزش‌های اسلامی به اندازه هنرهای سنتی و صنایع دستی نیست.

اگر قرار بر این است که فرهنگ‌ها حفظ شود، اگر قرار بر این است که در مقابل یکسان‌سازی غربی که با تکیه بر فناوری‌های جدید که سعی بر تحمیل آن بر جوامع دارند؛ اگر قرار است که این فرهنگ‌ها روی پای خودشان بایستند و فرهنگ و تمدن خودشان را حفظ کنند، بدانید که مهم‌ترین پایه و موثرترین ستونی

که به این خرده‌فرهنگ‌ها، قوام می‌دهد صنایع دستی کشورها است.

من به مهمانان خارجی می‌گویم و قبل از این جلسه، جلسه خوبی با این عزیزان داشتم، آنها هم توجه دارند که اگر هندوستان فرهنگ غنی دارد و در طول این سال‌ها تلاش روشنفکران و مردم آنجا این بوده است که خودشان را در مقابل یک فرهنگ بیگانه حفظ کنند بخش عظیمی از آن به خاطر صنایع دستی است. صنایع دستی برگرفته از زندگی مردم است. همان چیزهایی که در اطراف‌شان است و به آن اعتقاد دارند. همه آن زیبایی‌ها، همه آن ارزش‌ها، همه آن مهارت‌های هنری که بخصوص در کشور ما در کنار همه این ارزش‌ها حجاب و عفاف و ارزش‌های والای زن که شما به خوبی در این تصویرهایی که خانم‌های مختلف چه در کلیپ‌ها دیدید و چه بانوان عزیزی که می‌آیند و برنامه اجرا می‌کنند و می‌بینید. همه اینها سنت‌های ارزشمند مردم ما، شهرها و اقوام مختلف، که اینها برای ما به یادگار مانده است، هزاران سال دست به دست چرخیده و امروز به ما رسیده است، ما باید اینها را پاسداری و نگهبانی کنیم و مراقب باشیم آن ارزش‌ها و زیبایی‌هایی که به فرهنگ و صنایع دستی ما قوام داده است؛ حفظ شود و آن را تقویت کنیم.

ما نظام جامع مسائل صنایع دستی را احصاء کردیم و با کمک شما و همکاران عزیزمان در حوزه صنایع دستی آرام آرام اینها را مرتفع می‌کنیم. شاید یکی از مهم‌ترین مسائل در حوزه صنایع دستی تقویت صادرات بود. ماه گذشته در دولت قانون سپرده‌گذاری ارزی که یکی از موانع صادرات صنایع دستی بود با پیشنهاد وزارتخانه و دفاعی که در آنجا انجام گرفت این سپرده‌گذاری منتفی شد.

لذا هر کس که می‌خواهد صادرات انجام دهد نه مالیات دارد و نه عوارض دارد نه سپرده‌گذاری ارزی می‌خواهد و نهایت همکاری با او صورت می‌گیرد تا در هر سطحی که خواست بتواند صادرات انجام دهد. من از کمیسیون محترم تلفیق جناب آقای دکتر محمودوند عضو محترم کمیسیون که در جلسه هستند هم تشکر می‌کنم.

البته تلاش‌های برادر عزیزم جناب آقای دکتر دشتی رئیس فراکسیون گردشگری که از روز اول و شروع به کار وزارتخانه واقعاً با تمام وجود تلاش‌های متعددی برای کمک به حوزه گردشگری، صنایع دستی و میراث فرهنگی انجام دادند جای خود

دارد و بی‌نیاز از توصیف است.

در کنار اینها بازارچه‌های صنایع دستی و محل‌های عرضه از جمله مشکلات صنایع دستی بود، دستور آقای رئیس‌جمهور که هفته قبل به همه استانداران و فرمانداری‌ها و شهرداری‌ها ابلاغ شد.

همه آنها موظف هستند ظرف یک سال آینده در ورودی همه شهرهای کشور اقدام به تأسیس بازارچه صنایع دستی برای کمک به فعالان صنایع دستی از همه روستاها و بخش‌های مختلف کنند برای اینکه بتوانند تولیدات خودشان را به محل‌های عرضه بیاورند و به راحتی عرضه کنند و هزینه‌های دیگری پای آنها نباشد. امروز بحث بازارچه‌های صنایع دستی با جدیت توسط دولت سیزدهم در حال پیگیری است.

از جمله مشکلات دیگر تحریک تقاضا برای خرید مردم بود، مردم ما امروز به خاطر مشکلات معیشتی آرام آرام صنایع دستی و خرید آن را از سبد خریدشان کنار گذاشته‌اند، این اصلاً چیز خوبی نیست.

ما دو کار را به موازات هم به عنوان سیاست و راهبردمان شروع کرده‌ایم، مورد اول تحریک تقاضا و کمک به مردم که در اولین قدم با قراردادی که با صندوق توسعه ملی گذاشته شد به هر ایرانی فعالاً تا سقف ۲۰ میلیون تومان فقط با ارائه کارت ملی و شماره حساب وام در نظر گرفته می‌شود و هر مقدار که بخواهد می‌تواند صنایع دستی خرید کند. بعد هم می‌تواند با یک نرخ کم و مناسبی تأدیه کند.

این اتفاق می‌تواند اتفاق مهمی باشد اما در کنار آن که خطاب آن به همه همکاران عزیز من است کاربردی کردن صنایع دستی است. تزئین خیلی خوب است و زیبایی‌ها عالی است اما هرچقدر که صنایع دستی ما به سمت کاربردی شدن برود به رونق صنایع دستی و تقویت آن کمک می‌کند.

ما در طول این یک سال و نیم با جلساتی که من با همه فعالان صنایع دستی داشتم بخصوص در استان‌ها که آمدم و از نزدیک با هم صحبت کردیم روی این مسئله تأکید کردم.

خوشبختانه من مرتباً شاهد تحول در این حوزه هستم که صنایع دستی در کنار زیبایی‌ها، هنرها، رنگ، نقش و همه ارزش‌هایی که در صنایع دستی است به سمت

کاربردی شدن و به سمت اینکه یک مشکل را از داخل خانه حل کند، می‌رود کسی که یک کالایی را می‌گیرد و یکی از مشکلات و نیازهایش برطرف می‌شود به این سمت دارد حرکت می‌کند. این خیلی خوب است و باید تقویت شود.

بسته‌بندی جزو نظام مسائل جدی ماست. من واقعاً تأسف می‌خورم در خیلی از شهرها می‌روم مثلاً در شهر سفال در مید، سفال‌های بسیار خوبی تولید می‌شود و انسان لذت می‌برد. وقتی به آنها می‌گوییم که چطور اینها را بسته‌بندی می‌کنید، اصلاً بسته‌بندی در کار نیست و در یک کاغذ و مقوا می‌پیچند. معلوم است که وقتی بسته‌بندی خوب نباشد اصلاً قابل توجه نمی‌شود، بخصوص در حوزه صادرات قابل ارائه و خرید و فروش نیست.

خوشبختانه آقای ژوزف که از مهمانان خوب خارجی ما هستند اگر صدای من را می‌شنوند و اگر در جلسه هستند به ایشان بگویید که بلند شود و ایشان را تشویق کنید به نمایندگی از همه عزیزانی که هستند. یکی از تخصص‌های آقای ژوزف در واقع فرآیند اقتصادی کردن در این حوزه بود و من با ایشان صحبت کردم و مقالات خوبی را ارائه کردند و ما از همه ظرفیت‌ها برای اقتصادی کردن که بخش عمده‌ای از آن به بسته‌بندی و کاربردی کردن و پایین آوردن قیمت‌ها است، توجه می‌کنیم.

من از خانم جلالی خواستم این مشکلی که خیلی از همکاران ما دارای یک کارت شناسایی هویت‌داری که نشان دهد این فرد فعال صنایع دستی است و تا به حال نبوده است را برای همه صادر کنند.

در خصوص قوانین من‌درآوری؛ خانم آل‌عباس مجری خوب ما که افتخار صدا و سیما و رادیو هستند، شما با صدای خانم آل‌عباس خیلی آشنایی دارید اما امروز سیمای ایشان را هم دیدید. یکی از داشته‌های ارزشمند رسانه ملی است؛ ایشان فرمودند که فلانی زیر میز بزند، چون شعار من زدن زیر میز است و هر وزیری یک بار بالا می‌آید، من دو بار می‌آیم، حالا شما ده بار هم می‌گفتید، ای کاش زیر میز زدن به همین راحتی بود که ما بیست بار بالا بیاییم.

ما باید زیر این میز قوانین من‌درآوردی بزنیم، می‌گویند که فلانی کارگاه دارد و چون کارگاه دارد ما فقط به او مجوز کارگاه می‌دهیم و می‌خواهیم یک کارت هویت‌داری که این فعال صنایع دستی و همکارانش که در آن کارگاه ۵۰ نفر دارند کار می‌کنند،

می‌خواهند هویت بگیرند، اول شخصیت هنری‌شان تثبیت شود و بعد به دنبال کارهای دیگر بروند، به هزار و یک دلیل می‌گویند که نمی‌شود و در آخر اگر ما یک میلیون همکار داریم شاید برای سی هزار نفر هم کارت صادر نشده است.

همه اینها خانواده‌ی ارزشمند هنرمندان صنایع دستی ما هستند، به سرعت آن کارت تشکیل و هویت‌دار را آماده کنید تا همه اینها صاحب کارت فعالیت صنایع دستی شوند.

مواد اولیه گران است، من از جناب آقای محمودوند و دشتی خواهش می‌کنم که پیام همکاران من را به مجلس منتقل کنید. مواد اولیه گران شده است، بعضی از اینها حاضر هستند که پول بدهند، مليله کاری واقعاً یک هنر درجه یک است و من وقتی در زنجان رفتم چندین ساعت با همکارانمان صحبت کردم روی نقره کار می‌کنند با مليله و از جنس‌های مختلف به مراتب با قیمت‌های پایین‌تر از نقره درمی‌آید ولی فوق‌العاده شکیل.

من یک سال قبل رفته بودم گفتند که کار ما واقعاً دچار اشکال شده است الان نقره کیلویی ۲۰ میلیون تومان است، این برای سال قبل بود. الان کسی که می‌خواهد نقره ۵۰ میلیون تومانی بخرد و چهار قطعه مليله را کار کند واقعاً صرف نمی‌کند، چون مشتری هم باید برود و آن را بخرد.

خواهش من از مجلس، البته در دولت هم تلاش خودم را می‌کنم، این است که آن مواد اولیه‌ای که گران می‌شود با نظارت وزارت میراث فرهنگی و صنایع دستی و گردشگری این را به مراتب با قیمت پایین‌تر و مناسب و عادلانه در اختیار همکارانمان قرار دهیم؛ یک جاهایی هم اصلاً پول نمی‌خواهد.

جناب آقای محمودوند بسیاری از مواد اولیه همکاران ما در جنگل‌ها و کنار مزارع ریخته است. من بعضی جاها می‌روم می‌گویند که مثلاً جنگل‌ها و مراتع، وزارتخانه‌های مختلف اجازه استفاده از این مواد اولیه را نمی‌دهند.

هر کس که این کارت را داشت بهترین شناسایی هنرمندان ماست در شورای شهر و یا شهرداری. هماهنگ کنند میزانی که نیاز دارد در طبیعت و جنگل بروند از انواع و اقسام مواد اولیه‌ای که تبدیل می‌شود به صدها نوع کالای ارزشمند، انشاءالله بتوانند مجانی استفاده کنند. هر چقدر ما مواد اولیه را پایین‌تر بیاوریم خدمت به همکاران ما در صنایع دستی است.

گرامیداشت روز جهانی صنایع دستی



استان اصفهان، هتل عباسی، ۱۴۰۲/۰۳/۲۰

بسم الله الرحمن الرحيم

سلام علیکم و رحمت الله. خیلی جلسه خوبی است. فرمایشات بسیار خوبی همه بزرگان و سروران من داشتند. با اینکه برنامه هنری در کار نبود و برنامه‌ها خیلی فشرده و همه سخنرانی بود اما به نظر بنده به عنوان کارشناس این حوزه، انصافاً اجرای آقای مرادی بسیار هنرمندانه و پرنشاط بود؛ جای خالی برنامه‌های هنری دیگری که باید اینجا، در فواصل برنامه فضا را پرنشاط می‌کرد را پر کرد و نگذاشت جلسه خیلی خسته کننده شود.

تشکر می‌کنم از حضور شهرداران عزیزمان در شهرهایی که به ثبت رسیده است، از کارهای خوبی که انجام می‌دهند. دیروز من تبریز بودم، پریروز هم زنجان بودم، جای تشکر فراوان دارد.

در زنجان آقای فیروزفر زحمت کشیدند؛ میدان بزرگ زنجان سبزه میدان را با الهام از میدان امام اصفهان و میدان نقش جهان، محوطه بسیار زیبا و بزرگی را سامان دادند و حدود ۴۰ تا ۵۰ غرفه خیلی خوب اطراف آن ایجاد کردند، همه برای صنایع دستی که تمام استان‌های کشور انشالله در این غرفه‌ها مستقر می‌شوند. هرکس می‌خواهد یک ایران کوچک را ببیند، یعنی صنایع دستی استان‌های مختلف کشور را ببیند انشالله باید به زنجان برود.

در قلب شهر زنجان در بهترین نقطه یعنی سبزه میدان این امکان فراهم شده است. به نظر من یکی از کارهای خیلی خوبی است که صورت گرفته است و باید انشالله تا ماه آینده به نتیجه برسد. آن طور که من دیدم کار زیادی ندارد و استقرار باید انجام بگیرد؛ همچنین استاندار محترم زنجان در ورودی شهر با توجه به دستوری که آقای رئیس جمهور دادند که همه شهرها باید در ورودی یک محل

و بازارچه‌ای را به عنوان عرضه صنایع دستی ایجاد کنند، جلو رفته است. این مجموعه‌ای که من در کنار استاندار روز قبل دیدم واقعاً جای بسیار زیبا، با کیفیت در ورودی شهر زنجان است که واقعاً نشان می‌دهد یک حرکت خیلی خوبی توسط آقای شهردار، آقای استاندار صورت گرفته است. جا دارد سپاسگزاری کنم، بقیه شهرداران عزیز هم که ادای احترام کردم انشالله نباید عقب بمانند. ما باید در همه شهرها و ورودی آنها انشالله این امکان را به خوبی برای کشور فراهم کنیم. در خود تبریز هم در حوزه صنایع دستی در واقع یک کار بزرگ و خوبی انجام گرفته است که هفته دولت انشالله افتتاح می‌شود.

آن چیزی که ما بازدید کردیم، مجموعه بسیار ارزشمندی است؛ در ورودی شهر تبریز با معماری بسیار ارزشمند خدمات و سرویس‌های خیلی خوبی ارائه می‌دهد که فعلاً ۲۰ مجموعه آن افتتاح می‌شود؛ ولی قابلیت گسترش دارد. من فکر می‌کنم با آن توصیه‌هایی که من کردم اگر انجام بگیرد، انشالله در ورودی تبریز یک محل استراحت و جای دیدنی گردشگری با محوریت صنایع دستی ایجاد می‌شود.

این کار باید در همه کشور انجام بگیرد. من جاهایی که خوب کار می‌کنند را اعلام خواهم کرد و جاهایی که هنوز مشکل دارند گفتگو می‌کنیم. انشالله این دستور اکید آقای رئیس‌جمهور که باید برای همه فعالان صنایع دستی که یکی از مهمترین مشکلاتشان و جزو اولیه‌ترین نظام مسائل صنایع دستی است، بحث عرضه، بازارچه و محل فروش کالاها و آثار هنرمندانه آنها است حل شود، که تقریباً تا حد زیادی بتواند با واسطه کمتر، حالا مستقیم تولید به مصرف نگویم و قیمت مناسب در اختیار مردم قرار بگیرد که موجب رشد بیشتر حوزه صنایع دستی ما بشود.

جا دارد تشکر کنم از اصفهانی‌ها مثل همیشه میزبان شایسته‌ای هستند، اولاً آقای صدر قدومی که تشریف آوردند، من حضورشان را گرامی میدارم، مجدداً رحلت والده محترم ایشان که کارهای خوبی را برای صنایع دستی جهانی انجام دادند را گرامی می‌داریم، الان که فرزند ایشان مسئول شورای جهانی صنایع دستی که بالاترین تشکل بین‌المللی در این حوزه است، ایشان هم همان مسیر را ادامه می‌دهند همکاری خیلی خوبی خانم دکتر جلالی با این مجموعه دارند، انشالله

این چهارتا پروژه جدیدی که ما در دست داریم با پیگیری و کمک آقای صدر قدومی زودتر به نتیجه خواهد رسید.

از آقای استاندار، آقای شهردار، وزارت کشور، صدا و سیما، همه دستگاه‌هایی که زحمت کشیدند و میزبان رویداد اولین روز هفته صنایع دستی در اصفهان بودند صمیمانه سپاسگزاری می‌کنم.

این مجلس هم بسیار مجلس باشکوهی است به حضور فعالان ارزشمند صنایع دستی، هنرمندان عزیز هنرهای سنتی، همه عزیزانی که در این جلسه حاضر هستند، من با خیلی چهره‌ها آشنا هستم با بعضی‌ها جلسات متعدد داشتیم، واقعاً خیلی جلسه معنوی و خوبی است، صمیمانه از حضور همگی و گرمی که به این مجلس دادید تشکر می‌کنم.

از نمایندگان محترم مجلس هم جناب آقای دشتی که از صبح محضر ایشان بودیم، رئیس فراکسیون گردشگری و صنایع دستی مجلس که خیلی حامی برنامه‌های مأموریتی ما هستند در مجلس که از صبح در برنامه سمیروم در خدمتشان بودیم و همچنین برادر عزیزمان آقای دکتر طغیانی که به طور جدی، متعصبانه و با جدیت مسائل مربوط به صنایع دستی را پیگیری می‌کنند و مرتب در ارتباط هستیم.

انشالله بقیه مشکلاتی که در این حوزه است با پیگیری‌های ایشان و توجهی که دارند و همچنین سایر نمایندگان عزیز استان و شهر اصفهان انشاءالله بتوانیم خدماتی که لازم است را انجام بدهیم. من وقت شریف شما را نمی‌خواهم بگیرم، برنامه طولانی شده؛ آقای حافظ‌پرست یک جمله گفت.

اولاً فرمودند که من سخنران نیستم ولی روی همه سخنران‌ها را کم کردند اجمالاً به ایشان عرض کردم. گفتم خوب است شما سخنران نیستید و این همه حرف خوب، این همه بیان خوب مگر سخنرانی چیست؟ ولی این از توابع ایشان است.

ایشان اشاره کردند به جمال و زیبایی که خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد، «إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ» یک چیزی من به صحبت ایشان اضافه کنم. خداوند فرمود ما همه چیز را زیبا آفریدیم اصلاً آقای طغیانی عزیز بقیه دوستانمان هم باید توجه کنند هر چیزی زیبا نیست درست نیست. «وَلَقَدْ جَعَلْنَا فِي السَّمَاءِ

بُرُوجًا وَزَيَّنَاهَا لِلنَّاظِرِينَ» خداوند می‌فرماید ما در آسمان ستارگان را قرار دادیم و آنها را مایه زینت و زیور و زیبایی برای ناظرین قرار دادیم.

ستاره کار اولیه‌اش زیبایی نیست، ستاره برای هدایت است، آیات دیگر می‌گویند ما این ستاره‌ها را قرار دادیم که راه را پیدا کنید. در نجوم پیشرفته می‌گویند این‌ها مایه تعادل کائنات هستند، هدف اولیه زیبایی نیست، کارآمدی است، یک مأموریتی دارند ستاره‌ها، «وَ عِلَامَاتٍ وَ بِالنَّجْمِ هُمْ يَهْتَدُونَ» ستاره‌ها علامت‌اند، ستاره‌ها مایه هدایت‌اند، از آن کاروان‌هایی که راه گم می‌کردند.

از هزاران سال پیش ستاره‌ها راه را نشان می‌دادند به آنها تا الان که از علم نجوم هزاران استفاده می‌کنند؛ اما پروردگار متعال می‌فرماید همین ستاره که مأموریت اولیه‌اش هدایت است، راهنمایی است و راه را باید نشان دهد، ما همین را آنقدر زیبا می‌آفرینیم که در چشم شما مردم جز زیبایی چیزی نبینید. این همه شعر این همه ادبیات در طول هزاران سال در دنیا، همه در وصف ستاره است.

گردشگری کویری که ما الآن با اولویت به دوستان گفتیم روی آن تمرکز کنند، گردشگری کویر اصلاً بخش اصلی‌اش دیدن ستاره‌های زیبا است، خوب حالا ستاره که راه باید نشان دهد، باید زیبا باشد. همه کارها باید زیبا باشد. دیگر ما صحنه‌ای غم‌انگیزتر از عصر عاشورا که نداریم، اما وقتی زینب سلام‌الله علیها می‌خواهد توصیف کند در بیدادگاه یزید، می‌گوید: «من جز زیبایی چیزی نمی‌بینم». و «مَا رَأَيْتُ إِلَّا جَمِيلاً» هرچی می‌بینم زیبایی است.

در مقابل طعنه‌هایی که یزید می‌زند، با این همه می‌گوید: «من جز زیبایی چیزی نمی‌بینم، هر چه می‌بینم زیبایی است». اگر می‌خواهیم نصیحت کنیم، اگر می‌خواهیم هدایت کنیم، اگر می‌خواهیم آموزش بدهیم، اگر می‌خواهیم تربیت کنیم و اگر می‌خواهیم امر به معروف کنیم، اگر زیبا نباشد اصلاً کارآمد نیست، اصلاً به درد نمی‌خورد و ما نتیجه بعضی از روش‌های غلط را امروز می‌بینیم، متأسفانه چون زیبا نیست. ممکن است برای کسی تکلیف‌آور باشد اما تکلیف را باید زیبا انجام داد، راه و روش دارد.

اصفهان شهر زیبایی‌هاست. من به آقای صدر قدومی بگویم اصفهان عروس صنایع دستی دنیاست، مبالغه نمی‌کنیم، هر کس به اصفهان سفر می‌کند؛ اصفهان را

این‌طور می‌بیند. اصفهان مهد زیبایی‌هاست در همه ابعاد، یک بعد آن صنایع‌دستی و تنوع و گستردگی آن است.

این آماری که جناب آقای شهردار خواندند من استفاده کردم. راز ماندگاری صنایع دستی را خیلی خوب توصیف کردند، آنالیزشان خیلی خوب بود، من خواهش می‌کنم بعداً به صحبت ایشان مراجعه کنید. یک مجموعه خوبی را خیلی مختصر ایشان اشاره کردند، من شخصاً استفاده کردم.

برای صنایع دستی فرمودند که از دو میلیون جمعیت تعداد ۱۰۰ هزار تا که مثلاً ۵ درصد می‌شود، مشغول کار هستند اما ما جمعیت را یا خانواده‌ها را که نگاه می‌کنیم یعنی همان عدد شما ضریب یک، مشغول کار هستند، میانگین چهار نفر یا پنج نفر حساب کنید، خیلی‌ها مشغول کار در اصفهان هستند.

اصفهان همه‌اش صنعت، هنر و زیبایی است، عرضم را جمع‌بندی کنم، در تکمیل فرمایش ایشان درباره ریشه صنایع دستی عرض می‌کنم، ابتدا نیاز اولیه مردم بوده است؛ مثل ستاره‌ها که کاربردش چیز دیگری است، مردم در طول چند هزار سال نیازهای اولیه‌شان را باید رفع می‌کردند از اجناسی که دورشان بود، از یک تکه استخوان، از خاک، از هر چیزی که دم دستشان بود باید زندگی‌شان را می‌گذراندند. یک سفال درست می‌کردند یک وسیله تیز درست می‌کردند که مثلاً با آن بتوانند شکار کنند اما همان را زیبا تولید می‌کردند.

اصلاً صنایع دستی بدون زیبایی معنا و مفهوم ندارد و باید این زیبایی را حفظ کنیم. من خواهمشم از همه بزرگان، از همه دست‌اندرکاران و هر کسی که در حوزه تولید در کشور به بهانه امروز که روز جهانی صنایع دستی است و روز زیبایی است، این است که هرچه می‌خواهید بسازید، قشنگ بسازید، خلاصه خودرو می‌خواهید بسازید، درست بسازید کیف و کفش می‌خواهید بسازید، درست و زیبا باشد، لباس می‌خواهید تولید کنید، زیبا تولید کنید.

حتماً یکی از عوامل گرایش به بی‌حجابی در یک مقطع و بدحجابی نامأنوس که البته من در طول سال‌های گذشته مطالبی و نوشته‌هایی دارم و حدود ۲۴ دلیل آوردم که چرا این اتفاق می‌افتد؛ یکی این است که ما اصلاً لباس خوب و زیبا و شایسته برای سنین مختلف، برای سلیقه‌های مختلف و رنگ‌های لازم استفاده نمی‌کنیم. شما الان سمیروم رو ببینید با همه رنگ‌ها به ما توضیح دادند و گفتند.

بیش از ۱۰۰ رنگ در کارها به کار رفته است، همه زیبایی است، الوان است و تنوع برای هر کسی که می‌خواهد یک چیز زیبا داشته باشد.

ما متأسفانه در این سال‌ها در حوزه طراحی لباس، بیشتر خواستیم کار را راه بیندازیم و برویم دنبال کارمان، یک خورده با زیبایی پیش نرفتیم، در این جلسه خصوصی با هم درد دل می‌کنیم؛ خیلی کارهای زیبا هم انجام می‌گیرد ولی توقع ما چیزی است که به ارث رسیده است. صنایع دستی بالاترین مقام هنری است که انشالله می‌تواند الگو قرار بگیرد.

من به یکی دو نکته دیگر که یادم آمد اشاره کنم؛ اولین جلسه‌ای که من با فعالان صنایع دستی در اصفهان داشتم، حرف‌هایی که زده شد یکی این بود که هنرمندان صنایع دستی؛ البته همان تعابیری که به من گفته شده را می‌گویم، شاید هم آن خانم عزیزی که آن روز با همین تعبیر این مطلب را گفتند امروز در جلسه حاضر باشند، من یادداشت آن را دارم؛ گفتند فلانی هنرمندان صنایع دستی در کشور بی‌صاحب‌اند، متولی ندارند.

از یک طرف در حوزه وزارت ارشاد صندوق حمایت از هنرمندان و ارزشیابی درجه هنری هنرمندان هست، آنجا هم در واقع چون هنرهای سنتی و صنایع دستی زیر نظر وزارت ارشاد نیست، حالا تعبیر آنها این بود، من خودم این اعتقاد را ندارم، با یک تعبیری گفتند که نسبت به آنها چه جور رفتار می‌کنند.

خب من اولین قولم این بود که انشالله می‌روم آنجا و تلاش می‌کنم و این مجموعه، یعنی فرآیند ارزشیابی و اعطای درجه هنری هنرمندان صنایع دستی را می‌آوریم داخل خود وزارتخانه که متولی آن است و تشکیلاتش و معاونتش اینجاست.

با اینکه راه سختی بود، چون باید می‌رفت در شورای انقلاب فرهنگی تصویب می‌شد، آنجا هم ما معارض و مخالف داشتیم، وزارت ارشاد به دلایلی موافق نبود و بحث‌های کارشناسی مفصلی شد ولی خوشبختانه با استدلال‌هایی که انجام شد و هم خودم در جلسات شورای انقلاب فرهنگی رفتم هم خانم جلالی و دیگران، وقتی استدلال‌ها را شنیدند، به اتفاق آرا این مأموریت را از یک دستگاه دیگر گرفتند.

امروز مسئولیت این کار به عهده وزارت میراث فرهنگی است و این موضوع

تصویب شد که آیین نامه آن باید نوشته شود، ما وقت کمی هم داریم، فکر کنم بیشتر از یک ماه نیست.

انشالله آیین نامه را تقدیم می کنیم، بنابراین یک مسئله که هنرمندان صنایع دستی معلوم باشد با کجا باید کار بکنند در شورای انقلاب فرهنگی انجام شد، مجموعه ای از کارهایی که برای صنایع دستی انجام گرفته که من فهرستش را نمی خواهم بگویم. خانم جلالی گفتند، خود شما هم در جریان هستید، ولی من هنوز به شدت نگرانم.

بیمه باید وضعیتش کلاً دگرگون شود، در وهله اول باید رونق تولید باشد، رونق صادرات باشد، من همین هفته های اخیر چند جلسه با فعالان در واقع صادرکنندگان صنایع دستی جلسه داشتم، شاید در همین جلسه هم حضور دارند، جزئیات را گفتند، یکی یکی باید این ها را برطرف کنیم. روند تولید را ایجاد کنیم. وقتی تولید رونق پیدا کند، مسئله بیمه هم کنار آن حل می شود.

بیمه مسئله مستقلی نیست، ولی به هر حال بیمه یک طرفه برای این عزیزی که در تصویر دیدید و هر جا می رویم با این مشکل مواجه هستیم، انشالله با دستوری که آقای رئیس جمهور دادند و هم یک رقمی برای شروع ذکر کردند و هم در ادامه این موضوع حل شود.

من از همه دوستان مان، برنامه ریزان، سازمان مدیریت و عزیزی که مسئولیت دارند که دستورات آقای رئیس جمهور را پیگیری کنند، از همین تریبون مجدد درخواست می کنم با جدیت فرمان ایشان را در این حوزه انجام دهند. فاز اولیه و تعداد بیمه یک طرفه را سریع تر انجام دهند تا انشالله با کمک مجلس و فعالیت و کمک بیشتر نمایندگان محترم اصفهان به ما، بتوانیم زمینه های بهتری را برای خدمات اولیه به این عزیزی که شاهدیم چه کارهای بزرگی انجام می دهند، مهیا کنیم، خیلی عذر می خواهم عرایض طولانی شد، خودتان را تشویق کنید.

فصل ۴

پژوهش

گرامیداشت هفته پژوهش



سالن همایش های موزه ملی ایران، ۱۴۰۰/۰۹/۲۰

بسم الله الرحمن الرحيم

پژوهش یک امر زینتی و تشریفاتی نیست، پژوهش یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر برای موفقیت مدیریت در هر حوزه‌ای است. اگر اهداف مدیریتی مبتنی بر یک پژوهش دقیق، صحیح و حساب‌شده، هدفمند و مدیریت‌شده که بتواند منابع سازمانی را هدایت کند، نباشد، سازمان موفق نخواهد شد.

بنابراین اگر بعضی‌ها تصورشان این است که پژوهشگاه‌ها یک مجموعه ویتروینی، کلیشه‌ای و لاکچری است که یک عده اندیشمند و صاحب‌نظر آنجا هستند و صرفاً برای موضوعاتی مشخص تلاش و تحقیق می‌کنند واقعاً این طور نیست. پژوهش به عنوان یک سرمایه ارزشمند باید کاملاً در اختیار اهداف مدیریت قرار بگیرد تا کارها به نتیجه برسد.

فرق پژوهشگران به عنوان یک سرمایه با دیگر بخش‌های سازمانی این است که اگر مدیر نتواند به هر دلیلی از سرمایه‌اش استفاده کند آن سرمایه معطل می‌ماند. پژوهشگران از جمله سرمایه‌هایی هستند که برای همان معطل ماندن هم باید پژوهش داشته باشند که این اتفاق نیفتد. مسوولیت پژوهشگر این است که اگر مدیر متوجه نیست، او را متوجه کند.

منظور من شبکه مدیریتی است که در رأس آن هم خود من هستم. باید با همین نگاه پژوهشگرانه راهبردی و کاربردی آسیب‌های سازمان را رفع کرد. آسیب‌ها فقط متوجه حوزه ماموریت‌ها نیست. بخش زیادی از آن در خود سازمان است. ما خیلی آسیب داریم و می‌توانیم با ابزار پژوهش آسیب‌زدا باشیم. وظیفه پژوهشگاه این است که در همه این حوزه‌ها وظیفه‌اش را به روش صحیح و اصولی انجام دهد.

پژوهشگر باید شجاع باشد. پژوهشگری که شجاع نباشد و شبکه پژوهشی که شجاعت انتخاب موضوعات و ضرورت‌های کاری و بعد هم جرأت ابراز آن‌ها و صراحت در ارائه روش‌ها را نداشته باشد مشکل خواهد داشت. این شجاعت در انتخاب و طرح موضوع و شهامت ورود به همه موضوعات و بیان صریح آنها از وظایف اصلی پژوهشگران است.

من واقعا از پژوهشگاه وزارتخانه خودمان این توقع را دارم. من در طول سال‌های گذشته در مورد اینکه باید مقابل اصحاب قدرت و ثروت ایستاد و با شجاعت حرف زد و اشکالات را گفت، زیاد گفته‌ام و البته هزینه‌هایش را نیز داده‌ام. اما شجاعت فقط در مقابل اصحاب قدرت و ثروت نیست که امروز خود من هم بخشی از آن در جایگاه خدمتگزار جامعه هستم. بلکه در مقابل هر امری که گروه فشار تلقی شود و از هر جنسی، باید شجاعت داشت.

گروه فشار کارش چیست؟ کارش این است که نمی‌گذارد امور در مسیر خودش حرکت کند و در مسیر صلاح و علمی خودش جلو برود. کسانی که فشار می‌آورند ممکن است به صورت سنتی جزو اصحاب قدرت و ثروت نباشند، اما منافع خاصی دارند. ابزار هم دارند. اگر پژوهشگر نتواند به درستی در مقابل گروه فشار و اصحاب قدرت بایستد و حرفش را بزند پژوهشگر نیست.

من مدتی در شورای انقلاب فرهنگی بودم. یک روز یکی از اعضاء استدلال کرد پژوهش درست نیست، پژوهش درست است. سال‌های سال هرکسی حرف می‌زد اگر می‌گفت پژوهش اولین اشکالی که به او می‌گرفتند این بود که پژوهش درست است. بعدها از خود پرسیدند که این چه کاری است!

ما بیکاریم که دائم هرکسی می‌خواهد یک حرف حسابی بزند ما اول می‌گوییم آقا نگو پژوهش بگو پژوهش. بعدا از خود فرهنگستان توصیه آمد که هرکسی گفت پژوهش اشکال ندارد. ما خیلی وقتها گرفتار این چیزها می‌شویم و از کار اصلی مان دور می‌مانیم، در حالی که هدف چیز دیگری است و نباید درگیر حاشیه‌ها شویم و از مسیر واقعی فاصله بگیریم.

پژوهش باید بر محور مسئله‌یابی باشد و این موضوع را به‌ویژه بر اساس وضعیت فعلی وزارتخانه عرض می‌کنم. در سازمان‌ها به طور عام و امروزه در وزارتخانه ما به طور خاص باید پژوهش در حوزه مسئله‌یابی و حل مسئله باشد،

چرا که اگر چنین نباشد منابع خود را هدر داده‌ایم.

جای تاسف است اگر پژوهشگران و صاحب‌نظران ما در داخل وزارتخانه مسائل اصلی را ندانند. پژوهشگر ما باید یک سیاهه‌ای از مهم‌ترین مسائل مربوط به حوزه‌های فعالیت وزارتخانه داشته باشد. اگر این مسئله‌شناسی اتفاق نیفتد ما نمی‌توانیم آسیب‌ها و اولویت‌ها را بشناسیم و برای حل و فصل آنها برنامه‌ریزی کنیم.

در این زمینه بی‌تردید اولین اولویت این است که میراث فرهنگی ارزشمند ما حفظ، مرمت و مدیریت شود. به عنوان نمونه، در سفر به اصفهان وضعیت را رصد کردم و متوجه شدم حدود دوهزار بنای تاریخی وجود دارد. در سال ۱۳۹۵ مرمت این آثار با فهرست بهای سال ۹۵ پنج همت (هر همت هزار میلیارد تومان) اعتبار نیاز داشت. حال ما چقدر به آنها اعتبار می‌دهیم؟ ۱۵ میلیارد تومان ملی، ۱۵ میلیارد تومان استانی، مجموعاً با ۳۰ میلیارد تومان می‌خواهیم ۲۰۰۰ اثر را نگهداری و مرمت کنیم.

ما اگر بخواهیم از خیرین کمک بگیریم، چون قانونی در این زمینه وجود ندارد، امکان‌پذیر نیست. از سویی هستند افراد خارجی که اظهار می‌کنند ما عاشق تخت جمشید - و آثار تاریخی ایران - هستیم و می‌خواهیم هزینه کنیم، حسابی باز کنید تا پولی را برای نگهداری تخت جمشید واریز کنیم.

متأسفانه این امر نیز بنا به دلایلی محقق نمی‌شود. گاه گزارش داده می‌شود فلان فرقه منحرفی که در خارج از کشور فعالیت می‌کنند می‌خواهند با این کارها مدیریت بخشی از میراث فرهنگی ما را به عهده بگیرند.

بنده به آن دستگاه‌های اطلاعاتی با وجود احترامی که قائلم عرض کردم «هرکسی یا نهادی از هر جهتی خواست پولی پرداخت کند شما آن را دریافت کنید، در واقع مهم محل مصرف آن است. موارد خاص جاسوسی هم بطور مستقل بررسی شود و همه را به یک چوب نرانیم»

آقای یونسی وزیر اطلاعات دوره اصلاحات با بنده ملاقاتی کاری داشتند؛ یکی از همین ملاقات‌هایی که به صبحانه کاری معروف است. ایشان می‌گفتند در دوره وزارت‌شان شبکه‌ای کشف کردند. اگر بنا بود در ایران حرکت درستی در مورد گردشگری صورت بگیرد و سرمایه‌گذاری خاصی داشته باشیم که تضمین‌کننده

آینده گردشگری کشور باشد و اتفاق مهمی تلقی شود، ماموریت این شبکه مانع تراشی برای این کار بود. چرا؟ چون کشورهای منطقه برای آینده‌ی خودشان در کنار نفت، روی مسئله گردشگری نیز به عنوان مهم‌ترین منبع درآمد اقتصادی‌شان برنامه‌ریزی می‌کنند.

ما می‌گوییم چرا امارات، قطر و عربستان این مقدار درآمد دارند و ما نداریم، حال اینکه امکانات میراث و اکوتوریسم ما اصلا قابل مقایسه با آنها نیست و بسیار فراتر از آنهاست، پس چرا باید درآمد گردشگری ما شش میلیارد دلار باشد و آنها چندده میلیارد دلار؟ کاملا معلوم است که سناریو می‌چینند و نمی‌گذارند کار انجام شود. این گونه می‌شود که سرمایه‌گذاری‌ها در جای درستی صورت نمی‌گیرد و گول نقدینگی هر جا رفته مخرب بوده است، لذا واقعا باید از این فرصت‌ها و ظرفیت‌ها به نفع میراث فرهنگی و گردشگری استفاده کرد.

به همین دلیل من اعلام کردم که مایلیم با کسانی که علاقمند به سرمایه‌گذاری هستند مستقیما ملاقات کنم به شرط آن‌که وام بانکی و تسهیلات نخواهند، زیرا در این سالها یکی از مشکلات جدی اقتصادی کشور ما بدهی‌های سرسام‌آور بانکی بوده است. بنده در همایش مدیران نیز عرض کردم شما زمانی که کار را با شجاعت پیش می‌برید اشکالی وارد نیست که حالا ده درصدی هم ضریب خطا برای آن متصور شویم.

درواقع ما در مورد نظام واقعی مدیریتی صحبت می‌کنیم. بنده به‌شخصه قائل به این مسئله هستم که اگر فردی با یک منطق درست، کاری را انجام داد و به هر دلیل اشتباهی در این کار رخ داد باید از اصل حرکت حمایت و پشتیبانی کنیم تا شجاعت‌ها از بین نرود. پژوهشگر ما نیز باید بدون هراس و شجاعانه مسئله‌شناسی کند و فهرستی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین مسائل سه حوزه فعالیت وزارتخانه را بداند تا مدیران با اعتماد به داده‌های او برنامه‌ریزی و برای حل مسائل و رفع مشکلات اقدام کنند.

اعتبارات ما اندک است و مشکلاتمان بسیار، اما نباید تسلیم شویم. پژوهشگر ما در این میان می‌تواند راهکار ارائه دهد و به ما بگوید چه کار باید بکنیم. ارائه این راهکارها نیز با پژوهش میدانی به نتیجه می‌رسد.

ما باید بتوانیم در اقدامات مان مسائل را دقیقاً بشناسیم و حل کنیم، لذا از پژوهشگران بسیار ارزشمندمان تقاضا دارم که به موضوع، با نگاه حل مسئله ورود پیدا کنند. از اینرو حتماً باید یک نظام مسئله‌یابی درست وجود داشته باشد. در این میان ما نیز می‌توانیم خیلی از سوژه‌ها را به شما بدهیم و بدون توجه به بعضی از جیغ‌های بنفشی که بر اساس یکسری منافع به صدا در می‌آید بر روی این سوژه‌ها تمرکز و کار کنید.

کار پژوهش باید علمی، متعهدانه و مبتنی بر حل مشکلات باشد. البته اینکه یک موضوعی مسئله باشد دارای تعریف خاصی است و هر چیزی را نمی‌توان مسئله دانست. وقتی مسئله تشخیص داده شد و اهمیتش نیز مشخص شد آن وقت کار اصلی شما شروع می‌شود که باید مسئله را تعریف کنید و راه‌حل‌های مختلفی ارائه بدهید.

هر راه‌حلی مزایا و معایبی دارد. به طور قطع راه‌حلی را انتخاب می‌کنید که بیشترین منافع و کمترین مضرات را دارد، اما به این معنا نیست که بهترین راه‌حل هم هیچ عیب و نقصی ندارد. بهترین راه‌حل‌ها هم مضراتی دارند و باید مراقب باشید.

بعضی مواقع بهترین تصمیمات را اتخاذ می‌کنید که ده‌ها منفعت دارد، اما مضراتی هم دارد، که البته باید آن را به حداقل رساند. اما وقتی کار در سیستم برخوردهای پادگانی و غیر دقیق علمی رها شود می‌بینید یک عده با استفاده از قدرتی که دارند همان مضرات و معایب کوچک را چنان بزرگنمایی می‌کنند که شما تصمیم اصلی را نمی‌توانید بگیرید.

به‌هر حال آنچه که جمع‌بندی بهینه را به ما می‌دهد و موجب می‌شود تصمیم درست گرفته شود و با قوت راه را انتخاب کرده و به جلو حرکت کنیم اقدامات شما است. این کار پژوهشگاه ماست. البته معاونت‌های تخصصی ما هم وظایفی دارند، ولی ممکن است به دلیل نگاه بخشی، نسبت به حوزه خود تعصب خاصی داشته باشند. اما شما چون اصولاً مستقل در فرایند مدیریت وزارتخانه و در ساختار وزارتخانه قرار گرفته‌اید صرف‌نظر از هر نگاه بخشی می‌توانید آسیب‌ها را بررسی کنید و راه‌حل ارائه دهید.

نظام مسئله‌یابی در پژوهشگاه باید ایجاد شود و پژوهشگران برای مسائل این حوزه راهکارهای علمی ارائه بدهند. به عنوان مثال یکی از مسائلی که نیاز به توجه جدی دارد مرزبندی صحیح بین بافت فرسوده و بافت تاریخی است که

پژوهشگاه باید در این باره به ما کمک کند. در این مسیر نباید از بررسی و پژوهش میدانی غافل شد. صرفاً نباید به اسناد و کتابخانه بسنده کرد، بلکه باید به میدان رفت و از نزدیک مشکلات و کاستی‌ها را دید و با شجاعت انتقال داد.

در سفری که به فلاورجان داشتم تقاضا کردند که پیگیری کنیم ماشین از روی پل تاریخی رد نشود. با شهرداری و فرمانداری صحبت کردم که این پایه‌ها همه ترک خورده، حداقل جلوی ماشین‌ها گرفته شود که رد نشوند. پل آنجا هم دقیقاً مثل سی و سه پل است، منتها کسی توجه نمی‌کند، چرا که فلاورجان فاصله دارد و مثل شهر اصفهان معروف نیست.

متأسفانه همه منتظر هستند از وزیر اعتبار خوبی بگیرند و مسایل را فقط با پول حل کنند. بدون شک پول لازم است، ولی خیلی از مشکلات را با کمی دقت و بررسی میدانی می‌توان حل کرد. همان‌طور که عرض کردم پژوهشگر ما باید شجاعت داشته باشد و مطالعه کند.

بسیاری از مطالعات آشکار است و طبقه‌بندی ندارد. باید از نزدیک دیده شود تا اطلاعات دقیقی بدست آید که از بولتن‌ها و سایت‌ها نمی‌توان بدست آورد. ما باید بدانیم همسوی با مسئولیت‌مان چطور از میراث فرهنگی مراقبت کنیم که به آن آسیبی وارد نشود. درحقیقت این وظیفه شرعی و قانونی ما است. به کاشان که رفته بودم سری به خانه عامری‌ها زدم که یکی از خانه‌های خوب در حوزه میراث فرهنگی است و در جوایز جهانی از آن تجلیل کرده‌اند.

ما در آنجا یک مجموعه جدید ساختیم مانند هتل پنج ستاره و افتخار می‌کنیم و می‌گوییم سنتی و مدرن است. وقتی وارد می‌شویم می‌گوییم اینجا تلاقی سنت و مدرنیته داریم. هیچ کسی نمی‌گوید که این تبدیل و کاربری تیر آهن و سنگ دارد با کلی تغییرات و به میراث فرهنگی آسیب می‌زند. البته بنده مخالف این کار نیستم، بلکه معتقدم دو گانه عمل می‌کنیم. نمونه شاخص این دوگانگی به اتفاقی برمی‌گردد که خودم درگیر آن بودم.

اگر به صفحه بنده مراجعه کنید یک پست اینستاگرامی دارم تحت عنوان جانانان. جانانان یک نوجوان یهودی است که در همسایگی ما زندگی می‌کردند، متوجه شدم در منزلشان مراسم ختم هست. از خانواده‌اش سوال کردم گفتند که

پدر خانواده داشته عکس می گرفته عقب عقب رفته از روی پل افتاده و فوت کرده است.

موضوع را از طریق نامه‌ای در شورای عالی انقلاب فرهنگی مطرح کردم و پس از یکسال جواب گرفتم. البته نامه تحت عنوان محرمانه بود ولی الان من مسوول هستم و عنوان محرمانه‌اش را برمی دارم و گفتنش اشکالی ندارد. پاسخ این بود که اگر ما یک میخ به این پل بزنیم یونسکو ما را حذف می کند. گفتم که به هزار روش می توان این ایمنی را ایجاد کرد که جان مردم حفظ بشود. اول جان انسان در همه جای دنیا مهم است.

در احکام شرعی هم آمده است. نباید نسبت به این موضوع بی تفاوت باشیم. اما در هر صورت بعد از یک سال گفتند نمی شود. اما شما خانه‌های تاریخی را می بینید که به راحتی به هتل بوتیک تغییر کاربری داده است. پس باید در مسئله شناسی دقت و شجاعت داشته باشیم و مراقب این تعارض‌ها و این مصادیق یک بام و دوهوا را بشناسیم.

به همین سیاق در حوزه صنایع دستی هم مشکلات فراوان داریم که نیازمند مسئله شناسی است. اصفهان دومین شهر دنیا در زمینه صنایع دستی بعد از جاپور هند است. بنده رفتم کارگاه‌های صنایع دستی را دیدم. از پله‌ها که برای بازدید کارگاه‌ها بالا می رفتیم همین طوری در حال ریزش بود.

واقعا جای مناسبی برای کار و فعالیت نیست، اما هنرمندان ما چندین ساعت در روز به سختی آنجا کار می کنند، بهترین صنایع دستی را می سازند و شب و روزشان را در آن جای نامناسب می گذرانند. کنتور برق ندارند، بیمه نیستند، مواد اولیه ندارند و همه اینها مسئله است. بخش عمده صنایع دستی کشور در اصفهان است و این همه پیچیدگی و مسئله داریم که باید شناخته و بررسی شود و در فرایند پژوهش مسئله محور بتوانیم راه حل ارائه دهیم.

یک مسئله جدی دیگر این است که وظیفه شما پژوهشگران دفاع علمی از پژوهش‌ها و ارایه پاسخ کارشناسی به مخاطبان است. شما عضو هیات علمی و با سابقه هستید، تجربه دارید. اینها خیلی مهم است و سرمایه شما و ما محسوب می شود. همیشه به دوستانم می گویم اگر قرار شد جلساتی در هیات دولت و مجلس

برگزار شود یک کارشناس از پژوهشگاه با ما بیاید و صحبت کند، ما افتخار می‌کنیم بگوییم این کارشناس از وزارتخانه ما آمده و دارای اطلاعات دقیق است.

در حال حاضر پژوهشگران ما این بضاعت را دارند، اما باید در بخش‌های مختلف تخصصی به‌روز شوند. مثال عینی و مبتلابه ما در این زمینه موضوع بافت تاریخی است. نظام مشکلات ما بین بافت فرسوده و بافت تاریخی مشخص است. بافت تاریخی و فرسوده مباحث مهمی هستند و از مشکلات عمومی مردم نیز هست. هر جا که می‌روم بخش عمده‌ای از سوالات و انتقاداتی که از من می‌شود مربوط به این موضوع است که باید پاسخ بدهم.

در واقع من از طرف شما در میدان قرار می‌گیرم و پاسخ می‌دهم. فردی می‌آید همه حرفهایش را می‌زند، می‌گویم شرمندم می‌خواهی در بافت تاریخی دو طبقه را سه طبقه کنی، اما شدنی نیست. در یک سفر استانی مادر شهیدی آمد و از مشکلاتش گفت. واقعاً تحت تاثیر قرار گرفتم. گفت ما هیچ چیزی نمی‌خواهیم، فقط این خانه را که خراب شده برای پسر دیگرم که برادر شهید است بسازم، گفتم نمی‌توانیم اجازه بدهیم.

شما به صورت حضوری و میدانی با چنین مواردی مواجه نشده‌اید، ولی ما مواجه شده‌ایم. وظیفه ما دفاع کردن از میراث فرهنگی است و دفاع هم می‌کنیم. اما یک جایی می‌بینید به این شکل عمل نمی‌شود.

اما نکته‌ای در این میان عرض کنم که مربوط به آثار و بناهای تاریخی است. این روزها مد شده در فضای مجازی خاندان پهلوی را تظهير کنند، در حالی که خود آنها همه چیز را نابود کردند. شما بروید ببینید چه کرده‌اند. هر جا که نیاز داشتند کاری برای منافع‌شان کنند بی‌توجه به میراث تاریخی، همه چیز را نابود کردند.

من از پژوهشگاه می‌خواهم بررسی رفتار پهلوی با میراث فرهنگی را به طور جدی در دستور کار خود قرار دهد. من به استان زنجان که سفر کردم دیدم وسط بازار تاریخی که ثبت هم شده و از بهترین آثار میراثی ما محسوب می‌شود، اگر نیاز داشتند وسط بازار خیابان بکشند، همه چیز را خراب و این کار را کرده‌اند. بازار تاریخی را به دو قسمت تقسیم کرده و خیابانی عریض را از وسط بازار تاریخی عبور داده‌اند.

عکس‌های قبل از انقلاب گنبد سلطانیه را نگاه کنید. اطراف آنجا خانه‌هایی بوده که در حال از بین رفتن بوده‌اند. بعد از انقلاب با زحمات میراث فرهنگی این خانه‌ها خریداری و تملک شده، محوطه و حریم برایش ایجاد شده که این خیلی ارزشمند است.

زمانی که آقای جهرمی وزیر ارتباطات بودند به محل کارشان در وزارت ارتباطات رفتم. ایشان به میراث فرهنگی خیلی علاقمند هستند. عکسی از میدان توپخانه قدیم و میدان امام خمینی (ره) نشانم دادند، دیدم یک ساختمان خیلی عریض و طویل تاریخی است. پرسیدم الان این ساختمان چه شده؟ گفتند این ساختمان مربوط به دوره قاجار بوده و در دوران پهلوی چون می‌خواستند نامی از قاجار نماند کل ساختمان را نابود و با خاک یکسان کردند و ساختمان فعلی وزارت مخابرات را به جایش ساختند.

هرجا که می‌رویم نتیجه کار به همین شکل است. وقتی این موارد را می‌بینیم متوجه می‌شویم که عملکرد جمهوری اسلامی در حوزه میراث فرهنگی قابل دفاع است. متأسفانه در فضای مجازی بعضی اطلاعاتی که ارایه می‌دهند درست نیست. البته اگر اشکالی در کارمان هست باید با شجاعت بپذیریم. همه مدافع میراث فرهنگی هستیم و باز هم تاکید می‌کنم باید در نظام مسئله‌یابی همه موارد را بررسی کرده و راه‌حل مناسب انتخاب کنیم.

بی‌تردید حوزه گردشگری هم نیاز به پژوهش دقیق و مستمر دارد. این حوزه بسیار وسیع است و تمام بخش‌های این حوزه نیازمند یک پژوهش گسترده است. ماقرار است با کشوری مثل چین یک جهش همکاری در حوزه گردشگری داشته باشیم که این موضوع به طور حتم نیازمند همکاری نزدیک و همه‌جانبه با پژوهشگاه است. در حال حاضر ما با چین یک رابطه راهبردی آغاز کرده ایم.

در دیداری که با سفیر دوازدهمین برنامه‌ریزی نهایی را کردیم و قرار شد نمایشگاهی از آثار فرهنگی تاریخی کشورمان در چین داشته باشیم. در دولت یک عده مخالفت کردند، اما من تمام‌قد دفاع کردم، چراکه عمیقاً به این تبادلات فرهنگی باور دارم. اعتقاد من این است که راه حل نجات کشور در حوزه‌های مختلف و حتی موضوعاتی مثل صدور انقلاب، توجه به مأموریت‌های وزارت میراث فرهنگی گردشگری و صنایع دستی است.

ما از طریق حوزه‌های سه‌گانه فعالیت‌مان با کشورهای دیگر و کشوری مثل چین که قریب به یک‌پنجم جمعیت جهان را در خود جای داده است می‌توانیم نه تنها اقتصاد گردشگری را شکوفا کنیم، بلکه راه خوبی برای صدور ارزش‌ها و دستاوردهای انقلاب‌مان است.

خوشبختانه در این مسیر وزارت امور خارجه با ما همراه است. روابط ما با چین نسبتاً جدید است و در حال حاضر می‌خواهیم در حوزه گردشگری با چین همکاری‌های متقابل گسترده داشته باشیم. اگر حتی چند درصد از گردشگران چینی به صورت مستمر به کشور ما بیایند، گردشگری ما کلاً متحول می‌شود و این امر در یک فرایند برنامه‌ریزی شده امکان پذیر است.

خود رئیس‌جمهور چین و چینی‌ها نیز خواستار تحقق چنین مسئله‌ای هستند. در بدو امر ما برای گردشگران چینی مترجم می‌خواهیم و امکاناتی لازم است که این گردشگران را همراه کند. بنابراین در چنین شرایطی یکی از کارهای جدی پژوهشگاه وزارتخانه در حوزه گردشگری، مشخصاً مسئله چین و راهکارهای تحقق مرادوات گردشگری با این کشور است.

به این ترتیب کاملاً مشخص است ما مسایل عاجلی داریم که حل آن‌ها می‌تواند باعث تحول در حوزه‌های مأموریت‌مان بشود. پژوهشگاه ما باید نگاهی جدی به پیشبرد اهداف‌مان داشته باشد و برای این موضوع با ارائه راه‌حل‌های مناسب، سایر بخش‌های وزارتخانه را یاری کند.

بنده به‌رغم همه گرفتاری‌هایی که در حوزه‌های مختلف دارم در تک‌تک پروژه‌هایی که می‌تواند متضمن نتایج یاد شده باشد در خدمت همکاران پژوهشگاه هستم و دست کسانی را که بتوانند از این حوزه مهم گره باز کنند می‌بوسم. معتقدم که این اقدامات می‌تواند کشور را نجات بدهد. در واقع راه نجات کشور در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، امنیتی، سیاسی، صدور انقلاب اسلامی و هر چیز دیگر، نشأت گرفته از فعالیت‌های این‌چنینی است.

بی‌تردید هیچ حوزه‌ای به اندازه حوزه مأموریت وزارت ما این تاثیر را برای کشور ندارد و برای اثبات این موضوع به آسانی می‌شود استدلال کرد. به یاری خدا و با کمک همکاران شاهد تحولات اساسی در حوزه کاریمان خواهیم بود. نتیجه چنین اقداماتی باقیات و صالحات و عاملی برای افتخار خواهد بود. انشالله.

افتتاحیه هفته پژوهش



موزه ملی، ۱۹/۰۹/۱۴۰۲

بسم الله الرحمن الرحيم

فرصت مناسبی است که از تلاش‌های یک سال گذشته همه شما تشکر و سپاسگزاری کنم، پژوهشگاه و مجموعه پژوهشی وزارتخانه زنده است و به لحاظ کمی و کیفی کارهای ارزشمندی را انجام می‌دهد. جا دارد از زحمات دوستانی که خدمت کردند و در موقعیت‌های دیگر محل خدمت هستند، تشکر کنم.

پژوهش از جنس آگاهی و بیداری است، پژوهش پرتوافکنی است، در واقع مانند نورافکنی است که به نقاط تاریک تابیده می‌شود و خیلی از چیزها را روشن می‌کند، جنس پژوهش این است.

وقتی این‌طور شد انسان‌ها را از نگرانی‌های بی‌مورد و بی‌مبنا و از ترس‌ها و دغدغه‌هایی که هیچ جایگاهی ندارد نجات می‌دهد. انسان با پژوهش درست رها می‌شود و جای ترس نیست و متقابلاً دغدغه‌ها و نگرانی‌های میمون و مبارک را هم به آدم‌ها نشان می‌دهد.

می‌دانید اشکال جوامع بخصوص در ایران خودمان چیست؟ چیزهایی که اصولاً ارزش ندارد و مهم نیست و جای نگرانی ندارد اما به عنوان نگرانی اصلی به جامعه تحمیل می‌شود و نوعی وانمود می‌شود که مسائل مهم ما این است و اگر حل نشود بیچاره می‌شویم. در حالی که این‌طور نیست و بالعکس بسیاری از نکات مهم که باید دغدغه اصلی باشد این‌ها به حاشیه می‌رود و مورد غفلت قرار می‌گیرد.

پژوهشگر ویژگی شجاعت را دارد، من در اولین نشست شش مورد را عرض کردم. اولین مورد این بود که پژوهشگر باید شجاع باشد، شجاعت جزو پژوهش

است. آدم ترسو اصولاً پژوهشگر نیست. پژوهش اصولاً خط قرمز ندارد. این‌ها مقدمات و الفبا است، پژوهش در هر چیزی می‌تواند ورود و پرتوافکنی کند، می‌تواند راه را نشان دهد و وقتی خواست با صدای بلند بگوید این موضوع ترس ندارد، می‌تواند بگوید و وقتی خواست دغدغه جدید بگوید، بتواند بگوید.

داستان مولوی داستان شیرینی که بارها شنیدید. شیری در روستا آمد و گاو یک روستایی را خورد، فرد روستایی سر جای خود نشست، تاریک بود و نفهمید شیر است که جای گاو نشسته است، خوشحال بود و با شیر بازی می‌کرد، به سر و روی شیر و یال او دست می‌کشید. شیر سیر بود و کاری با او نداشت اما در عالم خود نگاه می‌کرد که روستایی ساده می‌گفت: «شیر از روشنی افزون شدی، زهره‌اش بدریدی و دل خون شدی، این چنین گستاخ زان می‌خاردم، کو در این شب گاو می‌پنداردم.»

خیلی اوقات ما دغدغه‌های جدی داریم چون جاهایی را برای ما تاریک کردند و ما نمی‌فهمیم و خوشحال هستیم اما اگر پژوهشگر وظیفه خود را به درستی انجام بدهد، پرتوافکنی و روشن‌گری کند و حقیقت را بگوید، آن وقت امثال بنده و مدیران و کارشناسان به فکر این می‌افتند که باید کارهای دیگری انجام دهند، چرا که غافل هستند.

من از شما می‌خواهم در همه این موارد ورود کنید اگر شما وارد می‌شوید و راجع به کوروش حرف می‌زنید که یکی از کارهای خوبی که انجام دادید در این گزارش هم بود «از افسانه تا واقعیت»، من مشابه این موضوع، با این صراحت ندیده بودم، با افراط و تفریط عالمانه مقابله کردید و این چیز کمی نیست.

پژوهش بلای جان افراط و تفریط است، در افتادن با افراط و تفریط کار ساده ای نیست، افراط و تفریط قدرتمند است و لشکر، تربیون و منافع دارد و چون منافع دارد قدرت پشت او می‌آید، به این راحتی نمی‌شود با افراط و تفریط در افتاد. شما می‌توانید در حوزه‌هایی که مستقیماً به خودتان مربوط است این کار را انجام دهید، مانند کوروش.

عده‌ای کوروش را با ادعای این‌که داخل حاکمیت و نظام هستند، قبول ندارند و اگر کسی از کوروش نام می‌برد خیال می‌کنند به آن‌ها فحش داده است. من

چند وقت قبل با فردی که مسئولیت بالایی دارد و به من انتقاد می‌کرد که چرا حرف از کوروش می‌زنید، دو دقیقه توضیح دادم که کوروش کیست و چرا در مورد کوروش می‌گوییم، بعد که گفتم ما در قرآن ذوالقرنین داریم، علامه طباطبایی هم تطبیق داده است و منظور کوروش است و بسیاری از مفسرین هم همین را گفته‌اند، ایشان گفتند خیر اصلاً چنین چیزی نیست و ارتباطی به کوروش ندارد.

من به ایشان توضیح دادم که ذوالقرنین در تاریخ کیست، گفتم شما نامی بگویید که بدانیم ذوالقرنین کیست؟ فقط نگاهم کردند. گفتم اسمی به نام اسکندر آمده است، می‌خواهید به شما بگویم که اسکندر حتماً ذوالقرنین نیست، کافی است فیلم سینمایی هالیوودی که خود آن‌ها راجع به اسکندر به نام الکساندر ساختند را نگاه کنید و ببینید اسکندر از نظر شخصیتی چه کسی بوده است.

این ذوالقرنین ما است، شما سومین فرد را به ما معرفی کنید که مانند چه بگویند. در مورد هفت آبان که برخی‌ها مشکوک هستند و می‌گویند تولد کوروش بین ۴ و ۹ آبان ماه است و این روز را ۷ آبان قرار دادند که این سه کنار همدیگر تولد شاه و ولیعهد بوده است و این میان هم تولد کوروش بوده است و هفته بزرگداشت گرفته شود.

اصلاً کاری به این نداریم که ۷ آبان چه روزی بوده است وقتی شما ذیل ۷ آبان می‌گویید کوروش که بود بین افسانه و واقعیت حرکت می‌کنید و واقعیت را می‌گویید و شاید نزدیک به ۱۵ مقاله نوشته شد و من خلاصه‌ای از این نشست را خواندم و دیدم چقدر حرف‌های خوبی از قول آدم‌های صاحب رأی گفته شده است که مطالبی که می‌گویند قابل اعتنا است.

بنابراین ما در این حوزه کار زیاد داریم، نظام مسائل ما متنوع است و از این‌که کار پژوهشی بر روی اشیاء و قطعات انجام دهیم، آمار ۳۵۰۰ تا بود خیلی خوب است. شما در حوزه ناملموس و صنایع دستی و گردشگری خیلی کار دارید، پژوهشگاه متعلق به کل وزارتخانه است.

شما راجع به میراث ناملموس کار بزرگی دارید. اگر داریوش می‌گوید «به نام خدا که شادی را آفرید»، اصلاً کارکرد دین آرامش است، این چیزهایی که برخی مواقع آدم‌هایی معرفی می‌کنند و دین نیست، دین را از روح خود خارج می‌کنند.

یکی از کارکردهای مهم دل آرامش خاطر و انبساط روحی و شادی و نشاط است، خروجی دین همین‌ها است.

ما توانستیم همین شادی را اداره کنیم، اگر کسی در بازار شاد بود و شادی کرد و آواز خواند و یا پیرمردی در مغازه خود نشان داد که شاد است و دو شعر محلی خواند، اگر در مقطع ایام الله باشد، یا عید غدیر یا ۲۲ بهمن باشد، می‌گوییم آفرین، در راستای انقلاب اسلامی شادی می‌کند و او را تشویق هم می‌کنیم، اما اگر در آن مقاطع نبود و شادی کرد از نظر ما متهم است. ببینید چقدر ملاک‌های ما چندگانه و متضاد است.

این‌ها حوزه‌های فرهنگی است که به ما مربوط است. ما در این وزارتخانه در فرهنگ غوطه‌ور هستیم هم میراث فرهنگی ما به شدت در بستر فرهنگ، آن هم فرهنگ چند هزار ساله سیر می‌کند و هم در حوزه صنایع دستی و گردشگری. من تقاضا دارم راه‌های طی نشده و پیموده نشده را ورود کنید، شما دپارتمان مردم‌شناسی و زبان دارید.

زبان فقط این نیست که بگویید این خط باستانی و زبان‌های مختلف است، حالا ببینید این زبان چه چیزی گفته است، نه این‌که فقط بتوانید بخوانید، این کار مهارت و توانمندی زیادی نیاز دارد که در این حوزه خیلی در وزارتخانه توانمند هستیم. این‌که بخواهیم بگوییم چه کسی گفته و چرا گفته است خیلی برای ما اهمیت دارد.

مجموعه‌ای از مسائل در وزارتخانه است که می‌توانید ورود کنید. دهه ۶۰ اگر این کارها را انجام دادند حتماً بررسی مجدد بفرمایید، بالأخره موزه‌های ما، بخصوص موزه‌های ملی در این حوزه باید دستشان باز باشد، با گزارش خوب، کارهای تحقیقاتی و خدمات فنی که انجام دادند، باید موزه‌های ما بتوانند در این حوزه‌ها خودشان فعال باشند و کارهای ماندگاری انجام دهند. نظام پژوهشی وزارتخانه و حوزه‌های کاری که دارید را یکبار دیگر مشخص کنید.

فصل ۵

موضوعات عمومی وزارتخانه

جلسه رأی اعتماد به وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی



صحن علنی مجلس - ۱۴۰۰/۰۶/۰۳

بسم الله الرحمن الرحيم

با عرض سلام و احترام خدمت همه نمایندگان محترم، خواهران و برادران عزیز و بزرگوار خودم. از وقت ارزشمندی که در کمیسیون‌های تخصصی قرار دادید تشکر می‌کنم، هم در ۱۴ کمیسیون تخصصی و هم حداقل ۶ کمیسیون موضوعی و مجمع استانی من محضر شما رسیدم و واقعاً از نظرات بسیار خوب و ارزشمندی که داشتید استفاده کردم.

از بیش از ۲۰۰ نفر نمایندگان عزیزی که در موافقت بنده ثبت‌نام کرده بودند سپاسگزاری می‌کنم و از موافقان محترم و مخالفان محترم که فرمایشات خوبی داشتند امروز به نوبه خودم سپاسگزاری می‌کنم.

ابتدای جلسه است من یک مطایبه کوچکی برای تغییر ضائقه شما همکاران عزیز بکنم که مبنای عرایض بنده است، می‌گویند یک بنده خدایی برای گزینش رفت که امتحان بدهد، پرسشگر دنبال سوالات سختی بود که او را رد کند. گفت یک شعر عرفانی بخوان که در آن کلمه میگو داشته باشد، او هرچه فکر کرد که میگو در کدام شعر عرفانی آمده است، کسی آن‌جا بود گفت به من پولی بده تا به تو بگویم. پول را گرفت و گفت تو این را بخوان، «حدیث مطرب و می‌گو و راز دهر کم‌تر جو، که کس نگشود و نگشاید به حکمت این معمارا!» خب این که آن میگو نیست، گفت می‌دانم ولی کار را راه می‌اندازد.

حکایت آسیب‌های مدیریتی امروز ما در حوزه مدیریت کشور آن است که دنبال پاسخ‌های ساختاری و کلیشه‌ای به جدیدترین مشکلات و مسائل جاری کشور می‌رویم. کمی ممکن است کار را راه بیندازد، اما چون به این روش عادت کرده‌ایم مردم دیگر از ما نمی‌پذیرند.

کارهای تحولی و کارهای بزرگ، برهم زدن ساختارهای پوسیده و ناکارآمد که مثل بختک بر سر این مردم آمده و به کیمیا تبدیل شده است، دیگر با این تفکری که به همه ما مربوط می‌شود و نظام مدیریتی خودمان را دچار این مشکل کرده‌ایم واقعاً تبدیل به کارهای محدود و نقطه‌ای شده است، درحالی که باید در نظام جمهوری اسلامی سکه رایج باشد.

امیدوار هستیم امروز با مجلس انقلابی، متخصص و مدیریت خوب در همه ابعاد در مجلس، دولت مردمی، ضد فساد و تحول‌گرایی که امروز با رأی مردم آمده است، قوه قضائیه هوشمند و آگاهی که تجربه بسیار ارزشمندی در این حوزه‌ها دارد، ان‌شاءالله از این فرصت استثنایی بهره ببریم و بتوانیم کارهای بزرگ، تحولی و جهش‌های اساسی به‌گونه‌ای که رهبر معظم انقلاب از ما توقع دارند انجام دهیم.

وزارتخانه جدیدالتأسیس میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی یک وزارتخانه بسیار مهمی است. هرکدام از این بخش‌ها ظرفیت یک نهاد و یک وزارتخانه مستقل را دارند، اما به‌جهت هم‌پوشانی و هم‌افزایی که با یکدیگر دارند قانون‌گذار محترم آن‌ها را در دل یک وزارتخانه آورده است که مأموریت‌های مهمی که برای آن تعریف شده است، فرهنگی اقتصادی و اجتماعی، از این ظرفیت استفاده شود. اما آیا واقعاً به همین ظرفیت‌ها ختم می‌شود؟

اصلاً، با توضیحاتی که خدمت شما خواهم داد به‌خصوص در بخش گردشگری بسیاری از حوزه‌های مهم و اساسی کشور مرتبط با این وزارتخانه هستند. شاید یک دلیل که من این مسئولیت را قبول کردم غیر از تجربه مدیریتی و فرهنگی که در این خصوص دارم، مستحضر باشید بخش زیادی از این مجموعه‌ها در وزارت ارشاد بود، چون نکاتی که نمایندگان محترم دیروز فرمودند را در خلال صحبت‌هایم پاسخ هم می‌دهم.

میراث‌فرهنگی و معاونت سیاحتی و زیارتی که الان به عنوان گردشگری بخش بزرگی از این وزارتخانه است در وزارت ارشاد بود، من هم در معاونت امور استان‌ها و امور مجلس که این بخش‌ها را به یکدیگر وصل می‌کردم با این حوزه‌ها آشنایی دارم، اما فقط مربوط به این‌ها نیست. بسیاری از نهادهای مختلف کشور باید همکاری

داشته باشند و امیدوار هستم که این تجربه‌ای که دارم به کار بیاید و یک نگاه ملی و فرابخشی برای دیدگاه بلندی که امروز دولت دارد ان‌شاءالله بتوانیم انجام دهیم.

این وزارتخانه به دلیل فقدان یک نگاه نظری و ایدئولوژیک که باید همه نیروهای فکری و مدیریتی جامعه را همراه و همگرا کند، متأسفانه دچار عقب‌ماندگی شده است. این وزارتخانه‌ای که من امروز مسئولیت آن را قبول کرده‌ام مهجور و مقفول است، درحالی که با کمی تلاش می‌تواند به عنوان جدی‌ترین بستر صدور انقلاب و ارزش‌های اسلامی و انقلابی برای کشور ما بشود، در کنار بسیاری از دستاوردهای اقتصادی که به دنبال خواهد داشت.

نگاه من به اضلاع این مثلث مساوی و متعادل و ترازمند است، هیچ‌کدام بر دیگری الویت ندارد، این سه قسمت مکمل و وابسته به یکدیگر بوده و با هم هم‌افزایی دارند. من برنامه خود را در ۳۰ صفحه تقدیم شما نمایندگان عزیز کرده‌ام، سعی کردم یک متن روانی باشد، هم وضعیت موجود را تبیین کردم و هم به تفکیک نقاط قوت، ضعف، تهدید و فرصت احصا شده و در جلسات متعدد با جدی‌ترین کارشناسان این حوزه، اساتید دانشگاه، نخبگان، افراد باتجربه هم در حوزه این وزارتخانه و هم در جبهه انقلاب که خوشبختانه در سال‌های اخیر پیشرفت‌های خیلی خوبی در این حوزه داشته‌اند این متن آماده شده است، ممنون هستم که در کمیسیون‌ها خیلی توجه شد.

بعداً فایل این برنامه من روی سایت‌های بیرون هم رفت، رسانه‌ها خیلی کار کردند، در کلاب‌هوس‌ها بررسی شد، بسیاری از صاحب‌نظران آمدند و این برنامه را قابل دانستند که بررسی و نقد کنند، من از همه آن‌ها تقدیر و تشکر می‌کنم. مجموعه فرمایشات دوستان را که این جا آورده‌ام خودم دو روز وقت گذاشتم، چون نکات بسیار خوبی را هم به لحاظ ملی و هم به لحاظ استانی و بخشی مطرح کردید، ۶۴ محور مهم استخراج کردم که امروز در اختیار کمیسیون‌ها قرار می‌دهم، ۲۸ پیشنهاد جدید و ارزشمند است.

باتوجه به وقت هر سه حوزه را توضیح می‌دهم، مردم عزیزی که از تلویزیون برنامه را می‌بینند و از رادیو استماع می‌کنند، بدانند که بسیاری از بحث‌های جدی کاشناسی در حوزه‌های تخصصی انجام گرفته است، در صحن علنی باتوجه به

وقت محدود ارجاعات و بعضی تعلیق‌ها و هماهنگی‌ها، ممکن است بعضی از بحث‌هایی که نمایندگان عزیز و وزرای پیشنهادی مطرح می‌کنند برای مردم مقداری اجمال و سر بسته باشد، بدانید که این بحث‌ها برای نمایندگان است.

دروهله اول به دلیل پیشینه‌ای که هست من خیلی از بحث‌ها را چون خدمت شما داشتم دیگر مطرح نمی‌کنم، در مورد میراث فرهنگی؛ این حوزه شناسنامه، هویت و تمدن ما است، آن هم در دوره‌ای که بی‌هویتی توسط رسانه‌های پرنفوذ نوین ترویج و تبلیغ می‌شود. جوان امروز ما، ایرانی نوجوان ما امروز باید با این پیشینه تمدنی خود آشنا شود، چه میراث ملموس و چه ناملموس که هر دو فوق‌العاده ارزشمند است.

ما در حوزه ملموس ۳۲ هزار اثر فرهنگی و تاریخی ثبت شده داریم، و در حوزه ناملموس ۱۹۰۰ اثر داریم. میراث فرهنگی ناملموس به رفتارها، آداب و گویش‌ها و فرهنگی که بین مردم است برمی‌گردد، ایرانی‌ها صاحب بهترین میراث فرهنگی ناملموس در دنیا هستند، اما علت اینکه آن‌طور که شایسته و بایسته است نتوانستیم در این حوزه توفیقی داشته باشیم این است که آن یکی دو وظیفه اصلی خود را به درستی انجام نداده‌ایم.

آیات قرآنی مسیر این میراث فرهنگی را به ما نشان می‌دهد، در سوره مبارکه حجر آن‌جایی که در مورد قوم لوط سخن می‌گوید، وقتی عذاب الهی آمد و این‌ها را نابود کرد، در ادامه آیات قرآن می‌فرماید ما خرابه‌های قوم لوط را بر سر راه قرار دادیم تا کاروانیان که عبور می‌کنند ببینند و مایه عبرت شود، «وَإِنَّهَا لِبِسْبِيلٍ مُّقِيمٍ» چه فایده‌ای دارد؟ «إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْمُتَوَسِّمِينَ» متوسم یعنی کسی که از ظاهر به باطن می‌رسد. میراث فرهنگی ما باید سر راه باشد، یعنی چی؟ یعنی باید در دسترس باشد، آیا هست؟ نیست، باید به درستی معرفی شود.

عزیزانی که بحث کردند بدانند، این بخش مهم اتفاقاً کار رسانه‌ای می‌خواهد، کار رسانه‌ای جدی، آن هم با توجه به رسانه‌های نوین، بعد هم باید بتوانیم پیام این‌ها را منتقل کنیم، لذا می‌بینید که اصلاً این میراث چند هزار ساله ما، چه قبل از اسلام و چه بعد از اسلام، همه دارای پیام هستند، «وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَمَا بَالُكُم مِّنْهُ» به کاخ شاهانی که از بین رفته نگاه کنید هم عبرت دارد و هم به تعبیر

رهبر معظم انقلاب زمانی که به تخت جمشید می‌روید سرپنجه هنر ایرانی و اقتدار ایرانیان را می‌بینید، اما متأسفانه در کشور ما در طول این سال‌ها این عامل مهم همبستگی و اتحاد ملی تبدیل به یک جریان دوقطبی شده است. البته بین همه بزرگان نیست، ولی این اتفاق افتاده است.

شهید مطهری در کتاب ارزشمند خدمات متقابل اسلام و ایران به خوبی هم‌افزایی این دو بخش را مطرح می‌کند، رهبر معظم انقلاب بهترین و دقیق‌ترین تعبیرها را دارد و اصلاً ما نباید دوقطبی کنیم، همه این‌ها برای ما ارزشمند است، فقط یک قلم ببینید نقش رستم، چون اشاره رهبری معظم در یکی از بازدیدها بود، اگر کسانی که همراه رییس‌جمهور محترم سابق به ایتالیا رفته بودند و در شهرداری رم آن‌ها را پای مجسمه سردار یونانی و رومی، مارکوس آنتونیوس بردند که بگویند ما چنین سرداری داریم که فتوحاتی داشته است، اگر تصویری از نقش رستم می‌دادند که پادشاه رم به زمین افتاده و از داریوش اول تقاضای عفو می‌کند و فیلیپ عرب، امپراتور دیگر دارد هدیه می‌دهد، عظمت ایرانیان را نشان می‌دهد که عمدتاً در این جنگ‌ها پیروز شده‌اند، آن‌جا یک عکس هم نشان می‌دادند وقتی که داشتند زیر مجسمه این سردار رومی عکس می‌گرفتند، متوجه می‌شدند که ما چه عقبه‌ای داریم. شما از این بگیریید تا بسیاری از حوزه‌های دینی.

ایجاد جاذبه‌های مکمل، من پیشنهاد خود را داده‌ام، یک دلیل اینکه این‌ها مهجور است و به کمک شما باید انجام دهیم، جاذبه‌های تکمیلی است. خیلی از مردم به این محل‌ها می‌روند یک دستشویی درست آن‌جا نیست. یک بنر مناسب نیست و حداقل امکانات و خدماتی که استفاده کنند وجود ندارد (یکی از راهبردهای من گردشگری خانواده محور است) متوجه می‌شویم که این امکان از مردم سلب می‌شود. بخش خصوصی را تقویت می‌کنیم و با نظارت مناسب مسئولیت می‌دهیم که ان‌شالله بتواند این‌ها را ساماندهی کند.

در صنایع دستی ما از ۶۰ صنعت دستی که در سطح جهان هنری است، ۳۷۰ رشته را در ایران داریم. علی‌رغم این ارزش بالایی که ما داریم به دلیل مشکل بازاریابی، معرفی و فروش، این بخش مهجور مانده و در بعضی از حوزه‌ها دارد از بین می‌رود. ما با کشورهای دیگر که رقیب ما هستند، در رقابت دچار مشکل

شده‌ایم، هم از لحاظ قیمت تمام‌شده و هم از لحاظ دلالتی‌هایی که صورت می‌گیرد. فقدان برندسازی در این حوزه از مشکلات جدی صنایع دستی است. عدم کاربردی بودن بخشی از این صنایع به این تبدیل شده که خیلی از این‌ها جنبه تزئینی پیدا کرده است.

باتوجه به مشکلات اقتصادی مردم، از سبب خریدشان حذف شده است. بسته‌بندی ضعیف و نامناسب داریم. در مشاغل خانگی که حوزه جدی این بخش خواهد بود ما مشکلات جدی داریم که بخشی از آن قانونی است، البته بخشی از آن در کمیسیون صنایع بحث شده است و جناب آقای فرهنگی هم نکات خوبی گفتند، ان‌شاءالله با توجه به قانون فعلی و مکملی که خواهیم داشت این بخش را که نقش مهمی در اشتغال کشور خواهد داشت، تقویت کنیم.

مواد اولیه ارزان و در دسترس، تسهیل عرضه و تقویت تقاضا جزو مسائل جدی ما است که در این حوزه انجام خواهد گرفت. ان‌شاءالله آن پیشنهادهایی که در جزوه ۳۰ صفحه‌ای دادیم مورد عنایت قرار دهید، با کمک شما می‌توانیم این ایرادات را رفع و رجوع کنیم.

گردشگری صنعت پیشران است، خدمات متنوع و گسترده‌ای را در کشور می‌دهد، چند آمار جهانی نشان می‌دهد که واقعاً درآمد اصلی بسیاری از کشورها امروز از صنعت گردشگری است ۱۰/۰۴ درصد از تولید ناخالص داخلی جهانی مربوط به گردشگری است، ۱۰ درصد کل اشتغال جهانی مربوط به گردشگری است، امروز از هر ۵ شغل جدیدی که ایجاد می‌شود یکی مربوط به گردشگری است، رشد تولید ناخالص داخلی جهانی به طور میانگین سه درصد است در حوزه گردشگری ۴/۰۶ درصد است. ما این‌ها را با آمار ایران که نگاه می‌کنیم، فاصله جدی می‌بینیم.

فقط عرض من این است که صادرات نامرئی یک صفت خوبی برای این حوزه است، ربطی به تحریم ندارد. اشتغال‌زایی و ارزآوری به صورت بسیار گسترده در این حوزه وجود دارد، جای تأسف است زمانی که ما مزیت‌های رقابتی را حداقل در کشورهای همسایه خودمان بررسی می‌کنیم، با اینکه یک مزیت رقابتی تطابق قیمت ارز است، (حتی در حالی که بهای دلار در کشور امروز خیلی

بالا رفته است) می‌بینیم تأثیری در گردشگری خارجی ندارد، نشان می‌دهد آن‌قدر مزیت‌های رقابتی دیگر ما محدود و کم است که حتی این دلار ارزان و در مقابل آن رقم بالاتر ریال نمی‌تواند تکانی به گردشگری بدهد. امارات، قطر، بحرین، رژیم اشغالگر قدس، عربستان، عمان و اردن همه درآمدهای بالاتری از ما دارند و خیلی هم فاصله دارد، ما فقط با لبنان، کویت و یمن قابل مقایسه شده‌ایم.

دیگر آمارها را نمی‌خوانم، فقط عرض کنم اگر ما یک چاه نفتی مثلاً در قطر به صورت مشترک داریم، اگر او برداشت کند و ما برداشت نکنیم همه خیلی خوب متوجه می‌شوند که داریم یک سرمایه‌ای را از دست می‌دهیم، اما نگاه نمی‌کنند ببینند که این سرمایه ارزشمندی که در این حوزه وجود دارد و همین‌طور خیلی بیش‌تر از آن چاه نفت اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی داریم از دست می‌دهیم، اصلاً متوجه نیستیم که باید این سرمایه را حفظ و استفاده کنیم.

حوزه‌های گردشگری برای ما گردشگری فرهنگی، طبیعت‌گردی، گردشگری روستایی، گردشگری سلامت و کشاورزی همه را به‌طور مفصل در کمیسیون‌های تخصصی بحث کردیم. گردشگری کسب و کار، گردشگری خوراک، گردشگری آموزشی، ورزشی، کوهستانی، مذهبی، حلال، ماجراجویانه، شهری، دریایی.

من دیروز با نمایندگان استان هرمزگان جلسه داشتم، آنجا ۱۱۰۰ کیلومتر مساحت داریم اگر جزایر را هم در نظر بگیریم روی هم ۲۴۰۰ کیلومتر ساحل است، گردشگری دریایی ما صفر است، بیکاری آن‌جا ۳۰ درصد است. مگر می‌شود کسی لب ساحل باشد و بیکار باشد؟

همین الان بخش خصوصی حتی نهادهای مختلف امکانات فراوانی در حوزه ساحل، درون مرزی و برون‌مرزی دارند که در خدمت گردشگری قرار بدهند، این امر می‌تواند فوق‌العاده برای ما مفید باشد. در حوزه تندرستی بحث کردیم، گردشگری حلال و مذهبی اصلاً مزیت نسبی ما است، برخلاف اینکه خیلی‌ها احساس می‌کنند که ما به خاطر بعضی از محدودیت‌ها مشکلات جذب توریست داریم، نه، اتفاقاً بسیاری از این کشورها دنبال این هستند که گردشگری حلال، سالم پاک و مبتنی بر ارزش‌های دینی داشته باشند، ما حداقل زیرساخت‌ها را برای این‌ها فراهم نکردیم.

آخرین جمله من، این حوزه جدی‌ترین حوزه برای همبستگی ملی و وحدت است، برای انسجام ملی، اولاً در سطح ملی بسیار وسیع است و ارتباط وسیع با مناطق محروم دارد که دیروز اشاره شد، حتماً من این جلسه را با شما خواهم گذاشت. بخش زیادی از حوزه ما در مناطق محروم است، اما نگاه به این حوزه باید یک نگاه غیرسیاسی، فرهنگی، اقتصادی و ملی باشد.

ما آحاد مردم را حول این سه بخش وزارتخانه می‌توانیم همگرا کنیم. هر نوع نگاه سیاسی و قبیله‌گی به این حوزه بلای جان و آفت این حوزه است. من عرضم را با یک شعر تمام می‌کنم، این حوزه مثل حاکمیت مثل باران است، «باران که شدی مپرس که این خانه کیست، سقف حرم و مسجد و میخانه یکی ست، باران که شدی پیاله‌ها را نشمار، جام و قلدح و کاسه و پیمانہ یکی ست». التماس دعا، والسلام علیکم ورحمت الله.

بازدید رئیس‌جمهور از وزارت میراث فرهنگی و موزه ملی



ISNA PHOTO
Alireza Masoumi

موزه ملی ایران. ۱۴۰۱/۰۷/۱۲

بسم الله الرحمن الرحيم

شاید ما تنها وزارتخانه‌ای هستیم که در طول این ۱۳ ماه برای اولین بار آقای رئیسی تشریف می‌آورند به عنوان ملاقات با مدیران یا بازدید بقیه وزارتخانه‌ها شاید بیش از ده بار، حتی مشابه حضور داشتند، البته من این را از یک جهت مثبت می‌دانم، لازم است با صراحت در حضور مدیران ارشد وزارتخانه عرض کنم که انصافاً آقای رئیسی به خاطر دوستی دیرینه و محبت‌هایی که به بنده دارند با اعتماد کامل با این وزارتخانه برخورد می‌کنند.

هر گزارشی که تقدیم می‌شود، هر درخواستی که می‌شود و ارتباطی که برقرار می‌شود، از انتصابات از روز اول تا بسیاری از تصمیم‌گیری‌های دیگر ما، آقای رئیسی صد درصد حامی و پشتیبان بودند و همراهی کردند و جا دارد که صمیمانه از ایشان تشکر کنم و این را نکته مثبت می‌دانم، اگر ایشان در این مدت تقاطع زیادی با دوستان نداشتند، من حمل بر این می‌کنم که خیال ایشان از این وزارتخانه راحت است و به گزارش‌های ما اکتفا می‌کنند، ولی علاقمندیم انشاءالله به بهانه‌های مختلف بیشتر محضر ایشان برسیم.

دوستان گزارش دادند و هم مهمترین نکات را مطرح کردند، در هر قسمت من یک نکته را عرض کنم که دوست دارم که وقتی شما می‌روید به لحاظ رسانه‌ای و خبری، بویژه در داخل وزارتخانه منعکس شود، از آخری شروع می‌کنم که کارمندان این وزارتخانه واقعاً مستضعف هستند، میانگین حقوق این وزارتخانه از همه جا پایین‌تر است، یعنی یک مهندس عمران با تجربه مرمت‌کار، شش یا

هفت میلیون تومان بیشتر نمی‌گیرد، الان در قانون کار یک آبدارچی در جاهای دیگر از او بیشتر می‌گیرد.

ما می‌دانیم دولت مشکل دارد و دنبال تحمیل این مسئله به شما نیستیم، اما خواهش من این است که با فرمولی که آقای اوحدی پیدا کردند از منابع خودمان و از آن ۱۰ درصدی که وزارتخانه‌های دیگر هم عمل کردند، بعنوان یک هدیه به کارمندان وزارتخانه که بدانند این حضور پربرکت چنین خروجی ای داشته است، شما با این موافقت کنید.

من به خاطر حساسیتی که دارم به تمام بحث‌های حقوقی آن توجه کردم، انشاءالله با دستور شما برای کارمندی‌های ما این مسئله حل شود.

در حوزه گردشگری وقتی معاونتی به این عظمت که ما با آقای اصفهانی بحث می‌کنیم که ما ۱۰ میلیون توریست جذب کنیم یا ۲ میلیون بالاو پایین تر، معاونتی که هنوز محل و اتاق ندارند که در داخل آن بنشینند و مدیریت کند، اصلاً راجع به چه حرف می‌زنیم!؟

۳، ۴ اتاق در سازمان حج و زیارت به صورت قرضی به ما دادند و هر روز ابلاغ می‌کنند که شما از اینجا خارج شوید، دوستان در رفت و آمدشان مشکل دارند، با گزارشی که آقای شالبافیان دادند، این حوزه متحول شده است. فقط ۲۰ میز گردشگری جدی راه افتاده که ما دیروز در گردشگری خوراک در سالن آمفی تاتر صدا و سیما ۸۰۰ نفر از فعالان این حوزه آمدند، فقط یک بخشی از آن میزی است که ما راه اندازی کردیم.

بینید چقدر فعالان از حوزه‌های مختلف با ما کار دارند، باید مدیریت شود، اما ایشان دو اتاق ندارد! شما دستور فرمودید آقای دکتر مخبر هم دستور دادند، ما ساختمانهایی را داریم پیدا میکنیم، یک ساختمان مناسب پیدا کردیم که انشاءالله با دستور شما بین بنیاد مستضعفان و دولت می‌تواند حل و فصل شود.

آقای فتاح هم هفته قبل مهمان من در وزارتخانه بودند و ما ساختمان نوساز را دیدیم. بنابراین در مراودات بین دولت و بنیاد اگر خروجی جلسه ما این باشد که شما دستور آن را صادر بفرمائید، انشاءالله هم معاونت گردشگری و هم ساختمان‌های پراکنده که در وزارتخانه است و باعث ایجاد مشکل در روند کارها شده است، در اینجا مستقر می‌شوند.

در مورد میراث فرهنگی مواردی را آقای دکتر دارابی اشاره کردند. کار یگان حفاظت ما خیلی مهم است، نه خودرو دارد، نه الان نیروی واجد شرایط دارد. یکی از مشکلات جدی ما با نمایندگان مجلس این است که بعضاً می‌گویند سوال می‌کنیم، استیضاح می‌کنیم، وقتی می‌رویم می‌گویند شما اینجا اینهمه امکانات میراث فرهنگی دارید، یک دفتر، یک آدم یا ماشین ندارید، گاهی برای کل استان که او برود به گنجینه‌های ما سرکشی کند! خواهش من این است با درخواستی که قبلاً هم به مدل دیگری دادیم و الان نامه جدیدی باید بنویسیم، هم در مورد نیروها، هم در مورد امین اموال‌ها، کسانی که شما با آنها صحبت کردید، امین اموال ثروت‌های هزاران میلیاردی هستند.

وزارتخانه به لحاظ حقوق و دستمزد فقیر است، ولی بدون تردید از بزرگترین گنجینه جمهوری اسلامی داریم حفاظت و صیانت می‌کنیم. هرکسی شک دارد بگوید کجا شک دارد؟! با این امکاناتی که شما می‌بینید. در زمینه سیستم دوربین، خودرو، امین اموال مشکل داریم که انشاءالله آقای دکتر لطیفی باید با ما همکاری داشته باشند.

در حوزه صنایع دستی خانم دکتر جلالی اشاره کردند، من از شما سپاسگزاری میکنم در جلسه ای که هفته قبل در خدمت شما بودم برای بیمه ۱۰ هزار نفر از فعالان صنایع دستی دستور دادید. من این را خبری نکردم برای امروز گذاشتم که بعد از اینکه می‌روید این خبر بسیار خوبی برای فعالان صنایع دستی باشد.

که با دستور شما ۱۰ هزار نفر از این عزیزان که مُر اقتصاد مقاومتی صنایع دستی است. اگر دنیا با ما قطع رابطه کند ما باید با صنایع دستی خودمان زندگی کنیم، همانطور که پیشینیان ما از هزاران سال پیش زندگی می‌کردند. این امکان امروز وجود دارد که هر خانه یک کارگاه شود، این شعار جدید معاونت صنایع دستی ما است.

بنابراین اکثر اینها که خانم‌ها هستند و بخش زیادی از آنها سرپرست خانواده هستند، اگر اینها مشکل بیمه داشته باشند واقعاً شایسته نیست که دستور فرمودید و من تشکر می‌کنم.

جایگاه ریاست جمهوری که برآمده از آرای مستقیم مردم است، مسائل انسجام ملی، وحدت ملی اولین کسی که بعد از رهبر معظم انقلاب در یک جایگاه فوق

تصور این مأموریت را برعهده دارند، اما رئیس جمهور از هر کس دیگری در جمهوری اسلامی نسبت به این مسئله شایسته تر است. میراث فرهنگی ما بهترین ابزار برای تقویت انسجام ملی است. تا حالا دوقطبی ها را تبلیغ می کردند، ما نگاه مترقی شما را می دانیم.

کتاب خدمات متقابل ایران و اسلام شهید مطهری در این زمینه محجور بوده، عمداً این کتاب را محجور کردند که یک دوقطبی بین ایران باستان و ایران پس از اسلام یا ایران بعد از انقلاب ایجاد کنند و یک عده نان بخورند. شما امروز دیدید چقدر پیشینه های توحیدی و تمدن ارزشمندی در گذشته این کشور وجود دارد و به قول شهید مطهری ما با این پیشینه بود که درها را باز کردیم،

اصلاً ما با سپاه اسلام ن جنگیدیم، آقای مطهری به صراحت می گوید هر طور که حساب کنید، سپاه اسلام نمی توانست به حساب ظاهری ایران را شکست بدهد، نه به لحاظ عده، نه به لحاظ عُدّه، نه به لحاظ قدرت ایمان، چون اگر قدرت ایمان هم بالا بود، کلاً سپاه ایران ۵۰ هزار بیشتر نبود و ما نیمی از دنیا را در اختیار داشتیم.

شهید مطهری می گوید پدران ما موحد بودند، طرفدار عدالت بودند، مرزها را باز کردند، اسلام را در آغوش گرفتند و به تعبیر شهید مطهری خدمتی که ایران به اسلام کرده، یک صدم آن را عرب ها به اسلام نکردند.

شما بخشی از آن را در اینجا شاهد بودید، شما بهترین کسی هستید، تصویر آثاری که ما نصب کردیم، این قلعه اسفراین است. آن جمله معروف رهبری است، رهبری سال ها پیش تشریف بردند، می گویند قلعه ای نزدیک اسفراین است که شبیه بنای معروف ارگ بزم است، چرا کسی اینجا نمی آید؟ چرا معرفی نشده؟ من عمداً این فرمایش رهبری را گرفتم چون این تصویر بعداً مشهور می شود.

خیال می کنند ارگ بزم است، نه ارگ بزم نیست. اما این قلعه برای خودش جایگاهی دارد، الان توریست های خارجی می آیند توان معرفی نداشتیم، انشاء الله با هدایت و حمایت شما و بخصوص بحث موزه ها که آخرین درخواست من از شما است، من می دانم دولت توان اینکه در برنامه ۵ ساله بعدی یک بودجه عظیمی

برای یک موزه بزرگ ملی بگذارد که اگر سال ۱۳۱۶ اینجا راه‌اندازی شده است، برای همین دارد سرویس می‌دهد.

با این همه مخازنی که گنجینه ما اینجا انبار شده است، نگاه حضرت‌تعالی هم خیلی مثبت بود و من از شما سپاسگزاری می‌کنم.

انشاءالله ما بتوانیم ساختمانی که موسوم به کتابخانه ملی است و سال‌ها است که تخلیه شده و در یک محل بسیار گسترده و مناسب دیگری مستقر شدند و اینجا خالی است را در اختیار طرح و توسعه موزه ملی قرار بدهیم.

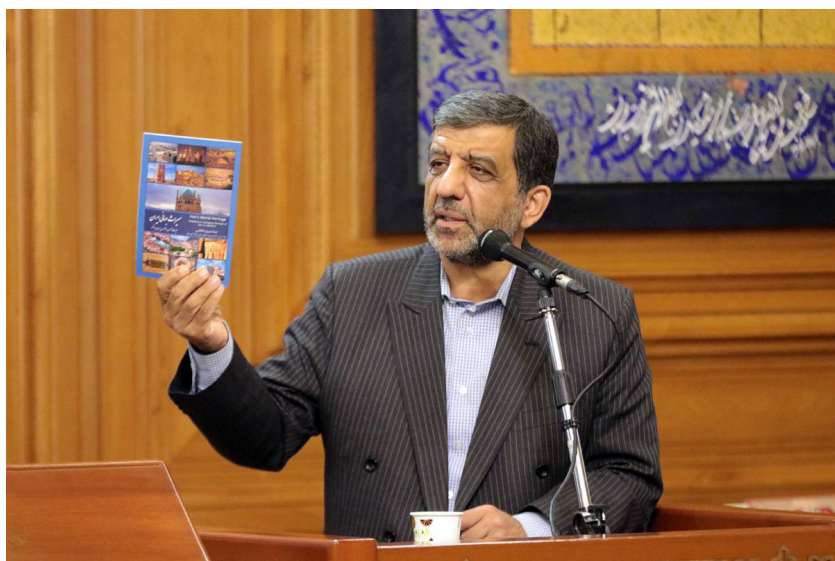
میدان را اگر ملاحظه کنید، اگر آن مصوبه کمیسیون که الان اگر به سرعت در دولت تصویب شده است، خدمتی که شما به میراث فرهنگی کردید، در طول این ۴۳ سال اصلاً قابل مقایسه با دیگران نیست و فکر نکنم تا سال‌های دور و آینده کسی بتواند چنین کاری برای میراث فرهنگی بکند که واقعاً از هر لحاظ همانطور که فرمودید منطقی و استدلال دارد و این کارها باید انجام بشود.

حدود ۸۰ درصد مدیران ما در این جلسه هستند مدیرانی هستند که با دولت شما آمدند و به سیاست‌های دولت شما اعتقاد دارند، دوستانی هم که از قبل تشریف دارند مدیران شایسته‌ای هستند. که من بنابر توصیه حضرت‌تعالی که نیروهای شایسته و خدمتگزار باید فعالیت و خدمت کنند، نیروهای وفادار، متعهد و علاقمند به شما هستند.

انشاءالله این وزارتخانه منسجم و تخصصی بتواند نسبت به گذشته که واقعاً یک وزارتخانه درجه ۲ بوده، همیشه در حاشیه بوده ولی خیلی می‌تواند کمک کند.

من در مورد گردشگری معتمد، گردشگری ما در طول این سال‌ها بیمار بوده، ولی بیماری که از روی تخت بلند شود می‌تواند جان خیلی از بیماران دیگر را نجات بدهد. به لحاظ اقتصادی، فرهنگی و حتی سیاسی و امنیتی، انشاءالله با حمایت و پشتیبانی شما این وزارتخانه بتواند به صورت جهش‌وار به یاری امام زمان (عج) عقب‌ماندگی‌های گذشته را جبران کند.

نود و چهارمین جلسه علنی شورای اسلامی شهر تهران



صحن شورای شهر تهران - ۱۴۰۱/۰۷/۱۲

بسم الله الرحمن الرحيم

خدمت اعضای محترم سلام عرض می‌کنم، توفیقی برای بنده است، از شورای محترم شهر تهران تشکر می‌کنم که بنده و همکارانم را به صحن شورا دعوت کردید تا چند دقیقه با هم گفت‌وگو داشته باشیم فرصت بسیار مغتنمی است بسیار سپاسگزاری می‌کنم از برادر عزیزمان آقای مهندس چمران که این توفیق را برای بنده فراهم کردند.

ما حداقل سه هفته داریم؛ هفته میراث فرهنگی، هفته گردشگری و هفته صنایع دستی. همه این‌ها فرصت‌های خوبی است تا بعضی از حوزه‌های کاری خودمان را با شورای شهر تهران مرور کنیم. حالا در میراث فرهنگی که موضوعات مهمی هم هست و آقای مهندس اشاره فرمودند، کارهایی را با هم شروع کرده‌ایم، همکاری‌هایی را در چهارچوب قانونی خودمان انجام داده‌ایم،

انشالله تداوم هم می‌دهیم. اما در مورد گردشگری که هفته گردشگری را هم دیروز با اختتامیه‌ای که برگزار شد به پایان بردیم حرف زیاد است و زمینه همکاری فراوان است.

من دو سه نکته را خدمت شما عرض می‌کنم. اگر لازم شد همکاران من که خدمت شما رسیده‌اند آقای دکتر شالبافیان معاون گردشگری وزارتخانه، آقای دکتر جانفشان مدیرکل استان تهران و سرکار خانم دکتر قیومی مشاور پیگیری‌های ویژه وزارتخانه که خدمت شما رسیده‌ایم. اگر لازم شد من می‌ایستم یا مطرح می‌کنند یا در خدمت شما برای هماهنگی‌های بعدی که پیگیری بشود هستم.

دو سه نکته مهم عرض کنم. ما درددل می‌کنیم، الان دو ماه است آن چیزی که از سر و روی تهران می‌بینیم غم و سوگواری است، المان‌های مربوط به عزاداری

است. درست هم هست ما یک مقطعی محرم را داریم و بعد ادامه پیدا می‌کند، بنرها می‌ماند و بعد وارد اربعین می‌شویم، اربعین هم قبل و بعد دارد. همین الان که می‌آمدیم در ماشین در همین خیابان انقلاب با همکاران بودیم، گفتم ببینید هنوز این بنر بزرگ در پل هوایی که یک بنر عزاداری مربوط به شعارهای نهضت اباعبدالله است با تصاویر سیاه هنوز هست، حالا قرارداد بوده، ما الان وارد فضای شادی شده‌ایم دو روز دیگر وارد ایام فاطمیه می‌شویم، مردم در تهران یک مقدار شادی می‌خواهند، حال آن‌ها باید عوض شود.

شما تابلوها را یک دور نگاه کنید، من می‌خواهم راجع به کار خودم بگویم. شما اگر امروز یک سهمیه بدهید و بگویید تابلوهای تهران و بنرهایی که در تهران است امکان تبلیغاتی اگر هست ما یک سهمیه برای معرفی مناطق گردشگری می‌دهیم، برای معرفی نقاط دیدنی کمک می‌کنیم، ما فایل‌های متعدد با اطلاعات جامع و کامل در اختیار شما قرار می‌دهیم.

مردم در تهران که از این طرف به آن طرف می‌روند ببینند چه ظرفیت‌هایی دارد، روح آن‌ها هم تازه می‌شود و نشاط بیش‌تری پیدا می‌کنند. این را ما نداریم، کلاً در سطح شهر تهران نداریم، حالا در یک مناطق خاص که می‌رویم مثلاً بازار است بعضی جاها تابلوهایی کوچک که با همکاری‌های قدیم بوده یک دانه حروف کوچک نوشته شده که مثلاً این‌جا به این مسجد هم می‌رسید.

آن‌ها هم باید گسترش پیدا کند و تبلیغات وسیع انجام بگیرد. امروز یکی از کارهایی که کردیم یک کتابی را امروز قرار شد به تعداد توزیع کنند، ما یک کتاب فقط برای تهران چاپ کردیم چون نتیجه آن خوب بود الان برای همه شهرهای بزرگ الگو شده است. یعنی جاهای دیگر هم از ما خواسته‌اند و دارند نمونه کار تهران را انجام می‌دهند.

من در دولت این را توزیع کردم، بعضی از وزرا این را دست گرفتند، مثل آقای دکتر سجادی، به من می‌گفت فلانی من در کل جلسه دولت نصف این را خواندم، از بس برای من جالب بود، چون احساس می‌کردم در تهران این همه مراکز دیدنی و تاریخی و مسیرهای گردشگری است که ما که یک عمر در تهران زندگی کرده‌ایم اصلاً خبر نداریم.

از جمله کارهایی که شده؛ هشت تا مسیر در این کتاب طراحی شده برای اینکه کسی از یک طرف به طرف دیگری نرود و وقت او تلف شود، مسیر را که راه می‌افتد می‌تواند ده‌ها اثر تاریخی و تفریحی را ببیند. البته ایشان که می‌گویند نصف آن را خواندم حواسش به مصوبات و بحث‌ها هم هست، مثل شما که نشست‌اید و حواستان است و دوتا کار را هم انجام می‌دهید.

معمولاً در جلسات مشابه دولت، شورای انقلاب فرهنگی و شورای مجازی کارتابل‌هایی هست. خوب این کار برای این‌جا انجام شده است، کارهای دیگری که کردیم ما ۲۶ اثر جهانی داریم که دنیا می‌شناسد، امروز اگر از شما درباره این ۲۶ اثر جهانی که دنیا می‌شناسد سوال کنند شما ۵ تا را نام ببرید، واقعاً ممکن است که نتوانید.

این‌ها همه معجزات تمدنی ایران بزرگ است که همه مایه افتخار ما است. اخیراً خدمت آقای رییس‌جمهور یک نسخه از این را دادم، خیلی این کار را تشویق کردند، گفتم آقای ریسی هر رییس‌جمهوری باید این ۲۶ تا را بداند، آن ۱۷ تا ثبت جهانی ناملموس را باید بداند، اصلاً رییس‌جمهور باید حفظ باشد، این‌ها تمدن و پیشینه ما است. در تهران کسانی که با مردم در خیابان‌ها می‌روند، یک دانه از عکس‌های پاسارگاد را دیده‌اند؟

مسجد اردبیل و اصفهان و نقاط دیدنی ما را از سلطانیه تا نظام آبی شوشتر که یک معجزه بزرگ هیدرولیک است، اگر نرفته‌اید ببینید یک سر بروید به محض اینکه از ماشین پیاده می‌شوید عظمت این نظام آبی را که می‌بینید واقعاً تعجب می‌کنید از همه جای دنیا می‌آیند و نگاه می‌کنند.

خب ما یک عکسی در تهران نداریم که بچه‌هایی که رد می‌شوند بگویند چنین جایی در تهران است. بنابراین من روی تبلیغات و تابلوهای تبلیغاتی تا صورت‌های دیگری که تابلوهای الکترونیکی و دیجیتال است. در حوزه حمل و نقل تهران نمای گردشگری ندارد، من چند مرتبه از دوستانمان در شهرداری تقاضا کردم و گفتم چنین برنامه‌هایی داریم.

روایتگری که می‌کنیم متناسب با تورهایی باشد که مثلاً برای نوجوانان می‌گذارید. برای این‌ها باید ما ویژه روایتگر تربیت کنیم، خود شما هم کمک

کنید. تهران آنقدر بزرگ و مهم و پر موضوع است که هر چه در این حوزه کار کنیم کم است. خواهش من این است که یک حساب ویژه روی گردشگری باز کنید، از من و از وزارتخانه مطالبه کنید، بگویید ما این کارها را کردیم و شما باید این کارها را انجام دهید، ما در خدمت شما هستیم.

یعنی اگر دفعه بعد من به عنوان پاسخگو آمدم آن جاهایی که شما زحمت کشیدید و جلو رفته‌اید حالا من توضیح بدهم که چقدر توانسته‌ام با شما همکاری کنم. امیدوارم که ان‌شالله با یک همفکری و همکاری، همه با هم همدل هستیم و تحلیل ما راجع به جامعه خودمان درست است و طرفدار انقلاب و ولایت و ارزش‌های اصیل انقلابی هستیم، امروز مملکت به لحاظ سیاسی یک دست شده است اگر یک دست شده، مزایای یک دست شدن را مغتنم بدانیم و استفاده کنیم، اگر نکنیم همین بین خودمان دوباره دعواها و فراکسیون‌ها و درگیری‌ها شروع می‌شود، بعد می‌بینیم به هیچ جا نرسیده‌ایم.

بارها دیده‌اید رهبر معظم انقلاب در مورد همین راهپیمایی غدیر که شما خیلی زحمت کشیدید چندین بار این را به رخ مردم خودمان و دنیا کشیده‌اند، همین دیروز هم دوباره کلی اشاره فرمودند، چرا؟ برای اینکه یک مراسمی به عنوان عید غدیر و تفریح و نشاط و عید گذاشته‌اید و همه جور مردم آمده‌اند، از زن‌های بدحجاب آمده‌اند. چون خانه ما مرکز این راهپیمایی و میدان ولیعصر است، مسیرهای زیادی را رفت و برگشت رفتیم، حتی نوجوانانی بودند که روسری آن‌ها افتاده بود، حداقل با من سلام و علیک می‌کردند و بعد هم روسری خود را جلوتر می‌آوردند و می‌گفتند و می‌خندیدند و شاد بودند.

اما حول یک محور دینی و ارزشی و رهبری بارها به این اشاره کرده‌اند که ببینید مردم با هر ظاهری کنار یکدیگر هستند و همدل و همفکر هستند. ان‌شالله ما از این همدلی سیاسی و فرهنگی استفاده کنیم، هر جا اختلاف دید، در جهان‌بینی داشتیم کمی با یکدیگر صحبت و رفع و رجوع کنیم، ان‌شالله تهران را بهشت ایران قرار دهیم، یعنی اگر این‌جا خیابان بهشت است واقعا تهران با وجود این همه شخصیت‌های برجسته، ان‌شالله می‌تواند یک بهشت واقعی بشود و به آن افتخار کنیم.

آیین بزرگداشت سید جمال الدین اسدآبادی



همدان، ۱۴۰۱/۱۲/۱۸

بسم الله الرحمن الرحيم

سلام. خیلی خوشحالم که امروز در دیار سید جمال اسدآبادی هستم. سید جمال همچون نگینی در پهنای ایران می‌درخشد و در همه جای دنیا افتخار آفرین است، اگر سیدجمال مرد ایجاد وحدت در بین مردم و جهان اسلام بود که هست، امروز اگر بود چه می‌کرد. شاید تفاوت امام بزرگوار با سید جمال این بود که امام تمرکز را روی مردم گذاشت و نتیجه گرفت سیدجمال بعداً متوجه شد بخشی از عمرش را به خاطر این خطای راهبردی تلف کرد.

حکومت اسلامی و در راس، حکومت ولی فقیه عادل، مدیر و مدبر داریم و رهنمودهای ایشان در کنار رهنمودهای امام، موقعیت را متفاوت می‌کند با موقعیتی که سیدجمال در آن می‌زیسته.

اگر می‌خواهیم راه سیدجمال را ادامه بدهیم باید در داخل آحاد مردم ایران وحدت ایجاد کرد؛ سخنرانی نیست که رهبر معظم انقلاب در این مورد تذکر و هشدار ندهند به کسانی که بیخود و بی‌جهت تفرقه افکنی می‌کنند.

وحدت اقتضائات دارد و فقط شعار نیست، بر اساس اقتضائات باید وحدت شکل بگیرد، یک جاهایی باید کوتاه بیایید یک جایی مصلحت را ببینید چون اصل وحدت مهم است.

حجاب معاصرت نمی‌گذارد که خیلی از بزرگان در همان زمانی که هستند ارزش و اعتبارشان درک شود، زمان می‌گذرد و در قرون و اعصار بعد می‌فهمند سیدجمال چه آدمی بوده که در بین نخبگان تاریخ این را داریم که به آن حجاب معاصرت می‌گویند.

کسی که بخواهد تحول ایجاد کند مثل این مرد بزرگ سختی‌هایش را باید تحمل کند، راه سنگلاخ است و هموار نیست بعدا هموار و پایدار می‌شود. اگر کسی فکر کرد همیشه برایش کف و سوت می‌زنند و تجلیل و تقدیر می‌کنند و ضمنا یک اصلاح‌گر است، یک خیال باطل است.

امام راحل بالاترین اهانت‌ها را تحمل کرد، دستگیر شد، زندان رفت و تبعید شد، اهانت‌ها را شنید تا آن مقاله نهایی که مربوط به سید هندی در مورد ایشان نوشته شد و مردم تحمل نکردند. امام همه اینها را به جان می‌خرد چون دنبال یک کار بزرگتر است.

اصلاح‌طلبی و راه تحول، آبرو می‌خواهد و باید آبرو گرو گذاشت، خیلی‌ها فکر می‌کنند اگر چند سالی آبرویی کسب کردند، آن را باید در صندوقی بگذارند و درش را ببندند و بگویند بگذارید این آبرو را تا آخر عمر حفظ کنیم.

آن آبرویی که خدا به شما داده باید خرج کنی، برخی محترک آبرو هستند، احتکار فقط در چند کیسه برنج نیست، آنکه خدا بهش آبرو داده نباید آبرو را احتکار کند و آنجایی که لازم است بیاید میدان، آبرویش را بگذارد اگر چند تا جمله باید بگوید، بگوید.

در فتنه ۸۸ خدمت رهبر معظم انقلاب گزارش می‌دادم، صداوسیما در آن زمان پرچمدار مبارزه با فتنه بود، برخی بزرگان صاحب نام که آبرویشان را از نظام و رهبری داشتند، به خصوص در روزهای اول گفتم؛ در برنامه زنده صحبت و روشنگری کنید در مورد فتنه‌گران، بگویید قلبی در کار نبوده، بگویید، این‌ها برنامه‌ای است برای بهم ریختن کشور، برخی از آنها با صراحت گفتند می‌آییم فقط بگذارید اوضاع کمی روشن شود که به آنها گفتم اگر روشن شود کاری به شما نداریم، شما بیایید روشن کنید، شما مرد زمان‌های روشن هستید.

اینکه آبرو آنجایی که لازم است باید هزینه شود، مریم مقدس نماد این آبرو دادن برای خدا است و اولین کسانی که آن حضرت را مسخره کردند اتفاقا خودی‌ها بودند.

آن وقت امثال ماها به خاطر پست‌هایی که به خاطر خون شهدا داده شده آبرویی کسب کرده‌ایم، چرتکه بینداریم که حالا به ما چی می‌دهند، برخی

تریبون‌ها را از دست می‌دهیم و عده‌ای که خود را هوادار ما حساب می‌کنند، از دور ما پراکنده می‌شوند.

یک عده کلا دنبال سوداگری هستند؛ اما سیدجمال وقتی پای در میدان می‌گذارد آماده است که تنزه‌طلبی و مقدس مابیی را کنار بگذارد و وظیفه‌اش را انجام دهد شهید مطهری هم قهرمان همین تفکر است به ایشان گفتند چرا کتاب داستان راستان می‌نویسی، گفت نیاز بچه‌ها است آنها کتاب داستان ندارند.

امروز نیاز به حکیم و مصلح داریم، باید بدعت‌ها را کنار بگذاریم و به دنبال اسلام اصیل برویم.

امروز جامعه بیش از هر زمان دیگری نیازمند روشنگری است و باید سراغ وحدت حول ارزش‌های اسلامی و حول اسلامی که رهبری و امام به ما یاد داده‌اند، برویم و نه بر اساس آنچه که به ما تحمیل می‌کنند، باید وحدت داشته باشیم و ابتدا در جامعه خود وحدت ایجاد کنیم و سپس منادی وحدت در دنیا باشیم.

نشست رئیس قوه قضائیه با مدیران وزارت میراث فرهنگی



موزه ملی ایران، ۱۴۰۲/۰۷/۰۵

بسم الله الرحمن الرحيم

ما چون واقعاً می‌خواهیم از فرصت نهایت استفاده را بکنیم و از فرمایشات دقیق و مرتب‌طبی که معمولاً حاج آقا محسنی نسبت به مواردی که استماع می‌فرمایند، دارند، باید خیلی کوتاه به دو نکته اشاره کنم. یک بخش کار ما معاونت صنایع دستی است البته خانم دکتر جلالی تشریف ندارند و سفر خارج هستند، من فقط یک جمله راجع به اهمیت کار ایشان عرض کنم.

صنایع دستی مصداق اقتصاد مقاومتی است. بخش زیادی را خانم‌ها انجام می‌دهند، هم هنر است و هم صنعت و بسیاری از آسیب‌های اجتماعی که در کشور دیده می‌شود اتفاقاً با فعال شدن صنایع دستی که شعار ما «هر خانه یک کارگاه است» مرتفع می‌شوند.

حضرتعالی مستحضرید نزدیک‌ترین هنر در کشور به فرهنگ، تمدن، دین، سبک زندگی، رفتار اسلامی در بین همه هنرهایی که من مسئولیت داشتم، هنرهای سنتی و صنایع دستی است. یعنی عین زندگی دینی و رفتار اصیل ایرانی است. مستحضرید یکسان‌سازی یکی از جدی‌ترین راهبردهای غربی‌ها است که با استفاده از تکنولوژی‌های جدید دنبال تحمیل یک رفتار واحد بر دنیا هستند.

امروزه خیلی راجع به آن بحث می‌کنند، آن چیزی که می‌تواند جلوی پیش‌پاستگی صنایع دستی است که فرهنگ را حفظ می‌کند. ضمن این‌که به لحاظ اقتصادی هم اگر خوب برنامه‌ریزی بشود که ما هم اقدامات زیادی کرده‌ایم، چون خانم دکتر جلالی هم دیگر نیستند، گزارشش داده نمی‌شود.

بین فرمایشاتی که بعضی از دوستان کرده‌اند، اولاً عذرخواهی می‌کنم از بعضی همکارانمان که اصرار داشتند در حوزه‌شان دو جمله بگویند، چون می‌خواهیم بیشتر از حاج آقا استفاده کنیم. یک جمله راجع به گردشگری عرض می‌کنم، حاج آقا کشور درآمد ندارد. امروز حضرتعالی بهتر از من می‌دانید گردشگری باید

و می‌تواند جای درآمدهای سنتی ما را بگیرد.

حتماً باید گردشگری جای نفت بنشیند، تردیدی نیست حضرت آقا بارها فرموده‌اند کاملاً هم روشن است چون ما بضاعتش را داریم. از گردشگری فرهنگی و تاریخی تا گردشگری سلامت، گردشگری‌های طبیعت همه این‌ها که به محضرتان یک نظر مشورتی داده بودم.

حداقل ۱۵ نوع گردشگری است که همه آن در ایران در بالاترین سطح ظرفیت لازم را دارد. من اگر امروز اینجا مسئولیت دارم با کمک دوستان خوب خودم باید گردشگری را به یک جایی برسانم که جای نفت را بگیرد. به لحاظ اقتصادی ظرفیت داریم و استفاده نمی‌کنیم به همین دلیل حاج آقا ما باید یک مقدار سرمایه‌گذاری کنیم، پول نداریم.

اگر مثلاً عربستان می‌آید دو تا فوتبالیست می‌آورد به این ۱۰۰ میلیون دلار، به آن ۱۰۰ میلیون دلار می‌دهد، می‌بینید که بلافاصله چندین برابر بهره اقتصادی‌اش را می‌برد. اگر قطر می‌آید یکجا ۲۰۰ میلیارد دلار فقط برای بازی‌های جام جهانی می‌گذارد، بهره‌اش را می‌برد. همه این‌ها به دنبال سرمایه‌گذاری برای حوزه گردشگری هستند. کشور در بدترین شرایط است؛ در تحریم هستیم.

ما بودجه‌ای را می‌خواهیم سرمایه‌گذاری کنیم، تأسیسات گردشگری می‌خواهد راه بیفتد، باید زیرساخت‌ها را تکمیل کنیم، جاده می‌خواهد، آب می‌خواهد، برق می‌خواهد امروز در دولت، من به شدت انتقاد کردم، برای چندمین بار از وضعیت ایران‌ها که مثل نان شب واجب است.

چهار صبح پرواز داشتیم رفتیم آنجا تا ۱۰ شب که می‌خواستیم برگردیم وقتی رفتیم به فرودگاه تا ۲:۱۵ در فرودگاه معطل بودیم یعنی ۲:۱۵ سوار شدیم. امروز صبح موقع اذان رسیدیم کفش و کلاه کردیم رفتیم دولت، حالا این مردمی که با زن و بچه آنجا هستند خودشان چه رفتاری‌هایی دارند؛ من این را در دولت مطرح کردم.

پس امروز نظام، پول ندارد. این که ما دل به تسهیلات بانکی بسته بودیم، سال اول خیلی خوب کار کردیم؛ یعنی تسهیلات بانکی خوب دادیم. آقای میرکاظمی مرتباً در گزارشاتشان مطرح کردند که بهترین عملکرد را در حوزه تبصره ۱۸ وزارت میراث فرهنگی داشته، پروژه‌هایی مثل ۱۸۰ هتل و محل اقامتی که امروز

افتتاح می‌شود با مثلاً اعتباری معادل ۹ هزار میلیارد. ولی حاج آقا این هم تقریباً خشکید. یعنی الان بانک‌ها بودجه ندارند،

صریحاً می‌گویند که تبصره ۱۸ نداریم من هر استانی که می‌روم با اینکه همین الان ده هزار پرونده آماده در بانک‌ها داریم، می‌گویند وام نمی‌توانیم بدهیم. حاج آقای محسنی چه می‌ماند برای حمایت؟ آن چیزی که الان برای ما باقی مانده آن جاهایی است که مردمی که سرمایه دارند و سرمایه‌گذارند، می‌گویند ما از شما نه پول می‌خواهیم نه تسهیلات می‌خواهیم؛ خودمان سرمایه می‌آوریم، فقط موانع را از پیش روی پای ما بردارید.

مشکلات برای ما ایجاد نکنید، خود تحریمی نکنید، صدتا ان قلت نگذارید. الان ما دنبال این هستیم که موانع را بخصوص در مورد پروژه‌ها حل کنیم. من با صراحت محضرتان عرض کنم یک جاهایی در مورد پروژه‌های بزرگ، من هم می‌توانم تصمیم بگیرم و با یک تصمیم، مانع از سر راه برداشته شود، ولی به خاطر ترس، من کلمه ترس را می‌گویم؛ به خاطر ترس از اینکه یک نگاه منفی در نظام نظارتی کشور است، انجام نمی‌شود.

البته همه‌اش هم به دستگاه قضایی مربوط نمی‌شود، متأسفانه رسانه‌های ما و جریان‌های سیاسی ما آماده‌اند همه مراکزی که دارند به کشور خدمت می‌کنند، را زخمی کنند. بچه‌ها به من می‌گویند تو این را امضا کن، واگذار بشود این مجموعه نیمه کاره است.

شما دارید می‌روید مشهد در سرخه یک مجموعه عظیمی ساخته شده، پول نیست و الان چند سالی می‌شود که رها شده است. طرف می‌آید می‌گوید آقا من حاضرم این مقدار پول به شما بدهم و این را تکمیل کنم؛ جوری هم نیست که مزایده بگذارید ۱۰۰ نفر بیایند. محاسبه می‌کنیم، می‌بینم درست است ولی جرأت نمی‌کنیم. من می‌دانم به محض اینکه این تصمیم را بگیریم ۱۰ تا گزارش می‌آید. ممکن است یک جایی هم واقعاً ما خطا کرده باشیم، لذا ترجیح می‌دهیم عبور کنیم.

کشورهای همسایه که الان رقبای ما هستند به سرعت دارند در گردشگری جلو می‌روند این مشکلات را ندارند یک نفر هست تصمیم می‌گیرد و همه با

او هماهنگ هستند.

من عذر می‌خواهم عرض طولانی شد، خواهش می‌کنم این است چون خودتان یک نگاه مترقی بسیار خوبی دارید و توانستید در این مدتی که در رأس قوه قرار گرفته‌اید، فرهنگ‌سازی کنید، در فرمایشاتتان، در رهنمودهایتان چه به ما، چه به دستگاه‌های نظارتی، بگویید که هوای گردشگری را داشته باشید، سخت‌گیری نکنید، همکاری کنید. حداقل اش این است که یک نگاه کارشناسی داشته باشند.

پیشنهادی که آقای دکتر دارابی مطرح کردند که ما درخواستمان این است مثلاً برای میراث فرهنگی یک شعبه ویژه تخصصی باشد؛ گردشگری هم همین طور، یعنی یک قاضی که آدم خوبی هم هست در کاشان به خاطر یک خانم بی‌حجابی که رفته آنجا، حالا اینها مقصر بودند یا نبودند، می‌خواهد خانه عامری‌ها را تعطیل کند. خانه عامری‌ها اولین هتل بوتیک دنیاست. (مراکز سنتی را تبدیل به هتل‌های ۵ ستاره می‌کنیم) هتل عامری‌ها اصلاً یک چیزی است برای خودش، از همه جای دنیا از ماه‌ها قبل می‌آیند، رزرو می‌کنند.

قاضی همان‌طور که گفتم راحت آنجا را پلمپ کرد، جناب آقای منتظری دادستان ورود کردند زحمت کشیدند. قاضی زیر بار نمی‌رفت توریست خارجی داشته باشیم. توریست آلمانی داشتیم چمدان‌ها دستش، در خیابان‌های کاشان می‌گشت، می‌گفت که آقا چی شد بالأخره من می‌توانم به این هتل بروم یا نه؟

در روسیه یک نشست بود آقای دشتی نماینده مجلس که رئیس فراکسیون بود از روسیه به من زنگ زدند؛ از مسکو گفت ما اینجا در جشنواره گردشگری هستیم اینجا حساسی شایع شده که ایران نروید، ایران دارد هتل‌ها را می‌بندد، دارد برخورد می‌کند.

خب اگر که یک جای تخصصی باشد در دستگاه‌های قضایی که هم خودش متخصص باشد و هم با ما هماهنگ باشد، تصمیمی که می‌گیرد یک تصمیم واقعاً مقرون به صحت خواهد بود، این در مورد بقیه مواردمان هم هست.

عذرخواهی می‌کنم عرض طولانی شد. حمایت معنوی شما مهمترین داشته ماست که انشاءالله بتوانیم به کمک این حمایت معنوی آن چیزی که وظیفه ما است

انجام دهیم.

آقای محسنی ما حتماً می‌توانیم گردشگری را چند برابر نسبت به این آمار خوبی که امروز داده می‌شود، جلو ببریم. ظرفیتش را داریم، ظرفیت بناهای تاریخی را داریم، ظرفیت طبیعت‌گردی را داریم، ظرفیت ورزشی را داریم. همه این‌ها را خداوند متعال به ما داده. یک مقدار باید مدیران ما قدرت ریسک داشته باشند، نگرانی و هراس نداشته باشند، با بخش‌های کارشناسی حوزه شما هم بتوانند مشورت کنند، هم تعامل کنند که بتوانند در این مقطع حساس انشاالله یک خدمتی برای مملکت انجام دهیم.

فصل ۶

سخنرانی سران قوا

سخنرانی رئیس جمهور در موزه ملی



موزه ملی ایران، ۱۴۰۱/۰۲/۱۲

بسم الله الرحمن الرحيم

برای بنده توفیق است که امروز در وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، خدمت آقای وزیر، معاونان و مدیران این وزارتخانه هستم. لذا هفته گردشگری را گرامی می‌داریم، جا دارد از زحمات و خدمات همه دست اندرکاران صنعت گردشگری کشور و مجموعه فعالان این حوزه صمیمانه تقدیر کنم.

با توجه به مشکلاتی که بواسطه همه‌گیری کرونا در کشور بوجود آمد، وظیفه داریم تا حمایت‌های بیشتری در این حوزه صورت بگیرد بلکه جبران مافات شود. متأسفانه در ایام کرونا افرادی که در حوزه گردشگری فعالیت داشته‌اند، بیشترین آسیب را دیده‌اند بنابراین برای جبران آن باید همت بیشتری کرد.

آنچه که از نام وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی برمی‌آید، در هر سه جهت و مأموریت محوری اش وزارتخانه مهمی است، هم به جهت میراث فرهنگی که گنجینه‌های ارزشمند فرهنگی را در اختیار دارد و باید این گنجینه‌ها را برای عصرها و نسلهای بعدی حفظ کند و هم برای شناسایی میراث فرهنگی، ثبت آن میراث فرهنگی و حتی ثبت حریم آنها تلاش شود.

گاهی هم شناسایی، ثبت و مرمت شده ولی بهره‌برداری درستی از آن انجام نشده است، یعنی میراثی‌ها می‌گویند میراث فرهنگی یا یک مجموعه میراثی نباید دچار میرایی بشود، اگر از آن استفاده نشود به مرور زمان دچار یک میرایی میشود و حیات و ادامه حیات در صورتی است که از آن درست بهره‌برداری شود، یعنی هم مرمت، هم حفظ شود و هم در معرض دید مردم قرار بگیرد و مورد استفاده قرار گیرد.

اینکه در یک مجموعه میراثی بسته شود یا قفل شود، این همان میرایی میراث فرهنگی است. میراث فرهنگی نباید از بین برود، باید در حوزه شناسایی، ثبت، مرمت و نگهداری و ادامه حیات و احیای آن تلاش شود و با نظر میراثی‌ها و کارشناسان

مربوطه به نحو مقتضی از آن بهره‌وری شود.

طبیعتاً اینجا تعیین حریم برای میراث فرهنگی مهم است، یکی از نکات محوری که مورد توجه است، در واقع وجه مشترک و منافع مشترک بین مردم و میراث فرهنگی، نقطه حریم است. در اینجا منفعت شما شخصی نیست، منفعت شما سازمانی، اداری و مأموریتی برای حفظ میراث است، منفعت مردم هم کسب و کار، خانه و زندگی آنها است و حالا چطور بین حفظ یک مسئله میراثی، با اینکه مردم از منافع خودشان باز داشته نشوند، جمع ایجاد کنیم؟ اگر خانه یا کسب و کار دارد، بتواند از آنها استفاده کنند. این از سختی‌های کار مجموعه شما است که بین این دو امر یعنی هم میراث حفظ و هم حریم مشخص شود که تا چه شعاعی است.

اگر این شعاع حفظ شود مردم می‌توانند به زندگی شان برسند. در سفرهایی که ما داشتیم مهندس ضرغامی بسیار فعال بودند البته ایشان به ۸۱ شهر سفر کردند که این خیلی خوب است. تعیین حریم برای میراث فرهنگی از کارهای مهمی است که هم در جهت بهبود زندگی مردم، هم در جهت حفظ میراث فرهنگی آنها ارزشمند است.

حفظ این تعادل یک مقدار سخت است اما به نظرم با نگاه خوبی که امروز هست، این کار قابل حل است و بعضی شهرها هم خوب حل شده است که هم حریم میراث حفظ شود و هم مردم بتوانند از آنها بهره‌برند.

همچنین باید از یگان حفاظت میراث فرهنگی و همکاران آنها تقدیر کنم، یکی از یگان‌هایی که ضرورت آن قطعی است، یگان حفاظت وزارت میراث فرهنگی است که باید این میراث گرانقدر را حفظ کند. گنجینه‌ها مربوط به پیشینیان است، باید آنها را حفظ کنیم، ارتقا بدهیم و حتی احیاء کنیم و به نسل بعدی بسپاریم.

منتها اگر برای هر کدام از این میراث بخواهد نیرویی جذب بشود، یک نیروی عظیمی خواهد بود، اینجا به نظرم باید از مردم استفاده کرد، مشارکت، جلب و جذب مردم برای کمک کردن به منظور حفظ میراث فرهنگی امر مهمی است.

یکی از مأموریت‌های وزارت میراث فرهنگی، ایجاد ساز و کار مناسب برای میدان دادن به مردم و بخش خصوصی، برای مراقبت، حفاظت و نظارت از میراث فرهنگی است.

با توجه به میزان ثبت آثار ملی که انجام شده، حفاظت از آنها بسیار مهم است، موزه‌ها بسیار مهم هستند، ما یک نگاه اجمالی به بعضی از آثار کردیم، آثار گرانقدری که به ۶، ۵ هزار سال قبل ۳، ۴ هزار سال قبل برمی‌گردد، به ایام نزدیک به ۵۰۰ سال و ۲۰۰ سال قبل برمی‌گردد، اینها باید حفظ شود و در معرض دید قرار بگیرد، توسعه موزه‌ها به نظرم کار خوبی است که در دستور کار وزارت میراث قرار گرفته است، حفظ و نگهداری آن در انبارها کار خوبی است ولی باید در معرض دید قرار بگیرد.

این آثار هر کدام، تاریخ ملت، فرهنگ و تمدن ما است، خصوصاً برای نسل جدید که باید از نزدیک شاهد آثار پیشینیان و فرهنگ و تمدن ایران باشند.

در ملاقات‌هایی که با رؤسای کشورهای خارجی داریم، از ابتدا هر کدام از آنها می‌گویند ما می‌دانیم ملت شما ملت متمدنی است و پیشینه‌ای قوی دارد و تمدن شما در کنار دیگر تمدن‌های دنیا مانند روم، هند و چین و مصر، تمدن کهن و دارای سخن است و در واقع یک تاریخ و کتاب است؛ این باید در معرض دید قرار بگیرد، یک بخش در انبار است که از آنها نگهداری می‌شود باید در مورد نگهداری از شما تشکر کرد ولی باید در معرض دید قرار بگیرد و بچه‌ها روی آنها تحقیق بکنند و پایان‌نامه بنویسند، پایان‌نامه تحصیلات تکمیلی و دکتری بشود، پژوهش‌هایی انجام شود، این آثار تاریخی زمینه تحقیقات دانشگاهی و پژوهشگاهی است.

در بخش ثبت آثار میراث فرهنگی که افزایش هم داشته است و آقای دارابی به آن اشاره کردند بسیار خوب عمل شده است. نشست با نخبگان و پیشکسوتان یکی از جلوه‌های «وَقَرُّوا كِبَارَكُمْ» که امیرالمومنین (ع) به مالک می‌فرماید همین است، نشستی که آقای ضرغامی از پیشکسوتان دعوت می‌کنند و حرف‌ها و دیدگاه آنها را می‌شنوند، این از جلوه‌های دولت مردمی است، این‌ها مردم هستند و پیشکسوت و صاحب نظر هستند و باید تحویل گرفته شوند و این کار مهمی است.

رساندن عدد موزه‌ها به عدد هزار که اشاره کردند، دور از ذهن نیست، هم آثار موجود است و هم همت آن، انشاءالله امکانات مالی آن نیز پیگیری و فراهم می‌شود تا مشکلی از این جهت نباشد. در آثار فرهنگی و در موزه‌ها، روایت‌گری

بسیار مهم است. گاهی گذر ما هم به بعضی از مراکز می افتد و سر می زنیم، می فهمیم نقش روایت گری در این چقدر اهمیت دارد.

هم تسلط روایت گر و هم بیان نکته های مورد نظر و محوری که نشان دهنده ماهیت میراث فرهنگی است. خود میراث که یک خاک و آجری و گچی است ولی باید گفت اساس قضیه نیاز به متنهایی دارد، آقای دارابی باید متنها را به دست روایت گر بدهید، روایت گر مثل گذشته روایت گری نکند، مانند اینکه اصلاح حضرت این لباس را در چه تاریخی می پوشیدند! حال چه ربطی دارد؟ چه اتفاقی در عالم می افتد اگر این تاریخ را بدانیم؟! یا کدام پادشاه چه کرد؟ یعنی چه آثار تربیتی و فرهنگی در جامعه دارد؟

یعنی روایت گرها بعضی چیزها را در جامعه می گویند ولی چه چیزی نصیب بیننده و شنونده میشود؟ موزه باید به عنوان یک کلاس درس باشد و اینجا مانند یک مدرسه است، وقتی فرد وارد اینجا می شود باید در سها بیاموزد، حالا در یک نگاه چند دقیقه ای اطلاعات زیادی کسب کند و در سهای زیادی بیاموزد؛

اینکه چه گذشته است و دوم اینکه چند نکته بیاموزد، انتقال نکات آموزشی، انتقال فرهنگی است که می تواند انجام بشود و این کار روایت گر را سخت میکند. باید متنهای خوبی آماده کرد و به او داد تا با زبان خوب بیان کند و آدم در آن چند دقیقه احساس کند وقتی نگاه میکند، این نگاه کردن یک آورده ای دارد و گرنه تنها قاری قرآن با آن صوت زیبا و با آن ابتکار که اول ترجمه را گفتند و بعد آیات شریفه را خواندند، فرمودند: «سَبِّرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا»

و نظرو نظر همراه با تفکر و اندیشه است، نه اینکه سیر کند، با ماشینی که آقای صوفی به آدم می دهد، نگاه کند و برود و دوری بزند! نه اینکه نظرو اتفاق نمی افتد، «سَبِّرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا» همیشه نظرو در قرآن همراه تفکر اندیشه و تدبیر است، همینطوری نیست که نگاه کنیم و برویم، نگاه همراه با تفکر باشد.

چه بکنیم که این نگاه همراه با تفکر پیش بیاید؟ ما باید زمینه آن را فراهم کنیم، یعنی آقای دارابی یک متن به روایت گر می دهد که او را به یک تفکری وادارد. ما رئیسعلی دلواری رفتیم، آقای روایت گر لباس می پوشد و همان ابتدا یک حرکتی میکند که جلب توجه میکند و این جلب توجه باعث میشود که فرد

را به این موزه بیاورد، این جلب توجه از این جهت خیلی مهم است و فرد به صحبت‌های او توجه می‌کند.

لذا من روی روایت گری تأکید می‌کنم، روایت گری همراه انتقال مفاهیم عالی فرهنگی که از پیشینیان به ارث رسیده است و این را باید منتقل کرد. نسبت به حوزه گردشگری که صنعت گردشگری، اقتصاد گردشگری که همراه خودش هم اقتصاد و هم فرهنگ دارد، گردشگری در کشور ما هم بار فرهنگی عظیمی دارد و هم طبیعتاً همراه خودش اشتغال و اقتصاد دارد، اقتصاد گردشگری اقتصاد مهمی است و باید روی آن حساب باز کرد.

مثلاً قبل از همه گیری کرونا ۹ میلیون نفر گردشگر داشتیم، حالا اگر بتوانیم تعداد گردشگران را به ۱۵ میلیون نفر برسانم خیلی خوب است و بعد بیشتر شود متها باید زمینه‌های آن را فراهم کرد، یعنی کنار گردشگری باید اتفاقات دیگری هم بیفتد. من معتقدم گردشگری خانواده محور بسیار قابل توجه و نکته مهمی است. پیگیری برای لغو روادید خوب است و می‌تواند رفت و آمد را تسهیل کند، چون امسال در اربعین حسینی وقتی با آقای کاظمی صحبت کردم، ایشان گفت برای مراسم عرفه مشکلی نداریم، برای اربعین روادید را برمی‌داریم و این کار را کردند، نسبت به برخی اتباع مشکل داشتیم و مسئله آنها را حل کردند و این کار را تسهیل کردند.

لغو روادید نکته مهم و مورد توجه است که شما آن را دنبال خواهید کرد. باید به افرادی که می‌خواهند در صنعت گردشگری سرمایه گذاری کنند در عمل میدان داد و نسبت به تهیه زمین و انشعاب حمایت جدی کرد تا این افراد و سرمایه گذاران بتوانند به سهولت سرمایه گذاری کنند.

مثلاً فرد می‌خواهد هتل بسازد در جایی که شما احساس می‌کنید ضرورت دارد، او باید احساس کند به راحتی می‌تواند این کار را انجام بدهد و اگر مشکلی دارد سریع سراغ شما بیاید و بگوید فلان شخص مانع ایجاد کرده و مجوز می‌خواهد، یا فلان شخص از من رابطه و رشوه می‌خواهد، ما باید روند و فرآیند سرمایه گذاری در صنعت گردشگری را اصلاح کنیم، تا اینکه طرف به هر مانعی برخورد سریع به شما مراجعه کند، شما هم در سیستم پیگیری کنید و مشکل آن را رفع کنید و آن را رها نکنید و بگویید از نظر ما کار تمام شده و مجوز را دادیم و بقیه کار

به ما ربطی ندارد!

به شما ربط دارد، چون شما باید از او حمایت کنید تا کار به نتیجه برسد، سیستم‌های ما مشکل دارد و شما باید این کار را منزل به منزل دنبال کنید تا به نقطه بهره برداری برسد. الان برای بخش خصوصی چه موانعی وجود دارد؟ مهندس ضرغامی پیگیری‌هایی که می‌کنند باید موانع سرمایه‌گذاری در گردشگری رفع شود و سرمایه‌گذارها با دلی آرام سرمایه‌گذاری کنند.

بودجه‌های دولتی نمی‌تواند، شما می‌خواهید یک منطقه‌ای را به کسی بدهید تا سرمایه‌گذاری کند و سود آن را ببرد و هم سرمایه او و هم منافع او تضمین شود و از منافع آن هم بتوانند استفاده کنند، منافع حلال اشکالی ندارد، کار را کرده و منفعت آن را هم ببرد، اشکالی ندارد.

میدان دادن به این افراد مهم است که بتوانند از این فضا استفاده کنند. ما مناطق ویژه‌ای داریم که اینها مناسب است، در جزایر هرمز، سفری که داشتیم، من هر گامی که برمی‌داشتم تأسف می‌خوردم، خداوند چه گنجینه و فضایی به این کشور داده است، اگر این فضا در جای دیگر دنیا بود چه کارهایی در این فضا می‌کردند! جزیره هرمز واقعا جایی است که می‌شود خیلی کارها کرد، سواحل مکران یکی از جاهایی است که برای سرمایه‌گذاری در زمینه گردشگری بسیار مناسب و مهم است.

اصلاً حضور وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی در بسیاری از این مجموعه‌ها برای حفظ بخشهایی است که سبقه گردشگری دارد، یعنی چه اشکالی دارد سرمایه‌گذاری ما چندمنظوره باشد؟ مانند بعضی از مناطق آزاد، کار مناطق آزاد تولیدی است، اما چه اشکالی دارد در این مناطق آزاد سبقه گردشگری هم مورد توجه قرار بگیرد؟ کاری نکنیم که گردشگران در این حوزه دچار مشکل شوند، یعنی نگاه‌های گردشگری کاملاً در آن باشد.

پس ما جزیره هرمز، هنگام، سواحل مکران و جاهای دیگری داریم، ما از قول خیلی از وزرا شنیدیم که ایران چه نقاط ارزشمندی دارد، قبلی‌ها می‌گفتند و الان باید یک کار جهشی شود، اعتقاد دارم انتظار مردم از من در این دولت استفاده از تجارب پیشینیان برای انجام یک حرکت جهشی است.

یعنی در این یک سال و یا سالهای دولت، برنامه ریزی برای کار گردشگری

انجام شود. با توجه به اینکه امروز صنعت گردشگری می تواند برای اشتغال بسیار مؤثر باشد و اقتصاد گردشگری می تواند به اقتصاد کشور کمک کند و همه استانهای کشور درگیر این قضیه هستند.

طبیعت گردی، مثلاً در مورد جزیره آشوراده در گلستان که بین محیط زیست و میراث بسیار اختلاف است، خوب آنها برای حفظ محیط زیست و میراث حتماً وظیفه خودشان را انجام بدهند، من گفتم محیط زیست نباید به محیط ایست تبدیل شود، یعنی پروژه ها و حرکت سازندگی نباید در کشور متوقف شود، لذا حتماً باید محیط زیست و میراث ها حفظ بشوند، اما به اندازه ای که میراث است.

مثلاً یک شاعر بزرگی در یک خانه ای بوده، ما خانه های کنار او را باید چه بکنیم؟ خانه ای که به خانه این شاعر چسبیده است، چه باید بکنند؟ او را آزاد کنیم، حفظ میراث فرهنگی لازم است اما این خانه را چه بکنیم؟

اینها از مسائلی است که ما باید آنها را حل کنیم. مثلاً جزیره آشوراده که رفتیم و دیدیم، جایی است که مانند آن در دنیا کم است، واقعاً تاسف خوردیم، بسیاری از کسانی که به مشهد میروند دوست دارند قبل یا بعد از زیارت به چنین تفرجگاهی بیایند، خانواده را به آنجا بیاورند و گردش کنند، حالا میگویند اسم آن طبیعت گردی یا گردشگری است، اشکالی ندارد اسمش را هر چه می خواهید بگذارید ولی بگذارید آباد شود، الان از اینجا چه استفاده ای می شود؟....

در هر شهر و هر کوی و برزنی، به نحوی که کسانی که در این صنعت صنایع دستی فعال هستند به ویژه بانوان احساس کنند کارشان مورد حمایت دولت است. اگر لازم است، تسهیلاتی به آنها پرداخت شود، کار بیمه ی کسانی که در امر صنایع دستی مبادرت دارند، از کارهای خوبی است که انجام شده و انشاءالله دنبال شود و اینها کارهای حمایتی ما است.

کار را مردم خودشان انجام می دهند، دولت مردمی یکی این است که شما به جمع مردم بروید و یکی هم اینکه مردم چه می خواهند؟ کسانی که کار صنایع دستی انجام میدهند مردم هستند، حمایت، هدایت و نظارت بر کار آنها یکی از وظایف شما است که انشاءالله با انگیزه ای که وجود دارد باید انجام شود.

حمایت از هنرمندان و بعد هم صادرات این محصولات بسیار اهمیت دارد. من به ترکمنستان سفر کردم، رئیس جمهور آنجا می گفت بسیاری از صنایع دستی در

کشور ما است ولی در خیلی از مسائل باید سراغ دیگران برویم.

بعضی از بازارها را ایجاد کردیم مثلاً به نساجی میدان دادیم و حمایت کردیم، بعد دیدیم ارزش افزوده زیادی ایجاد کرد و عددی که ایشان میگفت تا ۱۰ برابر قیمت افزایش پیدا کرده است و بعد گفت تولیدکننده های ما خیلی تشویق شدند و میل شدند این کار را چندین برابر انجام بدهند، اگر زن یا دختر یا پسر خانواده ای کار میکنند آنها مشغول شوند، همان قضیه ای که شما میگوئید هر خانه یک کارگاه، او می گفت این امر دارد تحقق پیدا می کند، که به نظرم کار ارزشمندی است.

اینکه اشاره کردید تمام دستگاه ها، بنده معتقدم تمام دستگاههای کشور برای هدیه دادن حتماً برای صنایع دستی که به دست هنرمندان ایرانی تولید می شود اولویت قائل شوند. و حتماً این را به عنوان هدیه انتخاب کنند تا کسانی که در این امر مسئولیت دارند و کار می کنند تشویق شوند.

امری که رهبری فرمودند هر کاری با فناوری و علم همراه باشد باعث اشتغال بیشتر می شود، با ارزش افزوده و ماندگاری بیشتر، هم در حوزه میراث فرهنگی، هم گردشگری و هم صنایع دستی، شرکت های دانش بنیانی که در این زمینه فعال هستند بیایند در کنار این وزارتخانه و کنار صنایع مختلف قرار بگیرند، کار شما همراه با علم و فناوری باشد و علم پایه بشود، این قیمت و ارزش کار را بالا می برد و کار را ماندگار می کند و در توسعه کار بسیار مؤثر است.

آخرین نکته، خیلی خوشحال شدیم از اقداماتی که آقای اوحدی انجام دادند و نکاتی که در ارتباط با اشتغال، کار ایثارگران و مرمت گران گفتند، نکته ای که آقای وزیر در مورد بیمه گفتند، کار خوبی بود، نسبت به وضع پرداختها و مشکلات مالی، اداری و ساختمانی که اشاره کردند، نکات درست و حقیقی است، اینها را آقای وزیر دنبال کنند و آقای اسماعیلی یادداشت کنند.

ما هر اقدامی بتوانیم حتماً در جهت اینکه بتواند مشکلات این وزارتخانه حل شود وظیفه ما است و باید حتماً انجام بدهیم.

وظیفه ما است که هر اقدامی بتوانیم در جهت حل مشکلات وزارت خانه میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی انجام دهیم. آقای اوحدی اشاره کردند فلان مسئله ۱۵ یا ۱۷ سال است که انجام نشده خواهش من این است که یک کار جهشی انجام بدهید، چه دوستانی که در این دوره مدیریت دارند و چه دوستانی که

از قبل ادامه همکاری دادند.

انتظار مردم از وزارتخانه ها و از همه دولت یک کار جهشی است، اگر همینطور عادی کار کنیم همانطور که قبلی ها رفتند، می گویند اینها هم مثل قبلی ها هستند میگویند یک چیزی می گویند، عدد و آمار هم می دهند و دولتها هم اعداد را بالا می برند، ما می خواهیم بگوییم نه، ما داعیه این را داریم که می خواهیم کار متفاوتی انجام بدهیم.

چون ما تجربه پیشینیان را داریم وقتی آقای ضرغامی با پیشکسوتان ملاقات می کند، یعنی او می خواهد تجربه همه را بگیرد، آنها تجربه کسب کردند و ما هم تجربه همه را می گیریم و وقتی تجربه آنها را گرفتیم باید گامهای بلندتری برداریم و انتظار این است که ما در ارتباط با سرمایه گذاری و حوزه گردشگری و صنایع دستی و سایر حوزه ها یک کار جهشی انجام دهیم.

من از آقای ضرغامی در رابطه با اهداف مهمی که برای وزارتخانه در سند تحول تعیین شده و البته منحصر به آن نیست، یک حرکت و یک کاری جهشی صورت بگیرد. من دیروز در دولت هم گفتم که یکی از نکات و مشکلاتی که سازمان اداری کشور به آن مبتلا است، تسویف است. یعنی سُفه سُفه کردن، امروز را فردا کردن و فردا را پس فردا کردن، انشاءالله هفته یا ماه دیگر، انشاءالله سال دیگر و بعد دوران مدیریت و مسئولیت ما تمام می شود!

حضرت آقا به همه دولتها نصیحت کردند، ایشان اولین توصیه ای که کردند این بود که بدانید زمان شما محدود است و از این زمان محدود در جهت خدمتگزاری به مردم استفاده کنید.

سخنرانی رئیس قوه قضائیه در موزه ملی



موزه ملی ایران، ۱۴۰۲/۰۷/۰۵

بسم الله الرحمن الرحيم

ابتدا ماه پر خیر و برکت ربیع الاول و پیشاپیش میلاد با سعادت خاتم الانبیا و نبی گرامی اسلام را تبریک عرض می‌کنم. این هفته به عنوان هفته وحدت نام‌گذاری شده است. اما نه تنها وحدت بین دو مذهب بلکه انشالله بین همه ما وحدت ایجاد شود و برای پیشرفت کشور از این وحدت استفاده کنیم.

هفته دفاع مقدس را گرامی می‌داریم که هر چه داریم از مجاهدت‌ها و ایثار و فداکاری شهدا، جانبازان، ایثارگران و خانواده‌های معظم آن‌ها است. امروز در این کرسی‌ها وظیفه سختی در حفظ و حراست از این ایثارگری‌ها داریم.

همین‌طور روز جهانی گردشگری را به همه شما تبریک عرض می‌کنم و از وزیر محترم تقدیر و تشکر دارم که در مدت مسئولیت خود نهایت تلاش خود را انجام می‌دهند تا از این جایگاه به کشور و ملت و اسلام کمک کنند. از همه همکاران ایشان هم تقدیر و تشکر دارم.

در جلسه‌ای خدمت دوستان گفتم، احساس من این است که این وزارتخانه را خیلی از مردم و مسئولان نمی‌شناسند. مردم از وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی چه می‌دانند؟ در این رابطه چه چیزی برای مردم و مسئولان تبیین کرده‌ایم؟

نکته دوم این است که تا سال ۱۳۹۸ اینجا یک سازمان بود و معلوم می‌شود از ابتدای انقلاب تا سال ۹۸ ارزش این کار را ندانسته‌ایم و به عنوان یک سازمان وابسته به دولت حساب می‌شد که بعد وزارتخانه شد. آیا توانسته‌ایم این وزارتخانه را در طول این مدت در تمام ابعادش معرفی کنیم؟ برداشت من این بوده که نتوانسته‌ایم به نظر می‌رسد که باید در این زمینه قدمی برداریم.

این وزارتخانه با فرهنگ، با اقتصاد، با دیپلماسی و با ارتباط ملل مختلف در دنیا چه نسبتی دارد؟ ما امروز می‌گوییم، می‌خواهیم بیش از اینکه با دولت‌ها در

ارتباط باشیم با ملت‌ها رابطه داشته باشیم. حتی در جاییکه احیاناً نمی‌توانیم با دولت‌ها ارتباط برقرار کنیم، با ملت‌هایشان در ارتباط باشیم.

این وزارتخانه با مسائل مادی و معنوی چه ارتباطی دارد؟ با دیدی که این وزارتخانه می‌تواند با سفر به سایر نقاط دنیا، به مردم خودمان بدهد و دیدی که دنیا از این کشور پیدا می‌کند. ما مدعی هستیم این کشور چند هزار سال تمدن دارد. کشوری که مدعی هستیم یک میلیون سال سابقه سکونت دارد. کشوری که مدعی هستیم در بسیاری از موضوعات تاریخی و در زمینه گردشگری و مواهب خدادادی در رتبه بالایی قرار دارد.

این وزارتخانه نسبت به فرهنگ‌سازی در سایر نقاط جهان درباره ایران چه کاری می‌تواند انجام بدهد؟ این موضوعات چقدر تبیین شده است؟ از نگاه امروز دنیا گردشگری یک «روز» دارد که برای آن برنامه‌ریزی می‌کنند، نشست‌ها می‌گذارند و ما در آن‌ها شرکت می‌کنیم. اما آیا از ظرفیت کامل این وزارتخانه استفاده کرده‌ایم و به ظرفیت کامل و لازم رسیده‌ایم؟

اگر از منظر آموزه‌های دینی و اسلامی به این موضوع نگاه کنیم، حتی اگر بخواهیم توحید را به درستی درک کنیم یکی از مسیرهای رسیدن به آن معرفت بالا سیر در افق و انفساس است. یک مسیر سیر در زمین است. اگر انسان بتواند زمان حاضر و زمان گذشته را ببیند و در آن تأمل کند معرفت دینی او چقدر بالا می‌رود؟ این وزارتخانه می‌تواند جنبه تربیتی داشته باشد.

«قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ ثُمَّ انظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ»

و آیاتی از این دست اشاره به نوعی تربیت است. اشاره به این است که ببینیم دیگران چگونه زندگی کرده‌اند و نه تنها از گذشته و نه تنها از الْمُكْذِبِينَ، بلکه حتی از متقین چگونه ملت‌ها رشد کردند و از طبقه پایین بالا آمدند؟ کشورها و امت‌ها چگونه سقوط کردند؟

اینجا، زمینه آن‌چه که ما در وزارتخانه‌های مختلف باید به دنبالشان برویم بیشتر از همه فراهم است. اینجا می‌تواند به وزارت اقتصاد کمک کند. اینجا می‌تواند به لحاظ تربیتی به وزارت آموزش و پرورش کمک کند. اینجا می‌تواند به وزارت ارشاد کمک کند. می‌تواند در دیپلماسی عمومی به وزارت امور خارجه کمک کند. اینجا می‌تواند به فرهنگ‌سازی که نیاز داریم کمک کند. ما می‌خواهیم به مردم

دنیا بگوییم ملت ایران و جمهوری اسلامی چیست و اسلام ناب کدام است؟ این وزارتخانه زمینه‌های فراوانی دارد.

سوره انعام آیه ۱۱: بگو (ای پیغمبر) که در روی زمین بگردید آن‌گاه بنگرید که عاقبت سخت آن‌ها که تکذیب کردند چگونه بود!

عرض من در یک کلام این است که باید بیش از این مطالعه و تعریف و تبیین کنیم و ببینیم ظرفیت‌های این وزارتخانه چیست؟ آنچه که باید به آن اهمیت بدهیم این است که تا گفته می‌شود گردشگری اول چیزی که به ذهن ما می‌آید جنبه اقتصادی است. این جنبه وجود دارد و محفوظ است، بسیاری از دنیا، امروز نفت و منابع آنچنانی ندارد و درآمدهای اصلی و بخش مهمی از درآمدهای اقتصادی از حوزه گردشگری است، این درست است و محفوظ و محترم است و باید توجه کرد، اما باید به جنبه‌های دیگری که این وزارتخانه باید داشته باشد نیز توجه کنیم. غیر از مسائل اقتصادی نیز می‌تواند بسیار کمک کند.

امروز زبان دیپلماسی عمومی از دیپلماسی رسمی و کلاسیک آثار بیشتری دارد. این وزارتخانه می‌تواند زمینه خوبی برای دیپلماسی عمومی فراهم کند. این وزارتخانه می‌تواند روابط بین کشورهای دوست را تقویت کند. حتی می‌تواند فاصله بین کشورهای متخاصم را نزدیک‌تر کند. بسیاری از مواقع می‌تواند شر دشمنان را دفع کند. دشمنان تبلیغات زیادی می‌کنند و رسانه می‌تواند به رسانه ملی ما کمک کند.

اگر زیرساخت‌های گردشگری را به درستی فراهم کنیم، امنیت را فراهم کنیم، لوازم رفتن به مناطق مختلف دنیا را به صورت دو طرفه فراهم کنیم، می‌توانیم موثر عمل کنیم. به طور مثال کسی از افریقای جنوبی به ایران می‌آید و می‌خواهد یک هفته تا ده روز این‌جا بماند، طبیعی است که او فرهنگ دیگری دارد؛ چگونه باید عادت کنیم و با فرهنگ او هم‌ساز شویم؟ آیا من توقع دارم این فرد در یک هفته، ده روز مثل من زندگی کند؟ به همان شکلی که من زندگی می‌کنم؟ این که نمی‌شود!

در مورد ما هم همین‌طور است، ما هم می‌خواهیم به کشوری دیگر برویم و پارا از آسیا فراتر بگذاریم آیا توقع وجود دارد، ما هم همان‌طور باشیم که آن‌ها هستند؟ نه ما جور دیگری هستیم. لباس و فرهنگ ما جور دیگری است. این که ما چطور عادت کنیم و چطور فرهنگ‌سازی کنیم، بسیار مهم است. تا این

ارتباطات برقرار نشود که نمی‌شود.

ظرفیت‌ها در این وزارتخانه زیاد است. باید زیرساخت‌های لازم را فراهم کرد. اگر می‌خواهیم کار فرهنگی یا اقتصادی یا دیپلماسی و... انجام بدهیم و خود را به دنیا معرفی کنیم و از دنیا برای دیدن اینجا بیایند و به هم نزدیک شویم، شاید بستری که در این یک وزارتخانه وجود دارد در چندین وزارتخانه دیگر هم باشد، ولی یک جا جمع نشده است.

مطلب بعدی از جهت مشکلات موجود است. من در کارتابلم دیدم که آقای مهندس ضرغامی نامه‌ای فرستاده‌اند و در بخشی از مطالبی که فرمودید آن موارد نامه را دیدم اگر همان‌ها است که هیچ و گرنه این‌ها را هم به طور مکتوب به ما منتقل کنید. اگر اشتباه نکنم ۱۴ مورد بود.

یکی از مطالبی که فرمودید این است که دستگاه‌ها طبق قانون موظف هستند که از آثار تاریخی خود حفاظت و صیانت کنند. آیا ما آماری داریم و آیا احصا شده است؟ چه اماکن تاریخی در اختیار دستگاه‌ها دیگر است؟ اگر این کار نشده است باید انجام بگیرد و ما به عنوان مدعی‌العموم و به عنوان بازرس کل کشور می‌توانیم بگوییم شما این چند ملک را دارید. کار و توصیه کلی پیش نمی‌رود. اگر لیست در دست من باشد می‌توانم بگویم قوه قضاییه این همه اماکن و ابنیه تاریخی در دستش دارد و در نگهداری از آن‌ها کوتاهی می‌کند.

در رابطه با مسئله آموزش، من با معاونت آموزشی و منابع انسانی صحبت می‌کنم؛ ایشان یا هر کسی، یک کار آموزشی مشترک بگذاریم، همایش مشترک بگذاریم. یکی دو بار تکرار کنیم. برخی از امور با یکی دو بار گفتن کافی نیست. یک بار در قانون نوشتن کافی نیست. باید جمع‌بندی بشینند و این کار را به کاری آموزشی تبدیل کنند. امروز امکانات فراوان است و لازم نیست حتماً کلاس فیزیکی تشکیل شود. می‌توان سی دی ارائه کرد و گفت مطالعه کنید.

مسئله بعدی به امکان و جاهایی مجهول‌المالک در یزد اشاره کردید اگر مواردی را سراغ دارید و یا راهی برای شناسایی سراغ دارید، اعلام کنید. اگر مجهول‌المالک باشد راحت است. اصل ۴۹ قانون اساسی را داریم و قوانینی که بر این اصل نوشته شده و مشخص است متولی‌اش کجا است. برای این قضیه دادگاه ویژه هم داریم ولی تمام این مواردی را که به نظر شما می‌رسد، نمی‌شناسیم. اینکه این

مکان مجهول‌المالک است و چون به آن نرسیده‌اند ممکن است هم خودش و هم جاهای دیگر خسارت ببیند.

مطلب دیگر این است که در ابطال بخشنامه‌ای که فرمودند به دیوان رفته و یا در مواردی که پرونده یا بر له یا بر علیه شما تشکیل می‌شود. خواهش من این است که اولاً معاونت حقوقی شما قوی برخورد کند. ما خیلی وقت‌ها می‌بینیم معاونت حقوقی‌ها نامه‌ای می‌نویسند و بعد برای توضیح حضوری نمی‌روند، پیگیری و دنبال نمی‌کنند. توصیه من این است که اگر پرونده‌ای تشکیل شده معاونت حقوقی شما قوی عمل کند.

دوم اینکه اگر کار باید به من منتقل شود قبل از مراحل نهایی منتقل کنید. در مورد خاصی که گفتید شماره بخشنامه و... را بدهید، ببینیم می‌شود یا نه؟ من قولی نمی‌دهم و باید طبق قانون عمل کنیم، اما اگر راهکاری وجود داشته باشد باید قبل از این باشد که به رأی قطعی برسد، عمل کرد. هر مقدار که مراحل نهایی می‌شود، برخورد سخت‌تر است و برگردان کار سخت‌تر است. ولی اگر در مراحل قبلی وقتی هنوز به نتیجه نرسیده و رأی نگرفته، بررسی شود. شاید بتوان گفت دقت کنیم؛ با برداشتی که از این قانون کرده‌ایم می‌توانیم برداشت دیگری هم داشته باشیم.

چه موضوعاتی در قانون اساسی ما می‌آید؟ مسائل مهم! یک اصل در راستای میراث فرهنگی در قانون اساسی آمده است. اصل ۸۳ که مربوط به این موضوع است. قانونی که در دهه اول انقلاب وجود دارد. ما سازمان بودیم و وزارت شدیم و به اهمیت این وزارتخانه پی بردیم و مسائل فرهنگی و میراث فرهنگی را شناخته‌ایم و می‌خواهیم قوانینی شفاف بنویسیم ولی این مسئله در دهه اول انقلاب مهم بود. قانون مجازات اخلاص‌گرا در نظام اقتصادی کشور که دو ماده اصلی است. ماده اول می‌گوید چه مواردی اخلاص در نظام اقتصادی کشور است.

بند دال این ماده مربوط به میراث فرهنگی است. گفته است اگر چنانچه کسانی قصد به خارج بردن میراث ملی و فرهنگی را داشته باشند، ولو خارج نکنند که من با وجود چهل سال فعالیت در قوه قضاییه چنین عبارتی را در جای دیگری ندیده‌ام، می‌گوید اگر قصد خارج کردن از کشور را داشته باشند ولو خارج

نکنند، این قاچاق است. ما در موارد دیگر هم داریم که شروع به قاچاق است ولی این بند می‌گوید قاچاق محسوب می‌شود. دهه اول انقلاب است و اهمیت مسئله معلوم می‌شود. بعد می‌گوید کل آن مال ضبط می‌شود. باز دوباره مسائل را ادامه می‌دهد.

در ماده دوم یک بند به این وزارتخانه مربوط است و می‌گوید اگر هر یک از این‌ها به قصد ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی یا مقابله با نظام جمهوری اسلامی باشد در حد افساد فی الارض و حکم آن اعدام است. باز در تنها جایی که قانون صراحتاً از مفسد فی الارض و اعدام حرف زده است، همین قانون است. البته بعد از آن و در طی سال‌های اخیر داریم ولی در آن زمان نداشتیم.

اگر مفسد فی الارض است، می‌گفت حکم افساد فی الارض. چون در مورد افساد فی الارض، در فتوا اختلاف نظر است و به همین جهت در قانون تصریح نمی‌کردند. تنها جایی که تصریح کرده است، همین جا است. در آن ماده گفته است اگر قصد ضربه به نظام را نداشته باشد و این علم را نداشته باشد، مسائل ملی و منفعت مالی است مثل قاچاق و قانون. می‌گوید از ۵ تا ۲۰ سال حکم دارد. آن زمان ما قانونی که بگوید از ۵ تا ۲۰ سال حکم دارد کم داشتیم و گفته می‌شود از این راه هر منفعتی که کسب کرده است به نفع دولت ضبط می‌شود.

عرض من این بود که ما قوانین محکمی داریم، شما این را دنبال کنید، پیگیری بکنید. کار شما است و بهتر می‌توانید متوجه شوید. اگر چنانچه ما کم گذاشته‌ایم، بیایید و به ما بگویید.

سخنرانی رئیس‌جمهور در
افتتاح همایش نمایندگان بین‌المللی گردشگری
و صنایع وابسته



سالن اجلاس سران، ۱۴۰۲/۱۱/۲۳

بسم الله الرحمن الرحيم

سلام به همه شما مهمانان خارجی و داخلی عزیز. سیر و سفر همواره مورد تاکید قرار گرفته است. سیر و سفر فقط نگاه کردن صرف نیست بلکه نگاه با مطالعه و فکر و اندیشه است. خواست اسلام آن است که انسان‌ها از احوال پیشینیان مطلع شوند. «پیامبر داستان پیشینان را برای مردم بازگو کن شاید اندیشه کنند» لیکن دستور به سیر و سفر هم همراه با نگاه، نظر و دقت و مطالعه همراه با عبرت گرفتن است.

موضوع گردشگری یکی از بحث‌های مهم در حوزه اقتصادی است و شتاب دهنده اقتصاد کشورها است. اینکه دولت‌ها نسبت به توسعه و فعال شدن گردشگری در کشورهاشان بسیار تاکید دارند برای این است که گردشگری هم پیشران اقتصادی و هم شتاب‌دهنده اقتصادی است. بنابراین توجه به گردشگری امروز به عنوان یکی از حوزه‌های اقتصادی مطرح است و به عنوان اقتصاد گردشگری از آن بحث می‌شود.

طبیعت چهار فصل زیبای ایران و هم ظرفیت‌های بسیاری است که کشور دارد. گردشگری طبیعی، گردشگری فرهنگی، نگاه به این تمدن کهن و آثار تمدنی و میراث گرانبقدر بسیار حائز اهمیت است.

اگر ما می‌خواهیم در اقتصاد تک محصولی نباشیم و فقط به نفت اتکا نکنیم یکی از حوزه‌های مهم که می‌تواند در اقتصاد مطرح باشد گردشگری است زیرا ما را از تک محصولی بودن جدا کرده و اقتصاد گردشگری و درآمد از گردشگری را فعال می‌کند.

امروز بسیاری در دنیا هستند که مایلند از کشور ما و هم طبیعت زیبا و هم آثار تمدنی ایران اسلامی دیدن کنند لیکن دشمنان با ایران‌هراسی به دنبال آن هستند

که مردم دنیا را با این علاقه‌ای که برای آمدن به ایران دارند منصرف کنند. کار مدیران و مسئولان در حوزه‌های دولت و وزرا این است که حضور گردشگران را در کشور تسهیل و آسان کنند. یکی از گام‌هایی که در دولت برداشته شده لغو روادید بوده که اخیراً نسبت به ۳۳ کشور انجام شد و آقای وزیر هم اشاره کردند و این زمینه بسیار خوبی را برای حضور گردشگران در کشور فراهم می‌کند. برخی بهانه می‌آورند و می‌گویند اگر بخواهیم گردشگری فعال شود باید نسبت به یکسری اصول و مبانی تجدیدنظر کنیم، این حرف نادرستی است. با حفظ اصول امروز جاذبه‌ها در ایران اسلامی به میزانی است که بسیاری از گردشگران را به خود جذب می‌کند.

کسی که به ایران می‌آید برایش اهمیت دارد که از لحظه ورود که در فرودگاه آغاز می‌شود تا محل اسکان و محل‌هایی که مورد نظر او برای گردش کردن و سر زدن به مناطق و مراکز مختلف است، بسیار آسان رفت و آمد کند و مانعی وجود نداشته باشد تا با آرامش به کشورش بازگردد.

وقتی به کشورش بازگشت، بگوید «بسیار به ما خوش گذشت و توانستیم به همه اهداف خودمان در گردشگری برسیم و اگر فرصت بعدی ایجاد شود می‌خواهم همین سفر را تکرار بکنم و به مراکزی بروم که نتوانستم به آن سر بزنم» این بهترین مُبلغ برای گردشگری است.

برخی بهانه می‌آورند و می‌گویند اگر بخواهیم گردشگری فعال شود باید نسبت به یکسری اصول و مبانی تجدیدنظر کنیم، این حرف نادرستی است. با حفظ اصول امروز جاذبه‌ها در ایران اسلامی به میزانی است که بسیاری از گردشگران را به خود جذب می‌کند.

لازم است، نسبت به انجام کارهای ستادی و اجرایی برای تسهیل گردشگری، وزارتخانه، دستگاه‌ها و سازمان‌ها اقدام کنند. بسیار اهمیت دارد که با گردشگر چگونه برخورد شود و گردشگر احساس آرامش کند و احساس کند به اهداف خود رسیده و توانسته از فرصتی که داشت به خوبی استفاده کند.

گردشگر خارجی می‌تواند این تصویر نادرستی که برخی، از ایران اسلامی در رسانه‌ها ساختند، تصحیح کند. می‌تواند القا تصاویر نادرست را به دیدن تصاویر صحیح و خبرهای دقیق تبدیل کند. چون دشمن به دنبال این است که از فرصت‌ها

و ظرفیت‌های بسیاری که امروز در ایران است، یک تصویر نادرست القا کند. یک آقایی از سفرای کشورهای مختلفی که در ایران دفتر نمایندگی دارد، روز ۲۲ بهمن که برای تبریک آمده بود، به من گفت که «مأموریت من در ایران تمام شده است و ظرف یکی دو روز آینده برای رفتن به کشور خودم عازم هستم. من تا دیروز سفیر کشور خودم بودم و از امروز سفیر جمهوری اسلامی ایران در تمام دنیا خواهم بود. من به تمام دنیا خواهم گفت که آنچه از ایران القا کردند، نادرست بوده است. ایران اسلامی آن چیزی نیست که برخی تصور کردند. من چند سال در ایران بودم و با ایرانیان زندگی کردم و آنها را می‌شناسم. من دیگر از این به بعد سفیر شما خواهم بود.» این نگاه درست است.

یعنی گردشگری می‌تواند این آثار را داشته باشد که القائات دشمن را نقش بر آب کند و بتواند تصویر درستی از ایران مخابره کند

معلوم می‌شود که کرونا یک مانع جدی بوده است؛ ولی نه فقط برای ما، برای همه کشورها. دوستان از فرصت از بین رفتن کرونا استفاده کرده و فضا را برای حضور گردشگران آماده کردند. با پیگیری‌های وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی مشوق‌هایی برای بخش‌های گردشگری در نظر گرفتند که برای این امر، ۲۰ مصوبه در هیأت دولت وجود دارد. من با قرار دادن مشوق‌های بیشتر در این رابطه موافق هستم.

ما هم میراث فرهنگی، هم گردشگری و هم صنایع دستی داریم. فعال شدن گردشگری هم بر میراث فرهنگی تأثیرگذار است و هم بر صنایع دستی. صنایع دستی یکی از آن کارهای ارزشمندی است که امروز به دست توانای زنان و مردان انجام می‌شود. خلق صنایع دستی به دست توانا و هنرمند آنها است. آثار بسیار زیبایی برای زندگی مردم که می‌تواند بازار خیلی خوبی پیدا کند.

میراث کهن ما، میراث فرهنگی ما باید حفظ شود. اگر درست نگهداری شود و مورد استفاده قرار نگیرد، میرایی پیدا می‌کند. بزرگان میراث فرهنگی می‌گویند اگر شما در یک مرکز مربوط به هزار سال قبل را بستید، این دچار میرایی می‌شود. زنده بودن میراث فرهنگی در این است که خوب نگهداری شود و مورد استفاده قرار بگیرد.

زنده بودن میراث فرهنگی ما در این است که گردشگری فعال شود بنابراین

میراث فرهنگی و صنایع دستی ملزم به فعال شدن حوزه گردشگری است. امروز جمهوری اسلامی ایران در حوزه پزشکی حرف اول را در منطقه می زند؛ در دنیا جزو کشورهایی هستیم که در زمینه محصولات و تجهیزات پزشکی حرفی برای گفتن دارد.

امروز در ایران شرکت‌های تولید دارو و دانش بنیان فعال هستند و نیروهای کارآموده متخصص در دانشگاه‌های ما تربیت شده‌اند امروز دستان توانمند آنها می‌تواند سلامت را به افراد بیمار برگرداند.

امروز بیشتر کشورهای منطقه ترجیح می‌دهند به جای این که برای معالجه به اروپا بروند به ایران بیایند.

امروز بیشتر کشورهای منطقه ترجیح می‌دهند به جای این که برای معالجه به اروپا بروند به ایران بیایند چرا که احساس آنها این است که کار درمان در ایران ارزان تر، سهل تر و موثر تر است.

جمهوری اسلامی ایران برای دانش پژوهان، دانشمندان و کسانی که به دنبال نوآوری و کارهای فناورانه‌اند محل مناسبی است. علاوه بر تهران در مراکز استانها پارک‌های علم و فناوری فعال هستند. بنابراین یکی از حوزه‌هایی که می‌تواند حوزه گردشگری را فعال کند پارک‌های علم و فناوری است.

برای بعضی از مسوولان کشورهایی که به ایران سفر می‌کنند، برنامه بازدید از پارک علم و فناوری داریم که برای آنها این بازدید بسیار دلنشین بوده است چرا که پیشرفت‌های جمهوری اسلامی در این بازدیدها به نمایش گذاشته می‌شود و این خود یکی از راه‌های فعال کردن حوزه گردشگری فناورانه است.

از استانداران می‌خواهم که برای سرمایه‌گذاری در حوزه گردشگری فعال تر عمل کنند. چرا که همه استان‌های ما زمینه گردشگری دارند، از همه استانداران، وزیران و سازمان‌ها می‌خواهم به حوزه گردشگری به عنوان حوزه اقتصاد پیشران و شتاب دهنده همچون دیگر حوزه‌های اقتصادی اهمیت بدهند.

مرقد نورانی حضرت رضا (ع) و امام زادگان موضوع سفر خیلی‌ها به ایران است و بنابراین مساله گردشگری زیارت بسیار اهمیت دارد.

این رویکرد نشان می‌دهد که گردشگری زیارت از مواردی است که به رغم اینکه فعال است ولی باید بیش از گذشته مورد توجه قرار گیرد.

باید این رویه به نحوی انجام شود تا وزارتخانه مربوطه، استناداران و همه فعالان در حوزه گردشگری تلاش کنند تا سرمایه گذاران احساس کنند سرمایه و سودش تضمین شده است و این سرمایه گذاری برای او سودآور است.

هرچند سرمایه گذار برای بازگشت اصل سرمایه و سود آن نگرانی دارد ولی جاذبه‌های سرمایه گذاری در جمهوری اسلامی به نحوی است که همواره گردشگری به مانند امسال و سال‌های گذشته رشد داشته و بیش از این هم زمینه برای رشد آن وجود دارد.

در این حوزه باید به نحوی عمل شود که گردشگر از مبدا یعنی جایی که عازم سفر می‌شود تا مقصد یعنی جایی که باید به آن برگردد، احساس کند سفر پرباری را تجربه کرده است.

گردشگر باید احساس کند سفر وی سبب نقش آفرینی در زندگی او شده و برنامه ریزی فقط تا فرودگاه نیست بلکه برنامه ریزی برای او باید از مبدا تا مقصد و بالعکس انجام شود تا این سفر برای گردشگر بسیار دلنشین، خاطره انگیز، عبرت آموز و برخوردار از دستاورد شود.

امیدوارم این نشست برای همفکری و هم اندیشی فعالان حوزه گردشگری جلسه مبارکی باشد و در جلسات کارشناسی نظرات و دیدگاه‌ها را مطرح کنید و حتما توسط مسوولان مربوط به ویژه استناداران مورد پیگیری قرار گیرد.

موضوع گردشگری باید در همه ابعاد مورد توجه قرار گیرد تا گردشگران آثار فرهنگی کشور و انقلاب اسلامی، مردم خوب و مهمان دوست ایران، فرهنگ غنی، تمدن کهن و داشته‌های بسیار علمی و فناوری کشور و پیشرفت‌های بسیاری که به رغم همه تهدیدها و تحریم‌ها داشته است را ببینند.

این مقامات در بازدید از پارک‌های علم و فناوری کشور، رسماً شگفتی خود را اعلام کردند که چگونه توانستید به رغم همه این تهدیدها و تحریم‌ها این میزان پیشرفت کنید.

برای این پیشرفت‌ها باید شکرگذار خداوند متعال بود و به رغم اینکه فعالیت همه فعالان حوزه گردشگری را ارج می‌نهیم و زحمات آنها محفوظ است، اما باید در این باره طرح نوعی برانداخت و گامی بلندتر از گام‌های گذشته برداشت و باید کار جهشی در این حوزه انجام شود.

حضور رئیس‌جمهور در ستاد مرکزی هماهنگی خدمات سفر



معاونت گردشگری، ۱۴۰۳/۰۱/۰۴

بسم الله الرحمن الرحيم

مسئله آماده بودن زیرساخت‌های سفر امن، آرام، ارزان و دلنشین از مبدا تا مبدا، بر چند محور مهم از جمله هماهنگی بین دستگاه‌های عضو ستاد مرکزی خدمات سفر، زمان‌شناسی و اقدام به موقع دستگاه‌های عضو، نظارت مستمر بر همه ارکان سفر به خصوص اسکان، بهداشت و تغذیه مسافران، اهتمام جدی همه دستگاه‌ها برای کاهش قابل ملاحظه تصادفات و سوانح جاده‌ای، تقویت و توسعه ناوگان حمل و نقل و استفاده از ظرفیت مردمی برای توسعه گردشگری ضروری است.

زمان‌شناسی از جمله تدابیر ضروری برای همه دستگاه‌ها در راستای ارتقای کیفیت عملکرد است، از تلاش‌های وزارت راه و شهرسازی برای رفع مشکلات ۷۲۵ نقطه حادثه‌خیز تا پیش از فرارسیدن تعطیلات نوروزی امسال به عنوان اقدامی در جهت ارتقای امنیت تردد در جاده‌ها و سفرها تقدیر می‌کنم.

پیش‌بینی‌های صورت گرفته درباره بارش‌های روزهای اخیر به عنوان اقدامی به هنگام که بستر اتخاذ اقدامات پیشگیرانه مناسب و جلوگیری از وقوع حادثه و تلفات در نتیجه این بارش‌ها شد، بسیار عالی است

تقویت ناوگان حمل و نقل هوایی، دریایی و به ویژه زمینی، به افزایش تعداد گردشگران داخلی و خارجی اهمیت دارد. تقویت نظارت بر اماکن اقامتی و شرایط اسکان، بهداشت و تغذیه مسافران از اقدامات ضروری برای بهبود زیرساخت‌های سفر در کشور است.

گزارش‌های ارائه شده درباره کاهش ۳۰ تا ۴۵ درصدی حوادث جاده‌ای در روزهای سپری شده از تعطیلات خوشحال کننده است و آمار موجود تصادفات و سوانح جاده‌ای جای تاسف دارد و استمرار نظارت جدی‌تر و برخورد موثرتر با تخلفات راهنمایی و رانندگی و ارتقا بیش از پیش شرایط ایمنی ضرورت دارد.